



اگر قرآن در جامعه رواج پیدا کند، رونق پیدا کند، حفظ قرآن رایج بشود، جامعه برای عمل به قرآن نزدیک می‌شود؛ با قرآن باید مأنوس شد، اولین بهره را دل آماده و مستعد انسان می‌برد؛ اگر دیدید معارف قرآنی را به آسانی قبول می‌کنید و در دل می‌پذیرید، بدانید که خدای متعال اراده کرده است شما را هدایت کند.

گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

# بیت‌های گنجینه

ویژه نامه بزرگداشت استاد حسین انصاریان • سال یازدهم • فروردین ماه ۹۶ • شماره ۱۲۸

مدیر مسئول:

حمید صابر فرزام

سر دبیر:

حمید رضایونسی

دبیر تحریریه:

آزاده حاجی غلامی

مدیر اجرایی:

محمد حاتمی

ویراستار:

مینا حدیری

مدیر هنری:

علیرضا عبادی

عکس:

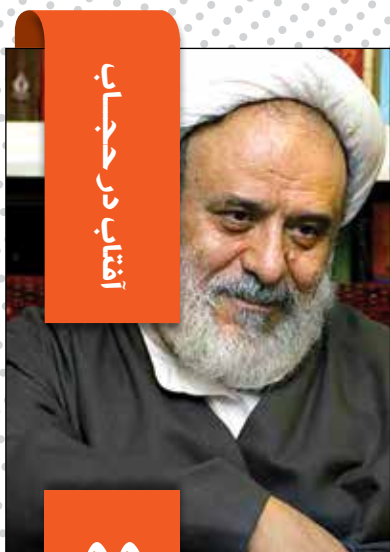
حسن آقا محمدی

سید محمد منمازی

همکاران این شماره: میثم قهوه چیان، امیر سجاد دبیریان،  
سمیه قربانی، علی آتش زر، سیرانوش موسوی، نجمه شمس  
اسفندآبادی

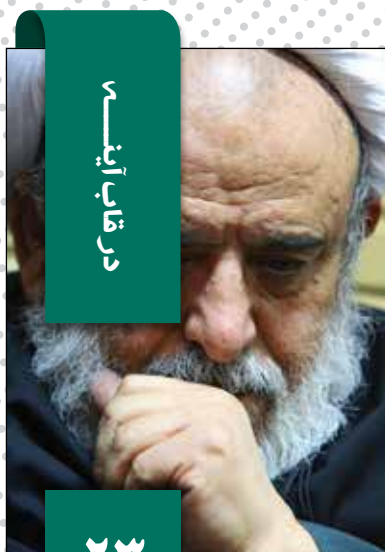


۶۲



آفتاب در حجاب

۵۵



در قلاب اینکس

۲۳



واژه‌های ناب

۶





۳۷



۱۲



۶۱



مجموعه آوران

۱۱۷



درس گفتارها

۹۵





● آشنایی با آیت الله

● حاج شیخ علی اکبر برهان  
و شروع به تحصیل

● شروع تحصیل دروس  
حوزوی همزمان با تحصیل  
در دبیرستان برهان



● تولد در شهر عالم پرور  
خوانسار در خانواده اصیل  
وروحانی

● هجرت از خوانسار  
به تهران

۱۳۳۷

۱۳۳۹

۱۳۳۵

۱۳۳۳



● ساماندهی اعتصابات  
بر علیه حکومت پهلوی

● نماینده حضرت امام  
در ساماندهی امور ارتش  
در جنوب کشور  
تأسیس مؤسسه اسلامی و  
موقوفه هدایت در تهران

● آغاز فعالیت های تألیفی  
با تألیف اولین کتاب به نام  
بسوی قرآن و اسلام



● دستگیری های متعدد  
توسط ساواک

۱۳۵۸

۱۳۵۶

۱۳۵۰

۱۳۴۹



● تدریس دوره کامل  
ادبیات عرب  
ومهارت های ترجمه  
در تهران

● شروع ترجمه کتاب  
نهج البلاغه

● سخنرانی و تبلیغ در  
اروپا و حضور در  
دانشگاه های لندن



● آغاز تألیف شرح و  
تفسیر صحیفه سجاده

۱۳۷۵

۱۳۷۳

۱۳۷۲

۱۳۷۱

● ریاست علمی کنگره علمی  
حماسه حسینی و احیاء  
آثار عاشورایی  
آیت الله حاج میرزا خلیل کمره ای  
و دکتر محمد ابراهیم آیتی  
در قم و تهران

● بازگشت به حوزه علمی  
قم و تدریس شرح  
نهج البلاغه  
و تفسیر قرآن کریم  
«سوره حمد»  
● تدریس فلسفه در حوزه  
علمیه قم

● شروع تفسیر کامل  
قرآن حکیم به پیشنهاد  
حضرت آیت الله العظمی  
فاضل لنکرانی تحت عنوان  
تفسیر حکیم

● تأسیس واحد تخصصی  
صحیفه سجاده  
و کتابخانه امام سجاده  
علیه السلام در قم

۱۳۸۸

۱۳۸۵

۱۳۸۴

۱۳۸۳



● آغاز فعالیت‌های تبلیغی  
و سخنرانی

۱۳۴۸

● شروع تدریس ادبیات  
و لمعه در حوزه علمیه قم

۱۳۴۵

● حضور در درس خارج  
حضرات آیات عظام:  
حاج شیخ هاشم آملی،  
حاج شیخ ابوالفضل  
خوانساری،  
حاج سید محمد محقق داماد  
● آغاز فعالیت‌های  
سیاسی و مبارزات انقلابی

۱۳۴۳



● ورود به حوزه علمیه قم  
و تحصیل دروس  
حوزوی

۱۳۳۹



● اولین سفر تبلیغی خارج  
کشور «آلمان»

۱۳۶۶

● آغاز تألیف عرفان  
اسلامی،  
شرح مصباح الشریعه  
و مفتاح الحقیقه  
شروع جلسات مباحث  
عرفان نظری

۱۳۶۲

● تدریس تفسیر  
موضوعی قرآن در تهران  
«چهره‌های محبوب  
و منفور در قرآن کریم»

۱۳۶۰

● تشکیل دایره مبارزه با  
منکرات کل کشور  
و ریاست آن به مدت یکسال  
● شروع حضور در  
جبهه‌های جنگ تا پایان  
جنگ تحمیلی

۱۳۵۹

● تأسیس مرکز  
پاسخگویی  
به سؤالات دینی  
و اعتقادی در قم

۱۳۸۱

● ریاست علمی  
کنگره جلوه‌های اوصاف  
امیرالمؤمنین علیه السلام  
در تهران

۱۳۸۰

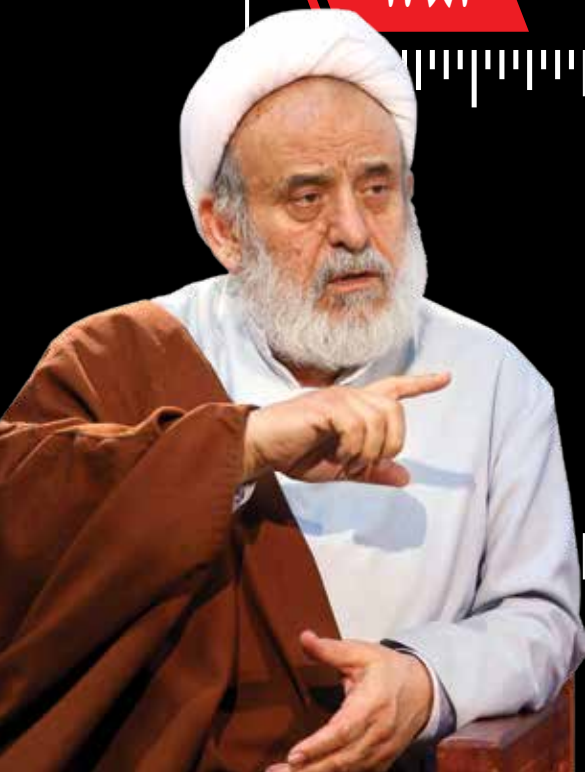
● شروع مباحث  
تفسیر تخصصی در تهران  
تأسیس مؤسسه فرهنگی  
و علمی تحقیقاتی  
دارالعرفان  
● آغاز ترجمه قرآن کریم

۱۳۷۸



● شروع ترجمه کتاب  
مفاتیح الجنان

۱۳۷۷



● شروع ترجمه  
کتاب ارزشمند اصول کافی

۱۳۹۲

● حضور و سخنرانی  
در کنگره تخصصی  
امام علی علیه السلام  
در آلمان

۱۳۹۰

● آغاز مجدد سفرهای  
علمی و تبلیغی بین‌المللی  
همایش بین‌المللی  
حضرت امام صادق علیه السلام  
در قونیه ترکیه

۱۳۸۹



# سخن نخست

## مردان خدا پرده پندار در بیدند

### یعنی همه جا غیر خدا هیچ ندیدند

مترجمی توانمند، مفسری ارجمند، خطیبی توانا و نام‌آشنا، ادیبی بنام و عارفی بزرگ متولد شهر عالم‌پرور خوانسار؛ مردی که در عین دلسوزی و تلاش برای دستگیری بندگان خدا و راهنمایی و هدایت آنان، توانسته است بر مخاطبان داخل و خارج از کشور اثر بگذارد و با کلام نافذ و بیان سلیس و شیوایی که دارد، بیش از نیم قرن رهنمای مردم باشد.

حضرت استاد حسین انصاریان، قرآن‌پژوه و مفسری توانمند و محقق‌ی خستگی‌ناپذیر هستند که با پشتوانه علمی خود در عرصه تبلیغ معارف دین بسیار اثرگذار بوده‌اند که بیش از ۱۵ هزار سخنرانی در قالب بیش از هشتصد موضوع بی‌تکرار از آثار زحمات ایشان در عرصه تبلیغ است.

او علاوه بر خدمت‌رسانی در عرصه دین و قرآن، دلسوز امام(ره) و انقلاب بوده و در پشتیبانی و حمایت از نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز گام‌های مؤثری برداشته‌اند. تلاش برای ترویج معارف قرآنی و برپایی مجالس معنوی مناجات و توسل به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام در داخل و خارج از مرزهای ایران، و در جبهه نبرد با نیروهای بعثی در دوران دفاع مقدس و همچنین روستاهای محروم از جمله اقدامات دلسوزانه ایشان به شمار می‌آید.

استاد انصاریان که در محضر استادانی؛ چون آیات عظام میرزا هاشم آملی، حاج شیخ ابوالفضل خوانساری، سیدمحمد محقق داماد، فاضل لنکرانی و نیز آیات حاج شیخ علی‌اکبر برهان، میرزا علی فلسفی، مهدی الهی قمشه‌ای، حاج سیدحسین فاطمی، حاج شیخ مصطفی اعتمادی، حاج شیخ عباس طهرانی و دیگر اساتید، زانوی ادب بر زمین نهاده است و به تلمذ دروس دینی پرداخته، اکنون از آنچه توشه برداشته در راستای هدایت عامه مردم بهره می‌گیرد.

تاکنون بیش از ۱۳۰ جلد کتاب از این عالم در موضوعات مختلف دینی به رشته تحریر درآمده که حدود ۳۰ عنوان از این میان به زبان‌های بین‌المللی ترجمه

شده است.

تفسیر متفاوت «حکیم» که تاکنون تا جزء ۲۲ قرآن در ۳۵ جلد دست‌نویس به رشته تحریر درآمده و ۱۲ جلد دست‌نویس در قالب ۴ جلد منتشر شده است و تفسیر سوره «حمد» از دیگر آثار منحصر به فردی است که از این استاد توانمند در حوزه آثار قرآنی به رشته تحریر درآمده است.

همچنین استاد انصاریان در حوزه ترجمه نیز دارای توفیقات ارزشمندی بوده‌اند و آثاری؛ چون ترجمه قرآن کریم، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه، مفاتیح‌الجنان، اصول کافی را از خود به یادگار گذاشته‌اند که مترجم بنام و منتقد ترجمه‌های قرآن استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، پیرامون ترجمه قرآن استاد حسین انصاریان عنوان کرده‌اند؛ «این ترجمه، ترجمه‌ای موفق و مفهومی و دارای کمترین میزان لغزش و سهو علمی و از بهترین ترجمه‌های عصر جدید است.»

از زوایای ناشناخته این شخصیت ارزشمند باید به تدریس تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه در مدرسه فیضیه حوزه علمیه قم اشاره کرد که بر کرسی تدریس نیز استادی زبردست و محقق‌ی متتبع به شمار می‌رود.

استاد انصاریان نه تنها در حوزه علوم دینی و قرآنی به فعالیت مشغول بوده و هستند، بلکه در عرصه دفاع مقدس نیز حضوری چشمگیر و بارز داشته‌اند و تجربیات فراوانی را از آن دوران با خود به همراه دارد که قطعاً راهگشای ایشان در روزهای پس از این دوره طلایی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

علت نام‌گذاری این شماره از مجله با عنوان «آشنای ناآشنا» به جهت نام‌آشنا بودن حضرت استاد انصاریان در زمینه تبلیغ و ناآشنا بودن و عدم اطلاع برخی نسبت به فعالیت‌های مختلف علمی ایشان از جمله تألیفات در موضوعات متنوع علوم اسلامی و از جمله ترجمه و تفسیر قرآن کریم و تحقیق و تدریس در حوزه علمیه است.

در همین راستا خبرگزاری بین‌المللی قرآن(ایکنا) درصدد برآمده است تا با انتشار این شماره از ویژه‌نامه رایحه، علاوه بر تجلیل از این استاد فرهیخته و قرآن‌پژوه ارجمند و خطیب گرانقدر و استاد فرزانه در علوم حوزوی، در راستای رفع مهجوریت از ساحت قرآن کریم و چهره‌های قرآنی، اقدام کند.

آشنای ناآشنا

واژه‌های ناب

زندگی نامه  
استاد انصاریان





زندگی نامه استاد مفسرین انصاریان

# در مسیر سرنوشت

قرن هاست که شهرستان خوانسار چهره‌های بزرگ علمی، ادبی، هنری و بس ماندگار را به جامعه بشری تحویل داده است. شخصیت‌های عالم و ملکوتی؛ مانند آیت‌الله العظمی آقا حسین خوانساری (رحمة الله علیه)، آیت‌الله العظمی آقا جمال خوانساری (رحمة الله علیه)، آیت‌الله العظمی سید محمد تقی خوانساری (رحمة الله علیه)، آیت‌الله العظمی سید احمد خوانساری (رحمة الله علیه) و هزاران عالم دیگر که همگی برخاسته از این منطقه ایران اسلامی هستند.

استاد خاطره‌ای در این مورد از سن ۳ سالگی بیان می‌کنند: «روزی آیت‌الله العظمی محمد تقی خوانساری (ره) به منزل جد ما آمده بود. من در سنین کودکی، در اتاق را باز کردم و مستقیم به طرف آیت‌الله خوانساری رفتم و در آغوش او نشستم. پدر بزرگم جلو آمد که من را به اندرون ببرد. آیت‌الله خوانساری جلوی او را گرفت و مرا نوازش کرد و از من پرسید که می‌خواهی در آینده چه کاره شوی؟ جواب دادم: می‌خواهم مثل شما بشوم. ایشان در حق من دعا کرد. هر گاه آن خاطره از ذهنم می‌گذرد و یاد آن چهره ملکوتی و دعای آن بزرگوار می‌افتم، یکی از شیرین‌ترین خاطرات

ایشان ده‌ها اثر علمی از خود بجا گذاشت که «منیة الطالب» یا «الحاشیة علی المکاسب» که تقریرات درس مرحوم آیت‌الله نائینی است از آثار علمی آن بزرگوار به شمار می‌آید. قاطبه علما در شهر نجف به مرجعیت آن مرحوم - بعد از آیت‌الله العظمی اصفهانی - اعتقاد داشتند، اما عمر او کفاف نداد و قبل از مرحوم «سید» از دار دنیا رفت. خانواده مادری استاد از سادات مصطفوی آن شهر هستند که جد مادری ایشان از چهره‌های شناخته شده و امین آن شهر بوده و بارها اتفاق می‌افتاد که علمای زیادی که از نجف و قم به خوانسار می‌آمدند به منزل او وارد می‌شدند.

دانشمند معظم، استاد حسین انصاریان در ۱۸ آبان‌ماه سال ۱۳۲۳ در این شهر عالم‌پرور متولد شد؛ پدرش از خاندان حاج شیخ بود. این خاندان از خانواده‌های شناخته شده و خدمتگزار به دین بوده‌اند و عالمانی در این خاندان بزرگ به چشم می‌خورند. مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ موسی انصاریان خوانساری (ره) که شخصیت علمی و دینی او بر اهل فن پوشیده نیست نیز از همین خانواده بود. حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرمودند: «بهترین کتاب الصلاة در فقه شیعه، کتاب مرحوم آیت‌الله انصاریان است.»



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا

برخی از اساتید استاد

## آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی

آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی متولد ۱۳۰۹ در تهران، طی سال ۱۳۳۹ به ایران مراجعت کرد تا از درس حاج شیخ عبدالکریم حائری استفاده کند.



او در مدرسه حجتیه قم جلسه درس اخلاق، عقاید و دعای ندبه داشت. او در سال ۱۳۸۵ ق از دنیا رفت و در حرم حضرت معصومه (س) نزدیک قبر مرحوم آیت‌الله العظمی حائری به خاک سپرده شد.

## آیت‌الله علی اکبر برهان

آیت‌الله برهان در سال ۱۲۸۴ در تهران متولد شد. او از فقهای شیعه است که در سال ۱۳۲۰ با این نیست که تاسیس مدرسه و تربیت طلاب برای ایران ضروری است، مدرسه لرزاده را در تهران تاسیس کرد. از شاگردان



او می‌توان به اساتیدی؛ چون حسین انصاریان، عباسعلی عمید زنجانی و محمد رضا مهدوی کنی اشاره کرد. او در سال ۱۳۴۰ راهی سفر حج شد و در مکه درگذشت.

۱۳۳۸ زمانی که من ۱۴ سال بیشتر نداشتم در سفر حج در حریم امن پروردگار از دنیا رفت و پیکر پاک او در شهر جده نزدیک به مدفن حضرت حوا دفن شد.»

دیدن چهره ملکوتی آن معلم اخلاق و منش و روش زندگانی ایشان در استاد، اثر عمیقی داشت، به نحوی که استاد جای خالی آن معلم الهی را تا هم اکنون نیز در وجود خود حس می کند.

استاد انصاریان از کودکی با چهره های الهی مأنوس بود. شخصیت هایی مانند مرحوم آیت الله سید محمد تقی غضنفری (ره) امام جماعت مسجد «دوره خوانسار» - محله پدری استاد در شهر خوانسار - که باز هم خاطره ای از آن مرحوم از زبان استاد بیانگر این انس و الفت روحانی و معنوی معظم له با بزرگان و فرزندان است: «سال اولی که به سلک محصلان دینیّه در آمده بودم و خبر آن به مرحوم غضنفری رسید، در منزل خود به مناسبت طلبگی من مهمانی خاطره انگیزی را ترتیب داد و در آن مهمانی از بستگان پدری و عده ای از اهالی محل دعوت کرد. این مهمانی از آن عالم وارسته آن هم به مناسبت اینکه من قدم در وادی علم گذاشته بودم، آن هم در سنین جوانی، اثر تشویقی بسزایی



واژه های ناب

«لرزاده» را عهده دار بود. آن عالم آگاه مسجد را به نحوی اداره می کرد که خردسال و جوان و پیر مجذوب آن کانون الهی بودند. همچنین آن مرحوم مدرسه ای را در آن منطقه بنا گذاشت که شاگردان از کلاس اول تحت تربیت مستقیم او قرار گرفته بودند. استاد انصاریان یکی از خاطرات خود را در مورد مرحوم برهان چنین بیان می کند: «بارها از آن مرحوم در منبر و کلاس شنیده بودم که علاقه ای نداشت در تهران بمیرد و در این شهر دفن شود و این مسئله به عنوان داعی در آمده بود که با اشک چشم در لیلی احواء به محضر پروردگار عرضه می کرد. عاقبت آن بزرگوار در سال

عمرم در ذهنم تداعی می شود.» استاد انصاریان در سومین بهار زندگی بود که دست تقدیر، خانواده او را به تهران منتقل کرد و در یکی از محله های مذهبی آن شهر - میدان خراسان - سکونت کردند. محور علمی آن منطقه در آن زمان مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اکبر برهان (ره) بود. استاد در همان اوان کودکی از محضر پرفیض آن استاد الهی بهره مند شد. معظم له بارها به این نکته اذعان می کند: «تاکنون مانند و همتهای او را در میان چهره های روحانی ندیده ام.» آیت الله برهان که عالمی تحصیل کرده و مجتهدی وارسته بود، در آن روزها امامت جماعت مسجد

## آیت الله مصطفی اعتمادی فواجوی تبریزی

او متولد سال ۱۳۰۴ بود که پس از گذراندن دروس فارسی، ادبیات عرب و منطق در زادگاهش نزد حاج میرزا علی خواجه ای، سطوح عالی را طی کرد و «کفایه» را از آیت الله نجفی مرعشی آموخت و سپس درس خارج فقه را نزد آیت الله کوه کمره ای و اصول را نزد آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی گذراند و سرانجام در ۲۰ اسفند ۱۳۹۴ به دیار باقی شتافت.



## آیت الله سید محمد محقق داماد

او در ۲ ذی حجه ۱۳۸۸ قمری در اردکان متولد شد و از فقیهان نامدار شیعه در سده چهاردهم قمری است. شهید مرتضی مطهری، آیت الله سید محمد حسینی بهشتی، آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت الله مصطفی خمینی و امام موسی صدر از شاگردان او هستند؛ «حواشی بر العروة الوثقی» از جمله آثار او به شمار می آید.







هم به خاطر تشویق من بوده است.»  
یکی دیگر از آن چهره‌ها آیت‌الله حاج سید محمد علی ابن‌الرضا خوانساری (دامت بر کاته) است که استاد از کودکی به مناسبت نسبت فامیلی با ایشان حشر و نشر داشته‌اند. استاد در خصوص ارتباط با این عالم متخلق چنین می‌فرماید: «ز همان ایام کودکی یک نکته اساسی و زیبا از ابن‌الرضا (دامت بر کاته) - که دارای موقعیت علمی و شخصیت اجتماعی ممتاز و صفای باطن هستند - در ذهنم نقش بسته بود که در هر شب جمعه بعد از نماز عشاء، زیارت حضرت ابعادالله‌الحسین (ع) و زیارت وارث را ایستاده و با شور و حال برای عموم مردم قرائت می‌کردند که ارتباط این عالم بزرگوار به این کیفیت با حضرت سیدالشهدا (ع) اثرات مثبتی در روحیه من داشت.»  
از جمله افرادی که استاد با آنها ارتباط داشته‌اند می‌توان از مرحوم الهی قمشهای (ره) نام برد که استاد در جلسه اخلاق آن مرحوم استفاده‌ها برده‌اند. مجموعه این عوامل - عامل خانواده و مرتبی اخلاق - باعث شد که استاد پس از تکمیل دروس دبیرستانی، راه طلبگی را در پیش بگیرد و پس از مشورت با مرحوم الهی قمشهای (ره) دروس طلبگی را آغاز کند.

تحصیلات استاد در دو حوزه علمیه تهران و قم بوده است. در تهران ادبیات را آغاز می‌کنند و پس از اتمام ادبیات به محضر عالم ربانی حضرت آیت‌الله میرزا علی فلسفی (دامت بر کاته) - که آن روزگار بعد از مرحوم برهان در مسجد لوزاده اقامه جماعت داشته‌اند - می‌رسد و از ایشان تقاضای کند کتاب «معالم‌الاصول» را به صورت خصوصی برای ایشان تدریس فرماید. آن عالم کم‌نظیر - که جزء معدود کسانی هستند که مرحوم آیت‌الله العظمی خوئی (رحمة‌الله علیه) کتابا به اجتهاد او تصریح داشته - تقاضای استاد را می‌پذیرد و پس از اتمام «لمعتین» و معالم از محضر آیت‌الله فلسفی کسب اجازه می‌کند تا به حوزه علمیه قم مهاجرت کند. آیت‌الله فلسفی

«سال اولی بود که ملبس به لباس روحانیت شده بودم و برای دیدن جد مادری مرحوم سید محمد باقر مصطفوی (ره) و جد هام و اقوام به خوانسار رفته بودم. یکی از آشنایان مرا در خیابان دید و گفت: حاضری ۱۰ شب در مسجد آقا سیدالله منبر بروی؟ گفتم: حاضر. روز اولی که به مسجد رفتم دیدم آن عالم بزرگوار - مرحوم آیت‌الله علوی - در جمع مستمعان نشسته است. تعجب کردم که آن عالم و مجتهد بزرگوار به چه مناسبت پای منبر جوان نوپایی چون من آمده بود، پیش خود گفتم: شاید با بانی مجلس رابطه‌ای دارد، اما با کمال تعجب دیدم تمام این ۱۰ روز در مجلس شرکت کرد و شرکت او

در من داشت. مرحوم غضنفری عالمی وارسته و ساده‌زیست بود و سال‌ها در شهر خوانسار در زمان طاغوت نماز جمعه را اقامه می‌کرد.»  
یکی دیگر از آن چهره‌های ملکوتی، مرحوم آیت‌الله سیدحسین علوی خوانساری (ره) بود. مرحوم علوی از مجتهدان سرشناس خوانسار بود و در محله بالای خوانسار - محله مادری استاد - اقامه جماعت و تدریس داشت و صدها محصل علوم دینی از محضر او استفاده‌ها بردند. ایشان در حالی از نجف اشرف به خوانسار آمده بودند که استادان آن بزرگوار اجتهاد ایشان را مکتوباً تصریح کرده بودند. خاطره دیگری از استاد در این باره به این شرح است:

برخی از اساتید استاد

آیت‌الله نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی

این عالم در سال ۱۳۰۲ در اصفهان متولد شد؛ او مجتهد، فقیه برجسته شیعه، پژوهشگری متبحر و نویسنده‌ای صاحب‌سبک در علوم اسلامی بود که اثرگذاری شگرفی در روش پژوهش‌های اسلامی حوزه‌های دینی از خود بر جای نهاد و از او می‌توان به عنوان پیشگام در امر روشنفکری درون دینی معاصر یاد کرد؛ این عالم در روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفت.



آیت‌الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی

میرزا هاشم آملی در ۱۲۷۸ متولد شد. او از روحانیون شیعه بود و پس از دریافت اجازه اجتهاد از آیت‌الله العظمی حائری یزدی و آیت‌الله کوه‌کمری، به حوزه نجف مهاجرت کرد. از آثار او می‌توان به الطهارة، الصلوة، مناسک حج، توضیح المسائل، تقریرات درس اصول مرحوم محقق عراقی، الرهن والاجارة، البيع ورسالة فی النية اشاره کرد. او در ۱۳۷۱ دار فانی را وداع گفت.



استاد را تشویق کرده و ایشان را با مهربانی در آغوش می‌گیرد و زمانی که استاد تقاضای نصیحتی می‌کنند که ره‌توشه راه او باشد، آیت‌الله فلسفی حدیثی را از پیامبر (ص) به عنوان هدیه و زاد به او می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ لِلَّهِ لَهُ». استاد انصاریان می‌گویند که «از آن روز تا به حال سعی کردم با خدا باشم و دیدم خدا هم در همه مراحل زندگی با من بود. آری، هر کس که با او باشد، خدا نیز با او خواهد بود.»

استاد در حوزه علمیه قم نیز مانند تهران سعی می‌کنند با چهره‌های الهی مأنوس باشند؛ لذا به محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی (ره) می‌رسد و از محضر پربرکت او بهره‌ها می‌برد. همچنین در جلسات اخلاقی مرحوم حاج آقا حسین فاطمی (رحمة‌الله علیه) شرکت می‌کند و در این زمینه می‌گوید: «غالب سخنرانی‌های اخلاقی آیت‌الله فاطمی همراه با اشک چشم و شور و حال از جانب خود آن مرحوم و شاگردان بود.» سرانجام استاد انصاریان به دست مبارک مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباس طهرانی (ره) ملبس به لباس روحانیت می‌شوند و تحصیلات خود را ادامه می‌دهند؛ به این شرح که «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» را نزد علمای گراندی؛ مانند آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی و آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی فرامی‌گیرند.

پس از اتمام سطوح عالی‌ه‌وار در حله استنباطی فقه و اصول -درس خارج- می‌شوند. در این قسمت هم از محضر فقهای عظام مرحوم آیت‌الله سیدمحمد محقق داماد (رحمة‌الله علیه)، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری (رحمة‌الله علیه) و بویژه سالیانی از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی (رحمة‌الله علیه) استفاده‌ها می‌کنند که حاصل این برهه‌ها ایام تحصیلی استاد، تقریرات گرنامه‌ی فقه و اصول درس مرحوم آیت‌الله حاج میرزا هاشم آملی (رحمة‌الله علیه) است که



ایشان به رشته تحریر در آورده‌اند و مباحث حکمت راز حضور آیت‌الله گیلانی، معانی و بیان و بدیع راز محضر حجت‌الاسلام والمسلمین جوادی در تهران استفاده کرده‌اند. یادآور می‌شود که در پس این تلاش چشمگیر، معظم‌له از بزرگان آیات و مراجع تقلید؛ مانند مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی (رحمة‌الله علیه)، آیت‌الله العظمی آخوند همدانی (رحمة‌الله علیه)، آیت‌الله کمره‌ای (رحمة‌الله علیه)، آیت‌الله العظمی گلپایگانی (رحمة‌الله علیه)، آیت‌الله العظمی حاج سیداحمد خوانساری (رحمة‌الله علیه)، آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (رحمة‌الله علیه) و امام خمینی (رحمة‌الله

علیه) صاحب‌اجازات علمیه و روایتی هستند. استاد بعد از تحصیل علوم دینی و اتمام مدارج عالی‌ه‌جوزوی و استفاده از محضر بزرگان و اساتید حوزه علمیه برای رسیدن به هدف اصلی خود -مهمترین مسئله برای یک محصل علوم دینی- که همان تحقیق و تألیف و تبلیغ علوم اسلامی است، به سختی از حوزه علمیه قم به تهران مراجعت می‌کنند و تاکنون بیش از سی سال است که مشغول خدمت در وظائف الهی هستند. بیش از ۱۵ هزار نوار سخنرانی بی‌تکرار و بیش از ۱۳۰ جلد کتاب از محصولات اقامت اجباری معظم‌له در تهران است.

## واژه‌های ناب

### آیت‌الله فاضل لنکرانی

از مراجع تقلید شیعه ساکن قم بود که در سال ۱۳۱۰ متولد شد و در ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ در گذشت و پیکرش در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد؛ لنکرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشغول به تدریس در حوزه علمیه قم شد، او اولین نفر از هفت مرجع معرفی شده از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود.



### آیت‌الله شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری

او فرزند آیت‌الله شیخ احمد، متولد سال ۱۲۹۵ شمسی در اصفهان بود که در ۲۵ سالگی از استادانی چون آقاضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد و نقل روایت گرفت؛ ایشان نماینده امام (ره) در استان مرکزی، امام جمعه اراک و عضو هیئت موسس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بود و در ۱۲ مهر ۱۳۸۰ رحلت کرد.





# ترجمه‌های

## استاد در یک نگاه



پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

حضرت فاطمه (ص): تجلی‌گر زنان قرآنی

بی‌تردید یکی از آیاتی که در شأن اهل بیت (ع) نازل شده، آیه مباهله است. دانشمندان اهل سنت در مصادر متعدد روایی و تفسیری اذعان کرده‌اند که مراد از «بناتنا» فرزندان ما (حسن و حسین (ع)، «نفسنا» (نفس‌های ما) علی (ع) و «نساتنا» (زنان ما) فاطمه زهرا (س) است. این آیه بعد از آنکه برهان‌های منطقی و قیاس‌های عقلی پیامبر خدا (ص) برای گروه مسیحیان نجران سودی نبخشید دادند نازل شد و خداوند به پیامبر فرمان داد به برهان مشاهده‌کننده بالاترین براهین است رو آورد. برهان مشاهده‌کننده در حقیقت استمداد از قدرت مطلق و لایزال الهی برای ذلیل و منکوب کردن طرف باطل با نزول عذاب بر آنان و اعزاز و سرفرازی طرف حق به طور عینی و قابل مشاهده است. درباره علت اینکه از فاطمه (س) که یک زن بیشتر نبود با صیغه جمع نساء (زنان) یاد شده، روایات متعددی وجود دارد و مفسران سخنان فراوانی گفته‌اند. این تعبیر شگفت‌بخش خداوند از آن حضرت که با زبان پیامبر (ص) «زنان ما» صورت گرفته حاوی یک پیام بزرگ درباره شأن آن بانو برای بشر و تمام خداپاواران است و آن پیام این است که فاطمه زهرا (س) سمبل و مظهر ویژگی‌های تمام زنان مقدس از گذشته و هم عصر او و آینده است. قرآن از حضرت زهرا (س) نیز در موارد متعددی به کنایه یاد کرده و ایشان را نمونه وفاکنندگان به عهد، صائمت، متصدقات، صابرات و ذاکرات معرفی می‌کند. با عنایت به آیات قرآنی که در شأن آن بانو نازل شده روایات بسیار، آن حضرت نمونه‌بر جسته‌صفاتی چون تائبه، مؤمنه، صالحه، خاشعه، قائمه، ساجده، مسلمه، متصدقه، صادق، مخلصه، صابره، عقل، درایت، حزم، حیا، ایثار، احسان، رحمت، حسن انتخاب، مشتاق خدا و خادم پیامبر (ص) است. این صفات، همان ویژگی‌هایی است که قرآن برای زنان مقدس اثبات کرده و این همانندی در صفات به معنای تجلی خوبی آن زنان در حضرت زهرا (س) به نحو آتم و اکمل است.

### ترجمه قرآن

استاد انصاریان طی سالیان اخیر اقدام به ترجمه قرآن کریم کرده‌اند. این ترجمه حاصل چهار سال تلاش مستمر و استفاده از منابع علمی و ارزشمندی چون اعراب القرآن، مفردات راغب، المنجد، فروع اللغات، العین، مصباح المنیر، فرهنگ معین، مجمع البحرین و تفاسیری مانند الصافی، الکشاف، مجمع البیان، المیزان، ایسر التفاسیر، نور الثقلین، روض الجنان و... نگاشته شده است. این ترجمه پس از سه بار باز نویسی و دوبار باز خوانی به وسیله دو ویرایشگر پیش از چاپ به متخصصان اهل فن ترجمه از گروه بررسی تخصصی ترجمه‌ها که نقد و انتقاداتش مورد توجه محافل علمی است سپرده شد و اساتید و کارشناسان خبره دارالترجمه قرآن هم نسبت به این اثر ارزشمند آورده‌اند که «این ترجمه از نظر نگارش ساده و روان و قابل فهم همگان است و در مواردی توضیحاتی بر آن افزوده شده است. از ترجمه پیداست که در کار آن دقت به عمل آمده و از بسیاری از کاستی‌ها و لغزش‌هایی که برای مترجمان پیش آمده دور است.»

### نهج البلاغه

یکی از بهترین راه‌های آشنا کردن مسلمانان به ویژه نسل جوان با آموزه‌های بلند و آسمانی اسلام، عرضه متون دینی و در صورت نیاز با ترجمه‌ای روان و شیوا و قابل فهم برای عموم است. یکی از این متون نهج البلاغه امیر مومنان (ع) شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های آن حضرت است که انسانی کامل و آگاه از وحی و دارای تجربه‌های زندگی پرفراز و نشیب بود. امام علی (ع) در اثر جاوید خود، از مسائل گوناگون زندگی بشر سخن گفته، نیاز عملی و علمی جامعه را بر آورده کرده‌اند. ترجمه‌های گوناگونی از نهج البلاغه تاکنون منتشر شده است، ولی از آن رو که این دریای حکمت و فروغ اندیشه علوی موجب سعادت دنیا و آخرت است و طرح مکرر آن، ضروری است، لذا استاد انصاریان به ترجمه دوباره آن اقدام کرد. روش مترجم به این صورت بوده است که تنها به ترجمه الفاظ اکتفا نکرده و مفاهیم هر جمله را در قالب جمله‌ای در سبب فارسی در آورده است.

### مفاتیح الجنان

دعا واقعیتی است که در ذره اجسام و عناصر و موجودات عالم طبیعت و کشور غیب و شهود حکومت دارد و از این راه تمام موجودات هستی، از مبدأ آفرینش در دو مرحله مادی و معنوی به دریافت فیوضات در حد نیاز خود نائل می‌شوند. اگر دعا نبود ادامه حیات مهمانان هستی امکان نداشت، که موجودیت تمام موجودات و ظهور همه کائنات و وجود تمام عالمیان از برکت دعاست. شیوه تربیتی ائمه (ع) این گونه بود که یاران و دوستان خود را با دعا و طریقه ارتباط با خداوند متعال آشنا کرده و عالمان ربانی با گردآوری ادعیه در این رسالت عظیم سهم بسزایی ایفا کرده‌اند که کتاب مفاتیح الجنان اثر شیخ عباس قمی جایگاه ویژه‌ای در این میان دارد که استاد انصاریان نیز به منظور ترویج فرهنگ اهل بیت (ع) اقدام به ترجمه این اثر گرانمایه کرد و در خلال ترجمه به این نتیجه رسید که برای سهولت فهم همگان، متن فارسی این کتاب را بازنویسی کند.

### صمیفه سجادیه

این اثر مجموعه‌ای از دعاها و مناجات امام چهارم شیعیان، حضرت زین العابدین علی بن الحسین (ع) است که به انجیل اهل بیت (ع) و زبور آل محمد (ص) و احوال القرآن معروف است. این اثر اگر چه درباره دعا و نیایش است، ولی شامل بسیاری از حقایق علوم و معارف اسلامی و عرفانی و قوانین و احکام شرعی و مسائل حساس سیاسی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی است که در شکل و قالب دعا بیان شده و در برآورنده ۵۴ دعاست. اهمیت صحیفه سجادیه و مفاهیم والا آن که در قالب مناجات‌نامه و دعاست، عالمان و اندیشمندان شیعی را بر آن داشت تا هر یک به محافظت از این اثر ماندگار بکوشند. این موضوع سبب شد تا از زمان گردآوری این مجموعه تاکنون ترجمه‌های بسیاری از آن اثر گرانتقدیر امام سجاده (ع) به نگارش در آید که بسیاری از آنها همراه با شرح و توضیحات بوده است و یکی از تازه‌ترین ترجمه‌ها را استاد حسین انصاریان انجام داده‌اند.



## افلاق

### آرزو در قرآن

در فرهنگ قرآن، آرزو تعریف ویژه‌ای دارد، به طوری که بسیاری از افکاری که ما آن را آرزو می‌بنداریم، از دایره آمل قرآنی خارج می‌شود. اولین راه‌حلی که قرآن در این باره بر آن تاکید می‌کند و می‌توان آن را درسی دانست که خدا در طریق رسیدن به خواسته‌ها به بندگان یاد می‌دهد، «امید» است. خداوند به انسان می‌آموزد که در همه حال (هم در آرزوهای دنیایی و هم در آرزوهای اخروی) امید داشته باشد و انسان یاد می‌گیرد که هیچ‌گاه از رحمت خدا ناامید نباشد؛ زیرا امید عامل حرکت انسان به سوی کمال است.

دومین راه‌حل «توکل» است. دین در جوانان قدرت توکل می‌آفریند و می‌آموزد که در تمام امور، نیرویی بی‌نظیر و برتر را موکل خود قرار دهید و به او تکیه کنید. بی‌شک با وجود خدا و توکل به او، انسان هیچ آرزوی صحیحی را دست نیافتنی نمی‌بیند. راه بعدی «تفکر سالم» است؛ تفکری که بارها قرآن از آن با عنوان تعقل یاد می‌کند و به کمک این تعبیر آن را از خیال‌پردازی و اندیشه‌های احساسی و غیرعقلاتی جدا می‌کند. البته این به معنای مذمت خیال‌پردازی و مطلق اندیشه‌های احساسی نیست، چنان که قرآن نیز آنها را مطلقاً مذموم ندانسته است؛ زیرا که بسیاری از نوآوری‌ها از تخیل سرچشمه گرفته است و اندیشه‌های احساسی نیز نعمتی است که برای پاسخ‌گویی به برخی نیازهای انسانی قرارداد شده است. راه‌حل بعدی «دعا و نیایش» است. خدای مهربان به رابطه خود و بندگان اهمیت بسیار داده و همواره آنها را به راز و نیاز با خود فرا خوانده است. اگرچه از نیات قلبی همه انسان‌ها آگاه است، اما شدت اشتیاق او به بندگان تا اندازه‌ای است که دوست دارد بندگان با او سخن بگویند و خواسته‌هایشان را با خدا بپوشانند در میان بگذارند. البته باید در کنار همه این راه‌حل‌ها توجه داشت که تلاش خود انسان نیز اهمیت بسزایی دارد.



## عرفان

### زهد و سلوکی که قرآن آن را قبول دارد

«لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (حدید ۲۳): (این را بدانید) تا هرگز به آنچه از دست شما می‌رود اندوهگین نشده و به آنچه به شما داده شده است، دلشاد (شادمان) نشوید. «علامه جعفری می‌نویسد: متاع چیزی کوچک است که می‌توان از آن خیلی چیزها ساخت؛ همان‌طور که امیر مومنان (ع) فرمود: اگر بخواهید به دنیا به عنوان مطلوب مستقل و هدف نهایی بنگرید، دست شما خالی خواهد شد، اما اگر به عنوان وسیله به آن بنگرید، این ناچیز به همه چیز مبدل خواهد شد.

معنی زهد و پارسایی در این آیه به وضوح بیان شده است و آن اینکه انسان به آمد و رفت نعمت‌های دنیا دلخوش نباشد. این دو جمله کوتاه در حقیقت یکی از مسائل پیچیده آفرینش را حل می‌کند؛ چرا که انسان همیشه در جهان هستی با مشکلات و گرفتاری‌ها و حوادث ناگواری روبرو است و غالباً از خود سوال می‌کند، با اینکه خداوند، مهربان و کریم است، این حوادث دردناک برای چیست؟ قرآن می‌گوید: هدف این بوده که شما دلبسته و اسیر زرق و برق این جهان نباشید. امیر مومنان (ع) نیز در ذیل همین آیه می‌فرماید: «زهد بین دو کلمه از قرآن است که خدای سبحان فرمود: «تا بر آنچه از دست شما رفته حسرت نخورید و به آنچه به شما رسیده شادمان مباشید» کسی که بر گذشته افسوس نخورد و به آینده شادمان نباشد، همه جوانب زهد را رعایت کرده است.»

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: ای پسر مسعود! «بیلوکم ایکم احسن عملاً»، یعنی کدام یک از شما در دنیا زاهدتر هستید؟ این بیان به صراحت «حسن عمل» را به معنای زهد دانسته است. به هر حال این هشداری است به همه انسان‌ها و همه مسلمان‌ها که در این میدان آزمایش الهی، فریب زرق و برق‌ها را نخورند و به جای اینکه به این مظاهر فریبنده دلبستگی پیدا کنند، به حسن عمل بپردازند.



## عبادت

### بندگی کن تا که سلطانت کنند

خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ؛ ای مردم پروردگار خود را بندگان کنید.» (بقره، ۲۱). خداوند می‌خواهد همه چیز بنده شما باشد، در مشت شما باشد و تابع و تسلیم شما باشد و این راه دارد و راهش این است که شما هم بنده من باشید. بندگی یعنی تسلیم و فرمانبرداری خدا بودن؛ در روایت آمده است: «من عبد الله عبد الله له كل شيء؛ هر کس بندگی خدا کند همه چیز بندگی او خواهد کرد.»

حضرت صدیقه (س) یک روایت کلیدی، دستورالعمل و برنامه زندگی در این باره این طور می‌فرمایند: «مَنْ أَعْذَلَ إِلَهًا خَالِصًا عِبَادَتَهُ أَهْبَطَ إِلَهُ لَهُ أَفْضَلَ مَصْلَحَةً؛ هر کس که خالص‌ترین بندگی‌اش را به درگاه خدا بفرستد، خدا بهترین مصلحتش را برایش پایین می‌فرستد.» خداوند تمام مردم مصر را بنده و غلام یوسف کرد، چون یوسف بندگی خدا را کرده بود. لذا اگر می‌خواهی عزیز باشی حرم امام رضا (ع) نقل می‌کند که یک شب برقی، هنگام سحر برای نماز صبح به حرم رفتم. دیدم ایشان کنار گنبد حضرت در حال رکوع است و حدود چهار انگشت برف روی کمرش نشسته است. نزدیک اذان که شد نمازش را تمام کرد و خودش را تکاند و رفت. خدا به چنین بنده‌ای آن کرامات را داد که با دانه‌های کشمش و خرما بیماری‌های دیگران را علاج می‌کرد. آن کسی که این‌طور تسلیم خداست وقتی می‌بیند خدا دوست دارد شب تا صبح برایش رکوع و سجده کند، می‌گوید: چشم، چون تو دوست داری تا سحر سجده می‌کنم و خدا در پاسخ می‌گوید: حال که تو بنده شدی، من اختیار شفای بیمار را به دست تو می‌دهم، چه معامله‌ای است؟ آیا نمی‌آرزود؟ «وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لِيَلَا طَوْلَ لَكَ بِنْدِهِ شَوْشَبَ تَصْبِحُ كَوَاجِحِي! سجده کن؛ چرا که سجده، بالاترین نماد کوچکی و تذلل در پیشگاه الهی است.»



● استاد لطفاً بفرمایید توفیقاتی را که در راستای خدمت به ساحت قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) داشته‌اید، نشئت گرفته از چه می‌دانید؟

در پاسخ به این سؤال ابتدا باید به این نکته اشاره کنم که ریشه خانوادگی‌ام از طریق پدر و مادر ریشه‌ای اصیل و پربرکت است، جد هشتم پدری‌ام «شیخ ابوعدنان» مشهور به «صدرالدین حسین» مدفون در سرچشمه خوانسار از احفاد «جابر بن عبدالله انصاری» است که به وسیله علم و نفس الهی او و شاگردانش تشیع در سرزمین وسیعی در آن ناحیه انتشار یافت، و گروه کثیری در شهرها و قصبات آن منطقه به این مذهب حقه گرویدند، به ویژه اهالی خوانسار که از برکت وجود او و تربیت شدگانش حدود هشت قرن است از فقیه جامع‌الشرایط، مبلغ، مدرس، نویسنده، عارف شیعی، شاعر برجسته، خطاط هنرمند خالی نمانده و هنوز هم بر آن شجره طیبه که «أصلها ثابت و فرعها فی السماء» \* توتی آکله کل حین» شاخه سرسبز و پرطراوت و میوه‌های معنوی می‌روید و به آئین و ملت سود می‌رساند.

اجداد مادری‌ام ریشه در وجود مبارک «موسی

گفت‌وگویی «رایمه» با استاد مسین انصاریان؛

# خاطرات شیرین و آرزوهای برآورده نشده

استاد حسین انصاریان از آرزوهایی چون ساماندهی همه شئون زندگی مردم در سایه هدایت قرآن به عنوان یکی از خواسته‌های قلبی‌اش نام می‌برد به این شکل که جامعه اسلامی به ویژه ملت بزرگوار و فداکار و شهیدپرور و صابر ایران در همه زمینه‌های زندگی در همه ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و... از قرآن کریم الگو و مدد بگیرند و همه امورشان براساس هدایت قرآن نظام بگیرد و جامعه‌ای عالم، عادل، حکیم، مهربان به وجود آید که این خواسته هنوز محقق نشده و امیدوار است با ظهور حضرت حجت (عج) این آرزو جامه عمل بپوشاند و اینکه لجنه‌ای از علمای بزرگ و متخصصان رشته‌های مختلف در حوزه علمیه قم تشکیل شود تا به این وسیله، تفسیری گسترده، جامع و کامل به نگارش در آید تا ثابت شود در میان همه فرقه‌های اسلامی امتیازات علمی، تخصصی، هنری، عقلی و عرفانی شیعه و شاگردان مدرسه اهل بیت (ع) هرگز قابل مقایسه با دیگر فرقه‌ها نیست و همان آزادی که برای محراب و منبر وجود داشت، پدید آید و به عنوان عاملی از عوامل دولت نباشد.

رایمه

ویژه‌نامه

آشنای ناآشنا



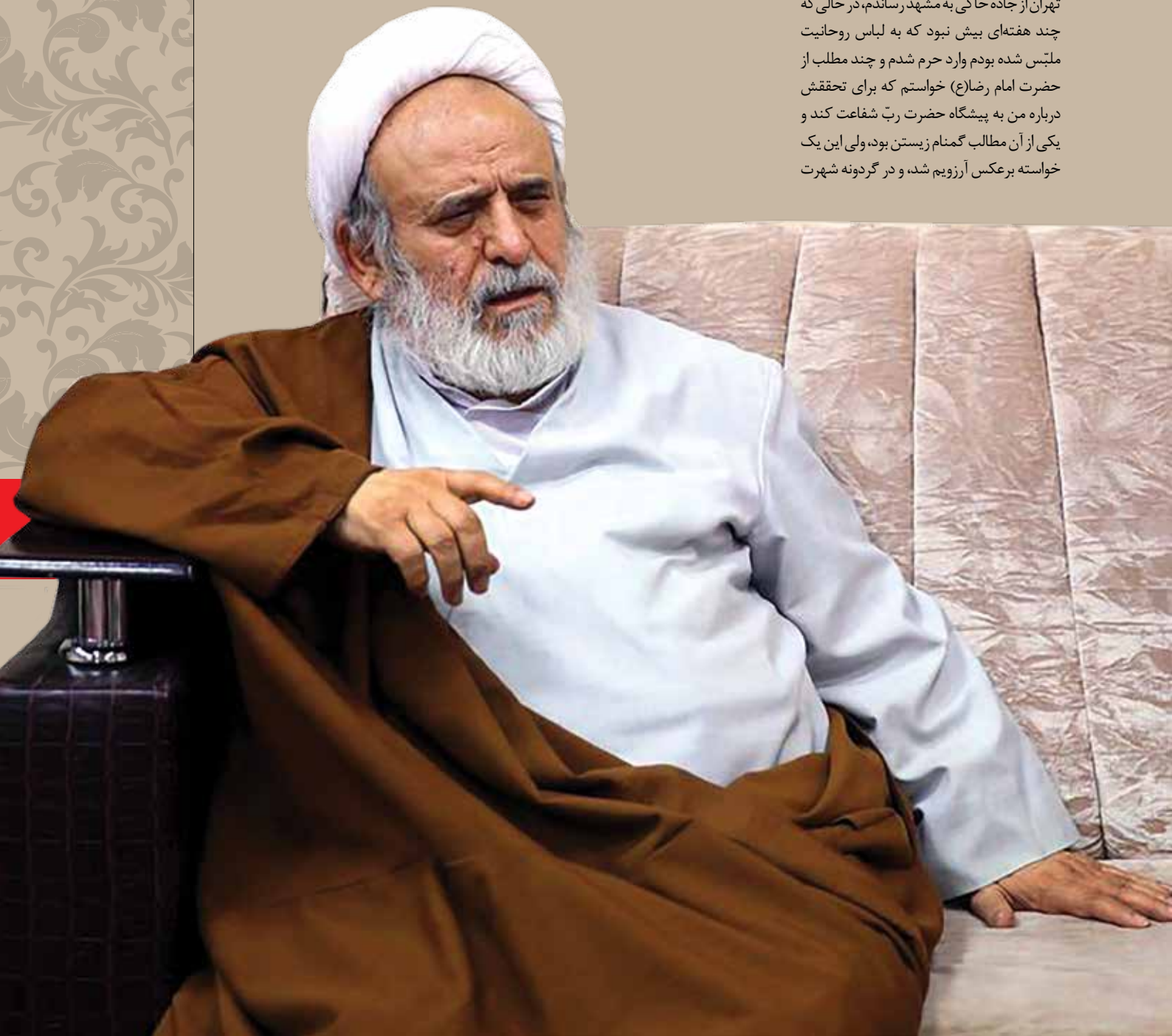
مبرقع» مدفون در قم فرزند حضرت جوادالائمة(ع) و نوه حضرت علی بن موسی الرضا(ع) دارند و همواره در میانشان علمای بزرگ و فقههای سترگ و فقیهان عظیم القدر به وجود آمد و در حوادث تکیه‌گاه محرومان و مستضعفان و بی‌پناهان بوده‌اند و دست‌های با سخاوت و کریمانه آنان کلید حل مشکلات مردم بوده‌است.

با توجه به اینکه به لطف خداوند و از برکت احسان و رحمت او از این دوریشه اصیل رویدادم، توفیقاتم ترکیبی از حقایقی است که فقط برای درس و پند و عبرت برای دیگران ذکر می‌کنم و اگر غیر از این بود، هرگز راضی به بیان مسئله‌ای درباره خود نبودم و خدایم آگاه است که درباره خویش خطی و سطری به روی کاغذ نمی‌آورم؛ زیرا از ابتدای طلبگی عاشق گمنامی بودم و در همان دوران خود را با زحمت از تهران از جاده خاکی به مشهد رساندم، در حالی که چند هفته‌ای بیش نبود که به لباس روحانیت ملبّس شده بودم وارد حرم شدم و چند مطلب از حضرت امام رضا(ع) خواستم که برای تحقیق درباره من به پیشگاه حضرت ربّ شفاعت کند و یکی از آن مطالب گمنام زیستن بود، ولی این یک خواسته برعکس آرزویم شد، و در گردونه شهرت

که فیها آفات افتادم و همواره تا این لحظه از این مسئله در خوف و وحشت به سر برده‌ام و فقط به رحمت حق و به حضرت سیدالشهدا(ع) متوسل هستم که از آفات این بلای عظیم و امتحان سنگین تالحمظه‌ای که به جهان بعد منتقل می‌شوم در امان بمانم «وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَمِيمًا».

و اما توفیقات؛ اول اینکه از آنجا که خانواده پدری و مادری‌ام به خاطر پیوند سببی و نسبی خود با روحانیت، عاشق روحانیت اصیل و واجدالشرایط بودند، و با عالمان ربّانی منطقه و عالمانی که از آن منطقه در نجف و قم به سر می‌بردند پیوند عمیق داشتند، همواره آنان را برای استفاده از وجودشان به خانه‌های خود دعوت می‌کردند، از جمله حضرت

آیت‌الله العظمی حاج شیخ موسی خوانساری صاحب «منیة الطالب» تقریرات فقهی میرزای نائینی که از طرفی از اعظم علمی و دارای مقام مرجعیت، و از طرفی عموی پدر بزرگم بود، ایامی از تابستان را از نجف اشرف به خوانسار می‌آمد و در خانه پدر بزرگم اقامت داشت و حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری صاحب دعای معروف باران بود که ایام تابستان از قم به خانه پدر و مادرم می‌آمد و حدود یک ماه در آن خانه به سر می‌برد و آن به خاطر اعتماد شدیدی بود که به ایمان و تقوا و درستی و حال معنوی پدر مادرم داشت. دعایی که ایشان در حق من کرد، اولین توفیقی بود که از سوی معبود عابدان و معروف عارفان و انیس ذاکران و جلیس شاکران وجود مقدس حضرت حق



نصیصم شد.

دوم اینکه عشق شدید پدر مادرم به حضرت سیدالشهدا(ع) که خود از شجره طیبه اهل بیت(ع) بود، سبب شد که در ایام محرم و صفر و در وفیات و اعیاد ائمه(ع) مشتاقانه به مجالس مذهبی و به خصوص مجالس عزای حضرت سیدالشهدا(ع) بروم، و چون من اولین فرزند او بودم، و نمی خواست مرا به کسی بسپارد با خود به مجالس دینی و عزای حضرت حسین(ع) می برد. گرچه در آن زمان که من کودکی چند ساله بودم و توان بهره گیری از منابر و ذکر مصیبت رانداشتم، ولی بی اختیار صدای مبلغان با اخلاص و ذکر مصیبت سرور شهیدان به مغز و مشاعر من انتقال می یافت و با آن صداها و نواها روح و قلب و جانم رشد می یافت و ناخود آگاه مرا به این سمت و سوی معنوی می کشاند. این هم توفیق دیگری بود که لطف و مهر خداوند به من عنایت کرد.

و اما نکته سوم؛ پس از آنکه به سن شش، هفت سالگی رسیدم و مادر نمی توانست به خاطر حفظ مسائل محرم و نامحرمی مرا با خود به مجالس مذهبی ببرد، قرعه فال به نام پدرم افتاد که در باطن و پیش از ازدواجش آرزو داشت اولین فرزندش چنانچه پسر بود در سلک روحانیت قرار بگیرد و همواره و به ویژه شب ازدواجش برای این منظور دعا کرده بود. ایشان مرا تا حدود ۱۲ یا ۱۳ سالگی به مجالس مذهبی می برد. به یاد دارم که پدرم با آنکه کاسب بود و سواد قابل توجهی نداشت در انتخاب مجالس و وعاظ و گویندگان به شدت حساس و با احتیاط بود؛ لذا مرا در ایام کودکی و نوجوانی به مجالسی برد که گویندگانش یا مجتهد یا قریب الاجتهاد بودند.

نکته چهارم اینک از سن ۱۳ یا ۱۴ سالگی که تقریباً برای رفتن به هیئت و مجالس مذهبی مستقل شده بودم، با توجه به آثاری که از مجالس ایام کودکی ام در جانم پای ثابت پیدا کرده بود، خود به مجالس مذهبی می رفتم و با مجالس علمی و تبلیغی به ویژه جلساتی که در گریه بر حضرت سیدالشهدا(ع) بسیار پر بار بود آشنا شدم. جلساتی را به یاد دارم که صبح های دوشنبه در منزل یکی از اولیای الهی که دیدنش انسان را به یاد اصحاب ناب ائمه(ع) می انداخت به نام حاج میرزا اسماعیل اربابی در حسینیه های بنی فاطمه، بنی الزهراء، قنات آباد برگزار می شد و در گریه پر بار جلسات دهه عاشورای مسجد بزازها و جلسات هیئت فاطمیه که خود پس از وارد شدن به عرصه تبلیغ، منبری آن جلسات شدم.

گویندگان این دوره از عمرم که اثرات بسیار قابل

توجهی در روح و قلبم گذاشتند عبارتند از: آیت الله العظمی وحید خراسانی، خطیب و نویسنده شهیر، حجت الاسلام والمسلمین محمد تقی فلسفی که حق عظیمی به منبر شیعه دارد. استاد عرفان و حکمت حاج سید مهدی قوام، حاج میرزا کریم روشن که عارفی واقعی و به تمام معنا بود، حاج میرزا اسماعیل شفیعی که در درک عرفانی از روایات به خصوص روایات الکافی شریف کم نظیر بود، حاج محقق خراسانی که منابرش پر از نکته های مهم بود، و از منابر حال و معنویت و گریه و پر بار حاج شیخ رضای سراج که از شدت گریه بر حضرت حسین(ع) و تداوم آن پلک های چشمش آسیب جدی دید، مجتهد بزرگوار حاج صدرای اراکی خوانساری که در زمان ذکر مصیبت چون مادر داغ دیده ناله و صیحه می زد، حاج شیخ محمود نجفی که در گریه و گریاندن بسیار قوی بود، حاج سید رضا غروی شاهرودی که سراسر منبرش موعظه و حال و گریه واقعی بود، حاج شیخ حسین اشرف که مجالس از ذکر مصیبت او و گریه و گریاندنش به هم می ریخت.

مداحان و ذاکران آن دوره که سهم بسزایی در ایجاد شور حسینی و اشک بر حضرت سیدالشهدا(ع) داشتند، از جمله مرشد اسماعیل، حاج اکبر مرشد، حاج اکبر ناظم قنات آبادی، حاج حسن ناظم لرزاده ای، حاج اصغر مثنی. و از مؤمنان بسیار بکاء مرحوم پدرم، میرزا اسماعیل اربابی، حاج هادی سقط فروش، حاج قربی همدانی، حاج علی حصاری معروف به علی گدا، حاج احمد بلور فروش و به ویژه رسول ترک که در مجالس گریه روبرویش می نشستم و از حال عجیب و گریه شدیدش در همان ایام نوجوانی به شدت بر حضرت حسین(ع) گریه می کردم.

دیدن این مجالس و آن مبلغان و آن واعظان پر گریه و گریاننده، و آن مؤمنان بزرگوار که هر یک منبعی از عبادت، نماز شب، تقوا، حال و ایمان و اشک بر حضرت سیدالشهدا(ع) بودند، به حقیقت توفیق ویژه دیگری بود که فقط و فقط از سوی خداوند و رحمت ویژه اش نصیب شد و اگر فرمان حضرتش بر «أَمَا بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» نبود، هرگز حاضر نمی شدم از این سرمایه عظیم معنوی که نزد خودم از اسرار ربانی بود پرده بردارم و کلماتی بگویم، ولی از باب شکر نعمت به زبان آوردم، و برای اینکه درسی برای آیندگان از طلاب و جوانان عاشق اهل بیت(ع) باشد که در چه مجالسی و پای چه منبری، و کنار چه منابع معنوی شرکت کنند تا با آن عناصر ملکوتی روح و جان خود را پرورش دهند و به دریای بی نهایت رحمت الهی متوسل شوند.

و اما نکته ششم اینک با توجه به قرار گرفتن من در آن عرصه های معنوی و فضاهای روشن و نورانی، و بیمه شدن با رحمت و لطف خداوندی از مفاسد زمان و در طی دبستان و دبیرستان «برهانیه» و یک سال در دبیرستان «جعفری» که از شاخه های پر برکت جامعه تعلیمات اسلامی بود و گذراندن برخی دروس ابتدایی طلبگی در محضر «آیت الله حاج شیخ علی اکبر متفقی» به تدریج نیت طلبه شدن در قلبم چون چراغی پر فروغ طلوع کرد، نیتی که جز خداوند مهربان، و دست گیر نیازمندان، و امید مستمندان، و غنای مسکینان در دلم نینداخت، زمینه لازمی نداشتم تا آن را با خانواده ام و دوستانم در میان بگذارم. مترصد فرصت بودم تا با اهلس مشورت کنم.

در همین موقعیت که دبیرستان را طی می کردم نزد دو، سه نفر از روحانیون با تقوا و پاکدل که جز ادبیات عرب درس نمی دادند، مشغول تحصیل ادبیات شدم، اولین کسی که برای ورود به طلبگی مشورت کردم یکی از دبیران حوزه فرهنگی به نام «حاج شیخ محمد حسن رفیعی خوانساری» بود، او با اینکه در استخدام آموزش و پرورش بود، و در کسوت روحانیت هم نمی زیست، از ادب و متانت، تقوا و وقار، صداقت و معنویت برخوردار بود و خانواده ام را از ریشه می شناخت.

دومین شخصی که برای مشورت به منزلش رفتم مرحوم «حجت الاسلام حاج سید رضای غروی» بود، او بیش از یک ساعت با حالی معنوی و گاهی توأم با اشک چشم و بیان و ویژگی یک طلبه در حوزه اهل بیت(ع)، دل تشنه ام را سیراب کرد و مرا با بیان الهی اش به شدت مشتاق و روید به این راه نمود و در خدا حافظی مرا در آغوش گرفت و خاضعانه از خداوند بر ایتم طلب یاری کرد و موجی به روح و جانم منتقل کرد.

هنوز زمینه رفتنم به حوزه قم آماده نشده بود که توفیق زیارت حضرت امام رضا(ع) به سراغم آمد، تنهایی برای اقامت مدتی طولانی در تابستان مشرف به آستان ملک پاسبان امام هشتم(ع) شدم. شبی پس از نماز جماعت به امامت چهره تابناک تحقیق و صدق، علم و عمل، عرفان و حال حضرت «آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی» نزدیک محل دفن آیت الحق «آخوند ملاعباس تربتی»، حکیم بزرگ، معلم اخلاق و عرفان، مقتدای اهل حال حضرت «الهی قمشاهی» را دیدم، که نشست و مشغول ذکر و مترنم به زبان حال بود، آشنایی با او بر ایتم دیرینه بود؛ زیرا از همسایگان منزلمان بود، و من در جلسات درس تفسیر و عرفان او در شب های جمعه شرکت می کردم، نزدش نشستم، به او عرضه



داشتیم مدار کم برای ورود به دانشگاه آماده است، از طرفی مایل به رفتن به حوزه قم هستیم، بخشی از مقدمات را هم خوانده‌ام. به نظر مبارک شما کدام راه را انتخاب کنم، و به چه سمتی بروم؟

نگاهی عمیق به سوی حرم مطهر کرد، سپس سر در گریبان برد و غرق در اندیشه شد، نفس عمیقی کشید، گویا با شفاعت حضرت امام رضا (ع) نور و چشم دلش آینده‌ام را که وضعیت امروز من است، در مکاشفه‌ای که برایش حاصل شد مشاهده کرد. در پاسخ جوابی داد که حکایت از نارضایتی شدیدش برای رفتن به دانشگاه داشت. سپس فرمود: «چنانچه وارد حوزه شوی و به تحصیل معارف الهیه بپردازد در گلستان امام صادق (ع) بلبل خوشنویی خواهی شد، که خوشنویی و خواندنش چه بسا که بسیار مفید افتد، و برای دین و ملت سودمند شوی.»

پس از مشورت با این سه منبع تقوا و صداقت و حال تصمیمم برای رفتن به قم قطعی شد، پیش از مهر ماه به محضر مجتهد بزرگ، مجسمه عدالت و تقوا، معلم نفوس، زمینه‌ساز تزکیه در وجود انسان حضرت آیت‌الحق «حاج میرزا علی فلسفی» که به جای مرحوم آیت‌الله برهان امامت مسجد لرزاده و تدریس درس خارج را بر فضلا برعهده داشت رسیدم، و مطلبم را با وی در میان گذاشتم، و او را از رفتنم به قم خبر دادم و از جنابش در خواست توشه راه کردم. پس از اینکه به چهره‌ام با نگاهی بسیار محبت‌آمیز چشم دوخت با حالی معنوی درس اول تا آخر را در گوش جانم خواند، درسی که در تغییر فکر و حال و نیتم برای طی آن مسیر بسیار مؤثر بود و مرا از بسیاری از واردات بیپوده قلبیه در مصونیت برد و برایم جهت استقامت و صبر در آن مسیر و ادامه آن و بی‌پروا شدن نسبت به مشکلات، به خصوص مشکلات اقتصادی که گریبان‌گیر خانواده‌ام بود تقویت کرد و تا امروز هم از فیض آن توشه راه بهره‌مندم. فرمود: «من کان لله کان الله له؛ هر کس با همه وجودش برای خدا باشد، خداوند هم در همه زمینه‌های زندگی برای او خواهد بود، آری «من کان لله کان الله له».

● **کدام یک از ویژگی‌های خود را در عرصه ترجمه، تفسیر و تبلیغ حائز اهمیت بیشتری می‌دانید؟**

هر یک از موضوعات به فراخور خود دارای اهمیت ویژه‌ای است که به خاطر آن ویژگی به آن پرداخته‌ام، اما در باب ترجمه؛ با بررسی ترجمه‌های قرآن با مشکلاتی از قبیل وجود اشکالات مختلف علمی و روان نبودن برخورد می‌کردم. خداوند مهربان به قلبم انداخت که وارد ترجمه قرآن شوم

که همگان و عامه مردم از آن استفاده کنند، و برای آنان جاذبه قوی داشته باشد.

در این زمینه نقدهای ترجمه‌ها را از نظر گذراندم. برای درک عمیق معانی لغات آیات به منابع اصیل لغت مراجعه کردم و تفاسیر بسیار مهم را مورد دقت قرار دادم و برای صحت انشاء ترجمه از فرهنگ دهخدا و معین کمک می‌گرفتم. در ترجمه دقت و وسواس بسیاری انجام شد و بعد از سه بار بازنویسی به اذعان متخصصان از بهترین ترجمه‌های عصر حاضر است؛ «هذا من فضل ربی».

نسبت به نهج البلاغه من بنای ترجمه نداشتم؛ چون در این زمینه هر یک از مترجمان زحمات زیادی را متحمل شده بودند و باید حق آنان محفوظ می‌ماند. ولی اصرار مرحوم «علیان»، مدیر محترم انتشارات پیام آزادی مرا وادار به ترجمه کرد، و نهایتاً ترجمه‌ای روان، ساده، قابل فهم برای همگان، با انشائی زیبا ارائه شد که بر این نعمت خاص با همه وجودم باید بگویم «الحمد لله رب العالمین».

ترجمه صحیفه سجاده‌یه هم به منوال نهج البلاغه با مراجعه به کتب معتبر لغت و منابع علمی انجام گرفت و پس از آن تفسیرش در ۱۵ جلد به مردم عاشق معارف اهل بیت (ع) عرضه شد. اما امتیازی که ترجمه مفاتیح الجنان نسبت به مفاتیح دارد احتمالاً چند مورد است؛ مراجعه به منابع علمی، نسخه‌های متعدد، مطابقت با دست‌نویس مؤلف بزرگوارش که در خاندان او محفوظ است، تنظیم دعاها و مسائل مربوط به شبهای اعیان، روانی انشاء ترجمه، علامت‌گذاری جملات عربی و فارسی و دقت بسیار محطاطانه در ترجمه.

و اما تفسیر قرآن؛ در خیالم نمی‌گذشت که روزی به این عرصه پر ارزش و مفید راهم دهند و تقدیر این کار را براریم رقم زنند؛ من کجا و تفسیر قرآن مجید، من کجا و شرح و توضیح آیات خداوند، ولی گویا در علم و اراده حضرت حق گذشته بود که تهیدست و فقیری را برای عطا کردن به او به پیشگاه رحمتش بخواند و وی را مکلف کند که از این سفره نعمت خاص بهره‌ای برگیرد و از این گلستان ملکوتی و باغستان عرشی گلی بیبوید، توفیق، رفیقم شد به محضر مرجع با محبت، استاد بافتوت، فقیه بزرگوار

که بخشی از دروسم را نزد او تلمذ کرده

بودم و سالیانی خوشه‌چین

خرمنش بودم، حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی رسیدم. از هر دری سخن به میان آمد، نهایتاً درباره سخنرانی‌هایم به قضاوت نشست و فرمود: «گاهی از سیمای جمهوری اسلامی سخنرانی‌ها را گوش می‌دهم، استوار و متین و براساس معارف الهیه، و مرتبی مردم، و اثرگذار در نفوس است. در توضیح آیات قرآن، و قبولانندش به مردم نکات پر ارزشی می‌گویی، و مطالب تازه‌ای از عمق آیات استخراج و ارائه می‌دهی، چه خوب است پیش از آنکه عمرت به پایان برسد این نکات و مطالب تازه را بنویسی و برای بهره‌گیری دیگران از خود باقی بگذاری» سخنش که به این جا رسید، با حال مخصوص به خودش فرمود: «نه بلکه همت کن از ابتدا تا انتهای قرآن را به میدان تفسیر بیاور و از خود تفسیری به یادگار در روزگار بگذار.» من که از هدایت او در این زمینه به وجد آمده بودم و اطاعت از استادم را بر اساس ادب، تعلیم و تعلم واجب می‌دانستم، تصمیم گرفتم از همان روز این کار پر برکت و عمل صالح را شروع کنم.

این اولین جرعه توفیق الهی در قلب من بود که از آتش عشق مرجعی بزرگ به معارف الهیه نشئت گرفت. در طول دوران تحصیل در حوزه مقدسه قم و در مسیر سخنرانی‌ها با تفاسیر فریقین آشنا بودم؛ چون خود سخنران بودم احساس می‌کردم در صد بالایی از مطالب تفسیرها را نمی‌توان در سخنرانی برای عموم مردم به کار گرفت، گاهی اوراق تفاسیر پر از مباحث ادبی و صرف و نحو بود که جز برای

## واژه‌های ناب







همه زمینه‌های زندگی اعم از فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و... قرآنی شوند و همه امورشان بر اساس هدایت قرآن نظام بگیرد و جامعه‌ای عالم، عادل، حکیم، مهربان به وجود آید، ولی این آرزو محقق نشده و فکر می‌کنم تا ظهور حضرت حجت (عج) محقق نشود، ولی این آرزو آرزویی مثبت است که باید شعاع و فروغش در همه دل‌ها طلوع کند، اگر محقق شود، مشکلی برای جامعه و خانواده و فرد نخواهد ماند و امنیت فراگیر حاصل خواهد شد.

آرزوی دیگرم این است که در حوزه مقدسه قم، لجنه‌ای از علمای بزرگ و متخصصان رشته‌های مختلف دانش تشکیل شود و با کمک آنان تفسیری گسترده، جامع و کامل بنویسند تا ثابت شود در میان همه فرقه‌های اسلامی امتیازات علمی، تخصصی، هنری، عقلی و عرفانی شیعه و شاگردان مدرسه اهل بیت (ع) هرگز قابل مقایسه با دیگر فرقه‌ها نیست و همین فرقه، فرقه حقه و دارای اسلام نازل شده از سوی حق است و اسلام دیگران اسلام زمینی و اختراعی است. این آرزو مسلمانانی از پرتوئی نیست، آرزویی طبیعی و امید الهی است.

آرزوی دیگرم این است که محراب و منبر همان آزادی گذشته را داشته باشد و عاملی از عوامل دولت‌ها قرار نگیرد، خلأ اکثر محراب‌ها با مجتهدان عادل، هنرمند، پرجاذبه برای نسل یا قریب‌الاجتهادها پر شود و منبر در کل کشور در اختیار سخنرانان عالم، عامل، دلسوز، هدایت‌گر، و بی‌توقع نسبت به مظاهر مادی و محور برای جمع شدن نسل قرار بگیرد، و دعای عرفه و کمیل و احیاء و سخنرانی به وسیله روحانی‌های واجد شرایط اجرا شود که بیش از این بین مردم و روحانیت اصیل فاصله نیفتد و به تدریج این واقعات با افتادن به دست غیر روحانیت‌گر چه شایسته و صالح باشند، از دست اهلش خارج نشود که به نظر من خطر باشد و خدای نکرده روحانیت از محراب و منبر حذف شود.

● **بهترین خاطره‌ای که استاد به عنوان یک خطیب، مترجم و مفسر قرآن دارند کدام است؟**

اگر بگویم یکی از پر خاطره‌ترین روحانی‌های شیعه هستم، سخنی به گراف نگفته‌ام، بیان هر خاطره‌ای که به حقیقت بهترین خاطرات است صفحات زیادی را می‌طلبد، ولی یکی از بهترین خاطره‌هایم که در ۱۰ شب سخنرانی در دهه دوم شعبان در همدان اتفاق افتاد، رفتن به مهم‌ترین کباباره مشروب‌فروشی شهر پیش از انقلاب بود که بالباس

و هر یک را به صورتی مشروح و مفصل توضیح داده و همه حقایق مربوط به آن موضوع را ذکر کرده‌ام و چنانچه همین موضوع در سوره‌های دیگر تکرار شده باشد به آن آیه که اولین بار موضوع را طرح کرده ارجاع داده‌ام و چون بیش از پنجاه سال است با مردمان مختلفی و روحیات متنوعی و مشکلات روحی، خانوادگی و اجتماعی جامعه روبرو بودم و تا حدی از اوضاع زندگی آنان آگاه بودم، دردهای فکری و روحی و بیماری‌های باطنی و نفسی و راه درمان و علل مشکلات و راه حل آنها را در این تفسیر آورده‌ام که هر خواننده چنان حس می‌کند که من با او در رو صحبت می‌کنم و او را برای درمان بیماری‌های روحی و مشکلات خانوادگی و اجتماعی‌اش با کمک قرآن راهنمایی می‌کنم.

و اما در حوزه سخنرانی‌ها باید بگویم که از ویژگی‌های خاص و برجسته سخنرانی‌هایم در طول پنجاه سال، به اعتراف و اذعان مردم این است که مطالب کمتر تکرار شده است. اگر تکراری در آن باشد شامل آیه، روایت یا داستان است، ولی متن کامل و موضوع هیچ سخنرانی تکرار نشده و دلیل آن علاوه بر قضاوت مردم، سخنرانی‌های موجود در مؤسسه دارالعرفان است که این سخنرانی‌ها موضوع بندی منظم دارد و احتمالاً تاکنون در بیش از هشتصد موضوع اسلامی نظام داده شده و به تدریج با نام موضوعات در حال چاپ و طبع است که احتمالاً تا این زمان به بیش از دویست جلد برسد.

● **مهمترین آرزوی استاد حسین انصاریان به عنوان مترجم برجسته قرآن کریم که تاکنون محقق نشده است چیست؟**

از مهم‌ترین آرزوهایم که فکر می‌کنم ناشی از پرتوئی است، این است که جامعه اسلامی به ویژه ملت بزرگوار و فداکار و شهیدپرور و صابر ایران در

طلاب کارپردی نداشت و اوراقی از تفاسیر غرق مطالب عرفانی بود که آن مطالب ریشه در فرهنگ فلوپینی، هندی و به ویژه یونانی داشت و بعضاً اوراق تفاسیر از روایاتی پُر بود که از مدرسه سقیفه گرفته شده بود و نشان می‌داد که از مصدر نبوت و ولایت سرچشمه نگرفته و گاهی اوراق تفاسیر پر از علوم جدید در همه زمینه‌ها بود؛ علمی که امروزه هر ساعت در تغییر و تحول است و بنیان ثابتی ندارد، در این میان تفاسیر مفسران مکتب اهل بیت (ع) از عیوب و نواقص تفاسیر اهل سنت خالی‌تر و پاک‌تر بود، ولی طرح برخی از مطالبش در بین عموم ممکن نبود، به این فکر افتادم که تفسیری روان، ساده، جذاب، قابل فهم همگان و قابل گفتن برای سخنرانان و در عین حال علمی بنویسم و هندسه‌ای برایش ترسیم کنم که با هندسه تفاسیر فریقین فرق داشته باشد و آن را به مباحث در درجه اول اخلاقی و سپس عرفانی بر اساس عرفان اهل بیت (ع) و اعتقادی و مطالب اجتماعی و خانوادگی و معارف الهیه بر مبنای روایات متقن اهل بیت (ع) و شاهد مثال‌های ریشه‌دار و نکات با ارزش و داستان‌های واقعی غیر آنچه در خود قرآن آمده و حکایات پندآموز و عبرت‌آور و مسائل بدیع و خلاصه آنچه در زندگی مردم مفید است و حقایقی که با درون و برون مردم و زندگی روزمره آنان سر و کار دارد بیاریم و این همه از امتیازات این تفسیر است که بر مبنای آیه شریفه «القرآن الحکیم» آن را «تفسیر حکیم» نامیدم.

از امتیازات این تفسیر آن است که با وجود اینکه از سوره حمد شروع شده و به سوره الناس پایان می‌گیرد، تفسیری موضوعی نیز هست، به این معنا که از اولین آیه قرآن، اگر آیه حاوی چند مطلب است، مطالب را به شماره آورده و تذکر داده‌ام که این آیه مثلاً دارای سه یا چهار یا پنج موضوع است



روحانیت در حالی که روی میزها پر از مشروب و صندلی‌ها در اشغال مشروب‌خوارها بود وارد شدم و نهایتاً با صحبت با صاحب کباب‌ه و گریه شدید و توبه او کمتر از ۲۴ ساعت تبدیل به چلوکبابی با تابلوی چلوکبابی اسلامی شد. شرح این اتفاق عجیب در کتاب خاطراتم که اسناد انقلاب چاپ کرده و کتاب مفصل خاطراتم در حال چاپ است آمده است. و به ویژه بهترین خاطره‌ام اتفاقی عجیب و شگفت‌آور است که در حرم حضرت رضا(ع) برایم پیش آمد و داستان آن اتفاق این است که در سفرهایم به مشهد مقدس این لیاقت را در خود ندیده و نمی‌بینم که برای زیارت وارد حرم شوم. جای زیارت پشت دیواری است که متصل به درب ورودی حرم است و برای اینکه کسی مرانشناسد و مزاحم زیارت‌تم نشود و با گفتن التماس دعا مرا از حال زیارت خارج نکند عمده‌ام را پنهان می‌کنم، عبا به سر می‌کشم، سر پایین می‌اندازم و مشغول زیارت می‌شوم.

شبی در آن کنج و گوشه دیوار به شدت گریان و در حال زیارت بودم، کسی خم شد و زیارت‌تم را قطع کرد و از من خواست که همراهش به دارالسعادة بروم و پس از گفتگوی با او به زیارت بازگردم. سر بر داشتم دیدم فردی روحانی با چهره‌ای نورانی است و حدود سی و چند سال سن دارد. با او به گوشه‌ای رفتم؛ ابتدا از من پوزش خواست که زیارت‌تم را قطع کرد، گفت اتفاقی شما را دیدم و در عین اینکه سر از عبا برداشتی شناختم، چون دیگر مرانمی‌بینی و ملاقاتی با تو نخواهم داشت، لازم دیدم تو را در این حرم شریف و جایگاه مقدس ببینم و اثری از اثرات سخنرانی‌ات را برایت بگویم و شروع به گفتن این داستان شگفت‌آور کرد؛ گفت: «اگر اینجا متراکم

از توبه‌ام خوشحال شدند، حلالم کردند، احدی چیزی از من نخواست. ۱۵ سال است طلبه‌ام و در امتحانات حوزه با نمرات بالا موفق بودم و در رشته منبر کار کردم. زیاد به سخنرانی دعوت می‌شوم. سخنرانی‌های پربار و مؤثری دارم و به تحصیل ادامه می‌دهم. این داستان را که داستان زندگی یک دزد است در محضر حضرت رضا(ع) برایت گفتم تا به سخنرانی‌هایت و آثار آن دلگرم‌تر شوی و در این محضر نورانی سوگندت می‌دهم تا زنده‌ای خود را از سخنرانی بازنشسته نکن که این سخنرانی‌ها حتی در دزدان حرفه‌ای اثر بسیار مطلوب دارد.»

از من در محضر امام هشتم(ع) قول گرفت که سخنرانی را حتی در کهنسالی ترک نکنم. هنوز شیرینی آن داستان معنوی را در ذائقه قلبم حس می‌کنم و این در میان خاطرات فراوانم از بهترین خاطره‌هاست و خدا را با همه وجودم سپاس گزارم که از باب لطف و احسان و رحمتش در

فلان شخص شروع می‌شود. با دوستم از درون تشویق به نشستن در جمع مردم شدید، احیا با صدای دلنشین شما شروع شد، در حالی که ما دو نفر دزد هیچ شناختی از شما نداشتیم، احیاء برگزار شد، ما دو نفر به عالمی دیگر وارد شدید و تغییر شدید در ما ایجاد شد و تحول حزن‌مانند نصیب ما گشت. از توبه و انابه و گریه سهم‌و آفری به ما رسید. به سوی خانه‌هایمان حرکت کردیم. من به دوستم گفتم قصد جدی برایم آمده بروم طلبه شوم و از فردا می‌روم، تو هم با من در این راه همسفر باش. گفت: من طلبه نمی‌شوم، ولی به راه راست ادامه می‌دهم و دنبال لقمه حلال می‌روم، او رفت، و من در مسیر حوزه قرار گرفتم.

ابتدا به همه خانه‌هایی که از آن دزدی کرده بودم مراجعه کردم و به صاحب اموال گفتم یا برای خدا حلالم کنید چون توبه کرده‌ام، یا مهلتم دهید تا با بازگرداندن اموالتان از مدیونی درآیم. همه



سخنرانی‌هایم اثر درمانی گذاشته است. «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ».

### ● توصیه استاد به جوانان و علاقه‌مندان به حوزه معارف قرآن و اهل بیت (ع) و مادحین که ذخیره دنیا و آخرت آنان باشد چیست؟

اول توصیه به جوانان؛ نسل جوان به ویژه نسل جوان شیعه نسلی پرارزش، پر نشاط، و هر جوان منبعی از ذخائر فطری، عاطفی، روحی و احساسی است که اگر به وسیله مصلحان، دلسوزان، پدران و مادران، ناصحان، عالمان ربانی و اهل وعظ و خطابه مورد محبت و مهر و نوازش و هدایت قرار بگیرند، معدنی از دانش، خردورزی، بینش، نوآوری و خدمت صادقانه به امت می‌شوند.

من در طول پنجاه سال سخنرانی‌هایم به پیروی از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) عاشق جوانان و به کمال رسیدن آنان بوده، از روی عشق و علاقه‌ای که به آنان دارم چند توصیه بسیار مهم و کلیدی به آن عزیزان ارائه می‌کنم:

نخست اینکه احترام و احسان به پدر و مادر هر چند اخلاق و رفتار آنان را نسبت به خود نیسنید؛ زیرا ایجاد نارضایتی در آنان گره‌های سختی به زندگی شما خواهد انداخت، و این به تجربه ثابت شده است. و اینکه در معاشرت با جوانان هم‌محل، هم‌درس و جوانان اقوام کمال دقت را بخرج دهید و با ناشایستگان رفاقت نکنید که سبب ضربه‌های شدید به فکر و روح و کرامت شما خواهد شد و شما را از تبدیل شدن به منبع ارزش‌ها و خدمات به ملت و کشور باز خواهد داشت.

همچنین در تحصیل در رشته‌ای که دوست دارید به شدت تلاش کنید، نه برای نمره و مدرک، هدف‌تان از تحصیل دانشمندتر شدن، خدمات شایسته به جامعه، به اعتلا رساندن ایران و برتر شدن این کشور در میان کشورها باشد که هیچ اسلحه‌ای برنده‌تر و شکننده‌تر نسبت به دشمن؛ مانند علم نیست. اگر این کشور پهناور پر از امیر کبیر، قائم‌مقام فراهانی، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، دکتر حسایی، ابن‌سینا، ذکریای رازی، و دانشمندان و عالمان ربانی شود، بر همه کشورها تفوق علمی، سیاسی، اجتماعی پیدامی‌کند و شما جوانان با استعدادهایی که خداوند به شما عطا کرده می‌توانید چون آن مردان بزرگ و بلکه بالاتر از آنها شوید و منشأ تحولات شگرف نه فقط در ایران که قطعاً در همه جهان گردید.

دیگر توصیه اینکه با اسلام اصیل که اسلام قرآن و اهل بیت (ع) است، از نظر علمی و عملی پیوند برقرار کنید و در این زمینه با عالمان ربانی و دل‌سوز

رشته روحی و فکری مردم بیفزاید. در این زمینه از اشعار به خصوص قصائد سعدی، سنائی، صائب، الهی قمشه‌ای، پروین اعتصامی، صامت بروجردی و نظامی گنجوی استفاده کنید و اگر محور هیئت و جمعیتی هستید، سعی کنید بیش از مداحی خود از عالمی‌وارسته، دانشمندی متخصص، گوینده‌ای اثرگذار و پرجاذبه، جهت انتقال معارف قرآن و اهل بیت (ع) دعوت کنید تا جلسات شما به جلسات علمی و مورد رضایت بیشتر خدا و اهل بیت (ع) قرار گیرد و در ذکر مصیبت از کتب معتبر استفاده کنید تا درباره اهل بیت (ع) در ذکر مصیبت دچار خلاف‌گویی و نهنایت‌مصیبت نشوید و حرمت حريم الهی اهل بیت (ع) حفظ شود. این رویه درست، مسلماً شمارا به خیر دنیا و آخرت می‌رساند.

سعی کنید اخلاق اسلامی را نسبت به همکارانتان رعایت کنید. دچار حسادت به دیگران نشوید. از چاشنی اخلاص در عملتان بریزید و به شدت از تعریف‌های بی‌جا و تملق‌گویی بپرهیزید. نسبت به هر کس سخن مثبت، عادلانه و به حق بگویید و از طی کردن پول‌های کلان در مسیر اهل بیت (ع) اجتناب کنید که «خواجه خود روش بنده پروری داند».

حضرت حسین (ع) و یارانش جان و مال و زن و فرزند را برای اعتلای دین و کلمه حق به رایگان و به قول حضرت باقر (ع) در زیارت اربعین، بذل کردند. به هیچ عنوان شایسته نیست که ما سخنرانان و مداحان حادثه عظیم کربلا را در معرض فروش و گرفتن اندکی از مال دنیا قرار دهیم. باید به روزی و رزق طیب و پاک خداوند که از این راه نصیب ما می‌شود قانع باشیم و آبروی دین و لباس دین و مداحی را در میان مردم حفظ کنیم. امید است از پند دلسوزانه‌ام برای عزیزانم ملالی حاصل نشود و از این خادم قرآن و اهل بیت (ع) نرنجند.

همواره در تماس باشید و از دانش دینی آنان بهره بگیرید تا با محکم شدن دین‌تان و آراسته شدن به اخلاق قرآنی و اهل‌بیتی از خطرات زمان مصون بمانید.

توصیه پایانی این است که جز در حدّ ضرورت و نیاز از تلفن همراه و سایت‌ها استفاده نکنید؛ زیرا این ابزارها با همه سودی که دارند، ولی اعتیاد به آنها قاتل عقل، روحیه، عقاید صحیح و به ویژه عمر گرانبهای شماست؛ گوهری که بیش از یک‌بار جهت تبدیلیش به سرمایه جاودانی و سعادت ابدی در اختیار قرار داده نمی‌شود، مبادا که در ایام جوانی از هزینه شدن عمرتان در راه‌هایی که باعث تلف شدن عمر است به پشیمانی سخت دچار شوید و روز جبران از دست رفته باشد.

### ● توصیه‌تان به علاقه‌مندان حوزه معارف قرآن و اهل بیت (ع) چیست؟

قرآن و اهل بیت (ع) دو دریای بی‌ساحل، دارای امواج نورانی و پر از گوهرهای بی‌شمار است. بالاترین کار، هزینه کردن عمر برای آن دو، آگاه شدن به این معارف پر بار، و با قدرت علم غواصی کردن در این دو دریا برای به دست آوردن گوهرهای ناب و تولید سرمایه برای تأمین خیر دنیا و آخرت و سعادت و خوشبختی امروز و فرداست و با این سرمایه ناب می‌توانید جمعیت‌هایی را با گفتار و نوشتار با تکیه به این دو منبع هدایت کنید و به قول بلبل شیراز: «آردتی بنما تا سعادت بی‌بری».

توصیه‌ام به مادحین این است که اکنون که این مردم به خاطر صدا و هنرتان کنارتان اجتماع می‌کنند، از تلف کردن عمرتان جداً بپرهیزید. در مقدمه‌خوانی چون مداحان گذشته قصیده یا غزلی یا مثنوی پر از پند و نصیحت بخوانید که روی روحیه مردم اثر اخلاقی و تهذیبی داشته باشد و به



## ویژه‌نامه آشنای ناآشنا



آشنای ناآشنا  
درقاب آینه

استاد درنگاه  
علما و اندیشمندان

آیت‌الله حسینی بوشهری:

# چهره شاخص و تأثیرگذار عصر ما

با توجه به حضور  
موفق ایشان در  
عرصه بین‌الملل  
لازم است  
تألیفات ایشان به  
زبان‌های مختلف  
ارائه گردد.

عالمان دینی در سایه قرآن و کلام نورانی اهل بیت (ع) سعی بر آن دارند تا با استفاده از این انوار تابناک در قلب و دل انسان‌ها اثرگذار باشند و آنان را به صراط مستقیم هدایت نمایند؛ حضرت استاد حسین انصاریان از جمله عالمان تأثیرگذار در سطح ملی و فراملی بوده‌اند؛ در همین رابطه با آیت‌الله حسینی بوشهری، عضو شورای عالی حوزه پیرامون شخصیت استاد انصاریان گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که مشروح آن را در زیر می‌خوانید.

## ● لطفاً نظر تان را درباره شخصیت استاد انصاریان بفرمایید.

استاد انصاریان از چهره‌های شاخص و تأثیرگذار عصر ما هستند. حقیقتاً ایشان عرصه‌هایی را تعقیب کرده و بالفعل در این عرصه‌ها مشغول به کار است که معمولاً نسبت به یک فرد کم اتفاق می‌افتد که بتواند بین همه عرصه‌ها جمع کند. ایشان خوشبختانه در عرصه کار پژوهشی با این شرایط سنی ساعات زیادی در روز به کار مطالعه و نوشتن می‌پردازند. باید انسان مشمول لطف الهی شده باشد تا چنین اتفاقی بیفتد و اینکه در عرصه تألیف از شخصیت‌هایی باشد که پرتألیف است. عده‌ای پرتألیف هستند، ولی نوعاً

تألیفاتشان عمق و دقت لازم را ندارد، ولی تا آنجایی که من با تعداد زیادی از عناوین کتاب‌های ایشان که تألیف شده است آشنا هستم حقیقتاً احساس می‌کنم که ایشان دقت و تأمل کرده و سعی کردند عالمانه قلم بزنند. این نقطه قوت کار یک مؤلف است که هدف این نیست که جزوهای، نوشته‌های، مقاله‌ای یا کتابی را به بازار عرضه کنند، بلکه هدف این بوده که مخاطبانی را در نظر داشته و براساس نیاز مخاطب تألیف کرده باشد و به نظر بنده جای خیلی دقت دارد.

نوع کتاب‌هایی هم که تألیف کرده‌اند نگاهی است که سعی شده افراد جامعه با مسائل و معارف دینی آشنا بشوند. در آثار تفسیری و تألیفی ایشان آن نگاه معرفتی کاملاً محسوس، و مورد توجه و عنایت بوده است. فارغ از موضوع پژوهش و تألیف، نکته برجسته‌ای که در سطح کشور و در سطح بین‌المللی در مجامع دینی خارج کشور از ایشان خوب مطرح است سخنان تأثیرگذار ایشان در بعد خطابه و منبر است. ما سخنرانان زیادی داشته و داریم، اما سخنرانی که تا عمق جان مخاطب اثر بگذارد و مخاطبان با عشق و ولع و ارادت خاصی سعی کنند در هر وقتی که این سخنرانی شروع بشود حضور پیدا کنند، کم است.

گاهی شاهد بودم که هنوز آفتاب طلوع نکرده بود، اما مکان سخنرانی ایشان مملو از جمعیت بود و این موضوع نشان‌دهنده موفقیت منابر ایشان است. ما مبلغانی که موفق باشند و کلامشان تأثیرگذار باشد و در روح مخاطب، نفوذ کلام داشته باشند کم داریم، گرچه خوشبختانه بی‌بهره نیستیم، اما نوع تأثیرگذاری ایشان مثال‌زدنی است؛ مانند برنامه شب‌های قدر و حال و هوای خوشی که ایشان پیدا می‌کنند و تأثیرگذار هستند و این برنامه از سیما انعکاس پیدا می‌کند. دیده‌ام که افراد زیادی در سراسر کشور که به خاطر بعد مسافت و شرایط خاص زمانی و مکانی نتوانسته‌اند خودشان را به آنجا برسانند، ولی مقید هستند برنامه‌های ایشان را از شبکه‌های مختلف دنبال کنند. این همان تأثیرگذاری است که یک گوینده بتواند چنین جاذبه‌ای آن هم در طبقات مختلف ایجاد کند. آن هم نه از قشرهای خاص، بلکه تأثیرگذاری موسع و فراگیر در بین مخاطب‌های گوناگون که همه آنها احساس کردند پای سخنرانی ایشان یک نوع آرامش پیدا می‌کنند؛ این موضوع به نظر من باید اخلاص و توفیقات الهی بسیاری در کنارش باشد که خدای متعال نصیب ایشان کرده است.

همچنین توجه به ساده‌زیستی و توجهی که به شرایط جامعه دارند و دغدغه‌مند بودن نسبت به مشکلات جامعه از مسائل جدی است که من



رابطه

ویژه‌ناما  
آشنای ناآشنا



## اطمینان به وعده خدا

خداوند وعده‌هایی را در قرآن داده که من‌بکی، دو تا از وعده‌هایش را می‌خوانم؛ خدایی که نیاز ندارد، وعده داده است.

وعده بی‌نیاز به نیازمند لطف، احسان و عشق است، به ما هیچ نیازی ندارد؛ اما زیباترین وعده را به ما داده یعنی که آنها را برایمان تهیه دیده وعده‌اش هم وعده صدق است؛ یعنی وفاکردنی است و از وعده‌اش تخلف ندارد. «ان الله لا یخلف المیعاد»، چند بار هم در قرآن گفته چه کسی از وعده‌اش تخلف می‌کند؟ آن که وعده دروغ داده، طرف به او می‌گوید من را خوشحال کردی؛ وعده دادی، چرا به وعده‌ات عمل نمی‌کنی؟ دروغ‌گو از وعده‌اش تخلف می‌کند.

انسان ضعیف و نادان هم از وعده‌اش تخلف می‌کند؛ ولی پروردگار یک وجود توپیری است؛ «لله الضم» کم ندارد که بخواهد وعده بدهد و بعد وعده‌اش را بشکند و عمل نکند. خدا در قرآن مجید می‌گوید: «بندگان من، راستگو تر از من در قول و وعده‌اش در این عالم هستی کیست، آدرس او را بدهید؛ بگویند خوش وعده‌تر از من، راستگو تر از من، صادق‌تر از من در وعده کیست؟ جواب هم نمی‌دهد و فقط سوال می‌کند: «من اصدق من الله قیلاً». باید به وعده خدا با توجه به کمال حق، ذات بی‌نهایت، احسان، کرم و لطفش اطمینان پیدا کرد.



بین‌المللی و در کشورهای مختلف دنیا بتواند به خوبی نقش خودش را ایفا کند و به تعبیر روشن‌تر علاوه بر مسلمانان و علاوه بر جامعه شیعه بتواند نسبت به غیر مسلمانان هم تأثیرگذار باشد باید در این عرصه فعالیت کند. اینکه می‌بینید رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپایی نامه می‌نویسند پیداست که رهبری ناامید نیستند از اینکه پیام، کلام و سخن او نسبت به دور دست‌ها هم تأثیرگذار باشد و نسبت به کسانی که با دین و مکتب ما به ظاهر آشنایی ندارند روی آنها تأثیر بگذارد.

توصیه‌ام این است که لاقلاً بخش نسبتاً قابل توجهی از آثار ایشان به زبان‌های مختلف ترجمه شود گرچه شنیده‌ام این اتفاق هم افتاده و این کار اتفاق بسیار خوبی است؛ یعنی این توسعه کار نشان‌دهنده این است که یک مبلغ می‌تواند علاوه بر کار تأثیرگذارش در داخل کشور در بیرون مرزها هم برای مخاطبانی که به ایشان علاقه دارند آن تأثیر لازم را داشته باشد.

ایشان ممکن است الان که خارج از کشور می‌روند نوعاً ایرانیان خودمان که در سراسر اروپا هستند در یک نقطه اجتماع پیدا کنند و از طبقات مختلف از وجود ایشان استفاده کنند، اما اگر آثار ایشان در سراسر اروپا و کشورهای دیگر منتشر شود در راستای تأثیرگذاری پیام گفتاری ایشان، پیام نوشتاری ایشان هم می‌تواند آن تأثیرگذاری لازم را داشته باشد و این عین رسالت روحانیت است.

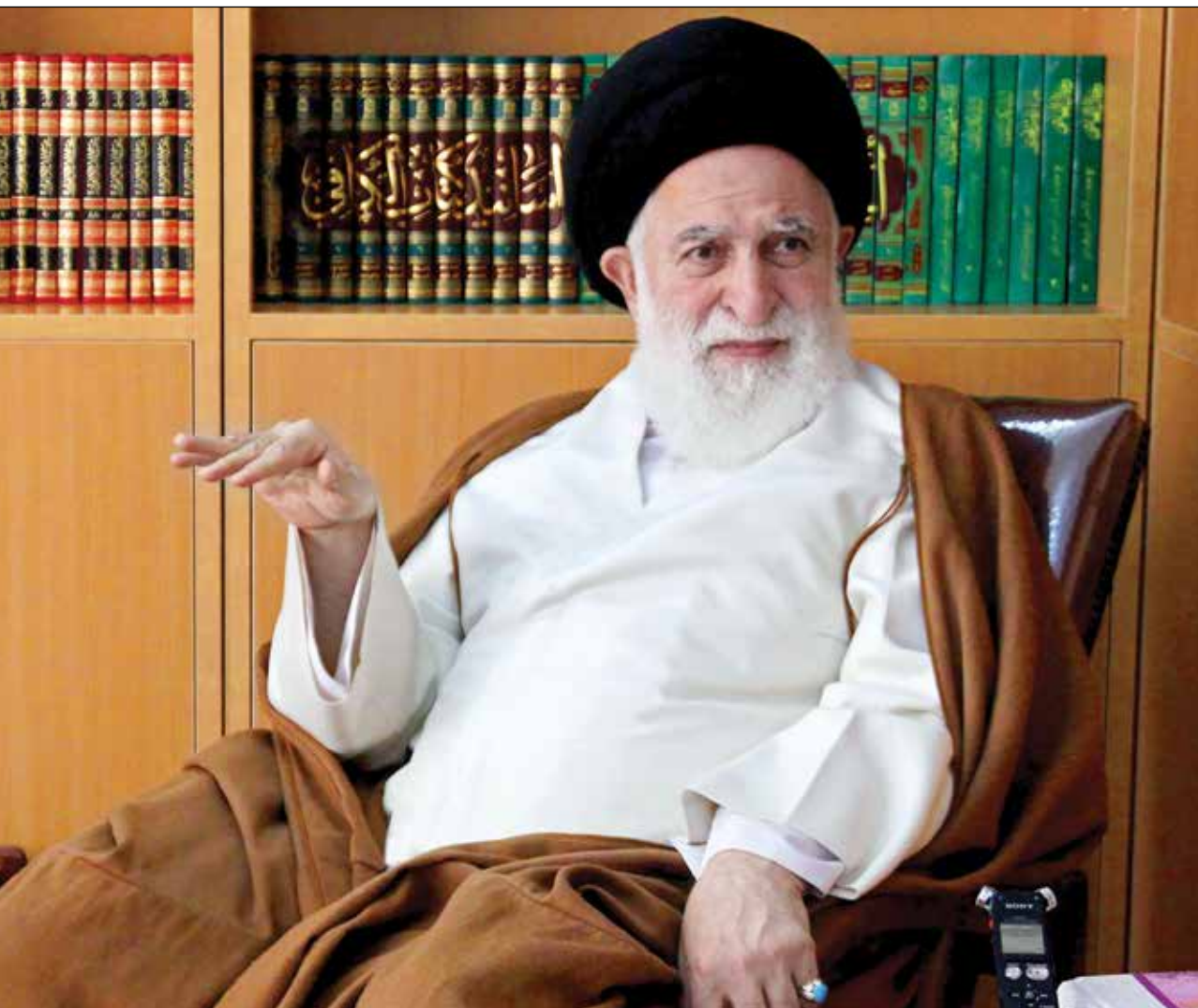
مطلع هستم که مؤسسه‌های مشغول به تدوین آثار ایشان است و درصدد گسترش آن هستند. امیدوارم این مؤسسه هم کارش به سرانجام خوبی برسد و مرکزی برای نشر معارف دین و توسعه بحث‌هایی که ایشان دنبال می‌کنند بشود. خدا را شکر فرزندان فاضلی هم دارند و پیگیر برنامه‌های ایشان هستند و لذا احساس می‌شود که این کار ان‌شاءالله ادامه پیدا خواهد کرد و این نقش را فرزندان ایشان هم دنبال خواهند کرد.

در تعبیرات ایشان و صحبت‌هایشان می‌شنوم و می‌بینم. ایشان کسی نیست که کاری به کار واقعیت‌ها و شرایط جامعه نداشته باشد و احساس کند که فقط مطلبی را باید به صورت نظری مطرح کند و مخاطبانی هم حرف‌هایش را گوش دهند، نه، ایشان مطالبی را که مطرح می‌کند با واقعیت‌هایی که در جامعه از چشم او دور نمانده عجین می‌کند و این است که مخاطب احساس می‌کند که پای سخن کسی نشسته که با تمام وجود مشکلات مخاطب را لمس کرده است.

### ● درباره فعالیت‌های بین‌المللی استاد و اثرگذاری ایشان در این حوزه تا چه میزان اطلاع دارید؟

در رابطه با فعالیت‌های بین‌المللی حقیقت امر این است که رسالت حوزه‌های ما و رسالت روحانیت، عین همان رسالتی است که نبی گرامی اسلام، خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) داشتند در قرآن این تعبیر را به زیبایی می‌بینیم که خطاب به نبی اکرم (ص) می‌فرماید: «ما تو را برای همه مردم مبعوث کردیم»؛ یعنی تو در محدوده جزیره‌العرب و مجموعه‌های پیرامونی آن نمی‌گنجی، (اِنَّا ارسلناک لِلنَّاسِ کَافَّةً). این تعبیر اینطور نیست که پرونده‌اش تا زمانی که پیغمبر در حال حیات بود باز باشد یا ائمه (ع) در حال حیات بودند این پرونده باز بوده و بعد هم پرونده بسته شده؛ نه، ما الان در عصر غیبت زندگی می‌کنیم که وجود مقدس حضرت بقیة‌الله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء بر عالمی که ما در آن زندگی می‌کنیم به عنوان حجت خدا، هستند اشراف دارند و این رسالت و مأموریت دقیقاً امروز به حوزه‌های علمیه و روحانیت و کسانی که توان این کار را دارند منتقل شده است. بنابراین اگر ما شخصیتی داشته باشیم که علاوه بر نقش آفرینی در داخل کشور در عرصه‌های





از نظر من حضرت  
آقای انصاریان  
امروز در عرصه  
تبلیغ، آموزش  
و سخنرانی از  
شخصیت‌هایی  
است که باید  
زندگی‌اش بررسی  
بشود و به عنوان  
یک الگو برای  
بسیاری از فضلا و  
اهل حوزه معرفی  
شود.

آیت‌الله علوی بروجردی:

## الگوی مناسب برای فضلا و اهل حوزه

یکی از شاخصه‌های موفقیت، الگوگیری از شخصیت‌های موفق و نامداری است که خود مسیر زندگی را با تلاش در عرصه دانش به خوبی طی کرده‌اند و آثار جاودانی را از خود به یادگار گذارده‌اند؛ حضرت آیت‌الله علوی بروجردی، استاد انصاریان را به عنوان الگوی مناسب برای فضلا و اهل حوزه معرفی کرده‌اند و نیز توسل و تمسک به ذیل عنایت حضرات معصومین (ع) خصوصاً وجود مبارک سیدالشهدا (ع) را - که همواره زعیم حوزه‌های علمیه آیت‌الله‌العظمی بروجردی آن را کلید موفقیت می‌دانستند - یکی از بارزترین امتیازات ایشان بر شمرده‌اند.

● چگونه با استاد انصاریان آشنا شدید و ایشان در آن زمان چه جایگاهی از نظر علمی و دینی داشتند؟

سابقه آشنایی من با استاد انصاریان به گذشته‌های دور برمی‌گردد. متولد قم هستم. بعد از فوت مرحوم آیت‌الله بروجردی در دهم فروردین سال ۴۰ بود که پدرم تقریباً در شهریور همان سال به تهران رفتند و در تهران ماندند و در مسجد فخریه در خیابان امیریه اقامه جماعت می‌کردند من هم در مسجد فخریه رفت و آمد داشتم و در آن ایام دبیرستان را در تهران طی کردم و سال ۴۷ به قم برگشتم. در ایام تحصیل در دبیرستان در مسجد فخریه از منبر استاد انصاریان بهره‌مند بودم. یکی از دوستان پدر به نام «حاج مرتضی قیاسی» سریداستاد انصاریان بود و ایشان را مکرر به مسجد فخریه دعوت می‌کرد. شیوه صحبت و بحث‌های ایشان برای من خیلی جذاب بود. جوان‌های زیادی هم شرکت می‌کردند.

ریشه

ویژه‌نامه  
آشنای نا آشنا



سخنرانی دارند سبک و سیاق گذشتگان ماست؛ یعنی از منبر به عنوان سخنگویی برای سیاسی کاری استفاده نکردند. آن رابطه بین خطیب و اهل بیت (ع) و سیدالشهدا (ع) محفوظ بوده و هست. به خاطر ندارم که ایشان سخنرانی کرده باشند و روضه نخوانده باشند؛ روضه، زیبا و فوق العاده می خواندند. شخصی به مرحوم آیت الله بروجردی گفته بود که آقا شما منبر هم رفتید؟ ایشان فرمود: «بله من زیاد منبر رفتم.» ایشان ۳۶ سال در بروجرد بودند و منبر می رفتند. گفته بودند: «در منبر روضه هم می خواندید؟» ایشان فرموده بودند: «بله روضه هم می خواندم» و روضه هم خوب می خواندند. روضه خوانی و منبر اساس کار ماست؛ یعنی در واقع بزرگان مراجع ما همیشه دلشان می خواست نامشان در زمره مرثیه خوان های سیدالشهدا (ع) ثبت و ضبط شود و این افتخار بزرگی است.

استاد انصاریان از لحاظ حفظ شئون منبر و خطابه از آغازی که شروع کردند تا به امروز انصافاً این رویه را ادامه دادند. مضافاً ایشان در فن خطابه و منبر هنری دارند که می توانند طبقات مختلف را جذب کنند؛ یعنی فقط جوان ها نبودند که از ایشان استفاده می کردند، بلکه همه اقشار استفاده می کنند؛ لذا الان هم این گونه است. این هنری است که از هر کسی بر نمی آید. مرحوم آقای فلسفی هم اینطور بودند. ایشان تا آخر منبرش همین گونه بود.

مرحوم «شیخ عباسعلی اسلامی» نقل می کردند که یک سال، قبل از محرم، همراه با همه خطبا خدمت مرحوم بروجردی رسیدیم. همه خطبای طراز اول و حتی روضه خوان های خانگی بودند. مرحوم آیت الله بروجردی خطاب به این جمع فرمودند: «شما همگی در یک جهت اشتراک دارید و آن اینکه شما رابطه مرجعیت و حوزه با مردم هستید. اگر شماها نباشید مرجعیت و حوزه اثرگذار نخواهد بود.» و فرمودند: «بساط آقا حجت بن الحسن و امداد بساط سیدالشهدا (ع) است. اگر آنها نباشند، اینها هم نیستند»

این قصه ای است که متأسفانه در حوزه کمرنگ شده است. قبلاً منبر رفتن در حوزه خیلی وسیع تر بود. بزرگان حوزه همه منبر می رفتند. بسیاری از مراجع الان ما همه در رشته منبر بودند. حتی استاد بزرگوارمان آیت الله وحید خراسانی هم در تهران منبر می رفتند. منبر در گذشته اینطور نبود که به قول معروف آن کسانی که در حوزه کارشان نگرفته بود منبر بروند. بزرگانی داشتیم که مجتهد بودند و منبر می رفتند. یادم است که در خانه آیت الله بروجردی مرحوم شیخ ابوالفضل زاهدی منبر می رفتند. شیخ ابوالفضل صاحب رساله بود، حتی بعد از آیت الله بروجردی رساله نوشت، خیلی هم متشخص بود،

مسجد اعظم هم منبر می رفت؛ خود ایشان می گفت: «من حجت هستم، برای همه، چون مجتهد هستم، هم منبری.»

### ● برای اینکه یک خطیب بتواند در منبر موفق باشد، چه نکاتی را باید رعایت کند؟

یکی از نکاتی که در عرصه منبر باید مورد توجه قرار گیرد این است که منبر باید با قرآن و معارف و فضائل اهل بیت (ع) عجین باشد و از این حقایق خارج نشود که حقیقتاً استاد انصاریان خیلی خوب بر این جهت تکیه دارند و از امتیازات بسیار مهم ایشان تکیه بر قرآن و معارف قرآن است.

مرحوم «شیخ محمدرضا جعفری» معتقد بودند کل مسائل مربوط به ولایت و امامت را می توانیم از قرآن استخراج کنیم و نیاز به حدیث نیست. ایشان؛ چه در درس هایی که هم به عنوان تفسیر عنوان می فرمودند و چه در منبرهایشان بر آیات قرآن تکیه می کنند. این خود نوعی آموزش است که ما مقدر می توانیم از قرآن استفاده و بهره برداری کنیم. یک بُعد شخصیت ایشان که از نظر من خیلی بعد والایی است، مسئله خطابه، منبر و حفظ ارتباط با مردم است. دوران گذشته رابه یاد دارم که این منبرها چه اثراتی داشت. از جلسات گذشته و جمعیت های آن دیگر خبری نیست فقط تنها کسی که مانده استاد انصاریان است که سخنرانی هایشان از دحام و اجتماع دارد. جمعیت شب های احیای ایشان جمعیت عظیمی است، این اجتماع نشان دهنده همان منبر اصیل است.

از بزرگان منبر می شنویم که مرحوم «حاج شیخ جعفر شوشتری» زمان ناصرالدین شاه در مسجد سپهسالار با جمعیت عظیمی منبر می رفت. این در واقع هویتی است که به وسیله ایشان حفظ می شود و این از نظر من بسیار ارزشمند است. نکته قابل توجه درباره استاد انصاریان مسئله مغفول مانده از نگاه برخی از متخصصان حوزه نسبت به ترجمه قرآن است که ایشان با ترجمه قرآن خود و ترجمه دیگر متون اصلی به این نکته حائز اهمیت توجه کرده اند؛ چرا که ترجمه قرآن ریشه و پایه اصلی و واسطه آشنایی مردم با معارف قرآن است. مسلماً خیلی شخص باید ادیب باشد و در ادبیات عرب رشد کرده باشد تا بتواند قرآن را ترجمه کند که الحمدلله استاد انصاریان به خوبی از عهده آن برآمده اند و این کار برجسته و فوق العاده ای است که ایشان موفق شده اند.

### ● نظر تان درباره آثاری که به قلم ایشان منتشر شده است چیست؟

از جمله کارهای ایشان مسئله تألیف است. یکی از مشکلاتی که الان در سطح دانشگاهی و دبیرستان و

در سال ۴۷ به قم آمدم که ایشان هم مدتی در آن ایام قم بودند که من خدمتشان رسیدم. از آن زمان تاکنون از نزدیک خدمت ایشان آشنایی دارم. از نظر من استاد انصاریان امروز در عرصه تبلیغ، آموزش و منبر از شخصیت هایی است که باید زندگی اش بررسی، و به عنوان یک الگو برای بسیاری از فضلا و اهل حوزه معرفی شود؛ چرا که ایشان بازمانده و ادامه دهنده همان سبک، علمایی هستند که گذشتگان ما داشتند.

ایشان حتی سال ها قبل از انقلاب به تمام معنا به عنوان یک منبری شاخص در تهران مطرح بود. پیش از انقلاب زیاد تبلیغ می رفتم. یک بار که ایلام رفته بودم مرحوم «شیخ احمد کافی» در ایلام تبعید بودند. یک شب شیخ احمد کافی به من زنگ زدند که امشب جمعی از دوستان از تهران می آیند و شما هم بیایید با آنان مأنوس باشید. رفتم آنجا و دیدم جماعتی از تهران آمده اند و حضرت آقای انصاریان هم تشریف دارند و مأنوس شدیم. سبک و سیاقی که ایشان در

ایشان خودش را  
به طور ۲۴ ساعته  
در خدمت امام  
زمان (عج) و در  
خدمت علی  
بن ابیطالب (ع)  
می دید. ایشان  
محصص به تمام  
معنادر کار  
اهل بیت (ع) بود  
ولذا این توفیق  
بزرگی است.



## ویژه نامه آشنای نا آشنا



عمومی با مردم داریم فقدان کتاب‌های خوبی است که در موضوعات مختلف در دسترس باشد، گاهی اوقات افراد کتاب می‌نویسند، اما بحث‌هایی است که به درد مردم نمی‌خورد و سلیقه در انتخاب موضوع ندارند. ایشان در موضوعات مختلفی که مورد حاجت مردم بوده است از اول دست به قلم بودند. از گذشته ایام همیشه کسانی از روحانیت موفق و تأثیرگذار بودند که این قدرت را داشتند که با مردم ارتباط برقرار بکنند. ارتباط با مردم پیدا کردن در چند راه است؛ یکی سخنرانی که خوشبختانه ایشان دارند و دیگری قلم است. قلم راه ارتباطی با مردم است. وقتی لیست تألیفات ایشان ملاحظه می‌شود توفیقات بسیار معلوم است، خصوصاً آثاری که در پرتو ادعیه معصومین (ع) نوشته‌اند.

ادعیه یکی از ثروت‌های ماست. این مرتبه اوج منبر است. بنایی که شیعه از نظر دعادار دهیج فرقه و مکتب دینی ندارد. ایشان با پرداختن به این معنادر واقع آن غنا و ثروتی که ما به عنوان دعادر شیعه داریم را در اختیار عامه مردم می‌گذارند. نکته دیگری که از ابعاد شخصیت ایشان می‌خواهم بیان کنم مسئله روضه خوانی است. گاهی از اوقات اثر روضه و اشعار و لحنی که روضه با آن خوانده می‌شود آنقدر قوی و تأثیرگذار است که یک ساعت صحبت کردن این تأثیر را ندارد و ایشان مقتید هستند و روضه‌هایی که می‌خوانند و انتخاب می‌کنند بسیار فوق‌العاده است.

مرحوم «منقابی» با «علامه مداح» کاشان منبر می‌رفتند. در مسیر برگشت در قم به منزل ما آمدند. زنده یاد مناقبی گفتند: «می‌خواهم خدمت علامه طباطبایی برسم.» علامه مداح گفت: «من هم می‌آیم.» من هم گفتم: «من هم می‌آیم.» سه نفری راه افتادیم و منزل علامه رفتم که خداغریق رحمتشان کند. ایشان تا دید علامه مداح آمده گفت: «دل‌م می‌خواهد که روضه‌ای برای من بخوانی.» علامه مداح هم همان طور

که نشسته بود شروع به روضه خواندن کرد و اشعاری از ایرج میرزا در مصیبت علی اکبر (ع) خواند. «سم است هر که داغ جوان دید دوستان»\*\*\* «آفت بر بند خاطر آن رنج دیده را». ایشان هم گریه می‌کرد. واقعاً هم گریه می‌کرد؛ یعنی اشک روی محاسنش می‌ریخت تا به این شعر رسید: «بعد از پسر دل پدر آماج تیر شد»\*\*\* آتش زدند لانه مرغ پریده را» علامه طباطبایی گفت: «آعد، دوباره بخوان». دوباره خواند. ایشان گریه کردند. باز فرمودند: «آعد». سه چهار بار گفت و علامه مداح خواند. روضه‌اش تمام شد. ایشان با همان حال گریه و بکایی که داشت گفت: «حاضر بودم تمام المیزان را می‌دادم و این شعر را من می‌گفتم». «بعد از پسر دل پدر آماج تیر شد»\*\*\* آتش زدند لانه مرغ پریده را» عرض کردم کمالات ایشان زیاد است و ما همه‌اش را نمی‌توانیم بگویم.

مطلب دیگر در مورد ایشان انتخاب مطلب در سخنرانی و شیوه بیان آن است. این خیلی هنر بزرگی برای ایشان است. گاهی اوقات خود من شاهد بودم حالا یا تلویزیون یا پای منبر این مطلب را بعضی شنیدند یا خواندند؛ مثلاً قصه‌ای از امیرالمؤمنین صلوات الله و سلامه علیه. اما ایشان وقتی نقل می‌کند همه وجود انسان را تکان می‌دهد و انسان را می‌برد در همان حال و هوای خانه علی بن ابیطالب (ع) در کوفه و آن نان جویی که ایشان با آن می‌شکند و آن کسی که روزه «فَضَه» می‌کند که بابا یک ذره گوشت در این خانه نیست، این پیر مرد است نمی‌تواند. اینکه انسان چه مطلبی را برای گفتن انتخاب بکند و چگونه بیان کند خیلی مهم است. منبر اگر یکسره بحث باشد کسل کننده می‌شود. مردم حوصله ندارند، مردم که طلبه نیستند که بنشینند درس گوش کنند. لایه لایه باید تمثیل قصه و شعر و تاریخ باشد.

ما الان نمونه کار خودمان را در دنیا نداریم؛ چون در دنیا خطابه سیاسی هست؛ مثل فیدل کاسترو که چهار ساعت خطابه می‌خواند. در انقلاب کبیر فرانسه

خطیب‌های بزرگی داشتیم، اما اینکه با عامه مردم از همه مطالب گفته بشود و این تلفیق و این ترکیب، هنری خاص است. استاد انصاریان واجد این فضیلت هم هستند مثل فضیلت‌های دیگری که دارند. مسئله دیگری که مادر ارتباط با مردم داریم غیر از قلم و سخن و بیان، عمل است. عمل خیلی تأثیرگذار است. خدا آیت‌الله بروجردی را رحمت کند. آیت‌الله سیستانی از ایشان نقل می‌کردند که فرمودند قبل از محرم طلبه‌ها را نصیحت می‌کردند و می‌فرمودند: «تبلیغ که می‌روید، نمی‌خواهد اسلام را تبلیغ کنید. من خواهش می‌کنم شما عقاید مردم را خراب نکنید.» بعد ایشان فرموده بودند: «توجه داشته باشید مردم عقاید خودشان را با برهان و استدلال یاد نگرفته‌اند. نوعاً عالمی در شهری بوده است و عملکرد آن عالم و سیره عملی او، عمده مردم را به دین علاقه‌مند کرده است. من می‌گویم آن اعتقاد را خراب نکنید شما که می‌روید در جایی، عمل شما طوری نباشد که منافات با آن ذهنیت آن‌ها پیدا کند. اگر خلاف آن ذهنیت باشد، مردم دست می‌کشند. هر جا عالمی متقی و صاحب عمل بوده است، مردم مسئله‌دان و متدین هستند.»

### ● از دیگر ویژگی‌های استاد انصاریان برایمان بگوئید

مسئله دیگری اینکه استاد انصاریان عاشق سیدالشهدا (ع) در بالای منبر نیست، پایین منبر هم همینطور است. آن کسانی که با ایشان عتبات رفتند، دیدند که آن عاشقی و شیدایی فقط در بالای منبر وقت روضه خواندن نبود و در حالات شخصی هم هست. ایشان به قول معروف وابسته است. زمانی ایشان می‌خواستند در بیت مرحوم آیت‌الله بروجردی منبر بروند. آقای بزرگوار قبل از ایشان منبر بود. ایشان نسبت به مطلبی که فردی درباره امیر مؤمنان (ع) نوشته بود خیلی تند صحبت کرد. استاد انصاریان در فاصله بین دو منبر صدایش کردند. من متوجه می‌شدم که چه می‌فرمایند. فرمودند: «لازم نیست اینقدر عصبانی شوی. حضرت علی (ع) در حفظ خداست. امام علی (ع) در حصن حصین خدا جای گرفته است. خدا متصدی حفظ علی بن ابیطالب (ع) شده است. من و تو لازم نیست زیاد غصه‌خوریم.»

استاد انصاریان این سخن را با تمام وجود می‌گفت و به آن معتقد بود. بعد فکر کردم دیدم ۷۰ سال لعنت کردن بالای منبر به علی بن ابیطالب (ع) ضربه نزن، بچه‌هایش را کشتند به او لطمه نزن. این حصن خداست. همان حرفی بود که آن پیر مرد به هارون گفت در هنگامی که در محل مدفن علی بن ابیطالب (ع) که هارون در آنجا به شکار رفته بود. سگ شکاری رفت آنجا نشست و شکار نگرفت. باز دیگر حیوانات را فرستاد آنها هم نشستند.



## انسان در سایه فرهنگ اهل بیت (ع)

پسدر موظف است موج اتصال به اهل بیت (ع) را در دل زن و بچه‌اش ایجاد بکند؛ آرام آرام و به تدریج معرفت به اهل بیت (ع) را به آنها آموزش بدهد تا هنگامی که بچه‌ها از خانه در آمدند؛ در آن زمان، نوبت ایجاد اتصال با اهل بیت (ع) با آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش خیال نکند با درس دادن چهار تا قانون فیزیکی و ریاضی دینش را به این مملکت ادا کرده؛ ادا کردن دین به انسان ساختن است، انسان هم جز در سایه فرهنگ اهل بیت (ع) ساخته نمی‌شود و بعد بچه‌ها که از مدرسه در آمدند، به خانه رفتند، غروب تشویق بشوند بیایند مسجد. عالم مسجد حالا موظف است؛ «کَلِّمُوا رِعَايَةَ وَ كَلِّمُوا مَسْئُولَ عَنِ رِعَايَةِ» که به گونه‌ای سخن‌ها را تنظیم کند یا سخنرانی را بیاورد که قرآن و اهل بیت (ع) را به مردم انتقال بدهد.

## شناخت اهل بیت (ع) واجب است

شناخت پروردگار، شناخت پیغمبر اسلام (ص)، شناخت اهل بیت (ع) و شناخت قرآن کریم و شناخت قیامت، البته در حد لازم یعنی در حدی که بنای ساختمان انسانیت با این شناخت‌ها ساخته شود و سعادت دنیا و آخرت انسان تامین بشود و خیر دنیا و آخرت از خیمه زندگی طلوع کند، واجب و ضروری است.

این شناخت‌ها هیچ کدام مستحب نیست؛ چرا که این شناخت‌ها مایه آبادی دنیای انسان به معنای واقعی و آبادی آخرت انسان است. یکی از آیاتی که منبری‌های قدیم در منابر ماه رمضان و محرم و صفر برای مردم زیاد قرائت می‌کردند، این آیه بود «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» الذاریات، ۵۶ بعد می‌گفتند که «لا یعبدون» یعنی «لا ليعرفون»، فارسی آیه شریفه این است که ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای این که این دو طایفه تا لحظات پایان عمرشان خدا را عبادت کنند.

## عاقبت شیعه جاهل به اهل بیت (ع)

روح وارد عالم دومی می‌شود که عالم برزخ است. ما الان در عالم اول هستیم، وقتی روح وارد برزخ می‌شود، این روح در عالم برزخ یا با محصولات خوبی‌های عباداتش، خدمت به مردمش و حالش روبه‌رو می‌شود یا با محصولات بد؛ چنانکه در سوره مومن آمده است که محصولات بد روح که با بدن شریک بوده، در دنیا آتش برزخی است. این متن قرآن است که «الَّذِينَ يُعْرِضُونَ عَنْهَا غُدُوءًا وَعَشِيًّا» غافر، ۴۶، به این روح هم در روز برزخ و هم در شب برزخ آتش تحمیل می‌کند، چون برزخ بخشی از نشانه‌های دنیا را دارد و بخشی از نشانه‌های آخرت را. نه کاملاً دنیا است و نه کاملاً آخرت. این حرف قرآن مجید است حالا اگر کسی اهل بیت (ع) را درست نشناسد، آنها را نفهمد، در کشان نکند، حقشان را رعایت نکند، گرچه چوب‌انداز بگوید من شیعه هستم، ولی شیعه جاهل به اهل بیت (ع)، هنگام مرگ به گفته پیغمبر (ص) «مات میتة جاهلیة».

جستجو کرد ببیند چیست و این‌جا چه خبر است؟ مردم می‌ترسیدند بگویند. هیچ کس هیچ چیزی نگفت. پیرمردی را آوردند و او هم گفت: «مان به من می‌دهی یا نه؟» گفت: «هارون این‌جا قبر امام علی (ع) است. خدا این‌جا را حرم خودش قرار داده است. مردم و حیوان‌ها هم این‌جا پناه می‌آورند».

این واقعاً باور ایشان است. با تمام وجود معتقد و ملتزم است و همین سبب تأثیرگذاری کلام او است. الحمدلله آن ارتباطی که ایشان با مردم در سطح وسیع داشتند از آن روز اولی که ما ایشان را شناختیم تا به امروز قوی و متین حفظ شده است. ایشان همیشه مورد عنایت و اعتماد مراجع، و کمک برای حوزه‌ها و مروج این روحانیت اصیل و مستقل بوده‌اند و در این مسیر حرکت کرده‌اند. یک نکته دیگر اینکه آن زمان که ما قدم آمده بودم بعضی از اساتید به من سفارش و نصیحت می‌کردند که حتماً سعی کن ممحض در تحصیل باشی. استاد انصاریان در این بحث‌های حوزوی ممحض بوده است؛ یعنی هیچ کار دیگری غیر از همین‌ها را نپذیرفته است و از آن وقتی که من یادم است جزء افرادی نبود که پشت سر هم ده تا منبر برود. منبر رفتن ایشان حد داشت که به تحصیل لطمه نزنند و در غیر ایام تحصیل که ایشان فراغت بیشتر داشت و می‌نوشت. اهل قلم بود. وجودش وقف بود یا برای گفتن یا برای نوشتن.

ایشان خودش را به طور ۲۴ ساعته در خدمت امام زمان (عج) و در خدمت علی بن ابیطالب (ع) می‌دید. ایشان ممحض به تمام معنا در کار اهل بیت (ع) بود و لذا این توفیق بزرگی است. کسانی که معمولاً در کار منبر هستند، کمتر اهل نوشتن هستند. در بین فقها هم همین طور است. کم می‌شود فرد مؤلف خیلی قوی باشد و استاد خیلی موفق باشد. این دو کمتر با هم جمع می‌شود و این عنایتی است که خدا به ایشان کرده است. یکی دیگر از نکات پیرامون شخصیت ایشان تکراری نبودن مطالب و تسلط کامل به اطراف موضوعاتی است که طرح می‌کنند که این خود از مسائل بسیار مهمی است که در او حدی از افراد مشاهده می‌شود. سال‌هاست که در مراسم بزرگداشت حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی، استاد انصاریان سخنرانی می‌کنند و من تمام آن‌ها را ملاحظه کردم. عدم تکرار در مطالب و انتخاب موضوع و تسلط کامل به اطراف موضوع بسیار قابل توجه است. هر بار مطالبی نو در موضوعی جالب و نورا به تناسب حصار در مجلس طرح می‌کنند. همچنین باید بگویم که ایشان با تمام وجود معتقد به مرحوم آیت‌الله بروجردی هستند و نکات زیادی را از زندگی ایشان بررسی و طرح کرده‌اند. من نیز برای ایشان دعای خیر و آرزوی توفیقات روزافزون دارم.

شدند و تا حدی جزء واحدهای درسی حوزه هم قرار گرفت.

### ● ارزیابی شما پیرامون تفسیر استاد انصاریان خصوصاً در رابطه با آیات الاحکام چیست؟

در ابتدا باید بگویم به نظر من به برکت قرآن و اهل بیت (ع) موهبتی به حاج آقای انصاریان شده است که یک عمر به تحقیق و تألیف و هدایت نسل جوان و متدینین و مومنین پرداخته‌اند. شنیده‌ام که مرحوم فلسفی تعبیر جالبی نسبت به ایشان فرموده‌اند که «شمار شدتان سریع بوده» و واقعاً هم این‌طور بوده است.

ایشان در ایامی که در حوزه مشغول تحصیل بودند از طلاب فاضل حوزه بودند و علاوه بر فعالیت‌های حوزوی در درس خارج آیات عظام میرزاهاشم آملی و محقق داماد شرکت می‌کردند و تقریرات درس فقه و اصول مرحوم میرزاهاشم آملی را به زبان عربی نوشته‌اند و تقریرات درس خارج صلات آیت‌الله العظمی حاج شیخ ابوالفضل خوانساری را نیز نوشته‌اند. ایشان از همان موقع ضمن حفظ موقعیت حوزوی، مشهور بودند و در تهران و نیز شهرهای دیگر کشور تأثیرگذار بودند و حتی در بعضی از کشورهای اسلامی نیز تأثیرهای فراوانی داشتند. این برکت را خداوند به خاطر آن مقام عرفانی و اخلاقی که ایشان داشتند مرحمت کرد، همچنین ریشه اصیل و خاندان کریم و دعای پدران و اجداد گذشته ایشان موجب شده که شخصیت جامعی از ایشان در همه ابعاد معارف و قرآن خصوصاً تفسیر حکیم ایشان و صحیفه سجادیه و نهج البلاغه و سایر ادعیه به وجود آید.

یکی از امتیازات استاد موضوع قرآن پژوهی است که ترجمه شیوا و گویای قرآن کریم کاملاً مخاطب را در فضای آیه قرار می‌دهد و نیز تفسیر جامع ایشان بر قرآن در این موضوع است و با تألیفات ایشان که در داخل و خارج کشور واقعاً تأثیرگذار است و جامه عمل به روایت حضرت امام صادق (ع) پوشانده است که در زمانی که همه غرق شباهت می‌شوند عالمان با قلم خود آن شباهت را رفع می‌کنند.

تألیفات ایشان مخاطب را در فضای فهم صحیح معارف بلند اسلامی قرار می‌دهد و قطعاً می‌تواند تأثیرگذاری بسیار وسیع و خوبی در پیشبرد توجه دنیا به اسلام داشته باشد.

باید متذکر شوم که وقتی که من تفسیر حکیم ایشان، بخش آیات الاحکام را مطالعه می‌کردم خود به خود وادار می‌شدم که بحث‌های بعد و موضوعات دیگر را نگاه کنم که موضوعات من را جذب خود کرد

آیت‌الله نیازی:

# دقت‌های عمیق فقهی در تفسیر آیات الاحکام

آیت‌الله نیازی، مدرس عالی‌رتبه حوزه علمیه قم و عضو مجلس خبرگان رهبری در بررسی تفسیر حکیم حضرت استاد انصاریان رعایت جنبه فقهی آیات الاحکام و تبیین غوامض آن و به دور بودن این تفسیر از پیچیدگی‌هایی که در سایر کتب تبیین‌کننده آیات الاحکام وجود دارد را از امتیازات این تفسیر بر شمرده‌اند و نیز دقت‌های فقهی استاد انصاریان را در دارا بودن شم فقه جواهری ایشان ارزیابی کرده‌اند؛ با ایشان پیرامون این موضوع و نیز شخصیت استاد انصاریان به گفت‌وگو نشستیم.

### ● ابتدا درباره آیات الاحکام مقدمه‌ای را مطرح فرمایید.

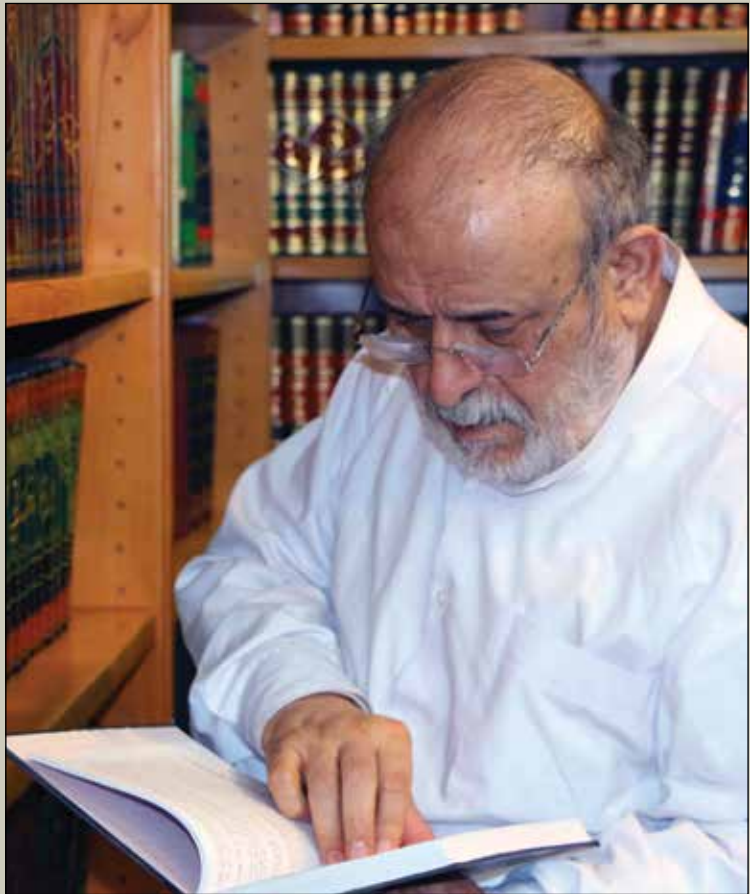
مسئله آیات الاحکام در حقیقت بخشی از تفسیر موضوعی قرآن است، منتهی مفسرین مامخصوصاً آنهایی که سابقه فقهی داشتند به این موضوع خاص اهتمام بیشتری ورزیدند، مثلاً علامه مجلسی شاید جزء اولین کسانی بوده که به تفسیر موضوعی پرداخت و در بحار الانوار هر بابی که می‌رسیده آیات مربوط به آن باب را دسته‌بندی می‌کرد.

یکی از برکات انقلاب اسلامی این بود که به مسئله تفسیر موضوعی اهمیت بیشتری داده شده و عده‌ای از بزرگان حوزه همچون آیات عظام جوادی آملی و مصباح و سبحانی به تفسیر موضوعی اهمیت ویژه‌ای دادند و هر کدام موضوعاتی از قرآن را تفسیر کردند اما مسئله پرداختن به آیات الاحکام از قدیم الایام بین فقهای ما مرسوم بوده مثل فاضل مقداد و مقدس اردبیلی، و از متأخرین هم عالمی به نام جزایری به آیات الاحکام پرداخته‌اند. در عصر اخیر ما هم به مناسبت اینکه حوزه اهمیت بیشتری به این بحث داده عده‌ای از آقایان مشغول نوشتن آیات الاحکام

شم فقهی  
ایشان همان فقه  
جواهری و فقه  
سننی است یعنی  
با ملاحظه مباحث  
فقهی ایشان این  
مطلب استفاده  
می‌شود که بر  
منهج فقه سنتی  
مباحث را منقح  
نموده‌اند.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا



### توضیح فرماید.

شم فقهی ایشان همان فقه جواهری و فقه سنتی است، یعنی با ملاحظه مباحث فقهی ایشان این مطلب استفاده می‌شود که بر منهج فقه سنتی مباحث رانمق کرده‌اند و نکته مهم در مباحث فقهی که توسط ایشان بحث شده، پاسخگویی به شبهات روز مطرح شده خصوصاً در فضاهای مجازی است. نتیجه اینکه ضمن مراعات سبک فقه سنتی که حضرت امام از آن به فقه جواهری تعبیر فرمودند به شکلی مطالب را تبیین کرده که شبهات حول موضوع مورد بحث پاسخ داده شود و برای مخاطب جای هیچ اشکالی باقی نمی‌ماند. و اما پیرامون آیات الاحکامی که ایشان در تفسیرشان طرح موضوع کرده‌اند باید گفت که ضمن تبیین نکات فقهی از حقیقتی که مفسران دیگر کمتر به آن توجه کرده‌اند غفلت نشده و به نحوی شایسته به آن پرداخته شده است و آن تبیین بعد اخلاقی یا اعتقادی و یا معارفی آیات الاحکام است که به شیوه‌ای صحیح بیان شده است. به نظر من این شیوه تبیین و تفسیر آیات الاحکام، شیوه‌ای جدید در تبیین آیات الاحکام است که باید حوزه به آن توجه بیشتری کند و امیدواریم به همین ترتیب این تفسیر کامل شود.

### ● اگر نکته دیگر پیرامون زندگی استاد انصاریان در ذهن دار بد بفرمایید.

یکی از نکاتی که به نظر من در توفیقات ایشان بسیار مؤثر بوده همان قضیه دعایی است که مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری رضوان‌الله تعالی علیه در خردسالی برای ایشان داشتند و برایشان دعا کردند. همچنین نسل و خاندان ایشان و پدر و مادر شایسته بسیار تأثیر گذار در وجود ایشان و توفیقاتشان بوده است.

یکی از متدینین خوانسار مرحوم حاج میرزا حسن شفیعی می‌گفت: خواب دیدم گروهی به سمت کربلا می‌روند تا خدمت امام زمان (عج) مشرف شوند و پرچم‌دار این گروه حاج آقای انصاریان هستند. امیدواریم خداوند طول عمر و سلامتی و توفیق روزافزون به ایشان عنایت کند. من بعد از دیدن تفسیر ایشان بر آیات الاحکام تصمیم گرفتم بقیه تفسیر و نوشته‌های ایشان را مطالعه و استفاده کنم. اگر بخواهم در یک جمله ایشان را توصیف کنم چنین باید گفت که حاج آقای انصاریان شخصیتی جامع با همه ابعاد معنوی است و با دیدن و ارتباط با شخصیت‌های معنوی مختلف و اهل باطن خود ایشان نیز در مسیر سیر و سلوک قرار دارند و اهل باطن هستند که واقعاً دارد که از محضر و معنویت او همه استفاده کنیم.

است که ضمن تبیین جهت فقهی آیه که در امتیاز اول گذشت، آیات الاحکام را از انحصار در حوزه و طلاب بیرون کشیده و در هر مسئله‌ای جنبه معارفی و استدلالی و رفع شبهات پیرامون آن موضوع را نیز بیان کرده‌اند. مثلاً پیرامون موضوعاتی که ارتباط با خانواده داشته و برخی از احکام آن را بیان می‌کند مانند نکاح، طلاق، حجاب و ... انصافاً ایشان بسیار خوب و روان مطالب را بیان کرده‌اند و بسیاری از جمله‌هایی که پیرامون این موضوعات مطرح شده است را پاسخ داده و مغالطه‌ها و فلسفه‌بافی‌ها را به خودشان برگردانده‌اند.

امتیاز دیگر این تفسیر در بحث آیات الاحکام بررسی بعد اخلاقی آیات است که در هر بابی که ورود پیدا کرده‌اند به جنبه اخلاقی آن موضوع نیز از دیدگاه آیات و روایات پرداخته‌اند، لذا در یک آیه سه بعد فقهی، رفع شبهات پیرامون موضوع و اخلاقی را در نظر گرفته‌اند. امیدواریم این تفسیر یکی از تفاسیر ماندگار باشد.

### ● پیرامون استفاده‌های فقهی استاد انصاریان از آیات الاحکام و شم فقهی ایشان

و در هنگام مطالعه این تفسیر به این نتیجه رسیدم که تفسیر آیات الاحکام ایشان امتیازاتی دارد که در زیر آنها را شرح می‌دهم؛

۱. تفسیر این آیات با بیانی روان و گویا و جذاب مخاطب را در جریان نکات فقهی آیه و شأن نزول قرار داده به گونه‌ای که مخاطب به راحتی متوجه می‌شود که این آیه چه حکمی از احکام فقهی را بیان کرده است و با فضا سازی برای مخاطب خصوصاً مخاطبی که ذهنش با اصلاحات مأنوس نیست، مانند اساتید دانشگاه و ... نکات فقهی دقیقاً تبیین می‌شود و ضمن رعایت جنبه فقهی آیه و تبیین غوامض آن با بیانی روان از پیچیدگی‌هایی که در سایر کتب تبیین کننده آیات الاحکام است به دور است که واقعاً این امتیاز برجسته‌ای است.

۲. قبل از بیان امتیاز دوم این نکته را متذکر می‌شوم که مرحوم شهید مطهری می‌فرمود: من اگر گاهی اوقات کتاب فقهی نوشته‌ام، انگیزه اصلی من نهادن دید فقهی صرف نبوده، بلکه دفاع از معارف و عقاید و اصل اسلام و رفع شبهات پیرامون آن موضوع بوده است که پشتوانه‌ای برای ترویج فرهنگ و معارف دین باشد.

به نظر من حاج آقای انصاریان هم همین شیوه را با مدلی دیگر در پیش گرفته‌اند که این امتیاز دوم



آیت‌الله ابن‌الرضا:

# توفیقات استاد انصاریان نتیجه‌پشتوانه علمی و توسل خالصانه به ائمه (ع)

ایشان شخصیت  
جامعی در علوم  
و معارف حوزه  
است و در فلسفه  
و عرفان و فقه و  
اصول و قرآن و  
حدیث زحمت  
کشیده‌اند.

رسیدن به درجات عالی علمی و عملی محصول تلاش‌های خالصانه‌ای است که هر فرد در مسیر زندگی خود انجام می‌دهد؛ آیت‌الله حاج سید محمد ابن‌الرضا مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم بر این نظر است که اندیشمند محقق استاد حسین انصاریان به واسطه پشتوانه‌ای علمی و زحمات فراوانی که در مسیر دانش پژوهی متحمل شده است؛ تمسک و توسل و توجه به ذکر مصائب اهل‌بیت (ع) به درجات ارزشمند علمی و عملی نائل شده‌اند؛ گفت‌وگوی تحریریه رایحه با ایشان از نظر تان می‌گذرد.

## ● لطفاً نظر تان را درباره استاد انصاریان و موفقیت ایشان با توجه به پیشینه خانوادگی استاد بگوئید.

خاندان انصاریان، یکی از خانواده‌های اصیل، ریشه‌دار و مطرح در خوانسار بوده و هستند. جد اعلای آنان شیخ ابا عدنان است که شخصیتی بزرگ و از عرفای شیعه بوده که نسب‌شان به جابر بن عبدالله انصاری رحمه‌الله علیه‌می‌رسد که نشانگر اصالت خانوادگی غنی ایشان است. این خاندان چون اشخاص بزرگ و محترمی بودند به «خاندان شیخ» معروف هستند، پدر استاد حسین انصاریان مرحوم حاج محمدباقر و عموهای ایشان مرحوم حاج محمد مهدی و حاج محمد صادق، متدین و پاک و بی‌آلایش بودند. اخوان معظم ایشان نیز هر یک از نظر فضل و کمال مراتب بالایی دارند. آقا زاده‌های ایشان هم عالم، فاضل و مدرس حوزه هستند و آینده بسیار درخشانی خواهند داشت. پدر بزرگ ایشان مرحوم حاج میرزا رحیم بودند که به اعتبار همان

خاندان شیخ به حاج شیخ معروف بودند. من از آقا بزرگ مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی ابن‌الرضا (ره) شنیدم که می‌فرمود: «حاج میرزا رحیم از مقدسان و معتمدان بازار خوانسار و خیلی مسئله‌دان بود که مردم به او مراجعه می‌کردند و مسائل شرعی‌شان را از او می‌پرسیدند». مرحوم آیت‌الله العظمی حاج شیخ موسی خوانساری (ره) که فقیه بسیار برجسته و محرم اسرار مرحوم آقا سید ابوالحسن (ره) و مرحوم نائینی (ره) بودند نامه‌هایی به حاج میرزا رحیم نوشته‌اند که بررسی آنها جایگاه ایشان را بیشتر مشخص می‌کند از نظر مادری نیز نوه مرحوم حاج سید محمد باقر مصطفوی هستند که بسیار متدین، مذهب، پاک و بی‌آلایش بودند.

استاد انصاریان فرمودند: «پدرم من را خدمت مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدعلی ابن‌الرضا می‌آوردند» و خاطره زیارت وارثی که آقا بزرگ شب‌های جمعه به حالت ایستاده رو به قبله قرائت می‌فرمودند را نقل می‌کنند که برای ایشان اثر گذار بوده است، کما اینکه پدر بزرگ ایشان از شاگردان مرحوم آیت‌الله آقا میرزا محمود ابن‌الرضا جد ما بودند و در جلسات تفسیر و اخلاق و نیز نماز جماعت‌شان شرکت می‌کرد.

این جایگاه خانوادگی ایشان و پاکدامنی مادر و لقمه حلال پدر و توجه والدین به امور معنوی خصوصاً مجالس حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و توجه به این مطلب که فرزندان را با محبت اهل‌بیت (ع) تربیت کنند و نیز ارتباط با اساتید و بزرگانی همچون مرحوم حاج شیخ علی‌اکبر برهان و مرحوم حاج شیخ عباس طهرانی و مرحوم الهی قمشاهی و مرحوم لاله‌زاری (ره) و دیگر اساتید باعث شکل‌گیری شخصیت ایشان شده است.

## ● نظر تان درباره ابعاد علمی ایشان چیست؟

از نظر علمی نیز ایشان بسیار زحمت کشیده و کار کرده‌اند و از آثار ایشان مشخص است که عمیق و دقیق مطالب را بررسی کرده‌اند. نکته مهم این است که حجاب معاصرت مانع از آشکار شدن شخصیت واقعی ایشان است. علمای طراز اولی چون مرحوم آیت‌الله العظمی آقا حاج سید احمد خوانساری به خط و انشاء خود و مرحوم آیت‌الله العظمی آخوند همدانی و مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی و مرحوم آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای برای ایشان اجازه علمی و روایی صادر فرموده‌اند که بسیار جالب است. من صبح‌ها قرآن



آش

## اعمال انسان در گرو قلب اوستقبر

امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «الایمان شجرة»؛ ایمانی که در سرزمین وجود مومن است، درخت پر قیمتی است؛ یک درخت عظیم معنوی و بارزش ملکوتی است؛ «اصلها یقین»، ریشه این درخت باور است؛ ظرف باور و یقین در وجود انسان قلب است و به دیگر اعضا و جوارح راه ندارد؛ قرآن و روایات ارزش سنگینی برای قلب قائل هستند؛ تمام خوبی‌های انسان و همه زشتی‌ها و بدی‌های انسان در گرو قلبش است؛ در آیه‌ای از سوره شعراء درباره قیامت آمده است: «یوم» یوم یعنی آن روز؛ روزی است که «لا ینفع مال و لاینون». روزی که مال و فرزند برای انسان در قیامت سودی ندارد.

قیامت برای مرد و زن چه سرمایه سودمند و عامل نجاتی است؟

پروردگار می‌فرماید: «الا من اتی الله بقلب سلیم» مگر اینکه در قیامت کسی بیاید که دل با ایمان، قلب با یقین، دل بی‌کینه، دل بی‌بخل، دل بی‌حرص، دل بی‌طمع همراه داشته باشد، نه اینکه من برایش بی‌اورم؛ «اتی الله بقلب سلیم» به این معنی که این دل را در دنیا ساخته باشد و در سلامت کامل غرقش کرده باشد، خودش بردارد و برای من بی‌آورد. این دل سبب ورود در بهشت، آمرزش گناهان گذشته، رحمت پروردگار و رضوان الهی است.



و ذکر مصائب اهل بیت (ع) می‌دانم. این توسل با اخلاص است که موجب شده این دریچه‌ها برایشان باز شود و سبب شده که قرآن و روایات را زیبا تفسیر و ترجمه کنند.

ایشان شخصیت اثرگذاری برای باز گرداندن خارج شدگان از مسیر دین بوده و هستند و افراد بسیاری به دست ایشان توبه کرده‌اند. خیلی از بزرگان هستند که به حد مرجعیت هم رسیدند و از نظر فقاقت شاید افقه الناس هم باشند، اما نمی‌توانند تماسی با کسی داشته باشند، اما این توفیق را خداوند به استاد انصاریان عنایت کرده است. خاطره‌ای در مشهد اتفاق افتاد و آن اینکه روزی به اتفاق ایشان از منزل مرحوم «حاج آقا رضا انصاریان» به سمت منزل ابوالزوجه آقای «بنی هاشمی» می‌رفتیم. بین راه ایشان گفتند که من در این خانه کاری دارم. جلوی آن منزل با شخصی صحبت کردند، بعد فرمودند: «این آقا برای شرکت در دعای عرفه آمده است. روزی صدای منبر را شنیده بود و منقلب شده و خانواده او هم که اهل رعایت نبودند توبه کرده‌اند». اتفاقاً من هم در دعای عرفه شرکت کردم و آن شخص رانیز دیدم که حال التجاء و توجه به حضرت حق و انابه عجیبی داشت. برخی دیگر از دوستان ایشان که با ما نیز مرتبط شدند می‌گفتند: «ما توسط حاج آقا، هدایت شده‌ایم و هر چه داریم از حاج آقا است».

● **ظرفیت استفاده از آثار ایشان چگونه است و آیا همه مردم می‌توانند از آثار ایشان استفاده کنند؟**

قابل توجه است که از مطالب ایشان، هم مبتدی استفاده می‌کند و هم منتهی. زمانی منزل ما

را با ترجمه ایشان می‌خوانم و دقت می‌کنم و متوجه می‌شوم که در ترجمه خیلی دقت کرده‌اند و ترجمه مفاتیح و نهج البلاغه و صحیفه هم همین‌گونه است.

روشن است که هر کس در این وادی قدم بگذارد خیلی باید کار بکند. اهل علم اگر هر کدام فقط یک صفحه از این کتاب‌ها را بخوانند ترجمه کنند متوجه می‌شوند که چه مقدار دقت و پشتوانه علمی برای آن لازم است. دیگر آثار ایشان که هر کدام مزایای خاص خود را دارد مانند ترجمه اصول کافی که اخیراً مطلع شدم که انجام شده است و یا تفسیر قرآن کریم و تفسیر صحیفه سجاده و دیگر آثار که همه اینها کافی است برای فضل و کمال ایشان. هنگامی که این زحمات با حال معنوی و اهل و لاء بودن و راهیابی به این مقام و نوکری اهل بیت (ع) و به خصوص نوکری وجود مقدس حضرت اباعبدالله الحسین (ع) انجام پذیرد، این دیگر یک چیز استثنایی می‌شود که کاشف است از این که ایشان مورد توجه خاص قرار گرفته‌اند.

ایشان شخصیت جامعی در علوم و معارف حوزه است و در فلسفه و عرفان و فقه و اصول و قرآن و حدیث زحمت کشیده‌اند. ثمره این زحمات در سخنرانی‌ها و آثار ایشان کاملاً مشخص است، به ویژه که در بحث‌های خود محور را آیه یا روایتی قرار می‌دهند و در کنار آن با استفاده از قرآن و عترت، معارف را به بهترین شکل بیان می‌کنند. به ایشان هم عرض کردم که لذت می‌برم که شما در هر منبری که تشریف می‌برید، از این سبک استفاده می‌فرمایید. این بهترین برنامه برای بیان معارف است. البته باید توجه داشت که عمده توفیقات ایشان را من از همان حال و توسل

و کثرت مطالعه، رمزی از رموز موفقیت ایشان است که باعث تسلط بر مطالب و تکراری نشدن موضوعات سخنرانی است.

این استاد حوزه ادامه داد: در موارد مختلفی دقت و عمق کار ایشان را ملاحظه کرده‌ام. زمانی در خوانسار تشریف داشتند و مشغول نوشتن تفسیر بودند. با جمعی از فضلاء حوزه خدمتشان رفتیم و عرض کردم: «آقا چه می‌نوشتید می‌شود برای ما بگویید؟» فرمودند: «بله، برایتان بخوانم؟» گفتیم: «بخوانید»، ایشان دفترشان را آوردند و مطالبی را که در همان روز نوشته بودند خواندند و متوجه شدم که نقد مطلبی از تفسیر «المیزان» است. گفتم: «جازه بدهید من تفسیر المیزان را هم ببینم که مطلب چه بوده؟» در حضور فضلاء دیگر مطلب تفسیر المیزان را بررسی کردیم و متوجه شدیم نقد ایشان بر تفسیر المیزان وارد است که البته ایشان با نهایت ادب تبیین زیبایی از موضوع کرده بودند که برای من و همه حضار بسیار جالب و شیرین بود.

روزی حجت‌الاسلام والمسلمین صابریان که در موسسه دارالعرفان مشغول هستند و بسیار دقیق و فاضل و ادیب و از همه جهت شایسته و از فارغ‌التحصیلان حوزه خوانسار نیز هستند در ایام تابستان به خوانسار آمده بودند و مشغول کار تحقیق در حوزه بودند. من در اناقم مشغول کار بودم و ایشان هم در اناقم دیگری بود. سر زده پیش ایشان رفتم و گفتم: «آقای صابریان چه کار می‌کنی؟» گفت: «مشغول ویرایش و تحقیق کتاب اهل بیت عرشیان فرش‌نشین هستم».

دیدم مشغول کار روی روایتی هست که روایت دقیقی بود و حاج آقای انصاریان در آن کتاب آورده و ترجمه کرده بودند. گفتم: «این صفحه را می‌شود به من بدهید؟» گفتند: «بفرمایید». به اناقم خودم برگشتم شاید نیم ساعت روی این روایت کار کردم که ببینم چیزی می‌توانم تغییر دهم، دیدم نمی‌شود. خیلی خوشم آمد و خدا را شکر کردم. مسلماً کسی که برای اهل بیت(ع) تواضع می‌کند درها برایش باز می‌شود. عملاً هم مشخص است که هر چه ما به اهل بیت(ع) نزدیکتر شویم و خودمان را نسبت به آنها خاک بدانیم و تواضع داشته باشیم در عوض خداوند هم راه‌ها را برایمان باز می‌کند. من واقعاً توفیقات بزرگی برای ایشان می‌بینم و همه هم در پرتو عنایات اهل بیت(ع) است.

یکی دیگر از نکاتی که از آثار ایشان به دست آوردم و الهام گرفتم، مطلبی در کتاب زیبایی‌های اخلاق ایشان است که ضمن موضوعی، اخلاق را



درس معارف و حیانی است که دارای مطالب ارزنده و تأثیرگذار و با آرایش هنرمندانه است و این حقیقت مهم، درسی بزرگ برای حوزه است که جایش خالی است و حوزه باید دارای چنین جایگاهی باشد. من مشاهد مشرف شده بودم و خدمت ایشان رفتم و دیدم مشغول کار هستند و چهار دفتر جلوی ایشان است. تعجب کردم و گفتم: «حاج آقا اینها چیست؟» گفتند: «اینها مطالب منبر است». با تعجب پرسیدم: «مگر می‌نویسید؟» گفتند: «بله من منبری را که ننویسم نمی‌روم»، گفتم: «یعنی شما تا حالا هر چه منبر رفتید نوشته‌اید؟» گفتند: «بله من تمام آنچه را که منبر می‌روم می‌نویسم»، بعد گفتند: «می‌خواهی من دفتر خوانسار را بیاورم که ببینید من در آنجا چه گفته‌ام؟ من منبر تکراری نمی‌روم و این چهار دفتر برای چهار منبری است که در مشهد ایراد می‌شود». مسلماً جدیت در کار

منبر می‌رفتند آقا بزرگم می‌فرمودند: «برخی منبر عوامانه دارند و برخی منبر خاص، ولی منبر برخی دیگر خاص الخاص است، آقای انصاریان منبرهای خاص الخاص می‌رود. اما در عین حال که منبر خاص الخاص می‌روند، ولی مردم عوامی هم که پای منبر می‌نشینند استفاده خودشان را می‌برند». این خیلی جالب و هنرمندانه است که تا کسی خود وارد نشود متوجه نمی‌شود. به نظر من ایشان در سخنرانی و ارائه مطالب صاحب یک مکتب است و با این مکتب افراد زیادی را تربیت کرده‌اند و خیلی کم اتفاق می‌افتد کسی با ایشان باشد و تربیت و متأثر از افکار ایشان نشده باشد. اگر جایگاه استاد انصاریان مشخص شود، در آن وقت جایگاه منبر حقیقی مشخص شده است و افراد بی‌مایه و بی‌سواد دیگر جایگاهی در این عرصه ندارند. منبر ایشان منبر متعارف نیست، بلکه کلاس

واقعا باید طلاب  
و فضلاء زندگی  
ایشان در تحصیل  
علم و اخلاص  
در عمل و توسل  
به اهل بیت  
علیهم السلام و  
جدیت و کوشش  
و تلاش را الگوی  
خود قرار دهند  
که بحق می‌توان  
گفت ایشان  
عالمی‌واله و شیدا  
و عاشق اهل  
بیت بالخصوص  
حضرت سید  
الشهدا علیه  
الصلاة والسلام  
است.



## ویژه‌نامه آشنای ناآشنا



## کل عالم فقیر امیرالمومنین (ع) است

هفت سال برای منبر به لندن می‌رفتیم؛ یکی از اساتید علمی معتبر انگلستان، تازه کتابش در ۵۰۰ صفحه چاپ شده بود؛ اول کتابش نوشته بود: من این کتاب را برای پاسخ گرفتن از عقل بشر، مخصوصاً از عقل مسلمان‌های غیر شیعه نوشتم و در این ۵۰۰ صفحه سعی کردم یک آیه قرآن یا یک روایت هم نیآورم تا کسی نگوید برای چه بحث را به قرآن و روایت متکی کردی؛ من فقط یک بحث انسانی و علمی درباره علی بن ابی طالب (ع) دارم.

او در این ۵۰۰ صفحه از عقل، آراء و نظریات امیرالمؤمنین نسبت به همه امور، مطالب بسیار ریشه‌داری را نوشته و نتیجه گرفته است که آیا بعد از درگذشت پیغمبر (ص)، رشته کار این امت را باید به حضرت امیر (ع) می‌دادند یا به دیگری؟ می‌گوید: هر کسی بعد از رحلت پیغمبر با بودن امیرالمؤمنین، در هر خانه‌ای را بزند، انحرافی در زده است.

در اهل تسنن درباره امیرالمؤمنین (ع) جملات شگفت‌آوری داریم. یکی اینکه خلیل بن احمد می‌گوید: «احتیاج الكل الیه»، تمام موجودات، فرشتگان و مردم تا قیامت به علی بن ابی طالب (ع) نیازمند هستند؛ و «استغناء عن الكل»، ولی امام در هیچ چیزی به کسی نیاز ندارد؛ نه در علم و عقل و نه در رای، تربیت و نظر؛ او بی‌نیاز از کل و کل عالم فقیر علی (ع) است.

مشهد که خوانساری بودند مهمان شدیم. صاحبخانه عبارتی از من سؤال کرد و من جواب دادم، از یکی دیگر از اقوام سؤال کرد، او درست جواب نداد. صاحبخانه ما را تشویق به تحصیل علوم حوزوی کرد، بعد از جلسه به حرم مشرف شدم و از حضرت امام (رضاع) خواستم که عنایتی کنند. هنگام مراجعت به خوانسار، استادانصاریان در خوانسار سخنرانی می‌کردند، من هم در آن مجلس شرکت می‌کردم. با شنیدن مطالب اثرگذار ایشان تصمیم گرفتم که طلبه شوم.

### ● سطح مباحثی را که از ایشان خوانده و

#### شنیده‌اید چطور ارزیابی می‌کنید؟

مباحثی که از ایشان پیرامون اهل بیت (ع) در سخنرانی‌ها و کتاب‌هایشان دیده‌ام و نیز مطالبی که پیرامون توجه به حضرت حق و توحید و اعتقاد به وحدانیت از ایشان شنیده‌ام یا خوانده‌ام بسیار فنی و علمی است و با حال معنوی ویژه‌ای بحث کرده‌اند. بحث‌های زیبا و دقیق و شیوایی در مورد اهل بیت (ع) و دفاع از حضرت فاطمه زهرا (س) و آقا امیرالمؤمنین (ع) نوشته و یا ایراد کرده‌اند و یا در رد وهابیت جزوه‌ای از ایشان دیدم که در شبکه «ولایت» بحث کرده بودند که بسیار متناسب و دقیق بود. خصوصاً که استنادات بسیار قوی و دقیقی داشت، مجموعاً ایشان بسیار وارد و مؤثر و در هر بحثی که وارد می‌شوند؛ چون دست‌مایه‌اش را دارند و ملاً هستند و پر مطالعه، خیلی زود می‌توانند به نتیجه برسند، ایشان درس زیاد خوانده‌اند و محضر اساتید بزرگی را درک کرده‌اند، اما به همین بسنده نکرده و مطالعه زیادی در علوم مختلف داشته‌اند که می‌توان علاوه بر جنبه‌های علمی و تألیفات ارزنده به جلسات درس تفسیر قرآن و نهج البلاغه ایشان در حوزه علمیه‌ای اشاره کرد.

اجمال مطلب اینکه ایشان چون به خصوص وارد تفسیر قرآن و شرح روایات شده‌اند از نظر علمی جایگاه خیلی بالایی پیدا کرده‌اند و برای کسانی که توفیق بهره بردن از ایشان را دارند مطالب بسیار مهم و جدید و ارزنده‌ای ارائه می‌کنند. امیدوارم خداوند متعال به ایشان توفیق و طول عمر بدهد و به برکاتشان روز به روز بیفزاید. واقعا باید طلاب و فضلا زندگی ایشان در تحصیل علم و اخلاص در عمل و توسل به اهل بیت (ع) و جدیت و کوشش و تلاش را الگوی خود قرار دهند که به حق می‌توان گفت ایشان عالمی واله و شیدا و عاشق اهل بیت (ع) به خصوص حضرت سید الشهدا (ع) هستند.

بستر اجرای احکام در جامعه معرفی کرده‌اند؛ مثلاً رابطه کبر با ترک نماز، یا جود را با عبادات مالی و تواضع را با اقامه عباداتی، مثل نماز و روزه و از این قبیل مسائل مطرح کرده‌اند که بعد که در جلسه‌ای خدمتشان رسیدم از ایشان خواستم که به این موضوع به تفصیل پرداخته شود که مطلب بسیار مهمی است.

من از ایشان الهام گرفتم و در بحث‌های خودم در ایام عاشورا استفاده کردم و دیدم خطبه‌های وجود مقدس آقا اباعبدالله (ع) چه پيامی دارد. آن وقت که حضرت خطبه خواندند و فرمودند: «سکوت کنید». اما سکوت نکردند و بعد فرمودند: «ملئت بظونکم من الخرام»، تذکر دادند در واقع مقصر اصلی که گوش نمی‌کنید این است که از لقمه حرام استفاده کرده‌اید؛ یعنی لقمه حرام انسان را امام کش می‌کند و روی اعتقادات اثر می‌گذارد.

حضرت در جای دیگری فرمودند: «اگر انصاف به خرج بدهید و به حرف‌های من گوش کنید، می‌فهمید که من مستوجب قتل نخواهم بود». معلوم می‌شود کسی که انصاف نداشته باشد لجبازی می‌کند و امام کش می‌شود.

یکی از چیزهایی که ایشان خیلی بر آن تأکید دارد و جالب است، بی‌اختیار بودن ایشان در مصیبت اهل بیت (ع) به خصوص مصیبت آقا اباعبدالله (ع) است؛ دیگر خودش نیست و اگر آن حالت ایجاد شود دیگر کسی نمی‌تواند ایشان را کنترل کند. این حال را در مجالس عاشورای ایشان از طریق شنیدن صوت و نیز بعضی از مجالس در مشهد و قم و خوانسار که خدمتشان بودیم حس کرده‌ام. هر مقداری که انسان به اهل بیت (ع) نزدیک شود، آن حضرات عنایت بیشتری می‌کنند. آنها اهل کرم هستند، ما فقط باید خودمان را نزدیک کنیم و نسبت به اهل بیت (ع) بی‌اختیار شویم، دیگر از خودمان اراده و منیتی نداشته باشیم. ایشان نسبت به ائمه معصومین (ع) خصوصاً حضرت اباعبدالله (ع) همین حالت را دارند.

پدرم، آیت‌الله حاج آقا مهدی ابن الرضا می‌فرمودند: «شسی در عالم رؤیا حضرت سیدالشهدا (ع) را در چهره استادانصاریان دیدم، حالت عجیبی بود که در ایشان بروز کرده بود». محبت و علاقه به حضرت در گوشت و پوستشان جا گرفته است و این خود دلیلی مهم بر اثرگذاری کلام ایشان است. من خودم از کسانی هستم که ایشان روی من تأثیر گذاشت. من حدود سیزده سال داشتم که در معیت آقا بزرگم به مشهد مشرف شده بودیم و در منزل یکی از محترمان

آیت‌الله‌حاج‌شیخ‌محمدجوادفاضل‌لنکرانی:

# شخصیتی مطرح در تألیف و تحقیق

آیت‌الله‌حاج‌شیخ‌محمدجوادفاضل‌لنکرانی از اساتید مطرح درس خارج فق و اصول در حوزه علمیه قم معتقدند که حضرت استاد حسین انصاریان دارای مراتب علمی بالا و تالیفات و تحقیقات ارزشمندی در علوم حوزوی است؛ بهره‌مندی از بنیان علمی درست و تلمذ در محضر اساتید و فقهای بزرگ، تسلط به معارف قرآنی، برخورداری از اعتقادات اصولی و محکم در مبانی کلامی، پرهیز از تمجید دیگران و شجاعت در بیان و قلم از جمله صفاتی است که آیت‌الله‌فاضل‌لنکرانی پیرامون حضرت استاد بیان کرده‌اند.

مرحوم‌والد‌ما  
معتقد‌بودند  
که‌آقای‌انصاریان  
به‌خوبی  
می‌تواند‌نکات  
بدیعی‌از‌آیات  
استخراج‌نماید‌و  
این‌مسئله‌خیلی  
مهمی‌است‌واقعا  
ایشان  
از‌شخصیت‌های  
منحصر‌به‌فرد  
در‌دوران‌ما  
هستند.

## ● مهمترین ویژگی‌های استاد حسین

### انصاریان از منظر شما چیست؟

استاد حسین انصاریان از نظر علمی مراتب بالایی دارد و از جهت منبر در صدر خطبای دوران و در تالیف و ترجمه متون اصلی دین از شخصیت‌های بسیار مطرح است که همه امور این حاصل توفیقی است که خدای تبارک و تعالی نصیب ایشان کرده است.

استاد انصاریان امروز به عنوان یک شخصیت روحانی مطرح در داخل و خارج از کشور و از چهره‌های مشهور در تبلیغ و بسیار مطرح در امر تألیف و تحقیق هستند. شخصیتی که در متون دینی؛ مثل قرآن کریم، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه گام‌های بسیار بزرگی را برداشتند.

ایشان در دوران تحصیلی در حوزه علمیه، درس را با جدیت خواندند و نزد اساتید بزرگ تلمذ کردند. یکی از اساتید بزرگ ایشان مرحوم‌والد‌ما آیت‌الله‌العظمی‌فاضل‌لنکرانی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) است. ایشان چهره‌ای است که بنیان علمی خوبی دارد و مایه‌های علمی‌اش در حوزه علمیه به خوبی شکل گرفته است و این مایه‌های علمی را نزد اساتید بزرگ و فقهای برجسته، اندوخته است.

استاد انصاریان به مقتضای اینکه به دنبال این بوده‌اند که از علم خود برای هدایت جامعه و خصوصاً برای راهنمایی نسل جوان استفاده کنند منصب تبلیغ، وعظ و خطابه را اختیار کردند و یکی از سرمایه‌های بزرگ شیعه در امر تبلیغ محسوب می‌شوند. واقعا می‌توانیم بگوییم با توجه به اینکه در امر تبلیغ شیعه سرمایه‌های بزرگی در هر قرن وجود داشتند، استاد انصاریان از سرمایه‌های بزرگ شیعه در قرن حاضر در مسئله وعظ، تبلیغ و خطابه است. ایشان معارف قرآنی و دینی را با بهترین بیان و با لطیف‌ترین تعبیرات در اختیار مردم و مخاطبان قرار می‌دهند. برای مخاطب و مستمع ایشان روشن است که قبل از بیان، این مطالب مورد عمل خود ایشان قرار گرفته است. همچنین مشخص است که آنچه که ایشان می‌گویند قبل از آن که بخواهد اعتقاد مستمع را زیاد کند اعتقاد خودش قوی‌تر و محکم‌تر می‌شود. این بسیار مهم است که معلوم باشد چه اندازه خطیب و سخنران نسبت به آنچه بیان می‌کند - چه در مسائل اعتقادی و چه در مسائل اخلاقی و تربیتی - عامل است. واقعا من خودم آن اخلاص را، در مرتبه بسیار بالایی در استاد انصاریان و در سخنرانی‌هایشان مشاهده کردم و مردم





### تسلط بر مباحث علمی

یکی از ممیزاتی که ایشان دارند این است که انسان می‌فهمد که در منبر و سخن و خطابه و تألیفات، با تسلط بر مباحث علمی مطلب را ارائه می‌دهد و گاهی اوقات هم انسان می‌بیند که در مباحث، ظهور و بروز بسیار خوبی دارد. نکته دیگر اینکه توصیه‌ای که مرحوم والد نسبت به نوشتن تفسیر به ایشان می‌نماید کاشف از این مطلب است که برای مرحوم والد ما محرز بوده است که استاد انصاریان توانایی نوشتن تفسیر را دارد و مرحوم والد ما معتقد بودند کسی می‌تواند تفسیر بنویسد که بر ابعاد مختلفی از علوم احاطه داشته باشد و کسی که مثلاً در برخی از علوم اطلاعات اجمالی دارد نمی‌تواند در تفسیر وارد بشود. ایشان معتقد بودند که استاد انصاریان به خوبی می‌تواند نکات بدیعی از آیات استخراج نماید و این مسئله خیلی مهمی است. واقعاً ایشان از شخصیت‌های منحصر به فرد در دوران ما هستند.

نکته دیگر اینکه بین استاد انصاریان و پدرم فراتر از ارتباط دینی و علمی، ارتباطی محکم و صمیمی وجود داشت؛ اولاً مرحوم والد ما نسبت به ارزش ایشان بسیار اذعان داشتند. به یاد دارم در ایامی که پدرم در یزد در تبعید بودند کتاب «مدخل التفسیر» خود را به استاد انصاریان دادند که ایشان ملاحظه‌ای کنند و همان موقع از ایشان خواستند مقدمه‌ای هم بر آن کتاب بنویسند. جلسات خصوصی بین مرحوم والد و ایشان زیاد بود و استاد انصاریان از این جلسات خصوصی خاطرات فراوانی دارند. زمانی که مرحوم والد در یزد تبعید بودند ایشان آنجا منبر می‌رفتند و با مرحوم والد ارتباط زیاد داشتند. واقعاً ایشان عنایت خاصی به آقای انصاریان داشتند و ایشان

ما هم به همین اذعان دارند. یک شرط بسیار مهم برای سخنران و خطیب این است که برای خدا بگوید و برای خدا فریاد بزند و برای خدا مردم را هدایت کند و در این جهت استاد انصاریان بسیار موفق بوده‌اند.

در اجازه روایی که مرحوم والد ما به ایشان اعطا کردند از ایشان به عنوان فردی که «لا یخاف فی الله لومة لائم» است تعبیر کرده‌اند. این بسیار تعبیر مهمی است؛ یعنی استاد انصاریان برای بیان حقایق دینی دنبال تعریف و تمجید دیگران نیست و دنبال این نیست که مسئولان یا اقشار مختلف نسبت به آنچه که ایشان بخواهد بگوید راضی باشند و تمجید و تقدیر کنند و از ملامت آنها هم هیچ گونه باکی ندارد، وظیفه بین خودش و خدا را انجام می‌دهد و این یکی از شرایط بسیار مهم است.

### اخلاص، نسبت به حضرت اباعبدالله الحسین (ع)

یکی از ویژگی‌های خاص ایشان اخلاص، به خصوص نسبت به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و بکاء و حالاتی است که در مصائب اهل بیت (ع) دارند. خطبای ما - کثر الله امثالهم - هم مصیبت می‌خوانند و نسبت به اهل بیت (ع) اظهار ارادت و اظهار ناراحتی و اندوه دارند، اما جناب آقای انصاریان در عمق مصیبت قرار می‌گیرد و خود و مستمع را در عمق مصیبت قرار می‌دهد. ایشان خاطره‌ای را برای من نقل کردند که یک وقتی خدمت والد ما رسیده بودند، والد ما از ایشان تقاضا کرده بودند که آقای انصاریان، با اینکه اینجا کسی دیگر به غیر از من و شما نیست حاضر هستید برای من روضه‌ای بخوانید و مقداری توجه پیدا بکنیم؟ ایشان گفته بودند: «بله» و ایشان می‌گفت: «آن جلسه بسیار خاص شد.»

یکی از مهمترین نکات زندگی ایشان توفیقاتی است که در ارتباط با قرآن کریم دارند؛ اولاً یکی از ترجمه‌های بسیار روان و دقیق در قرآن کریم ترجمه‌ای است که ایشان برای قرآن کرده‌اند و من به این ترجمه مراجعه می‌کنم. ثانیاً پدرم تقریباً خوبی به تفسیری که ایشان تحت عنوان تفسیر حکیم در حال نگارش هستند نوشتند، و پیدا است که با این تسلطی که ایشان به روایات و آیات دارند حتماً نکات تازه و جدیدی را در این رابطه در اختیار دیگران قرار می‌دهند. همچنین توفیق تألیف آثار مختلف دیگر و نیز ترجمه‌های نهج البلاغه و صحیفه سجاده کاشف از این است که توفیق و عنایت بزرگی از ناحیه خدا شامل حال ایشان شده است.

را شخصیت ممتازی می‌دانستند که این را می‌توان از تعبیری که ایشان در اجازه روایی و نیز تقریظشان بر تفسیر حکیم بکار بردند ملاحظه کرد، خصوصاً در آنجا که می‌فرمایند «ایشان با احاطه فراوانی که بر آیات و روایات دارند» که این تعبیر بسیار مهمی است.

به نظر من جمع بین تالیف و منبر و تحقیق در امور مختلف؛ مانند مسائل اعتقادی، عرفانی، اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی بسیار مشکل است و امکان پذیر نخواهد بود، جز اینکه نصرت و توفیق خاصی از خدا بر ایشان شده باشد. با دقت در زندگی ایشان مشخص می‌شود که ایشان شخصیتی است که در کنار معنویتی که خدا به او عنایت کرده برای زندگی‌اش برنامه داشته است. اینکه در روایت آمده است: «من اخلص لله اربعین صباحاً جری الله ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه» در مورد ایشان واقعاً هست، آن اخلاص و اعتقاد راسخی که استاد انصاریان به خدا و توحید الهی دارد باعث شده است که خداوند این مقدار توفیقات را به او عنایت کرده و در آینده هم ان شاء الله شاهد توفیقات بیشتر از ایشان خواهیم بود.

در جمع‌بندی چنین عرض می‌کنم که استاد انصاریان شخصیتی است که از جهت علمی مراتب بالایی دارد و از جهت منبر در صدر خطبای دوران قرار دارد و در تألیف و ترجمه متون اصلی دین از شخصیت‌های بسیار مطرح است و جمع بین این امور توفیقی است که خدای تبارک و تعالی نصیب ایشان کرده است. باید از ایشان به عنوان شخصیتی علمی، تبلیغی و تألیفی در دوران معاصر یاد کنیم. خداوند وجود شریف ایشان را حفظ و عمرشان را طولانی کند و ما برکات فراوان دیگری را در زمینه‌های مختلف از ایشان مشاهده کنیم.



مجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی:

# چهار سنجه درباره تفسیر «حکیم»

علم تفسیر قرآن از جمله موضوعاتی است که مفسران نکات مشابهی را درباره آن بیان کرده‌اند و شاید یکی از دانش‌هایی که تعصب مذهبی در آن در پایین‌ترین سطح خود جای دارد، دانش تفسیر باشد؛ فقط به این دلیل که قرآن کتاب همه مسلمانان است. تفسیر «حکیم» به قلم استاد حسین انصاریان از آثاری است که مخاطب با یک بار خواندن، شیفته آن می‌شود. سنجه‌هایی که به ارزشمند شدن این تفسیر منجر شده‌اند را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد. در این باره با حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، عضو مجلس خبرگان و ریاست پژوهشگاه مجلس شورای اسلامی گفتگویی کرده‌ایم که شرح آن از نظر تان می‌گذرد.

تفسیر حکیم

تربیتی، کاربردی

وازدیگر تفاسیر

ممتاز و متمایز

است؛ چرا که

مطالب این تفسیر،

همه سودمند و

کارآمد است.

ریشه

ویژه‌نامه

آشنای ناآشنا

هستند و یا نکاتی دارند که می‌توان در تفسیر از آن‌ها استفاده کرد. از این رو، این مذهب در بخش ویژه خود، معارفی مطرح می‌کند که تازگی داشته و شایسته توجه بیشتر است. با این همه، نقطه ضعفی مشترک در میان همه مذاهب وجود دارد؛ اینکه علم تفسیر آن گونه که باید در مسیر رشد و پویایی قرار نگرفته است؛ برای مثال، علم اصول تنها به این دلیل که توجهی شایان‌بدان شده است، پیشرفت بسیاری کرده و به حق، دارای تحلیل‌ها و اصطلاحات نیک و قواعدی دقیق است. هر چند هنوز توان پیشرفت دارد. علم فقه نیز در پاره‌ای این چنین است، اما علم تفسیر آن گونه که سزاوار است، مورد توجه نبود. این امر هم در مذاهب اهل سنت و هم در مذهب شیعه جاری است. دقتی که در تدریس علما در موضوع‌های اصولی می‌شود، باید درباره تفسیر نیز همان گونه باشد. دانشمندان اصولی، ساعت‌ها مطالعه، نکات را تحلیل می‌کنند، نظریات را نقد کرده و نقد را باز به نقد می‌کشند. از دیرباز در حوزه نجف اشرف و هم‌اکنون نیز در حوزه قم، تمرکز بر مباحث اصول بسیار است. اگر تنها یک سوم از این توجه درباره تفسیر رخ می‌داد، امروز وضعیت فعلی تفسیر، به طور کامل دگرگون بود. باید درباره علم تفسیر نیز تحلیل، تدقیق، نقد و عدم اکتفا به گزارشی کلی صورت پذیرد.

ضرورت توجه به علم تفسیر از ضرورت پرداختن به علوم دیگر بیشتر است؛ زیرا با گذر زمان، نیاز جامعه - اسلامی و پس از آن دیگر جوامع - به قرآن افزون می‌گردد. چنان که در روایات نیز اشاره شده، قرآن دواي دردهاست. همچنین رجوع قرآن مورد تأکید ائمه هدی (ع) است؛ چرا که فرموده‌اند که در مواجهه با ظلمت‌ها به قرآن روی آورید. قرآن کریم بنا بر دلایلی خاص، مرجعی برای پاسخ‌های

دارد، دانش تفسیر است؛ تنها به این دلیل که قرآن کتاب همه مسلمانان است.

علمای اسلام، همگی تفسیر قرآن را امری ضروری می‌دانند. روش‌های تفسیری در میان مذاهب اسلامی نیز به نوعی روش‌هایی مشترک است. البته باید گفت که هر یک از روش‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد نیز برخوردارند. برای نمونه، مذهب تشیع (اثنی عشری) به دلیل اعتقاد به عصمت خاندان عصمت و طهارت (ع) از روایاتی بهره می‌جوید که یا در حقیقت، روایاتی تفسیری

● لطفاً درباره شیوه تفسیری استاد انصاریان توضیح بفرمایید.

علم تفسیر یکی از علوم تاریخی و مشترک در بین همه مذاهب اسلامی است؛ هر یک از مذاهب اسلامی، تجربه‌هایی تاریخی در این علم دارند. جالب اینجاست که مشترکات تفسیری میان فرق و مذاهب مختلف نیز بسیار گسترده و پُر دامنه است. مفسران قرآن در بسیاری از تفاسیر، نکاتی مشابه بیان کرده‌اند. شاید یکی از دانش‌هایی که تعصب مذهبی در آن، در پایین‌ترین سطح قرار

گفت و گو

آن‌ان نشسته‌اند قابل فهم و درک باشد، موضوع قابل تأمل دیگری است. در همین رابطه باید گفت که طبق آیه قرآن که «وما أرسلنا من رسول إلا لبلسان قومه»، استاد حسین انصاریان از این ویژگی برخوردار است که به لسان قوم سخن می‌گوید. در خصوص ابعاد شخصیت استاد حسین انصاریان گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین علوی، مدیر ریت موزه فقه و زندگی و نشر معروف داشته‌ایم که مشروح آن را در زیر می‌خوانید. او با بیان این پیش درآمد که سابقه آشنایی اش با استاد انصاریان به بیش از ۳۰ سال پیش و به اوایل انقلاب می‌رسد، اظهار کرد: که پیش از آن، من و برادرم در عرصه مبارزات فعال بودیم. همچنین با مجموعه‌هایی که

مجت الاسلام والمسلمین علوی

مدیر موزه فقه و زندگی و نشر معروف:

قلم و بیان پر بهره؛

مهمترین ویژگی استاد انصاریان

خطبای بسیاری به سخنرانی درباره موضوعات مختلف می‌پردازند، ولی اینکه کلام آنان بر دل بنشیند و برای مردمی که پای سخنرانی



## در قاب آینه

باید گفت که «لسان قوم»، بهترین تعبیری است که می‌توان درباره ایشان ابراز داشت. سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و مطالبی که در پایگاه اینترنتی ایشان منتشر می‌شود، بسیار پر بهره و سودمند است؛ چرا که نمی‌توان مطالب تکراری در آن یافت. ایشان همواره موضوع‌هایی تازه را مطرح کرده و درباره آن سخن می‌گویند. البته ایشان در انتخاب موضوع‌ها به کارایی مطلب و نیاز مخاطبان به آن، در شرایط روز دقت می‌کنند. همان‌طور که مخاطبان همیشگی استاد نیز معتقد هستند، ایشان همواره در سخنرانی‌ها و مطالبی که بیان می‌کنند، به روز هستند.

به صورت منظم و گسترده فعالیت می‌کردند، همکاری می‌کردیم که در خلال آن فعالیت‌ها، با استادان نصاریان آشنا شدم. «کلموا الناس علی قدر عقولهم» و «وما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه»؛ این دو آموزه دینی، دو ویژگی بارز ایشان است. به دیگر سخن، استاد با بیانی با مردم صحبت می‌کنند که برای همگان قابل فهم و در عین حال پرمغز است. استادان نصاریان، بسیاری از آن معارف بلند عرفانی و معنوی را به گونه‌ای مطرح می‌کنند که علاوه بر اینکه از رفعت آن چیزی کاسته نمی‌شود، مخاطبان نیز به درستی به حقیقت آن موضوع پی می‌برند. در یک سخن،



[استاد انصاریان نکات علمی و دقیقی رادر تفسیر خود با روش هایی نیک گنجانده اند.](#)  
[نکات علمی به گونه ای روان، شیرین، خواندنی، رغبت انگیز بیان شده است.](#)  
[به گونه ای که بی مراجعه به منابع دیگر علوم باشد؛ زیرا دیگر علوم می تواند در جامعه امروز بر احتی می تواند از آن استفاده کند.](#)



**ویژه نامه**  
**آشنای نا آشنا**



ارزش گذاری درباره علوم وجود ندارد. پندار امروز حوزه این است که فقه ارزشمندترین علم است، در صورتی که آنچه ایمان مردم را می افزاید و میان افراد با قرآن و سنت، رابطهای عمیق برقرار می کند، تفسیر است. البته علمی دیگر نیز این چنین هستند؛ همچون کلام که بسیار مورد نیاز است، اما باید گفت که گاه کلام نیز به علم تفسیر نیازمند است. به دیگر سخن، گاهی کلام از رهگذر تفسیر معنا پیدا می کند. جامعه امروز به تفسیر نیازمند است؛ به ویژه تفسیری که کاربردی تر باشد. برخی از تفسیرها؛ مانند تفسیر گران سنگ «المیزان» نیازمند پیش دانش هایی است که باید تحصیل شود. چنین تفاسیری نمی توانند مورد استفاده عموم مردم باشند؛ چرا که گاه آنان که از علوم دینی کمتر آگاه هستند، در فهم معانی آن سردرگم می شوند.

### ● تفسیر حکیم تا چه اندازه از این ظرفیت برخوردار است؟

بخش هایی از تفسیر استاد انصاریان را مطالعه کرده و شریفه این تفسیر شده ام؛ تنها به خاطر ویژگی های این تفسیر؛ ویژگی هایی که می توان آنها را دست کم در چهار سنجه خلاصه کرد. نخست، نثر این تفسیر؛ دوم، نوع تفسیر؛ سوم، روش تفسیر و چهارم، روش بیان است. پس این تفسیر را می توان در چهار زمینه ارزیابی کرد. نثر تفسیر با برخوردار از دو ویژگی، برای جامعه سودمند است؛ اول روان بودن با وجود برخوردار از نکات علمی و دقیق. استاد انصاریان نکات علمی و دقیقی رادر تفسیر خود با روش هایی نیک گنجانده است. آنچه مهم است اینکه این نکات علمی به گونه ای روان، شیرین، خواندنی و رغبت انگیز بیان شده است. به گونه ای که جامعه امروز به راحتی می تواند از آن استفاده کند. ویژگی دوم، تفصیل مطالب است بدون این که شرح کسالت آور باشد؛

کارکرد و نتیجه ای هستند که علم تفسیر آن را ایجاد می کند.

### ● اهمیت علم تفسیر قرآن تا چه حد است و دلیل برخی بی توجهی هادر این باره را ناشی از چه می دانید؟

معتمد علم تفسیر غیر از اندک مواردی، در طول مدت قرن ها هرگز پیشرفتی نکرده و همواره در حال تکرار مکررات است. امام راحل در اواخر عمر خود حسرتی بزرگ داشت؛ این که چرا عمر خود را در راه قرآن به پایان نرساند؛ این نگاه از فقهی جامع الشرایط در بالاترین درجه اجتهادی که تحلیل هایی فقهی - اصولی خلق کرده و نیز نظامی اسلامی برپا کرده است، قابل تأمل است. ایشان واقعیت را درباره خویش، در اواخر عمر بیان می کنند؛ در یگا که این عمر صرف قرآن نشد، از این رو، حوزه های علمیه باید به سوی قرآن بازگشته و تفسیر رازنده کنند. بخشی از این بی توجهی، به عدم آگاهی از مرتبت تفسیر و نقش حیاتی این علم برای نسل هاست، اما بخشی دیگر به نبود اولویت بندی علوم مربوط است. متأسفانه باید گفت که در حوزه، هیچ گونه

قطعی، نهایی، روشنگر و معالجه گراست؛ بنابراین، با گذر زمان و با فزونی فساد و ابهام و نیز دور شدن از معنویت، خاستگاه رجوع و ضرورت توجه به قرآن پایدار تر می شود. به راستی هیچ چیز به میزان قرآن نمی تواند تشنگی و عطش انسان را برطرف کند. در این میان دانش واسط برای درمان دردها و گرفتاری های نوظهور انسان که از قرآن مرهم معرفی می کند، دانش تفسیر است. اگر تفسیر فغال و به شکل پویا و تحول گرا بازسازی نشود، در واقع پل رابط خود را از دست خواهد داد. در این صورت، از یک سو بشر باید با دردها و گرفتاری های خود سر کند و قرآن نیز با اقیانوسی از پاسخ های نهان بی مراجعه بماند؛ چرا که جز با علم تفسیر، توانی برای دسترسی به آن حقایق نیست؛ بنابراین، حوزه های علمیه باید این نکته را درک کنند که تفسیر باید در رأس دیگر علوم باشد؛ زیرا دیگر علوم می تواند در جامعه معنا شود که نخست، معنویت و صدق در جامعه تثبیت شده و راه اهل بیت عصمت (ع) و طهارت مسیر حرکت اجتماع شود. در غیر این صورت با برخوردار از بهترین دانش فقهی و اصولی نیز اثری در عمل ایجاد نخواهد شد. این علوم، موجودیت و کیان خود را مرهون

### یادداشت

من برای یافتن برخی مطالب، آن ها را در پایگاه های اینترنتی مختلفی جست و جو می کنم؛ یکی از پایگاه هایی که به طور معمول در آن به نتیجه می رسم، پایگاه اینترنتی استاد انصاریان است. این پایگاه، مطالب دینی را به شانزده زبان زنده جهان عرضه داشته است. این امتیاز، می تواند حقیقت مذهب تشیع را به شایستگی در جوامع اسلامی و حتی در جهان معرفی کند. علاوه بر این، همواره مطالب و نیز ظاهر پایگاه، در حال به روز رسانی است. اثر استاد در ترجمه قرآن، از سادگی و روانی ویژه ای برخوردار است، درست مثل سخنرانی های ایشان که روان و قابل فهم است. ترجمه «مفاتیح

آثار نوشتاری و گفتاری استاد از استقبال پرشکوه مردم برخوردار است؛ این موضوع، یعنی آثار ایشان طرفداران و علاقه مندان بسیاری دارد، به ویژه جوانان که به صورت پرشمار در جلسات سخنرانی ایشان شرکت می کنند. همچنین، حضور افرادی که کمتر به دین و دین داری توجه می کنند در جلسات سخنرانی استاد، نشان از تأثیر گذاری عمیق ایشان بر مخاطبان دارد.





## «مصن امن خداوند» چیست؟

اینکه خداوند در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید که «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» به این معنی است که خودتان و زن و بچه‌تان را از آتش دوزخ در امان ببرید، در حصار ببرید، در حفاظت ببرید، این حفاظت و این حصار چیست؟ که نمی‌گذارد ما و زن و بچه‌مان قیامت درگیر با آتش بشویم؛ ولایت علی ابن ابیطالب (ع) حصنی، فمن دخل حصنی امن من عذابی؛ پروردگار می‌گوید ولایت امیرالمومنین (ع) حصار من است. کسانی که وارد این قلعه بشوند از عذاب من در امانند؛ آنهایی که بیرون هستند یعنی اهل بیت (ع) را نمی‌شناسند و کاری هم به کار اهل بیت (ع) ندارند، امنیتی از عذاب ندارند. این گفتار پروردگار مهربان عالم است که قدیم‌ها سر در خانه‌ها با سنگ و کاشی می‌نوشتند؛ تهران پر از روایات و آیات بود، سر در خانه‌ها از این مسئله ولایت حضرت امیر (ع) که حصن است و این وظیفه واجب سرپرست خانه است.

تفسیری ایشان بر دو عنصر استوار است، هر چند با بررسی بیشتر می‌توان روش‌های بیشتری را مشاهده کرد. نخست، جمع بین دو روش تفسیری آیه به آیه و آیه به روایت است. وجهه غالب برخی از تفاسیر آیه به آیه است؛ برخی نیز تفسیر خود را بیشتر بر روایات استوار می‌کنند. برخی نیز در تفسیر از دو منبع قرآن و حدیث بهره می‌برند؛ تلفیقی از دو رویکرد مختلف. تفسیر استاد انصاریان این چنین است. از این رو، در شرایط مناسب از قرآن یا حدیث در استدلال‌ها و بحث‌های تفسیری، استفاده‌ای نیک شده است. البته برخی مفسران، روایات را در پایان تفسیر می‌آورند؛ این روش معروف و مرسوم است. اما استاد از روایات در متن تفسیر استفاده کرده‌اند. باید گفت که این روش گاه برای روشن ساختن واقعیت‌هایی نهان در پس آیه مورد استفاده قرار می‌گیرد که ممکن است به راحتی قابل فهم نباشد. ایشان از این روش، به صورت کلان بهره برده‌اند؛ یعنی در سراسر این تفسیر این روش دیده می‌شود. ایشان از آیات و روایات به گونه‌ای استفاده می‌کنند که خواننده از چینش آن‌ها درس می‌آموزد، نه این که تنها برای تبرک متن، آیات و روایات بیان شود. روشی دیگر نیز در تفسیر ایشان وجود دارد که روش تفکیک نام دارد. روش تفکیک بسیار کم رعایت می‌شود؛ چرا که تنها ذهن‌هایی منسجم‌تر و پخته‌تر می‌توانند از این روش به درستی استفاده کنند. در روش تفکیک، موضوعی که دارای ابعاد مختلف است، به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بسیاری از مباحث تفسیر حکیم این روش به چشم می‌خورد. غیر از این، استاد انصاریان در باب لغت نیز وارد شده و از این جنبه نیز تفسیر را غنی‌تر کرده است. دقت‌های لغوی و گاه بیان نظر نهایی، خودبیانگر توجه ایشان به ابعاد مختلف علم تفسیر است. روش بیان ایشان نیز روش جالبی است؛ ایشان به نوع استدلال‌ورزی و نیز ترتیب و

این کتاب، موجز نیست؛ اما بیش از حوصله مخاطب عادی نیز به شرح نپرداخته است. به بیان دیگر، تفصیل ایشان به معنای اطاله کلام و زیاده‌گویی نیست. تنها در آن به بیان جزئیات، ابعاد و اجزای موضوعی که مطرح می‌شود، پرداخته شده است؛ بنابراین، نثر امری مهم و پُر تأثیر است؛ نثر این تفسیر، نثری لطیف و رغبت‌انگیز است که نباید آن را امری ثانوی دانست. دومین سنج، نوع تفسیر است. ظاهر برخی تفسیرها، بیشتر ادبی است. گویی کاوش در باره لغت‌ها هدف اصلی در آنهاست. برخی دیگر، کلامی هستند و بیشتر در این موضوع سخن گفته‌اند. نوع تفسیر و رویکرد اصلی آن - حتی با وجود مطالبی با رویکردی دیگر - برای مخاطب بسیار مهم است. نوع تفسیر استاد را تربیتی می‌نامیم. ایشان در این تفسیر کوشیده است که جامعه و نفوس را تربیت کند. نکات علمی نیز در این تفسیر بسیار است؛ اما این نکات، در سوی تربیت و هدایتی کاربردی جهت‌دهی شده‌اند. اینکه نکات علمی به صورت خنثی بیان نشود، کاری است که هدف نگارنده را برای تأثیرگذاری روشن می‌کند. این خود از توانایی‌های مفسر است که چگونگی جهت‌بخشی نکات علمی را برای کاربردی شدن و رفع نیازهای انسان بداند. استاد انصاریان در این تفسیر بسیار از این روش استفاده کرده است، اما همین گرایش نیز بسته به محتوای آیات مختلف است. گاه در تحسین اخلاق سخن گفته و گاه تهذیب نفس، ایجاد زهد و پاکیزگی دل را بیان کرده است. گاهی نیز به ایمان‌افزایی توجه کرده و گاهی مقام والای اهل بیت (ع) را به تصویر کشیده است. ایشان با روشی هوشمندانه وزیر کانه، مطالب را بر اساس موضوع بیان کرده و با نتیجه‌گیری اخلاقی آن را به ثمر رسانده است. باید گفت که چنین تفسیری در نوبه خود، نادر است. با نگاهی سطحی می‌توان دریافت که روش

در سخنرانی‌های ایشان برجسته‌تر است. مردم نیز با ایشان و سخنانشان، هرگز احساس بیگانگی نمی‌کنند. علاوه بر ساده‌زیستی، ایشان فردی بی‌تکلف نیز هستند؛ ساده‌زیستی و بی‌تکلفی ایشان و هر مبلغ دیگری سبب شده تا کلام‌شان در دل‌ها تأثیر بگذارد.

استاد انصاریان علاوه بر این که سخنان غیر تکراری بیان می‌کنند، با اعتقاد راسخ به آنچه که می‌گویند، عمل می‌کنند. قرآن کریم از بیان آنچه که به آن عمل نمی‌شود، پرهیز می‌دهد، «لَمْ يَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛ از این رو، هر سخنی که دل برآید، لاجرم بر دل نشیند.

الجنان»، «اصول کافی» و تفسیر قرآن کریم نیز از آثار است که با همین سبک نوشتاری به رشته تحریر درآمده؛ به راستی آثار ایشان مایه مباحث و افتخار است که به ۱۶ زبان در همه جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. از دلایل بسیار تأثیرگذار در روزآمد بودن استاد، این است که ایشان با پیروی از منش پیامبران الهی، در میان مردم زندگی کرده‌اند.

استاد انصاریان با همراهی مردم در بیشتر جنبه‌های زندگی، نگاهی صحیح به زندگی‌های متنوع مردم به دست آورده‌اند، از این رو، نکات لازم را در باره زندگی مردم بر فراز منبرها بیان می‌کنند؛ باید گفت که بیان روش‌های درست زندگی و پرهیز دادن مردم از عادت‌های نادرست،

روشی دیگر در  
تفسیر ایشان  
روش تفکیک  
است که تنها  
ذهن‌های  
منسجم‌تر و  
پخته‌تر می‌توانند  
از این روش به  
درستی استفاده  
کنند.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا

تنظیم آن‌ها توجه کرده‌اند؛ برای نمونه، موضوعی دارای چند بُعد، در این تفسیر با دسته‌بندی و نظمی خاص مطرح شده است؛ نه این که بدون رعایت نظم، به گونه‌ای که ذهن مخاطب مشوش شود؛ زیرا هدف، فهم درست مخاطب از مطالب مطرح شده است، اگر جز با نظم، ابعاد موضوعی مطرح شود، مخاطب سر در گم شده و نمی‌تواند به نتیجه برسد. همه چیز باید مرحله به مرحله باشد؛ از این رو، هم به اصل پرداخته شده و هم به نتیجه. اینکه نخست باید مطالب اصلی و مبنایی بیان شود و سپس از آن نتیجه‌گیری شود، نکته‌ای برجسته در این تفسیر است که در رعایت آن دقت بسیار شده است.

دیگر دقتی که استاد در روش بیان، جاری کرده است، کمک به مخاطب برای تطبیق است. ایشان کوشیده تا مخاطب به تطبیق نزدیک شود؛ حتی گاهی تطبیق را به نوعی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد تا او حقیقت را با سادگی بیشتری دریابد. استاد انصاریان پس از گذشت بیش از نیم قرن تحقیق و پژوهش، جزء چهاردهم را به پایان رسانده است. این موضوع، نشانگر نوعی وسواس و دقت علمی به مطالب است؛ چرا که ایشان در این راه به منبع یا منابعی محدود در حوزه تفسیر بسنده نکرده؛ تحقیق‌های ایشان در این راستا بسیار جامع بوده است.

● آیا مرتبه علمی استاد در تفسیر قرآن و دیگر تفاسیر، می‌تواند در قالب روشی نظام‌مند در اختیار طلبه‌ها و علاقه‌مندان قرار گیرد؟

برای رسیدن به این هدف باید فرآیند علمی به آن بخشید؛ یعنی باید آن را در قالب دیدگاه «شهید صدر» تنظیم کرد. در این صورت، روش استاد انصاریان معنا پیدا خواهد کرد. مرحوم شهید صدر نظری تازه در باره مراجعه به قرآن بیان کرده که به

راستی شایسته مطرح شدن در جوامع علمی است. البته تفسیری که ایشان آن را موضوعی می‌خوانند، با تفسیری که امروزه از آن با عنوان موضوعی یاد می‌کند، متفاوت است. امروز تفسیر موضوعی؛ یعنی جمع‌آوری آیات مربوط به یک موضوع و بیان آن. در صورتی که این نوع تفسیر در بینش شهید صدر؛ یعنی بررسی نیازهای جامعه، ماهیت‌شناسی نیازها بر اساس دانش‌های بشری و سپس عرضه آن به قرآن برای دریافت پاسخ قرآنی. در بررسی نیازهای جامعه، بهتر است با اولویت‌بندی آنها، اصول از فروع جدا شده سپس شایسته است که این نیازها به مسائلی علمی تبدیل شود. به دیگر سخن، نیاز در این مرحله باید به فرآیندی تبدیل شود که بتوان به آن پاسخ داد، نه این که تنها نیاز باشد که توجه را به خود جلب کند. باید با ایجاد ساختاری علمی برای نیاز، آن را در روند پاسخ داده شدن قرار داد.

ماهیت‌شناسی نیز که شهید صدر آن را در دومین گام معرفی می‌کند، به معنای قضای سلیقه‌ای و نگاهی شخصی نیست؛ چرا که در این صورت، راهکارها برای جامعه کارآمد نخواهد بود. در حقیقت، نیازهای شناخته‌شده باید بانگ‌رَش‌های دقیق علمی ماهیت‌شناسی شود. پس بنابر نظر مرحوم شهید صدر، نخست باید نیازها را شناخت و پس از آن با رجوع به دانش‌های بشری آن را ماهیت‌شناسی و سپس راه حل آن را در قرآن جستجو کرد. باید پیش از مراجعه به قرآن، نیازها و پرسش‌ها را دانست؛ آیا می‌شود بدون دانستن پرسش تنها برای یافتن پاسخ به قرآن مراجعه کرد؟ مراجعه به قرآن و انتزاع

معنایی خاص، بدون بررسی نیازها و شرایط سبب می‌شود که از قرآن راه‌حلی برای رفع نیازها مطرح شود که گاه

بی‌ارتباط با آن است. چرا گاهی گفته می‌شود، راه حل قرآن در مورد موضوعی خاص، ناکارآمد است؟ بی‌شک آنچه از قرآن بیان می‌شود نیک و سودمند است؛ اما آیا می‌تواند پاسخی به مشکلی باشد که هنوز احساس نشده؟ آیا بیمار بدون آگاه ساختن پزشک از بیماری خود می‌تواند درمان آن را از پزشک جویا شود؟ ابتدا باید بیمار خود را به پزشک عرضه کند، سپس پزشک راهی برای درمان به او معرفی خواهد کرد. در غیر این صورت، بیمار با عدم آگاهی از بیماری خود در پی کدام چاره از دانش سرشار پزشک است؟ مراجعه به قرآن برای پیدا کردن راه کار، با وجود عدم آگاهی از نیازها، حتی ممکن است به مشکلات بیفزاید؛ چرا که شاید چاره قرآنی، ویژه شرایطی است که راهکار در آن زمان حاکم نیست. همین امر سبب می‌شود تا

اثر عکس در جامعه ایجاد شود. با اجرایی شدن این روش که متأسفانه جز در موارد اندکی بدان توجه نمی‌شود، انقلابی بزرگ در رجوع



یادداشت

به عمل است؛ این طهارتی است که پروردگار عالم، عاشق آن است و این خبر از عشق پروردگار به این طهارت توسط سیدالشهدا(ع) به ما رسیده است.

پیامبر(ص) می‌فرمودند: «ان الله یحب معال الامور»، خداوند عاشق همه ارزش‌هاست؛ یعنی همه پاکی‌ها، ارزش‌های درونی مثل ایمان، مهربانی، خشوع، تسلیم حق بودن؛ و پاکی‌های بیرون مثل عمل صالح و مثبت، کار خیر.

البته در آیات و روایات تذکر داده شده که ارزش عمل صالح و کار خیر برای مردم مومن است؛ کسی که ایمان به خدا، قیامت و انبیا ندارد و

طهارتی که قرآن کریم مطرح می‌کند، طهارت باطن از همه آلودگی‌های مربوط به باطن و طهارت عمل از همه خباثت مربوط

## فدا عاشق طهارت باطن از آلودگی‌هاست

## لیعبدون یا لیعرفون

آیه مربوط به عبادت تا پایان عمر این است که «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ معنای تالحنه آخر عمرشان خدا را عبادت کنند کجای آیه است؟ در خود آیه، در قلب فعل مضارع لیعبدون است، لیعبدون در کلام عرب، فعل مضارع است، یعنی معنی آن بر آینده دلالت دارد، خب معنی آیه این می شود که ما جن و انس را خلق نکردیم مگر برای اینکه تا لحظه آخر عمر خدا را بندگی کنند؛ اما در منابع می گفتند «لا لیعبدون» یعنی «لا لیعرفون» یعنی خدا را بشناسند، خب تا کی بشناسند؟

تا لحظه آخر عمرشان در راه شناخت خدا باشند، ولی هیچ نیازی نبوده که الا لیعبدون را به الا لیعرفون معنا کنند، اگر هم با تکیه بر روایتی این گونه معنی کردند آن روایت نباید خیلی قوی باشد، چرا؟ چون اگر قرار بود لیعرفون باشد، خود پروردگار می گفت لیعرفون، چرا فرمود لیعبدون، که ما بنشینیم از دل لیعبدون لیعرفون را دریابوریم که در نمی آید.

دارند و اینکه چنین موضوعی تا چه اندازه توانسته است با مخاطبان ارتباط برقرار کند، چه نظری دارید؟

«کَلَّ يَعْمَلُ عَلٰی شَاكِلَتِهٖ»؛ از کوزه همان برون تراود که در اوست. ایشان شخصی بامحبت و باصفاست. بر همگان روشن است که درونی پاک و پُرانگیزه و نیز نیتی خالص دارد. اینکه خداوند به اندازه خلوص انسان در ظرف پاک قلبش، مظهر و پاک می‌ریزد، امری طبیعی است. درون پاک ایشان همان علتی است که همه رفتارها، حرکات و سکنات ایشان با معنویت همراه است. دانش پژوهی چنین افرادی، سبب برطرف کردن مشکلات و گرفتاری‌های مردم خواهد شد؛ چرا که ایشان از دانش خود برای بهره‌رسانی استفاده می‌کند.

«محقق اردبیلی» که از فقهای اخلاقی بود، با نگرش اخلاقی در موضوعات اجتهاد می‌کرد. ایشان همیشه موردی را در انتخاب‌های اجتهادی برمی‌گزید که اخلاقی‌تر از دیگر موارد بود. این منش سبب شده بود که تمام شئون ایشان دلنشین شده و از همه جوانب ظاهری و باطنی ایشان نور معنویت حس شود. در حال حاضر، استاد انصاریان با صفای باطنی خود که نتیجه تقوا و خلوص نیت ایشان است، همه را به خود جذب کردند. با مصاحبتی اندک نیز حس شیفتگی به ایشان در دل ایجاد می‌شود. صفای درون‌شان امری است که حتی در تفسیر ایشان نیز باز تابیده است. شیرینی کلام ایشان در تفسیر قرآن، چنان انسان را جذب می‌کند که به عقیده من، اگر شمارگان چاپ این تفسیر بسیار بیشتر از آن شود که اکنون هست، باز هم توجه خواهد بود؛ البته باید گفت که این حالات تنها در لفظ نیست، بلکه محتوای مطالب عرضه شده که پشتوانه‌ای پنجاه ساله دارد نیز در تأثیر گذاری بسیار مؤثر است.

به قرآن رخ خواهد داد. البته روایت نیز همین نکته را تأیید می‌کند؛ در صورت مواجهه با ظلمت‌ها به قرآن رجوع کنید؛ یعنی باید ابتدا ظلمت را شناخت، سپس برای برطرف کردن آن به قرآن رجوع کرد. نباید برای برطرف ساختن مشکلی که هنوز فهمیده نشده است، اقدام کرد. شهید صدر خود این روش را در مکتب اسلامی اقتصاد اجرا کرده است. ایشان از ابتدا از مکتب‌های غربی سخن می‌گوید و با آشنایی کامل خود با آن، به نقد این مکاتب می‌پردازد. پس از ترسیم ساختار نظام‌های اقتصادی، با طرح‌های اسلامی - برخاسته از آیات و روایات - مکتبی اقتصادی - اسلامی و نور معرفی می‌کند. ایشان اصطلاحات، فهم نیاز اقتصادی و مانند آن را از مکتب‌های غربی وام گرفته، اما پاسخ پرسش‌ها را از بطن دین برآورده است. روش تفسیر استاد انصاریان به دلیل حضور در میان مردم، زندگی با ایشان و آشنایی با مشکلات و معضله‌ها، پاسخگوی نیازها و مشکلات واقعی افراد در جامعه است. ارتباط تنگاتنگ چند دهه ساله ایشان با مردم سبب شده است تا ایشان واقعیت‌های جامعه را به خوبی درک کرده و با آگاهی کافی از زندگی مردم، تفسیری را بنا بگذارند که تربیتی، کاربردی و از دیگر تفاسیر ممتاز و متمایز باشد؛ چرا که مطالب این تفسیر، همه سودمند و کارآمد است. به دیگر بیان، آیات با مطالبی خنثی و بی‌اثر شرح داده نشده‌اند. این روش گسترده است و باید در همه زمینه‌ها فعال شود. می‌توان با استفاده از آن، موضوع‌ها را با بینشی اسلامی بررسی کرد. همه اندیشه‌ها و آموزه‌های سودمند برای داشتن حیات طیبه، در قرآن مطرح شده است. تجربه عینی و اجرا شده استاد انصاریان در این چارچوب می‌تواند بسیار مؤثر و درخشان باشد.

● درباره نحوه بیان استاد در خطابه‌ها و سادگی و روانی در دست‌نوشته‌هایی که

حالا اگر پروردگار این امور با ارزش را در کسی ببیند، یعنی ببیند که یک مرد یا یک زن به خدا، قیامت و انبیا ایمان دارند، دل نرمی دارند، بامحبت و مهربان هستند و ببیند که اهل نماز، روزه، صدقه، اهل انفاق و کار خیر هستند. به خاطر اینکه عاشق ارزش هاست - چه ارزش‌هایی که خورشید درون مردم است و چه ارزش‌هایی که خورشید بیرون مردم است - آن انسان دارنده ارزش‌ها طبق آیات قرآن به خاطر آن ارزش‌ها محبوب پروردگار است؛ این است که ما در قرآن در سوره بقره می‌خوانیم «ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین».

عملش عمل بارز نشی نیست، اگر چه ظاهر عملش صالح باشد، پیش پروردگار ارزشی ندارد. از پیامبر (ص) روایت شده است که اگر یک بی‌دینی، یک کافری، یک مشرکی ۱۰ تا در مانگاه، یک بیمارستان بسازد، یا به قول خود پروردگار در سوره براءت مسجد بسازد، روز قیامت به وزن این مسجد و این در مانگاه‌ها و این بیمارستان‌ها را روی دوش او می‌گذارند و با آنها به جهنم پرتاب می‌کنند؛ «ما کان للمشرکین ان یامرؤا مساجد الله»، یعنی حق مردم بت پرست، طاغوت پرست، هواپرست و شهوت پرست نیست که مسجد بسازند.





دکتر احمد امجدی:

# طرح عرفان نظری بر مبنای اندیشه اهل بیت (ع)

استاد انصاریان  
عرفانی را مطرح  
می سازند که  
عرفان اهل بیت  
است. این عرفان  
همان است که  
واهمه و ترس  
از لغزش در آن  
بی معناست.



ویژه نامه  
آشنای نا آشنا

آیات به درستی ترجمه شده است. البته ترجمه قرآن، خود امری ساده نیست؛ به دیگر بیان، افراد با نگرش‌های متفاوت، آیات را در معنایی دیگر ترجمه می‌کنند، اما آنچه که روشن است این که ترجمه ایشان اثری بسیار ارزشمند و پُربهاست. شرحی که استاد انصاریان بر دعای کمیل نوشته‌اند، بی‌نظیر است. بنده تاکنون چنین شرحی را ندیده‌ام. روایات مربوط به دعا بیان شده و با شرحی عالی، اثر به سرانجام رسیده است. درباره اسماء الهی، همانند علامه طباطبایی مراد از اسمای خداوند را لفظ معرفی نمی‌کنند. به نظر ایشان وقتی لفظی به زبان آورده می‌شود، مراد گوینده، حقیقت است؛ یعنی این الفاظ به واقعیت هستی اشاره می‌کند.

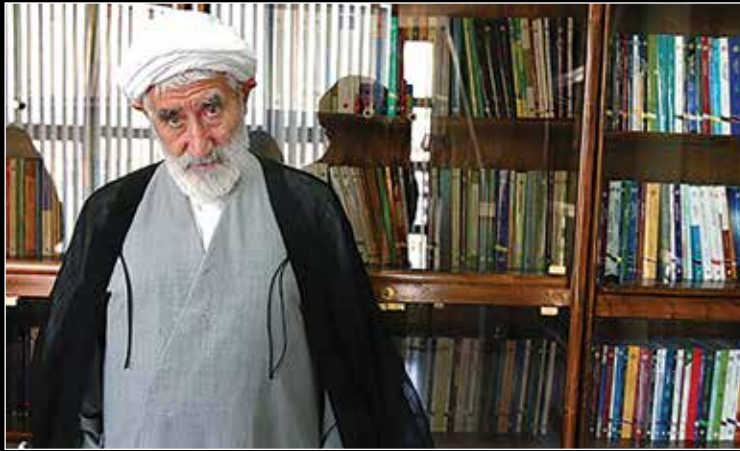
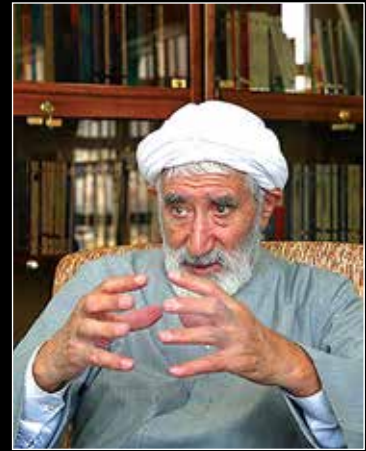
استاد انصاریان در یکی از شب‌های ماه رمضان، روایتی را بیان کردند که آن را مرحوم شوشتری در کتاب قاموس الرجال خود نیز آورده‌اند. امیر مؤمنان (ع) روزی جوانی را دید که صدایی خوب داشت. او با صدای زیبایی خود، اشعاری پوچ و لغو می‌خواند. حضرت نامش را پرسید؛ او خود را «زادان» خواند. او اهل ایران بود. حضرت پرسید: چرا با چنین صدای زیبایی که داری، قرآن نمی‌خوانی؟ زادان گفت: من از قرآن تنها به قدر نماز می‌دانم. امام علی (ع) مقداری از آب دهان مبارک خود را به زبان زادان ریخت. زادان خود می‌گوید: هنوز قدمی پیش نگذاشته بودم که کل قرآن را حفظ شده بودم. همین امر سبب شده است که اعراب جاهل آن روزگار؛ مانند آل سعود، حضرت امیر مؤمنان (ع) را به خاطر محبتی که به ایرانیان ابراز می‌داشتند، مورد آزار خود قرار دهند. هنگامی که این روایت برای امام صادق (ع)

بی‌شک یکی از دغدغه‌های اندیشمندان دینی در گذشته و به خصوص در عصر ما مقابله با رسوخ عرفان‌های نوظهور و معرفی صحیح عرفان ناب اهل بیت (ع) است؛ حضرت استاد انصاریان که خود از صاحب‌نظران عرفان نظری و عملی بر مبنای اندیشه اهل بیت (ع) است در آثار تالیفی و کلامی خویش به این موضوع مهم پرداخته است؛ نظرات آیت‌الله دکتر احمد احمدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی پیرامون این موضوع و نیز دیگر ابعاد شخصیتی استاد در گفت‌وگو با تحریریه نشریه رایحه در پی خواهد آمد.

● **نظر تان درباره ابعاد وجودی شخصیت استاد انصاریان چیست؟**  
به راستی این موهبتی است که خداوند به ایشان عنایت کرده است. شاید کمتر کسی را بتوان نام برد که بتواند از ظاهر و باطن دین با اطمینان، سخنانی با پشتوانه علمی بگوید. ایشان در امور

سیاسی نیز به دلیل نگرش صحیح، از ابتدای شکل‌گیری انقلاب تاکنون هیچ انحرافی نداشته‌اند.

استاد، قرآن را ترجمه کردند و این اثر تاکنون با اقبال مخاطبان مواجه شده است. بنده نسخه‌ای از ترجمه ایشان را دارم؛ مطمئن هستم که



نقل شد، ایشان فرمودند: امیر مؤمنان (ع) با اسم اعظم برای او دعا کرد. به همین دلیل، این گونه تمام قرآن در روح زادن جای گرفت. استاد انصاریان در شرح دعای کمیل یادآور می‌شوند که اسم اعظم و دیگر اسمای خداوندی، تنها لفظ نیست. واژه «کوه»، از سه حرف «کاف»، «واو» و «ه» تشکیل شده و دال بر تصویری از کوه است که در ذهن‌ها نقش بسته است. پس با بیان واژه «کوه» که از تصویر حکایت دارد، صورت ذهنی اول به ذهن‌ها خطور می‌کند، اما کوه واقعی در عالم خارج و بیرونی است. کوه واقعی، کوهی بیرونی است. حال که کوه مختصات واقعی دارد، پس خداوند نیز واقعیت عینی دارد. در نوشته‌های استاد انصاریان مطالب از گزافه دور است. ایشان در اثرهای خویش راه صحیح را می‌پیماید. استاد در باب عرفان، «مصباح الشریعه» را در پانزده جلد شرح داده‌اند. من همه پانزده جلد آن را خوانده‌ام. پیرامون کتاب مصباح، سخن بسیار است؛ اینکه آیا این کتاب متعلق به امام صادق (ع) است یا بخشی از این کتاب به ایشان تعلق دارد یا این که ایشان آن را تنظیم کرده‌اند؟ اما آنچه واضح است، این که این کتاب درباره مباحث عرفانی است.

● **درباره مباحث عرفانی که استاد انصاریان به آنها می‌پردازد بیشتر بر ایمان بگویند.** دو بحث درباره عرفان مطرح است؛ نخست، بحثی متداول است و به این می‌پردازد که خداوند حق و حقیقت هر چیزی است. دوم، بحثی است که از ذات و صفات خدا سخن می‌گوید. در بسیاری از موارد نیز این عرفان محصول برداشت‌ها و فهم شخص عارف است. از همین جمله، عرفان ابن

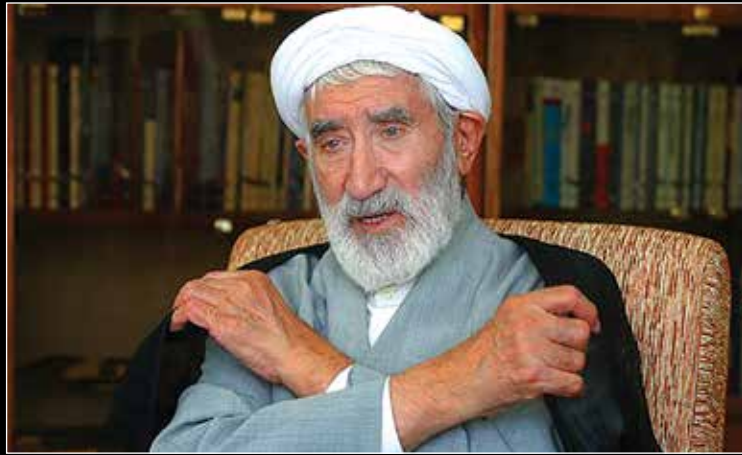
عربی را می‌توان یاد کرد. من قصد بطلان آن را ندارم، اما باید گفت که بسیاری از بزرگان، پیرو همین عرفان بوده‌اند، از جمله امام (ره) و استاد ایشان و بسیاری از افراد دیگر. البته امام (ره) در آثارشان آن را قبول دارند؛ ولی بیشتر از اهل بیت (ع) و آثار ایشان استفاده کرده‌اند، ولی استاد انصاریان عرفانی را مطرح می‌کنند که عرفان اهل بیت (ع) است. این عرفان همان است که واهمه و ترس از لغزش در آن بی‌معناست. حق جویی انسان و تلاش برای رسیدن به حق، در سرشت او نهاده شده است. در حقیقت، همه در سرشت خود به ذات باری تعالی گرایش دارند. هنگامی این گرایش مانند بذر به ثمر می‌رسد که به درستی عمل آمده باشد. تربیت صحیح و مراقبت همیشگی، سبب سبز شدن گیاه خواهد شد. موانعی چون باد که اگر بوزد، آن را در هم می‌شکند و حیوان که به آن آسیب می‌رساند، نباید گیاه را از مسیر رشد منحرف کند. استاد انصاریان در سخنرانی‌های خود به اینکه عرفان امری فطری است، اشاره می‌کنند. ایشان با شرح خود، موضوع را به صورت عمیق مطرح می‌کنند. خود نیز با آن همراه بوده و از آن تأثیر می‌پذیرند؛ به ویژه آنجا که سخن از ولایت اهل بیت (ع) باشد. این ولایت گویی با روح ایشان آمیخته است. هنگامی نیز که به مرثیه‌خوانی می‌پردازند، با اشک‌هایی که از روحشان می‌جوشد، به شدت می‌گریند. استاد انصاریان معتقد است این امر فطری، تنها با هدایت نظری و عملی اهل بیت (ع) بارور می‌شود؛ بنابراین، مرتاض هندی و یا مدعیان عرفان و نیز مرشدان صوفی که از معارف اهل بیت (ع)

بویی نبرده‌اند، به طور کلی از عرفان حقیقی که باطن اسلام است، محروم هستند. این راه تنها با راهنمایی‌های اهل بیت (ع) قابل پیمودن است. خدا را باید از کلام ایشان شناخت؛ همان خدایی که قرآن را معرفی کرده و اهل بیت (ع) را وصف کرده. باید همه معارف دینی را که درباره خدا، نبوت، نفس، باطن عالم و مانند آن سخن می‌گوید از اهل بیت (ع) گرفت؛ چرا که در این منبع هرگز خطر گمراهی وجود ندارد.

● **استاد انصاریان در موضوع مباحث عرفانی، مطالعاتی عمیق داشته و آثار ارزنده‌ای منتشر کرده‌اند. نظرتان در این باره چیست؟**

استاد انصاریان معتقد هستند که سلوک عرفانی باید مطابق با ظاهر شرع و دور از ریا بوده و نیز پاکی و صفای درونی را همراه داشته باشد. باطن عمل به شریعت، حقیقت است. مرحوم علامه طباطبایی نیز شریعت، طریقت و حقیقت، هر سه را یک امر دانسته‌اند. شریعت همان‌طور که مولوی نیز اشاره کرده است، مسیر را روشن می‌کند. طریقت نیز راهی است که طی می‌شود و حقیقت، هدفی است که در پایان مسیر قرار دارد، اما حقیقت این است که این سه مورد، یکی است؛ یعنی شخص با ورود به راه، آن را می‌پیماید و سرانجام به مقصد می‌رسد. علامه طباطبایی این سه مورد را از یکدیگر جدا نمی‌دانند، استاد انصاریان نیز چنین عقیده‌ای دارند.

عرفان از نظر استاد انصاریان امری فطری است و به راهنمایی ائمه هدی (ع) نیاز دارد. در این صورت نباید هیچ تعارضی میان عرفان و شریعت



این که استاد  
انصاریان مطالب  
را به گونه‌ای بیان  
می‌کند  
که مخاطبان  
با احساس  
معنوی خود، در  
مسیر حق  
حرکت کرده  
و معارف را  
می‌آموزند، هنری  
است که بیانگر  
توانایی ایشان  
در امر است.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا

در عمل دیده شود. من پانزده جلد از شرح مصباح را مطالعه کرده‌ام. اگر مبنا، مبنای نظری در شناخت خداوند قرار داده شود، در حقیقت سر نخ از کلام امیر مؤمنان (ع)، پیامبر (ص) و سایر معصومین (ع) گرفته شده است. خدا فطرتی در وجود آدمی نهاده است که او را به سوی خود حرکت می‌دهد. این فطرت در همه انسان‌ها وجود دارد، اما باید گفت که چنانچه در شرایط مناسب قرار گیرد، همچون بذری نهفته در دل خاک، شکوفا خواهد شد و روزی ثمر خواهد داد؛ بنابراین، فطرت با تعالیم اهل بیت (ع) در بعد نظر و عمل هدایت خواهد شد. این تعالیم زمینه‌ساز تکامل انسان است. استاد انصاریان همواره در صدد بیان این مطلب است.

مرحوم شهید ثانی اثری با عنوان «اذکار الصلوة» دارد. او در این کتاب به بیان و شرح تمام اسرار و رمزهای عبادات، به ویژه نماز می‌پردازد. برای نمونه، در این اثر به حقیقت رکوع و سجده اشاره کرده و چستی آن را از نظر عرفانی بیان می‌کند.

شهید ثانی که خود فقیه است، عرفان عملی را نیز تعلیم می‌دهد. همچنین ملا محسن فیض کاشانی با وجود این که شاگرد ملاصدراست، کتاب‌هایی با موضوع عرفان نوشته. گرایش اصلی و عمیق سخن عرفانی او نیز به سوی اهل بیت (ع) است. او محتوای «محجة البیضاء» را که اثری از غزالی است، باز ویراست کرد و بسیاری از مطالب بی‌پایه‌ای را که از عقاید صوفیان در آن وجود داشت، حذف کرد و مطالب ارزنده‌ای را به آن افزود. او بسیاری از نکات پُراهمیت از زندگی و اخلاق ائمه هدی (ع) را جایگزین سخنان بی‌پایه و ریشه صوفیان در این کتاب کرد. برخی ممکن است، همچون فیض کاشانی، فیلسوف باشند و در عین حال به اصول عرفان نیز مسلط باشند. این امور به اصلی که استاد انصاریان دنبال می‌کند، آسیبی نمی‌رساند.

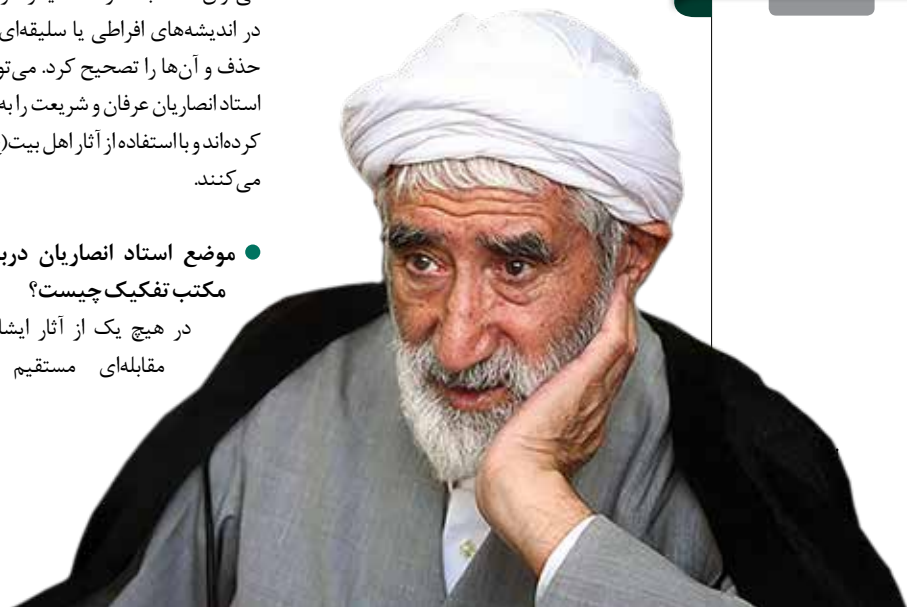
«اسرار الصلوة» (شهید ثانی)، «رسالة الولاية» (علامه طباطبایی) و «محجة البیضاء» (ملا محسن فیض کاشانی) در موضوع عرفان اسلامی، کتبی جامع هستند. با مبنای این کتاب‌ها می‌توان مطالب نادرست دیگر عرفان‌ها را که در اندیشه‌های افراطی یا سلیقه‌ای ریشه دارد، حذف و آن‌ها را تصحیح کرد. می‌توان گفت که استاد انصاریان عرفان و شریعت را به خوبی درک کرده‌اند و با استفاده از آثار اهل بیت (ع) آن را بیان می‌کنند.

● موضوع استاد انصاریان درباره جریان مکتب تفکیک چیست؟

در هیچ یک از آثار ایشان نمی‌توان مقابله‌ای مستقیم با مکتب

تفکیک دید. مکتب تفکیک عرفان و فلسفه را رها کرده و آنان را باطل می‌خواند؛ البته استاد تمام این مباحث را رد نمی‌کنند. یک بار با آقای «سیدان» دیدار کردم. ایشان یکی از نمایندگان مکتب تفکیک هستند. ایشان گفتند که آثاری را نگاشته‌اند که موضوع آنها عرفان اهل بیت (ع) است و به زودی به چاپ خواهد رسید. ایشان عرفان اهل بیت (ع) را پذیرفته‌اند، اما هر جا که بحث‌های فلسفی مطرح شود، به آن توجه نمی‌کنند. تفاوت ایشان و استاد انصاریان در اینجاست.

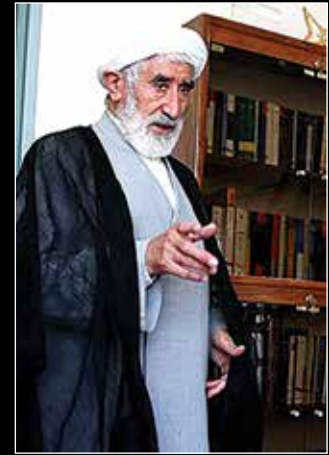
در قونیه که مزار مولوی در آنجاست، یکی از شاگردان معروف محی‌الدین به نام صدرالدین قونوی حضور داشت. او با مولوی رابطه‌ای نیک داشته است. به گونه‌ای که نمازهای آنان را خود با جماعت می‌خواند. روزی شخصی صوفی مسلک که گویی در حال گریز بود به قونیه آمد. هنگام نماز پیش رفت و در جای امام ایستاد. مولوی و صدرالدین به او اقتدا کردند. مرد صوفی در هر دو رکعت نماز، پس از حمد، سوره کافرون را قرائت کرد. پس از نماز، صدرالدین به مولوی گفت که مراد صوفی از کافر، من و تو بودیم. این عربی در عرفان نظری خود به مبانی بسیار پایبند بود. مولوی که شخصی فقیه، آگاه به روایات، قرآن و عرفان است، همان مطالب را با زبان شعر بیان کرده. سپس مولوی در حدود چهارده سال، «مثنوی» را سرود. این دیوان، کتابی است که همه مسائل عمیق عرفانی را با زبانی ساده و عوام فهم بیان می‌کند. هر چند در پاره‌ای موارد دشوار شده و به عرفانی که محی‌الدین مطرح کرده، نزدیک می‌شود. همچون این ابیات:





## پیروی از انسان مائز همه کمالات

پروردگار در آیات دیگر قرآن می‌گوید «لتعلموا» اصلاً من این مشیت خاک را تبدیل کردم به یک انسان عاقل با اختیار، متحرک، زنده، برای اینکه آگاه بشود، بشناسد، بفهمد؛ از چه چیز آگاه بشود؟ آگاه به پروردگار بشود یعنی «لتعلموا» متعلقش اول خداست، خدا را بشناسد، لتعلموا خدا را، لتعلموا پیغمبر را، این معانی در قرآن است، مثلاً درباره شناخت پیغمبر می‌گوید: «ثُمَّ تَتَنَبَّهُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ» سبأ، ۴۶، درباره وجود پیغمبر اندیشه کنید؛ وقتی پیامبر (ص) را شناختید که تمام کمالات را دارد، به شما واجب می‌شود که به او اقتدا کنید. دیگر از نظر عقلی حق ندارید از آدم عیب و نقص دار، از کسی که علم کمی دارد و مادی گراست و همه کمالات و ارزش‌ها را ندارد پیروی بکنید.



«منبسط بودیم و یک گوهر همه بی‌سر و بی‌پا بدیم وان سر همه یک گهر بودیم همچون آفتاب بی‌گره بودیم و صافی همچو آب چون به صورت آمد آن نور سره شد عدد چون سایه‌های کنگره کنگره ویران کنید از منجینق تارود فرقی از میان این فریق»

بحث‌های عرفانی محی‌الدین که به حقانیت ذات باری تعالی اشاره داشته و همه چیز را تجلیات او می‌خواند، بسیار کم در مثنوی آمده است، اما کتاب روان و قابل فهمی است؛ برخلاف کتاب «فصوص الحکم»، یا «فتوحات مکیه» و یا سایر آثار این عربی که به راحتی قابل فهم نیست. مثنوی نیز به شرح نیاز دارد، اما روان بودن آن برای همگان آشکار است. روزی صدرالدین قونوی از مولوی درباره چگونگی بیان کردن ساده مطالب پرسید؛ مولوی در پاسخ گفت که من از این که شما این مسائل ساده را با پیچیدگی بیان می‌کنید، تعجب می‌کنم. این موضوع، از توانایی‌ها و هنرهای فردی است که به استعداد باز می‌گردد. داستان مولوی و شبان به راستی در نوبه خود شاهکار است.

اینکه استاد انصاریان مطالب را به گونه‌ای بیان می‌کنند که مخاطبان با احساس معنوی خود، در مسیر حق حرکت کرده و معارف را می‌آموزند، هنری است که بیانگر توانایی ایشان در این امر است. در حقیقت، این هنر و عنایتی است که خداوند به ایشان ارزانی داشته است؛ این که پیچیده‌ترین و عمیق‌ترین مطالب عرفانی را با ساده‌ترین بیان به مخاطب خویش می‌فهمانند.

## راه‌های شناخت اهل بیت (ع)

دوره شناخت وجود دارد؛ یکی این که بلند شوم از خیلی از مسائل خودم را محروم کنم، غربت بکشم بروم قم، بروم نجف، بروم یک حوزه علمیه، بیست سال حسابی بخوانم و بعد با شناخت این منابع برگردم و بشوم خداشناس، قرآن‌شناس، معادشناس، اهل بیت‌شناس، جان همه آنها هم اهل بیت (ع) است. هم قرآن و هم روایات دارد که بی‌اهل بیت (ع) از ازل تا به امروز خدا را ندیده است که کسی را بدون اهل بیت (ع) قبول بکند. قرار داد خدا با بندگانش این است که بعد از بعثت پیغمبر (ص) راه قبولی شما اتصال به اهل بیت (ع) است. از اول قرار گذاشته است که اگر بی‌اهل بیت (ع) کسی وارد قیامت بشود، عذری ندارد، می‌گوید برو جهنم، من از اول قرار داد کرده بودم با اهل بیت (ع) وارد محشر شوید، چون ما با اهل بیت (ع) خدا را درست می‌شناسیم.

## پالایش آلودگی‌ها و اعطای پاکی‌ها

رجس، نجس، خبیث و ریم لغتی است که در قرآن آمده؛ رجس یعنی اهل بیت (ع) از پاکی‌ها همچون پاکی‌های عقلی، قلبی، روانی، اخلاقی و عملی چیزی کم ندارند، یعنی همه پاکی‌ها در اهل بیت (ع) است و «يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً». می‌گوید «يُذْهِبُ عَنْكُمْ الرَّجْسَ»، نمی‌گوید «ليزول عَنْكُمْ الرَّجْسَ».

خیلی آیه دقیق و تنظیم شده‌ای است؛ «ليزول عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» معنی آن این است که شما بخیل بودید ما بخل، حرص و تکبر را پاک کردیم؛ اگر می‌گفت ليزيل عَنْكُمْ الرَّجْسَ، ما آلودگی‌ها را از عقل و قلب و روان شما شستیم، می‌گوید ليزيل عَنْكُمْ الرَّجْسَ از اول که به دنیا می‌آید تا لحظه آخر عمرتان، ما هر نوع آلودگی را از شما فراری می‌دهیم یعنی حرص، بخل، کبر، بدبینی، اصلاً پیدا نمی‌کند که در وجود شما بنشینند. علاوه بر این که آلودگی‌ها را فراری دادیم، تمام پاکی‌ها را هم به شما دادیم.

محبت الاسلام والمسلمین اجاق نژاد:

# اخلاق عملی موجب تأثیرگذاری بر مخاطبان فرامرزی

بین رجال سیاسی و دیپلمات‌های کشورهای مختلف بسیار کم‌رنگ است؛ چراکه دیپلمات‌ها در دیپلماسی خود می‌بایست از قوانینی پیروی کنند که تواضع در آن بین به‌طور تقریبی بی‌معناست؛ قوانینی همچون رعایت وقار، ظاهری بسیار آراسته، داشتن ارتباط‌های جدی تا حدی تواضع را از میان برده است؛ از این رو، تواضع کردن در آن جو ناصحیح که در پارهای نیز معنای نادرستی از آن فهمیده شده است، می‌تواند به معنای ابراز کوچکی در برابر طرف مقابل باشد؛ بنابراین، مردم‌عادی، به‌ویژه دین‌داران با مواجه شدن با تواضع عالمی بزرگوار و والامقام، بسیار ابراز خرسندی می‌کنند؛ رفتارهای صحیح و دور از کبر، غرور و خودبینی در میان مردم، می‌تواند بیش از سخن یک سخنران موثر باشد. استاد انصاریان از این ویژگی که در حقیقت موهبتی الهی و نتیجه خودسازی و تقواست، برخوردارند.

● درباره سفرهایی که با ایشان همراه بودید، بگویید.

بنده افتخار همراهی ایشان را در دو سفر به کشور آذربایجان داشتم؛ سفری که در سال ۱۳۹۰ و به مناسبت دهه فجر صورت گرفت و نیز در سال ۱۳۹۱ به مناسبت هفته وحدت، باز بنده ایشان را دعوت کردم که در کنفرانسی که جناب شیخ الاسلام الله شکور پاشا زاده (رییس اداره مسلمانان قفقاز در باکو) به مناسبت هفته وحدت، تشکیل داده بودند، برای سخنرانی شرکت کنند؛ استاد در آن کنفرانس با کمال متانت و بزرگواری سخنرانی عالی، موثر و متواضعانه‌ای کردند؛ آنچه در آن جلسه جریان پیدا کرد، این بود که پس از آن سخنرانی که در جمع بسیاری از روحانیان

تواضع یکی از ویژگی‌های استاد حسین انصاریان است. در اسلام هم بر این مهم تأکید فراوانی شده است. چنین خصیصه‌ای را کمتر می‌توان در شخصیت‌های حاضر در عرصه بین‌الملل به دلیل شرایط مشاهده کرد و این موضوع را می‌توان ناشی از خودسازی استاد و تقوایی دانست که طی سالیان دراز تحصیل کرده‌اند. در همین رابطه گفتگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین اجاق نژاد، نماینده ولی فقیه در منطقه قفقاز درباره آثار حضور استاد حسین انصاریان در عرصه بین‌الملل داشتیم که مشروح آن را می‌خوانید.

انصاریان این است که ایشان شخصیتی بین‌المللی دارند؛ چنین شخصی برای فعالیت‌های برون‌مرزی از نظر اخلاقی به‌ویژه در بعد سیاست و اجتماع می‌بایست از توانایی‌هایی برخوردار باشد؛ چراکه بدون آن توانمندی‌ها موفقیت ممکن نیست. یکی از ویژگی‌های استاد کم‌حرفی است؛ گاهی برخی در دیدارهای مردمی بدون آنکه به آنچه می‌گویند توجهی کنند و بدون در نظر گرفتن امور امنیتی و سیاسی، مسائل داخلی کشور را بی‌توجه به طبقه‌بندی کردن اطلاعات، مطرح می‌کنند؛ حتی برخی در پاسخ به پرسش‌های دینی سخن را به حاشیه برده و از موضوع‌های محرمانه می‌گویند؛ این نکته‌ای بسیار پراهمیت برای افرادی است که در فراتر از مرزهای کشور فعالیت می‌کنند؛ باید گفت که استاد انصاریان از این نظر بسیار متین و دقیق است؛ حتی در پاسخ به سوال‌های دینی و اخلاقی از حدود تجاوز نمی‌کنند.

● از دیگر ویژگی‌های استاد انصاریان بر ایمان بگویید.

تواضع از دیگر ویژگی‌های این عالم جلیل‌القدر است؛ این موضوع در

● پیرامون مدت آشنایی با استاد و نیز ابعاد علمی و شخصیتی ایشان توضیحی بفرمایید.  
بنده مدت‌ها در خدمت ایشان بوده‌ام؛ به‌ویژه در سفرهای خارج از کشور ایشان را همراهی می‌کردم؛ آنچه به چشم دیدم و حس کردم، از نعمت‌های الهی بود که پروردگار عالم را به خاطرش سپاسگزارم. استاد انصاریان یکی از مفاخر کشور و از خطیبان؛ نویسندگان مخلص و موثر در جهان تشیع است؛ اگر ایشان زبان گویا در عالم اسلام و مروج مکتب تشیع نامیده شوند، امری به جا و شایسته است؛ ایشان در زمان‌های گوناگون به کشورهای مختلف جهان، به‌ویژه کشورهای اسلامی مسافرت کرده‌اند؛ در این سفرها با افراد برجسته در جهان اسلام و نیز تاثیرگذاران عرصه فرهنگ و علم دیدار کرده‌اند؛ در زمان‌ها و مکان‌های مناسب بسیاری حتی در دورترین نقاط جهان ایشان سخنرانی کرده و مطالب پراهمیت را بیان داشته‌اند؛ بنابراین، جز اینکه ایشان جهان اسلام را می‌شناسد، جهان اسلام نیز تا حدی با شخصیت این عالم بزرگوار آشناست.

آنان که در سطح بین‌الملل شناخته می‌شوند، با آنان که شخصیتی بین‌المللی دارند، بسیار متفاوت هستند. یکی از ویژگی‌های بارز و قابل توجه استاد

همان‌گونه

که ایشان

جهان اسلام را

می‌شناسد، جهان

اسلام نیز تا حدی

با شخصیت این

عالم بزرگوار

آشناست.

راهنما

ویژه‌نامه

آشنای نا آشنا



## مشتری فدا بودن

خدا به انسان کریم یاری می‌دهد و او را بلند کرده و از درون تشویق می‌کند تا خودش به سراغ نیازمندان برود؛ کریم نمی‌نشیند که نیازمند بیاید، گردن کج کند و اشک بریزد تا یک پول اندکی بگیرد و برود.

کریم چهل سال بار مردم مدینه را که حتی او را دوست نداشتند به دوش می‌کشد و برای خانه‌های شناسایی شده مستحق‌ها کفش، کلاه، لباس، غذا و پول می‌آورد، جوری می‌رود که او را نشناسند؛ بعد از چهل سال، دو شب که از شهادت زین العابدین (ع) گذشت، مردم مدینه فهمیدند چه کسی چهل سال بارشان را به دوش می‌کشید.

آنها به آیات الهی و مشتری بودن خدا یقین داشتند؛ خدا از مردم مومن، مالشان را می‌خرد. «وانفسهم» و وجود خودشان را هم می‌خرد. آنها که بدن، روح و جانشان را در عبادت، نماز، روزه، کوشش‌های مثبت و جهاد فی سبیل الله می‌آورند؛ همانا خدا جانشان و خودشان را می‌خرد.

این پول اندک و جان ناقابل را چند می‌خرد؟ «بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ»، در برابر بهشت؛ «بِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»، اینها هیچ باکی از جنگ با دشمنان ندارند؛ «فَيَقْتُلُونَ»، دشمن‌کش هستند؛ و «وَيُقْتَلُونَ»، شهید می‌شوند؛ اینها دشمن‌کش هستند و شهید می‌شوند.



ایشان رفتیم؛ از آنجا که پیش‌بینی می‌شد که در آن میهمانی از استاد تقاضای عیدی کنند، من مبلغی را در پاکتی گذاشتم و به ایشان دادم؛ به ایشان گفتم چون شما بزرگ ما هستید، ممکن است از شما تقاضای عیدی کنند؛ می‌توانید از این مبلغ استفاده کنید؛ ایشان فردی بسیار کم‌سخن هستند؛ از این رو، پاکت را گرفتند و تشکر کردند.

پس از صرف شام، همان‌طور که پیش‌بینی کرده بودم، آن‌ها به استاد گفتند که چون شب عید است و شمانیز به اینجاست تشریف آورده‌اید، سزاوار است که به ما عیدی بدهید! ایشان به من نگاهی کردند؛ من گفتم بله، درست است! باید عیدی بدهید! ریش سفیدی نیز هزینه‌ای دارد؛ ما می‌خواهیم از دست شما عیدی و تبرکی بگیریم؛ ایشان پاکت را از جیبشان درآوردند و به افراد عیدی دادند؛ ایشان در پایان میهمانی گفتند که من پولی همراه نداشتم! استاد به من اشاره کردند و گفتند که این مبلغ را ایشان به من داده‌است؛ ایشان می‌توانستند این را موضوع اظهار نکتند؛ قرار نبود همه این مطلب را بدانند؛ اما با همه این، ایشان آن را بیان کردند. این، نمونه‌ای از تواضع‌هایی بود که پیش‌تر گفتم از آثار نگارشی و گفتاری افراد نمی‌توان بدان پی برد؛ این رفتارها را باید به چشم دید.

یکی از علل موفقیت ایشان ارتباط معنوی و توسل به ائمه اطهار (ع) است؛ در سفر گرجستان شبی برای استفاده از مزایای درمانی به حوضچه آب گرمی که یکی از دوستان مهیا کرده بود رفتیم، ایشان در همان فضا شروع به مناجات کردند و در نهایت جلسه با توسل و اشک غیر قابل توصیفی به اتمام رسید. اینکه ایشان حتی در سطح بین‌الملل تا این اندازه موفق هستند، تنها به دلیل روحیه و ویژگی‌های شخصیتی ایشان است؛ باید گفت ایشان هر جا که تاکنون رفته‌اند، موفق بوده‌اند؛ امیدوارم خداوند ایشان را بیش از پیش موفق گرداند و همه ما را عاقبت به خیر نماید؛ در قیامت نیز ما را از شفاعت علمای بزرگوار، شهدای عزیز و اهل بیت (ع) محروم نفرماید.

شهرهای مختلف، شخصیت‌های علمی، دانشگاهی و شماری از برجستگان فرهنگی برگزار شد همه از صمیمیت و جذابیت شخصیت استاد سخن می‌گفتند. پس از آذربایجان، به گرجستان رفتیم؛ در تفلیس نیز مراسمی بسیار باشکوه به مناسبت هفته وحدت تشکیل شده بود.

استاد انصاریان در آن سفر با افراد برجسته و مهم گرجستان به صورت خصوصی دیدار کردند؛ که از آن جمله شماری از علما، برخی از خطبا و طلبه‌های مدرسه علمی حوزه علمیه و مردم متدین و مسلمان گرجستان بود. من در یکی از دیدارهای مهم ایشان با رهبر گرجی‌ها جناب «ایلیای دوم پاتریاخ» همراه استاد انصاریان بودم؛ دیداری بسیار صمیمی که برای آن نخست پانزده دقیقه برنامه‌ریزی شد؛ اما در حدود یک ساعت طول کشید؛ صمیمیت در آن جلسه سبب شد که هر دو بیشتر گفت‌وگو کنند؛ در آن جلسه آقای پاتریاخ هدیه‌ای برای مقام معظم رهبری تهیه کردند و آن را به استاد انصاریان سپردند تا به دست ایشان برسانند.

جناب پاتریاخ در آن دیدار و پیش‌تر نیز گفته بود که من با آیت‌الله خامنه‌ای، یک‌بار دیدار کرده‌ام؛ دیداری بسیار مهم که هنوز در ذهن من باقی است؛ ایشان می‌گفت که آن دیدار شروعی برای برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌هایی درباره موضوع‌هایی بود که در آن دیدار به ذهن من خطور می‌کرد.

اخلاص در کار یکی از امتیازها و نیز علت موفقیت ایشان است؛ اخلاص را نمی‌توان در ظاهر حس کرد؛ گفتن و نوشتن نمی‌تواند اخلاص باشد؛ اخلاص افراد در شرایط مختلف و در دشواری‌ها سنجیده می‌شود؛ من در سفرهایی که با ایشان بوده‌ام، به‌طور کامل معنویت و اخلاص ایشان را در همه ابعاد شخصیتی و رفتاریشان حس می‌کردم.

سفیر ایران در گرجستان در شب ولادت پیامبر از ما برای ضیافت شام در اقامتگاه خودش دعوت کرد؛ بنده با استاد انصاریان و نیز همراهان ایشان به منزل



مرحوم آیت الله  
حاج سید احمد  
خوانساری از  
ایشان، به  
«عالم کامل  
وقدوة العلماء  
العالمین»  
تعبیر می نماید.



ویژه نامه  
آشنای نا آشنا

محبت الاسلام والمسلمین محمد جواد صابریان:

# استاد از دیدگاه مرجعیت و بزرگان شیعه

نگاه دقیق و تأیید مراجع عظام تقلید و اندیشمندان نامدار حوزه شیعه پیرامون علما و شخصیت‌های حوزوی همواره فصلی مهم و پشتوانه‌ای ارزشمند برای آنان به شمار می آید. در گفت‌وگو با حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد صابریان مدیر موسسه فرهنگی دارالعرفان به بررسی دست‌نوشته‌ها و اجازات علمی آن بزرگان پیرامون حضرت استاد انصاریان و نیز الگوهای رفتاری استاد پرداخته ایم.

نگاه بزرگان دین و فرهیختگان و عالمان ربانی و مراجع عظام تقلید نگاهی دقیق و بارعبت همه جنبه‌های لازم است و بسیار بهتر می‌توان به شخصیتی که از نگاه این بزرگان معرفی می‌شود معرفت و آگاهی پیدا کرد. به اعتراف بسیاری از آگاهان در حوزه‌های مختلف علمی، دینی و اجتماعی، یکی از شخصیت‌هایی که طی نیم قرن اخیر با بیان و قلم خود در تربیت نسل فعلی کشورمان سهم بسزایی داشته است، اندیشمند محقق و عالم فرزانه، آیت الله حاج شیخ حسین انصاریان بوده است.

شخصیت ارزشمندی که مرحوم آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری، آن مرجع کم‌نظیر که به احتیاط در کلام، مشهور خاص و عام است در اجازه‌نامه علمی خود به ایشان در ایام جوانی، از استاد انصاریان به «عالم کامل و قدوة العلماء العالمین» تعبیر می‌کنند. این توصیف گویای این حقیقت است که استاد انصاریان با تمام شهرتش شخصیتی ناشناخته در جامعه امروز ما به شمار می‌رود.

مرحوم آیت الله العظمی آخوند ملاعلی همدانی که عظمت علمی و معنوی و فضائل و کراماتشان بر اهل دقت پوشیده نیست نیز در یکی از اجازات خود از استاد به «بوالفضائل» تعبیر کرده‌اند و در عبارتی

دیگر ایشان را با «عالم عامل» توصیف می‌کنند. استاد انصاریان شخصیتی است که حکیم فیلسوف مرحوم آیت الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در وصفشان فرموده: «قرن بین السعدین العلم والعمل» شخصیتی است که در وجود خود علم و عمل را با هم درآمیخته است.

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی بعد از مطالعه بخشی از تفسیر حکیم که به پیشنهاد خودشان توسط استاد در حال انجام است مقدمه‌ای نگاشته و در آن فرموده‌اند: «با توجه به احاطه بسیار خوبی که به مضامین آیات و روایات دارند، نکات جالب و بدیعی را از خود به جا گذاشته‌اند و امید آن است که مورد استفاده فضلاء و اهل دانش قرار گیرد.»

همچنین آیت الله العظمی فاضل لنکرانی در سال ۱۴۰۸ هجری قمری در اجازه علمی خود از استاد تعبیر به «منتبع کامل و صاحب تألیفات ارزشمند علمی» می‌کنند.

وقتی بنای تحلیل بیان رسای استاد انصاریان به میان می‌آید نگاه ارزشمند و دقیق فقیه عالیقدر و مرجع بزرگوار جهان شیعه آیت الله العظمی صافی گلپایگانی قابل توجه است که در مکتوبی پیرامون یکی از سخنرانی‌های استاد انصاریان سخن‌شان را «سبب اعتلای معارف نورانی اهل

بیت (ع) و پاسداری از مقام فقاها و مرجعیت» معرفی می‌کنند و در پاسخ به نامه ایشان، پیرامون مباحث علمی درباره قرآن کریم، او را «مفتخر و سرافراز به نیم قرن حضور و خدمت به قرآن کریم و پژوهش پیرامون کتاب آسمانی» می‌دانند. مرحوم علامه آیت الله استاد محمدتقی جعفری، تفسیر استاد انصاریان بر صحیفه سجادیه را این‌گونه توصیف کرده‌اند: «این کتاب ارزشمند در حقیقت بیانی رسا از بیاناتی است که باید در تفسیر لزوم قرار گرفتن انسان‌ها در جاذبه کمال به صحنه عقول و دل‌های عاشقان حق و حقیقت وارد می‌شد.» و سپس به محققان نوید می‌دهد که با مطالعه تفسیر صحیفه ایشان با هویت و تفسیر و تحقیقات عالی‌تری پیرامون صحیفه روبه‌رو خواهند شد.

از میان این جملات و کلمات استوار که از قلم بزرگان دین تراوش کرده است و به معرفی و توصیف حضرت استاد پرداخته، این حقیقت به خوبی خودنمایی می‌کند که استاد با تمام شهرت، شخصیتی ناشناخته در جامعه دینی ما هستند و با وجود نیم قرن تلاش علمی در عرصه‌های مختلف شخصیت ایشان بر همگان ناشناخته مانده است.

## ● نخستین ویژگی شخصیتی استاد انصاریان از نظر شما چیست؟

بهترین خصیصه این است که استاد همچنان با وجود گذشت نزدیک به نیم قرن فعالیت در حوزه نشر فرهنگ اسلامی و شیعی که در قالب سخنرانی و تألیف کتاب تبلور یافته است، روحیه و نیز حس و حال طلبگی خود را حفظ کرده‌اند. به طور معمول، شخصیت‌های برجسته علمی و حتی آنانی که در سایر زمینه‌ها به شهرت می‌رسند، دچار آفت‌هایی می‌شوند که زندگی شخصی و اجتماعی، آن‌ها را دچار دگرگونی می‌کند. این آفت آن‌چنان پرنفوذ است که حتی افرادی که در اطراف آنان هستند، قادر نخواهند بود از این آفت اجتناب کنند. شاید بتوان این آفت را به خودبزرگ‌بینی تعبیر کرد. این در حالی است که استاد انصاریان هرگز این چنین نیستند. ایشان خود می‌فرمودند که پس از این که به دست پربرکت مرحوم شیخ عباس طهرانی معمم و ملبس به جامه روحانی شدند، مرحوم طهرانی به ایشان فرمودند که به حرم حضرت معصومه (س) مشرف شده و از حضرتش بخواهید تا خداوند حس و حال خوب طلبگی را که به‌طور معمول در ابتدای ورود به حوزه همه طلاب را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همیشه برای شما حفظ کند.

اشاره کردند که شاید بتوان آن را فصل الخطابی در این باب دانست. ایشان فرمودند: به نظر من، رزق معنوی همانند رزق مادی است و باید نصیب افراد شود. شاید بتوان میان دو خطیب و سخنران مذهبی، یکی اعلم از دیگری معرفی کرد، اما آنچه که ممکن است برای مستمع سودمند باشد، آن نکته‌ای نیست که خطیب اعلم مطرح می‌کند. بنابراین، ممکن است چیزی که مرحوم کافی می‌گوید، برای یک فرد جذابیت بیشتری داشته باشد و برای دیگری آنچه که مرحوم فلسفی می‌گوید، جالب باشد. لذا هر کس روزی خاص خود را بر سر این سفره معنوی می‌برد. هر کدام از اهل منبر حکم طبیعی را دارند که در حوزه فعالیت خود مناسب‌ترین نسخه را برای مخاطبان خود تجویز می‌کنند، حال یکی طبیب متخصص است و دیگری عمومی.

● استاد انصاریان به چه چیزهایی در سخنرانی‌های مذهبی حساس هستند؟

ایشان با هر سخنرانی بی‌مایه و بی‌پشتوانه علمی مخالف هستند. ایشان تا جایی که توان داشته باشند، از پدید آمدن چنین جریانی ممانعت به عمل می‌آورند. اعتقادشان نیز این است که این مقام، کرسی خطابه و هدایت مردم است و باید از هر گونه منفعت‌طلبی شخصی دور باشد. همچنین، با رابطه مرید و مرادی میان پامنبری‌ها و شخص خطیب، مخالف هستند؛ چرا که در این جریان هم نوعی منفعت‌طلبی شخصی را مشاهده می‌کنند. گاه پیش آمده است که در برخوردشان با افراد که به‌طور معمول، از ایشان رویی گشاده را انتظار دارند، با نوعی بی‌تفاوتی و کم‌توجهی (نه با سردی و بی‌احترامی) برخورد می‌کنند. ایشان علت آن را ابزار علاقه بیش از اندازه افراد می‌خواند؛ چرا که خود را مستحق چنین علاقه‌ای نمی‌بینند. از این رو،



باشند، سخنرانی‌های ایشان متفاوت خواهد بود؛ این تفاوت بر اساس سطح سواد و درک مخاطبان صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که لحن، بیان، استخدام واژگان و موضوع در آن‌ها یکسان نخواهد بود. ایشان تلاش می‌کنند که مخاطبان خود را تحت تأثیر سخنان خود قرار دهند. استادان انصاریان معتقدند که هدایت یافتن افراد عاملی است که آنان، خود جریانی را به راه بیندازند که به تدریج سبب اصلاح جامعه می‌شود. مرحوم برهان به ایشان می‌فرمود که ممکن است تون‌توانی به میزان تأثیر کلامت در مخاطبان پی ببری؛ اما این نکته را بدان که حتی اگر کلام، تنها در یک نفر تأثیر گذارد، ممکن است سبب دگرگونی نسل‌ها شود.

● آیا استاد انصاریان تاکنون درباره خطبا و سایر سخنرانان مذهبی نظری اظهار کرده‌اند؟

جالب است بدانید که پیش‌تر همین موضوع از ایشان پرسیده شده است؛ ایشان در پاسخ گفتند که به دلیل مشغله و عدم فرصت کافی، تاکنون موفق به شرکت در جلسه سخنرانی دیگر خطبا نشده‌اند، اما به نکته‌ای

● تأثیر حفظ چنین روحیه‌ای، چه اثرات مثبتی در شخصیت علمی استاد انصاریان داشته است؟

این امر موجب شده است که همچنان روحیه تلاش و مطالعه استاد باقی بماند. به گونه‌ای که همواره خود را از دانستن بی‌نیاز نمی‌دانند. ایشان به مطالعه و تحقیق اصرار دارند. به همین دلیل، پس از گذشت سالیان دراز، حتی موضوعی تکراری در هیچ‌یک از سخنرانی‌های ایشان وجود ندارد. از سویی همچنان عشق و علاقه ایشان به تبلیغ، راهنمایی و ارشاد مردم و مخاطبان که بیشتر از جوانان و دانشجویان هستند، با همان قوت همیشگی پابرجاست؛ حتی ذره‌ای رخوت و کسالت در ایشان پس از گذشت ۷۲ سال از عمر شریفشان، مشاهده نمی‌شود.

● به چه موارد دیگری از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری استاد انصاریان می‌توان اشاره کرد؟

ایشان در هر یک از سخنرانی‌های خود، متناسب با میزان درک و آگاهی مخاطبان خود سخن می‌گویند. چنانچه برای ایراد سخنرانی در چندین مناسبت و در چند نقطه مختلف شهر، دعوت شده



## وارد معامله با فدا بشوید

ایمان چیست که خدا دارندگان آن را مومن نامگذاری کرده است؛ «ان الله اشتری من المؤمنین»؛ ایمان چیست که در وجود هر کسی باشد، مومن، کریم، معامله کننده با پروردگار، سخی، جواد، دست به جیب و اهل عمل صالح می شود؛ بیا یسد با خدا معامله و به این آیه شریفه یقین کنید؛ خودتان را از عنایات ابدی خدا محروم نکنید؛ بسیاری از مردم را تحریم در فشار شدید اقتصادی گذاشته است، از اداری و غیر اداری، به آنها که اهل دزدی، اختلاس و فریبکاری نیستند، متدین هستند و نمی خواهند خود و خانواده شان را با لقمه حرام نجس کنند، برسید، همان طوری که اهل بیت (ع)، هر چهار نفرشان یک شب به مسکین، یتیم و اسیر رسیدند و گفتند: «انما نطعمکم لوجه الله»، ما با خدا معامله می کنیم، وارد معامله با خدا بشوید.

امام (رضا) (ع) می فرماید: «الایمان عقد بالقلب»، عقد یعنی گره؛ ایمان گره خوردن دل به پروردگار است؛ گرهی که باز نشود؛ «و لفظ باللسان»، ایمان یعنی باز زبان وارد میدان عبادت شدن، نماز و قرآن خواندن، امر به معروف و نهی از منکر کردن؛ «عقد بالقلب و لفظ باللسان و عمل بالجوارح»، ایمان یعنی چشم، گوش، زبان، دست، شکم، شهوت و پا را در گردانه عمل صالح قرار دادن.



با چنین رفتاری ذهنیت نادرست افراد را درباره خویش اصلاح می کند.

### ● آیا نکته بارز دیگری در منش رفتاری استاد انصاریان وجود دارد؟

نکته بارز دیگری که می توان به آن اشاره کرد، احتیاط مالی ایشان است. کسانی که مبلغی را به مؤسسه می پردازند، به ایشان تأکید می کنند که این مبالغ در اختیار شماسه؛ به طوری که ایشان در هر موردی که صلاح بدانند، می توانند به مصرف برسانند. با وجود این، به خاطرهای اشاره می کنم که نشان از ملاحظه عمیق استاد به مسائل مالی دارد. یک بار جلسه ای در مؤسسه بسیار طول کشید. پس از اقامه نماز ظهر و عصر و پیش از ادامه جلسه ناهار خوردیم. پس از صرف ناهار، ایشان من را به خلوت برد و هزینه ناهار را با من حساب کردند. وقتی من علت را جویا شدم، ایشان فرمودند که من می توانستم برای صرف ناهار، طبق معمول به خانه بروم، اما هزینه ناهار امروز به مخارج مؤسسه تحمیل شد. البته این موضوع فقط یک بار نبوده و بارها اتفاق افتاده است.

### ● با توجه به مسئولیتی که در مؤسسه فرهنگی دارالعرفان دارید، پیرامون آخرین آثار حضرت استاد مطالبی را بیان فرمایید.

یکی از آثار ارزشمندی که اخیراً توسط استاد انجام شده، ترجمه کتاب شریف اصول کافی است. مسلماً لازم نیست پیرامون اصل کتاب کافی نکته ای را عرض کنم، چرا که عظمت این کتاب که مورد تأیید وجود مقدس حضرت بقیة الله الاعظم است بر کسی پوشیده نیست، اما نسبت به ترجمه این اثر توسط استاد باید گفت که ایشان بعد از ترجمه های موفق که در زمینه قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، مفاتیح و دیگر

آثار اسلامی از خود به یادگار گذاشتند، با توجه به جایگاه کتاب اصول کافی و نبود ترجمه های امروزی و با استانداردهای روز، مشغول به ترجمه این کتاب شریف شدند. به حق می توان گفت که این ترجمه اثری فاخر، ماندگار و استوار در فرهنگ شیعه خواهد بود.

گرچه این ترجمه هنوز به مخاطبان عرضه نشده و در مؤسسه دارالعرفان در حال گذراندن آخرین ویراست خود است، اما امیدواریم به زودی به تشنگان معارف اهل بیت (ع) عرضه شود، اما یکی از آثاری که طی ماه های اخیر از استاد عرضه شد کتاب ارزشمند «اوصاف اولیای الهی» تفسیر خطبه ۸۶ نهج البلاغه ایشان در حوزه علمیه قم است که این اثر نیز بسیار دقیق و ارزشمند حاوی نکات ناب است که در کمتر شرحی می توان به آن دست یافت. البته آثار متعددی از ایشان در مؤسسه در حال آماده سازی است که امیدواریم با لطف الهی به زودی مهیای نشر شود.

### ● با بررسی آثار استاد متوجه شدیم که برخی از آثار توسط شما ویرایش و تحقیق شده است. لطفاً پیرامون ویژگی های آثار حضرت استاد توضیحی بفرمایید.

به لطف خداوند از آغازین روزهای تأسیس مؤسسه فرهنگی دارالعرفان، توفیق حضور در این مجموعه ارزشی را داشته ام و از ابتدا ضمن فعالیت های اجرایی، به کار ویرایش و تحقیق و آماده سازی آثار استاد مشغول بوده ام. حدود ۳۰ مجلد از آثار ایشان را به صورت مستقیم ویرایش و تحقیق کردم و در بقیه آثار به صورت غیر مستقیم نسبت به ویرایش و تحقیق و آماده سازی آنها نظارت داشته ام و اگر بخواهم پیرامون آثار مکتوب استاد نکاتی را عرض کنم باید به طور خلاصه به ۱۲ ویژگی در آثار استاد اشاره داشته باشم.

۱- اولین ویژگی آثار استاد انصاریان ساده نویسی و

از میان این جملات و کلمات استوار که از قلم بزرگان دین تراوش نموده است و به معرفی و توصیف حضرت استاد پرداخته است این حقیقت به خوبی خودنمایی می نماید که معظم له با تمام شهرت شخصیتی ناشناخته در جامعه دینی ما هستند و با وجود نیم قرن تلاش علمی در عرصه های مختلف شخصیت ایشان بر همگان ناشناخته مانده است.



## ویژه نامه آشنای نا آشنا



## معرفی مسلم و مهاجر

«من المسلم؟» حالا یک درجه پایین تر از مؤمن! مردم، مسلمان کیست؟ گفتند: خدا و رسولش می دانند که مسلمان کیست؛ این چقدر قاعده عالی ای است! عجب اسلامی! عجب فرهنگی! عجب دینی! گفتند: خدا و پیغمبر می دانند که مسلمان کیست. پیغمبر جواب دادند: «المسلم من سلم المسلمون»، مسلمان کسی است که کل مسلمانان مملکت در یک مملکتی که زندگی می کند و ۷۵ میلیون جمعیت مثل ایران دارد، «المسلم من سلم المسلمون من یدیه و لسانه»، مسلمان کسی است که یکبار دستش به مسلمانی -نه به مالش، نه به آبروش، نه به ناموسش- خیانت نمی کند و مسلمان کسی است که تمام مردم از شر زبان او سالم هستند، غیبت نمی کنند، تهمت نمی زند، تحقیر نمی کنند، آبرو نمی برد و این مسلمان است!

«من المهاجر؟» که در آیه شریفه «الذین آمنوا و الذین هاجروا» بود، مهاجر کیست؟ گفتند: خدا و پیغمبر می دانند؛ چقدر زیبا جواب داده است! پیغمبر فرمودند: «المهاجر عن هجر السيئات»، مهاجر کسی است که پشت به همه بدی ها بکند و به طرف شهر خوبی ها حرکت کند؛ «و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله» و آنهایی که در راه خدا زحمت می کشند، زحمت علمی، زحمت خدماتی، زحمت عبادت، زحمت فکری، زحمت راهنمایی کردن، «و لیک یزجون زحمت الله» بقره، ۲۱۸، رحمت پروردگار ویژه این مؤمنان، مهاجران و مجاهدان است.

۵- به حق می توان گفت یکی از مهمترین ویژگی های آثار استاد انصاریان روح اخلاص نهفته در این آثار است که گرمابخش آنها شده. اهل دقت از لابلای مطالب به این حقیقت پی می برند که این نوشتار برای مسابقه های علمی و یا ندای «آنا راجل» نوشته نشده است، بلکه مؤلف دغدغه هدایت مخاطبان خود را دارد که بارها در ضمن مطالب به آن تأکید می کند. این حاکی از اخلاصی است که در پس پرده آن مکتوب پشتوانه ای محکم برای ارائه اثر و موفق بودن آن را به خود اختصاص داده است.

۶- ادب در نوشتار مسلماً کم اهمیت تر از ادب در گفتار نیست. همگان می دانند که ادب در گفتار یکی از ارکان اختصاصات سخنرانی های استاد است که این خصیصه در آثار ماندگار مکتوب ایشان نیز جلوه گری می کند. گاهی برای رعایت اختصار از استاد می خواستیم که القایی را که برای بزرگان دین و عالمان ربانی استفاده کرده اند به اختصار بیاورم، اما ایشان مانع می شدند و می فرمودند: بیان این نکات برای مخاطب لازم است که بدانند که این نکته و مطلب را از چه انسان با عظمتی به خاطر می سپارند تا اثر این کلام دوچندان شود.

۷- قبل از بیان این ویژگی باید اعتراف کنم که در میان مؤلفان گرانقدر نتوانسته ام کسی را تا این حد و در این درجه از اخلاق بدانم و آن ویژگی بسیار ارزشمند «تواضع علمی» است. حقیقتاً تواضع علمی حضرت استاد حیرت آور است. شاید قابل باور نباشد که طلبه کوچکی همچون حقیر با بضاعت بسیار اندک علمی به استاد مراجعه می کند و نسبت به اثری نکاتی را مطرح می کند و با این پاسخ مواجه می شود که «برخی از نکاتی که گفتید حتماً در کتاب اعمال نمایند» و با نهایت بزرگواری برخی دیگر را نپذیرند.

۸- روح ارادت به حضرات معصومین (ع) و ارجاع مخاطب به دامن پر مهر آن ذوات مقدس و جدا نبودن گفتار و نوشتار از انوار مقدس اهل بیت (ع) از دیگر ویژگی های آثار ایشان است که نیاز به شرح و بسط ندارد؛ چرا که این ویژگی معرف خاص و عام است و همگان به آن اعتراف دارند.

۹- شاید برخی نتوانند باور کنند که با وجود کثرت اشتغالات و سفرهای متعدد تبلیغی ایشان، تاکنون بیش از ۱۳۰ جلد کتاب از آثارشان به چاپ رسیده است. این در حالی است که مؤسسه با وجود نیروهای علمی و پژوهشی متعدد طی حدود ۱۵ سال تاکنون نتوانسته تمام آثار را به چاپ برساند؛ چرا که ایشان در عین دقت،

روان بودن متن در عین دقت علمی و تتبع فراوان در موضوع است. گاهی افراد تصور می کنند با استفاده از کلمات و جملات پیچیده می توانند قدرت علمی خود را اثبات کنند، اما در حقیقت قدرت علمی آنجا مشاهده می شود که در عین اتصال به منابع عظیم علمی و توجه به نکات دقیق علمی و معنوی، بتوان آنها را به بیان و قلم روان و در عین حال مستحکم بیان کرد.

شیرینی و حلاوت قلم استاد کم از حلاوت ماندگار سخنرانی های ایشان ندارد و کسانی که با آثار قلمی ایشان آشنایی دارند به این حقیقت معترف هستند که جاذبه های ویژه در آثار ایشان وجود دارد که در کمتر اثری دیده می شود. اکثر تألیفات علمی و دینی از یک قالب تعریف شده بهره می برد که با فصل و باب و متن تعریف شده است. صدر و ذیل موضوع معلوم می شود، اما آثار استاد علاوه بر رعایت این نکات از جاذبه نوشتاری منحصر به فردی پیروی می کند که مخاطب ضمن انس با آن گرمی نفس استاد را از قلمشان حس می کند. بارها برای ویراست آثار مشغول خواندن اثر بوده ام، اما از اصل موضوع که ویراست کردن بوده غافل و به محتوا مشغول شدم.

۲- نکته دوم مستند بودن مطالب آثار است. در بررسی آثار گاهی با موضوعی برخورد می کردیم که مصدر مطالب ذکر نشده بود و در مصادر مختلف از طریق نرم افزارهای علوم اسلامی نیز بررسی می کردیم و به سند آن دست نمی یافتیم، اما بعد از مراجعه به استاد و سؤال از سند مطلب با پاسخی محیرالعقول برخورد می کردیم که گاه استاد علاوه بر نام کتابی که از آن استفاده کرده بودند به جلد و یا صفحه آن نیز اشاره می کردند و گاهی می فرمودند که مثلاً ۲۰ سال پیش این مطالب را فلان جادیده ام.

۳- استفاده از علوم روز در آثار، یکی دیگر از اختصاصات آثار ایشان است. این ویژگی تقریباً خود را در تمام آثار نشان می دهد که مطالب دقیق دینی با علوم امروزی تطبیق داده و شواهدی از این علوم به مطالب اضافه می شود.

۴- نکته پردازی و برداشت های زیبا از آیات و روایات و مطالب علمی از دیگر ویژگی های آثار مکتوب استاد است؛ البته این ویژگی به صورت جامع تر در سخنرانی ها دیده می شود که می توان این گونه گفت که فقه الحدیث به معنای واقعی کلمه در آثار گفتاری و نوشتاری حضرت استاد خودنمایی می کند. برداشت های نو، نکته پردازی، استفاده های جدید از آیات و روایات در جای جای آثار ایشان دیده می شود.

## توبه ویژه انسان است

توبه عبادتی است که ویژه انسان است و ملکوت این عبادت به فرشتگان، کروبیاها، ساکنان حرم ستر عفاف عطا نشده است؛ چراکه گستردگی وجود انسان را ندارند و ارزششان در حد انسان نیست. امام هشتم از پیغمبر (ص) نقل می‌کنند که رسول خدا فرمودند: «فإن المؤمن أفضل من ملك المقرب»، در این کره زمین، مومن واقعی، برتر از فرشته مقرب الهی است و از عزرائیل، اسرافیل، میکائیل و جبرئیل بالاتر است؛ این صحه و جودی را هیچ موجودی غیر از شما ندارد، این ظرفیت و جودی را هیچ فرشته‌ای غیر از شما ندارد، این ظرفیت به صورت استعداد به همه انسان‌ها عنایت شده و همه می‌توانند این استعداد را به فعلیت برسانند؛ از مادر که متولد می‌شوند، یک موجود زنده‌اند، تا رسیدن به مرز تکلیف - مرد و زن - یک موجود زنده‌اند و ارزش دیگری ندارند، ولی وقتی وارد عالم پاک تکلیف می‌شوند و به تکالیف الهیه عاشقانه عمل می‌کنند، از فرشته مقرب الهی برتر می‌شوند؛ توبه از ویژگی‌های انسان و کار هر روزه انبیا بوده است، اگر چه گناه نداشتند؛ از بس که عاشق این عبادت بودند، توبه داشتند؛ توبه مخصوص به خودشان؛ رسول خدا (ص) در شبانه روز هفتاد بار با قلبشان به پروردگار توجه داشتند و درخواست مغفرت می‌کردند؛ برایشان ارزش داشت که به خدا رو بکنند، تواضع بکنند و با پروردگار در ددل بکنند؛ چون می‌دانستند کلید حل تمام گره‌های دنیا و آخرت به دست وجود مقدس اوست.



اشاره کردم، چگونگی صحبت و لحن استاد، هنگام سخنرانی و در زمان‌های دیگر تفاوتی نمی‌کند. اگر خود با ایشان به گفت‌وگو بنشینید، خواهید دید که چنان در مورد آن مورد سخن می‌گویند که گویی بر فراز منبر نشسته‌اند. هرگز نباید چنین تصور کرد که صدا و لحن استاد نمایشی است. ایشان همیشه این چنین و بدون صداسازی سخن می‌گویند. البته شاید همین موضوع سبب شده است که نفوذ کلامشان دوچندان شود.

### ● می‌دانیم که مدتی هم در درس فلسفه استاد انصاریان شرکت کرده‌اید، لطفاً درباره آن درس نیز توضیح دهید.

این مطالب را قلباً عرض می‌کنم که من این لیاقت را ندارم که خود را شاگرد ایشان بدانم. بهره ما تا حد رفع تشنگی از این دریای پرگوهر بوده و هست، اما آنچه باید مورد توجه قرار داد این است که علاوه بر استفاده از حضر تشان در موضوعات متنوع دینی و اعتقادی از طریق سخنرانی‌ها و آثار مکتوب، توفیق شرکت در جلسه خصوصی درس شرح منظومه ایشان را داشتیم. این درس به صورت خصوصی در مؤسسه دارالعرفان با حضور اینجانب و فرزندان استاد برگزار می‌شد و حسب نظر، استاد بنای عمومی شدن را نداشتند. با توجه به اینکه بنده زیاد علاقه‌ای به فلسفه نداشتم، اما دوست داشتم که تلمذ در درس استاد را تجربه کنم. نوع بیان و تسلط ایشان بر مباحث فلسفه و خصوصاً منظومه مرحوم سبزواری شیرینی این علم را به ما چشاند. البته توفیق شاگردی درس ایشان در تفسیر قرآن و نهج البلاغه‌ای که در مدرسه فیضیه برگزار شد نیز برای ما حاصل می‌شد.

خاطره به یاد ماندنی آن درس‌ها نسبت به بیان نکات دقیق تفسیری در قالبی روان و ارائه نکات دقیق تحقیقی در درس تفسیر قرآن در خاطر من و همه شاگردان باقی مانده است.

سرعت بالایی را در ارائه آثار دارند. برای مثال استاد تاکنون به دست خط خود حدود ۴۰ جلد تفسیر حکیم را نوشته‌اند که در این مرکز ۹ جلد آن به چاپ رسیده است. قابل ذکر اینکه هر ۳ جلد دست‌نوشته استاد تبدیل به یک جلد کتاب شده است و این ناشی از برکت قلم ایشان است که با دقت در نوشتار و موضوعات متنوع سرعتی مثال‌زدنی در ارائه مطالب دارند.

۱۰- نظم در نوشتار یکی دیگر از خصوصیات آثار ایشان است به گونه‌ای که هر کس به دست‌نوشته‌های استاد دسترسی یابد اعتراف خواهد کرد که اگر از روی همین دست‌نوشته کپی گرفته و چاپ شود، هیچ نقصی نخواهد داشت. تمام آثار به صورت چهاررنگ و منظم و بدون قلم خوردگی نوشته شده است که در مخزن مخطوطات مؤسسه فرهنگی دارالعرفان موجود است.

۱۱- نکته قابل توجه اینکه استاد در آثار مکتوب خود از کسی کمک نگرفته‌اند و هیچ گروه و فردی در تألیف آثار نوشتاری استاد، با ایشان همکاری نداشته‌اند.

۱۲- با بررسی دست‌نوشته‌های استاد و پی بردن به سابقه تألیفی و چگونگی تألیف معلوم می‌شود که استاد از حافظه‌ای قوی و ذهنی مستقیم برخوردار هستند؛ چرا که بدون فیش‌نویسی و یا چک‌نویس کردن با پرداختن موضوع در ذهن از همان ابتدا مطالب به صورت پاک‌نویس شده و منظم ارائه می‌شود که این از موارد اعجاب‌آور آثار استاد است.

### ● موضوعی دیگر که ممکن است درباره استاد انصاریان ایجاد پرسش کند، این است که چرا ایشان هنگام سخنرانی این چنین و با چنین لحنی سخن می‌گویند؟

این موضوع هم به یکسان بودن ظاهر و باطن ایشان باز می‌گردد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز بدان

مرحوم آیت‌الله سیدرضا صدر به ایشان می‌فرمود که ممکن است تو نتوانی به میزان تأثیر کلامت در مخاطبان پیبری؛ اما این نکته را بدان که حتی اگر کلام، تنها در یک نفر تأثیر گذارد، ممکن است سبب دگرگونی نسل‌ها شود.



ویژه‌نامه

آشنای ناآشنا

آشنای ناآشنا

آفتاب در حجاب

بررسی شخصیت  
و وجهه علمی استاد



محبت الاسلام والمسلمین علوی تهرانی؛

# بهره‌مندی از غنای محتوا، توانایی فردی وفنی در سخنرانی

● خصوصیات تبلیغی استاد انصاریان چیست؟ آیا با نظر به این ویژگی‌ها می‌توان گفت که ایشان دارای سبک خاصی در امر تبلیغ هستند؟

سخنرانی یکی از ابزارهای تبلیغ دین با بهره‌گیری از امکانات است. ابزارهای ارتباطی امروزی در برابر روش سنتی قرار دارد، اما با این همه، سخنرانی مرتبه خود را که در نوبه خود، ارزش به شمار می‌آید، حفظ کرده است. کسانی که سخنرانی می‌کنند، اگر از سنجه‌هایی ویژه در زمینه محتوا، توانایی‌های فردی و فنی برخوردار باشند، در این موضوع صاحب سبک خواهند بود. با تحلیل فعالیت سی و اندی ساله استاد انصاریان، این نتیجه به دست می‌آید که ایشان در این سه زمینه (محتوا، توانایی‌های فردی و فنی) دارای ویژگی‌هایی منحصر به فردی هستند. از نظر فردی، یعنی ویژگی‌هایی که سخنران باید داشته باشد، فردی با روحی آرام هستند که آرامش درونی خود را در طول سخنرانی به‌شود نیز انتقال می‌دهند. حتی استفاده از فناوری بلندگو سبب نشده است که ایشان مخاطبان را به نوعی به اضطراب بيفکنند. ایشان نسبت خود، بلندگو و مخاطب را

با تحلیل فعالیت سی و اندی ساله استاد انصاریان، این نتیجه به دست می‌آید که ایشان در سه زمینه محتوا، توانایی‌های فردی و فنی دارای ویژگی‌هایی منحصر به فرد هستند.

راجه

ویژه‌نامه

آشنای ناآشنا

قطعاً همه می‌دانیم که یک شخص برای اینکه بتواند در ایراد سخن موفق شود، نیازمند بهره‌مندی از توانایی‌هایی است و اگر از سنجه‌های ویژه در زمینه محتوا، توانایی‌های فردی و فنی برخوردار باشد، در این موضوع صاحب سبک خواهد بود؛ تسلط استاد حسین انصاریان بر موارد یاد شده را می‌توان جزء ویژگی‌های شخصیتی ایشان بیان کرد. در همین رابطه با محبت الاسلام والمسلمین علوی تهرانی، مدرس حوزه و امام جماعت مسجد حضرت امیر(ع) به گفت‌وگو نشستیم. ایم که شرح آن را در زیر می‌خوانید.

محاسبه می‌کنند. یعنی اشرافی که در مجلس به باند‌های موجود در جلسه دارند، به حفظ آرامش جلسه می‌انجامد که این امر، خود موضوعی مهم است.

سخنرانی‌های ایشان برخاسته از نگرانی‌هایشان است. این موضوع از دیگر جنبه‌های فردی سخنرانی است. البته جنبه‌های معنوی نیز اهمیتی ویژه دارند. گاهی ایشان در سخنرانی‌های پنج‌شنبه خود، دعای کمیل را می‌خوانند. اتصال سخنرانی به مناجات، در القای مطلب به مخاطب تأثیر بسزایی دارد.

از نظر فنی نیز ایشان توانایی تحسین برانگیزی دارند. انتخاب موضوع، تناسب آن با مخاطبان و مناسبات، نیازمندی جامعه به آگاهی از آن موضوع و چگونگی ورود و خروج از آن، اموری است که ایشان در آن سلیقه‌های نیک داشته و آن را با هوشمندی خود به بهترین شکل عملی می‌کنند.

از نظر محتوایی نیز ایشان با ورود به حوزه علمیه و با تلاش و استعداد خود، دروس حوزه و تعالیم اسلامی را به خوبی آموخته‌اند. مطالعه مداوم، تجربه‌ای ۵۰ ساله در سخنرانی و احاطه ایشان به منابع سبب شده است که در این امر نیز موفق باشند. ساختاری را که ایشان تنظیم می‌کنند، مجموعه‌ای است که از آنچه بیان شد و نیز شعر، داستان و مسائل علمی تشکیل می‌شود. همه این ویژگی‌ها باعث شده است که ایشان در این عرصه از دیگران پیش باشند.

**● آگاهی از نیازهای جامعه که از مؤلفه‌های فنی تبلیغ است، چه نیازهایی را پوشش می‌دهد؟ با توجه به این که جامعه نیازهای بسیاری دارد، منبر استاد کدام یک از نیازها را پاسخ می‌دهد و این فرآیند چگونه صورت می‌گیرد؟**

معارف دینی منطبق بر نیازهای فطری بشر است. البته این نیازها، در اهمیت تیره‌بندی دارد. تشخیص این که امروزه ضرورت طرح چه موضوعی بیشتر حس می‌شود، به این موضوع مربوط می‌شود که استادان انصاریان در میان مردم و با آنان زندگی می‌کنند؛ همین ارتباط نزدیک سبب درک بهتر ضرورت‌ها و انتخاب شایسته موضوع‌هاست. بخشی دیگر از آن نیز با عنایت پروردگار حاصل می‌شود.

به طور کلی، آنچه که ایشان می‌گویند، با نیازهای فطری منطبق است؛ چرا که ایشان از دین سخن می‌گویند و دین نیز پاسخ‌گوی نیازهای فطری و حقیقی بشر است، اما این که در بین موضوع‌های دینی، امروزه بیان کدام یک بیشتر ضرورت دارد، تنها با ارتباط استاد با جامعه به دست می‌آید. ایشان هرگز از اجتماع بیگانه نبوده و نیستند و هرگز در تنهایی و بدون در نظر گرفتن شرایط حاکم تصمیم‌نگرفته‌اند.

**● استاد در سخنرانی برای مخاطبان عمومی و مخاطبان خاص خود به چه دستاوردهایی رسیده‌اند؟ آیا خطبای دیگر از ایشان تأثیر گرفته‌اند؟**

ایشان در بسیاری از نقاط کشور و بارها فراتر از مرزها سخنرانی کرده‌اند. بسیاری از افراد که در تمام زندگی خود، در بیراهه‌ها پیش رفته‌اند، تنها با دعای کمیل ایشان به حقیقت روی آورده‌اند. این موضوع پیش از انقلاب و پس از آن نیز بسیار رخ می‌داد. افراد بسیاری هستند که اذعان می‌کنند پای منبر ایشان تغییر کرده‌اند.

استاد انصاریان در دوره دفاع مقدس با بیانات خود، روحیه دفاع، شهادت‌طلبی و جهاد را به خوبی در بسیاری از رزمندگان ایجاد کردند. ایشان این کار را با رفتن به جبهه‌ها، سخنرانی در میان رزمندگان و ایجاد شور و روحیه دفاع به سرانجام رسانیدند، اما در میان مخاطبان خاص، افرادی را می‌توان نام برد که از ایشان برای سخنرانی‌های خود الهام می‌گیرند و این الهام، نه فقط از محتوای سخنرانی ایشان است، بلکه آنان حتی تلاش می‌کنند که چگونگی گفتار خود را نیز به ایشان شبیه کنند. البته باید گفت که آنان با کسب اجازه از ایشان چنین می‌کنند.

**● روحانیون پس از مشروطه، حضور مؤثری در سیاست داشتند. این تأثیر پیش از مشروطه نیز به صورت‌های گوناگون در طول تاریخ شیعیه در ایران وجود داشته است. پس از انقلاب اسلامی، سیاست و دیانت به یکدیگر نزدیک شد، به گونه‌ای که به طور اساسی این دوازدهم جدانیستند. در این میان، سلیقه‌های سیاسی بسیاری وجود دارد. آیا ممکن است در باره رویکرد سیاسی استاد صحبت کنید؟**

ایشان در طول ۳۷ سال پس از انقلاب، به هیچ یک از جناح‌ها و جریانات سیاسی موجود وابسته نشدند، با این که در واقع رؤسای هر یک از جناح‌ها، شاید رابطه‌ای نزدیک و صمیمی با ایشان داشتند، اما ایشان هرگز خود را منتسب به جناحی سیاسی نخواندند، اما باید گفت که ایشان اصل نظام را تأیید کرده و همواره افراد را به حمایت و پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی تشویق می‌کنند. با این همه، اگر در جایی انتقادی قابل گفتن است، از آنجا که خود در سال‌های پیش از انقلاب برای برپایی این نظام تلاش کرده و برای آن به زندان رفته‌اند، آن را مطرح می‌کنند. اما با وجود این، هرگز خود را هوشمندانه در بازی‌های سیاسی وارد نکرده و خود را از آن دور نگاه داشتند.

**● ایشان به صورت طبیعی نگرشی سیاسی را دنبال می‌کنند؛ چرا که این موضوع نمی‌تواند از دیدگاه ایشان جدا باشد. ایشان چگونه این تفکر شخصی را مدبریت کرده‌اند؟**

این سوال را استاد انصاریان، خود باید پاسخ دهند. آن چیزی که از شخصیت ایشان انتزاع می‌شود، این است که ایشان به اصول می‌پردازند و اختلاف سلیقه را که سازنده جریانات سیاسی است، رها می‌کنند. برای مثال، در موارد گوناگون انتخابات، ایشان تنها به صلاحیت شخص، تعهد و تخصص او توجه می‌کردند. این موضوع نشان دهنده زیرکی ایشان است؛ این که بتوانند فرا جناحی سخن بگویند و با وجود این حقیقت، سیاست اسلامی را تأیید کنند، خود از زکات استاد انصاریان است. باید دانست که زیرکی در سیاست بابتی اعتنایی به آن، دوام متفاوت است.

**● پس از انقلاب اسلامی و حتی پیش از آن، انواع جدیدی از زندگی‌ها شکل گرفت.**

**سبک‌های زندگی امروزی نیز تنوع بیشتری پیدا کرده است. استاد انصاریان توانسته‌اند بسیاری از مخاطبان را که هرگز ظاهری مذهبی نداشته و متشرع نیز نبوده‌اند، با سخنرانی‌های خود به شریعت اسلام جذب کنند. راز این تغییر مسیر چیست؟**

وقتی کلام اهل بیت (ع) بیان می‌شود، از آنجا که جنس این کلام نور است، خود تأثیری عمیق به همراه خواهد داشت. ائمه هدی خود فرموده‌اند که محاسن کلام ما را به گوش مردم برسانید، مردم ما را پیروی خواهند کرد. استاد انصاریان از ویژگی نیکی برخوردارند که سال‌ها در آن تغییری ایجاد نکرده‌اند؛ حتی هنگامی که آن ویژگی مورد انتقاد برخی روشنفکران قرار می‌گرفت. برخی از افراد، مرثیه‌خوانی را امری پوچ و بی‌بها می‌پندارند. آنان همه کسانی را که اهل گریستن برای مصیبت‌های آل‌الله هستند، تقبیح می‌کنند، اما با این همه، استاد انصاریان در سخت‌ترین شرایط حضور روشنفکران نیز سنت دیرینه خود نسبت به توسل به اهل بیت (ع) را ادامه دادند.

منصفان همواره کلامی را که از سوی خدا، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) باشد و نیز کلامی را که بر موازین منطقی استوار است، خواهند پذیرفت و حتی اگر از آن تأثیر نپذیرند، هرگز آن را نفی نخواهند کرد. کلامی که عقل پسند است، نه فقط مورد پسند عاقلان، بلکه مورد قبول همگان قرار می‌گیرد، پس آنچه را که دین می‌آموزد، باید بپسندند. چون همه





دینی کار کرده‌اند، حال به جمع‌بندی رسیده‌اند. ایشان چنین معتقدند که با سخنرانی کردن، بهتر می‌توانند مطالب را در اختیار همگان قرار دهند. البته جالب است بدانید که مخاطبان نیز با اشتیاق به سخنرانی استاد توجه کرده و نکات را می‌پذیرند.

● آیا سخنرانی‌ها به تدریج در حال موسمی شدن است؟ این که سخنرانی‌ها تنها در برخی مناسبات پراهمیت، مانند محرم، ماه مبارک رمضان و فاطمیه بیشتر رونق می‌گیرد؟

افرادی که کمتر به مسجد می‌روند و به مناسبت ایام در این مکان حضور پیدا می‌کنند، بیشتر در مناسبت‌های ویژه مثل محرم و صفر در سخنرانی‌ها شرکت کرده و از آنها بهره می‌برند. اشتغالات چنین افرادی به ایشان اجازه شرکت همیشگی در چنین مجالسی را نمی‌دهد. البته ایام ویژه در سال که مردم بیش‌تر به مجالس دینی روی می‌آورند، خود ظرفیتی است که نمی‌توان آن را دست‌کم گرفت. می‌توان از رهگذر آن تعالیم دینی را به گوش افراد بسیاری رساند. البته روشن است که ظرفیت سخنرانی در مناسبت‌های مذهبی، بیش از آنچه که هست، نخواهد بود. باید دانست که تبلیغ، تنها در سخنرانی کردن خلاصه نمی‌شود؛ راه‌های بسیار دیگری نیز هست که گاه تأثیر بیشتری دارند. یکی از این راه‌ها، ظرفیت بزرگ فضای مجازی است. از این رو، استادانصاریان بارها اندازه‌ی پایگاه اینترنتی و ایجاد فضایی برای ارتباط با مردم در شبکه‌های اجتماعی، در جلوه‌های تازه تبلیغ نیز جزء پیشروان بوده‌اند. کلام اهل بیت (ع) آرام‌بخش و نورانی است. ویژگی بارز نور، روشنگری است، اما نباید از این نکته غافل ماند که آنچه در پی نورانی شدن است، باید خود را در معرض آن قرار دهد. ایامی می‌توان بدون قرار گرفتن در برابر نور آفتاب، از خواص آن بهره‌برد؟ استادانصاریان نیز آنچه را که در توان دارند، در امر تبلیغ به کار گرفته‌اند؛ ولی در عین حال مخاطبان باید خود در پی تعلیم باشند.

● مرتبه استادانصاریان در فرهنگ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ایشان که خود مبلغی موفق هستند، تأثیر بسزایی در جامعه داشته و دارند؛ اما این که روش تبلیغی ایشان در دیگران نیز ادامه نیافت، افسوس برانگیز است. بهتر بود دوستداران ایشان در مؤسسه، روش تبلیغ استاد را از ایشان می‌آموختند تا این مسیر پرتأثیر، بی‌رهر و باقی نماند. البته این سخن بدان معنا نیست که ویژگی‌های فردی در این امر اثری ندارد، بلکه سوی سخن به سبک و روش تبلیغ ایشان اشاره می‌کند.

دیگر تفسیر می‌کنند، از این رو ممکن است برای تفسیر بخشی از یک روایت، از روایات متعدد دیگر بهره بگیرند، همان‌طور که ممکن است برای تفسیر آیه‌ای از قرآن، آیات دیگر را به یاری آورند. این سبک، یکی از بهترین سبک‌های تفسیری در روایات اهل بیت (ع) و آیات قرآن کریم است. به همین دلیل است که سخنرانی‌های ایشان از تصرف‌ها و دخالت‌ها خالی است.

● استاد چند کتاب به رشته تحریر درآورده‌اند؛ آیا علت نگارش آن‌ها سخنرانی‌ها و خطابه‌ها بوده و یا فهم و درک از روایات و آیات ایشان را به سخنرانی متمایل کرده‌است؟

هر کسی که در حوزه علمیه تحصیل کرده است، باید برای ترویج دین کاری انجام دهد. ترویج دین برای مخاطبان خاص یا عام، امری است که بر اساس ضرورت‌ها صورت می‌پذیرد. شاید ایشان در تدریس دروس حوزی کمتر از برجستگان این راه نباشند، اما این که ایشان سخنرانی را به عنوان راه تبلیغی خود برگزیده‌اند، به این دلیل است که در روزگار جوانی ایشان، تعداد افراد شایسته و توانمند برای این عرصه کمتر از امروز بوده‌اند. نتیجه تلاش در عرصه تبلیغ دین باید به اصلاح جامعه بینجامد که سخنرانی یکی از این راه‌هاست. شمار افرادی که در پی اصلاح جامعه بودند، در ابتدا به اندازه کافی نبود، اما این به آن معنا نیست که سخنرانان از تحقق و پژوهش دور هستند. منبر و سخنرانی بر فراز آن، یکی از مهم‌ترین خدمت‌هاست. از همین رو، پیش‌تر مراجع تقلید نیز به این سنت توجه و عمل می‌کردند. آیت‌الله العظمی وحید خراسانی از سخنرانان توانا بوده‌اند. اما برآستی خطابه ایشان با دیگر خطابه‌ها قابل مقایسه است؟ سخنرانی کردن، هرگز دلیل بر کم‌سواد بودن سخنران نیست. استادانصاریان که پیش‌تر خود تحصیل کرده، پای درس اساتید بزرگ نشستند و بر منابع

به‌طور فطری در پی حقیقت و کمال هستند. سخن استادانصاریان همیشه بر اصول عقلی بنا می‌شود؛ از این رو، همگان از آن استقبال می‌کنند.

● درباره نگرش استاد به موضوع پر بحث عرفان توضیح دهید.

سخنرانی بر فراز منبر، منابع، ابزار و بیانی دارد. امتیازی که استادانصاریان از آن برخوردارند، این است که منبع سخنانشان کتاب‌الله و عترت پیامبر گرامی است، در حالی که بیان آن، گاه فلسفی، گاه علمی و گاه عرفانی است.

عرفانی که در سخنان ایشان مطرح می‌شود، با آنچه که به‌طور متعارف گفته می‌شود، بسیار تفاوت دارد. باید گفت که عرفان ایشان برخاسته از عرفان ابن عربی نیست. عرفانی را که ایشان به دست آورده‌اند، از کلام دین بوده است، یعنی آن شناختی که اهل بیت (ع) از خدا، انسان و عالم غیب بیان کرده‌اند. ایشان، خود به این شناخت رسیده و این شناخت را نیز بی‌دریغ در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهند. البته باید توجه داشت که ایشان تعالیم عرفانی را با بیانی بسیار ساده، مطرح می‌کنند. استادانصاریان کتابی با عنوان «عرفان اسلامی» نوشته‌اند؛ البته این کتاب هیچ ارتباطی با کتاب‌هایی مانند «مصباح‌انس»، «تمهید القواعد» یا «فتوحات» ندارد؛ به دیگر بیان، سبک عرفان آن‌ها، سبک عرفان اهل بیت (ع) و شناخت ایشان، شناختی بر اساس دیدگاه رهبران آسمانی و حقیقی دین است.

● استادانصاریان چگونه روایات را بررسی کرده و آنان را در سخنرانی‌های خود مطرح می‌کنند؟

ایشان همچون نرم‌افزار نیستند که روایت را یافته و در اختیار مخاطب بگذارد، بلکه بر اساس تحلیلی استوار بر آموزه‌های اهل بیت (ع) به بیان معارف می‌پردازند. به دیگر سخن، ایشان روایت را با روایات

براستی خداوند  
محبت ایشان  
را در دل افراد  
می‌نهد، مردم  
را به سوی  
مراسم‌های ایشان  
می‌کشاند و حضار  
در جلسه را به  
سکوت وامی‌دارد.  
این است که مردم  
با علاقه به کلام  
ایشان گوش  
فرا داده و آن را  
می‌پذیرند.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا





## توبه آغوش رحمت

یکی از مسائل مهم در دین مبین اسلام بحث توبه و بازگشت از گناهان به سوی معبود مهربان است؛ این کتاب ترجمه‌ای از کتاب «توبه آغوش رحمت» است که به زبان اردو منتشر شده است؛ نگارنده در شش فصل به تبیین مباحث مربوط به توبه و توضیح هر یک با عنایت به آیات و روایات شیعه پرداخته است.

یکی از موضوعاتی که در این کتاب به آن پرداخته شده، نعمت‌ها و مسئولیت انسان نسبت به آنهاست که خداوند به انسان عنایت کرده و فراوانی، بی‌شمار بودن نعمت و راه تحصیل و توجه به آن است. در ادامه، چگونگی شکر نعمات الهی و پرهیز از ناسپاسی بیان شده و به زشتی بخل، اسراف و علل از دست رفتن نعمت و پاداش بجا خرج کردن آن اشاره دارد.

در فصل دیگری، به گناه و راه درمان آن پرداخته و گناه را بیماری روح می‌داند و توبه را کلید آشتی با پروردگار و پاک شدن از گناهان معرفی می‌کند و ضمن واجب فوری و واجب اخلاقی دانستن توبه تمسک به طیبیان معالج روح (اهل بیت عصمت و طهارت) را لازم و بسیار موثر بر می‌شمارد.

در بخش دیگری از این اثر با سرفصل بازگشت به حق، توبه را میراث حضرت آدم (ع) و حوا (س) می‌خواند و به تبیین آثار سوء گناهان و راه توبه واقعی و نیز توبه حقیقی از دیدگاه امام علی (ع) می‌پردازد.

سپس مسئله توبه در قرآن را با آوردن آیاتی از قرآن به بحث می‌نشیند و امر به توبه در قرآن و راه توبه واقعی و پذیرش توبه و سایر مسائل آن را مطرح می‌کند.

داستان توبه‌کنندگان، داستان‌هایی زیبا و معروف از توبه‌گناهکاران را بیان کرده و به ترغیب میل به توبه در انسان و بازگشت به فطرت پاک ملکوتی انسان می‌پردازد که این موضوعات یکی از جذاب‌ترین بخش‌های کتاب است.

در بخش دیگری از کتاب سود سرشار خود نگهداری و سرپیچی از فرمان نفس را گوشزد کرده و به بررسی انسان و امیال و خواسته‌های او پرداخته و بت نفس را مادر بت‌ها می‌خواند و راه اصلاح انسان را در جهاد اکبر با نفس و مبارزه مستمر با آن دانسته تا جایی که نفس سرکش مطیع و فرمان‌بردار و در برابر حلال و حرام الهی تسلیم شود که این تنها راه سعادت انسان و دوری از عذاب آخرت است.

یکی از بیشترین عوامل مؤثر در موفقیت ایشان باور و ایمان استاد بوده است؛ باوری که ایشان را به عمل کردن و ادا می‌کرد. هرگز ایشان به آنچه به دست آورده‌اند، مغرور نشده و هرگز به ذیله خود بر تریبی دچار نشدند؛ هرگز عناوین رفیعی که به ایشان نسبت می‌دهند، ایشان را از مسیر صواب خارج ساخت.

ایشان با وجود توان تدریس در درس خارج حوزه، باز بر اساس نتیجه پربار سخنرانی، این مسیر را برگزیدند. ایشان وظیفه خدمت خود به اسلام را در این مسیر یافتند، هر چند اگر کرسی تدریس را انتخاب می‌کردند، در آنجا نیز موفق بودند؛ چرا که ایشان فردی پرکار و کوشا هستند.

استادانصاریان در مصاحبه‌ای رسانه‌ای و در پاسخ به پرسشی درباره چرایی استقبال گرم و پرشور مردم از سخنرانی‌هایشان اظهار کردند که این موضوع امری است که خداوند آن را تقسیم می‌کند؛ یعنی این که چه کسی در مراسم شرکت کند و توفیق حضور نیابد، از جانب خداوند تعیین می‌شود. این که ایشان خود را مطرح نساختند، نشانه‌ای بزرگ از وسعت روحشان است. به راستی خداوند محبت ایشان را در دل افراد می‌گذارد و مردم را به سوی مراسم‌های ایشان می‌کشاند و حضار در جلسه را به سکوت وامی‌دارد. این است که مردم با علاقه به کلام ایشان گوش فرا داده و آن را می‌پذیرند. مرثیه‌خوانی ایشان نیز بی‌نظیر است. افراد بسیاری، مصیبت‌های آل‌الله را بازگو می‌کنند، اما افراد بی‌تفاوت تنها می‌نگرند. اما ایشان در ماه رمضان، به صورت عادی مرثیه می‌خوانند و مردم همچون شب‌های محرم با صدای بلند می‌گیرند. آیا این موضوع، جزء عنایت حضرت حق به ایشان نیست؟

محبت الاسلام والمسلمین نور اللہیان؛

# توانمندی استاد در تبیین نوین معارف

استاد انصاریان  
در عرصه ابلاغ  
رسالات خداوندی  
و نیز انداز و احیای  
دل‌ها با یاد خدا،  
قرآن و معارف  
و حیاتی از جوانی  
تلاش کرده‌اند.  
براستی ایشان در  
این سال‌های دراز  
نیز موفق بوده‌اند.

بیان معارف، آن هم به گونه‌ای که همواره مخاطب تازگی آن را احساس کند، یکی از سختی‌هایی است که در امر سخنرانی برای اقشار مختلف وجود دارد؛ چرا که برای رسیدن به این مقصود، باید مقدمه، مثال، استناد به آیات و روایات و نیز نتیجه‌گیری به درستی در جای خود مطرح شود که استاد حسین انصاریان در این حوزه توانمند ظاهر شده‌اند. استاد حسین انصاریان چهره‌ای موفق در امر ابلاغ رسالت الهی در جامعه هستند. اینکه مخاطبان ایشان بعد از مراسم حالت معنوی خاص پیدا می‌کنند خود از عنایات خداوند متعال است. حجت الاسلام والمسلمین نور اللہیان، رئیس سابق سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور در همین باره گفتگویی انجام داده است.

## ● درباره شخصیت علمی استاد برایمان صحبت کنید.

درباره پیشینه آشنایی خود با استاد حسین انصاریان عنوان کرد: زمان آشنایی من با استاد انصاریان به زمان بسیار قدیم بر می‌گردد. من در ابتدای طلبگی و در اواخر دهه چهل، برای خود در هر زمینه‌ای، الگویی را برای رسیدن به آن انتخاب کردم. برای نمونه، مرحوم علامه امینی در عرصه تحقیق الگوی من بود. باید گفت که استاد انصاریان الگوی من برای سخنرانی و خطابه بود. آشنایی با ایشان به بیش از چهل سال پیش بازمی‌گردد.

قرآن کریم می‌فرماید «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» ابلاغ در آیه شریفه «يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ» از ماده باء لام غین (بلوغ، بلیغ، بلاغت و ابلاغ) مفهومی بسیار لطیف دارد. همچنین آنان که رسالت‌های الهی را به مردم می‌رسانند، مورد تمجید قرآن قرار گرفته‌اند. استاد حسین انصاریان از خدا می‌ترسند و به غیر از خدا نیز از هیچ کس نمی‌هراسند.

در زیارت پیامبر اکرم (ص) در روز شنبه و نیز در زیارت‌های ایشان از دور یا نزدیک آمده است که «أَشْهَدُ أَنْكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ؛ ای پیامبر، تو رسالت‌های پروردگار را ابلاغ کردی.» هر کسی نیز در این مجموعه قرار بگیرد، باید بداند که در مسیر ایشان در حال گام برداشتن است. رسالت نبی و اوصیای ایشان ابلاغ رسالات الهی است. البته پیامبر (ص) رسالت خود را از وحی و ورثه ایشان از زبان پیامبر دریافت می‌کنند. استاد حسین انصاریان چهره‌ای موفق در امر ابلاغ رسالت الهی در جامعه هستند. باید عاملی از غیب اثر کند تا خطابه ایشان، این چنین پر مخاطب و مؤثر باشد. بیشتر افرادی که در جلسات سخنرانی‌های ایشان شرکت می‌کنند، پس از پایان، حالت توجه، توبه، گریه و حس معنوی ایمان را در خود حس می‌کنند.

این اتفاقی نیست که بتوان آن را با قوانین دنیوی تفسیر کرد. به طور حتم عاملی از غیب تأثیر می‌کند که این چنین در شب‌های قدر، بسیاری از مردم یا خود را به جلسات احیای استاد رسانیده و یا پای رسانه از آن فیض می‌برند. توجه مردم به ارتباطی که استاد انصاریان، میان این عالم و عالم بالا ایجاد می‌کنند بی‌نظیر است. البته توانایی فرد نیز در اجرای فن خطابه، خود تأثیر بسزایی دارد. درباره استاد باید اذعان کرد که ایشان به راستی در این امر توانا و هنرمند هستند. لحن کلام، واژه‌هایی که به استخدام

ریشه

ویژه‌نامه  
آشنای نا آشنا

می‌گیرند، چگونگی ورود به موضوع و خروج از آن و دسته‌بندی مطالبی که همه از آیات و روایات برگرفته شده، از مواردی است که سبب برتری سخنرانی ایشان شده است. ایشان حتی برای عتاب از لطیف‌ترین بیان‌ها بهره می‌گیرند و آن را در قالبی مثل حکایت یا خاطره مطرح می‌کنند.

### ● رعایت چه مواردی را در موفقیت استاد در طی مسیر قرآن و اهل بیت (ع) موثر می‌دانید؟

با تکیه بر دواصل، می‌توان در ابلاغ رسالات الهی در مسیر انبیاء به صورت موفق گام برداشت؛ نخست، اتکا به کتاب و سنت است که با بیان آیات و روایات در سخنرانی، تقلین باید جلوه‌گر باشد. درباره استاد انصاریان باید گفت که ایشان از چنین سرمایه بزرگ معارفی برخوردار هستند. ایشان با ورود به عرصه ترجمه و شرح کتب، آثاری مانند ترجمه قرآن، شرح صحیفه سجادیه و ترجمه نهج البلاغه را از خود به یادگار گذاشته‌اند. ترجمه قرآن یکی از اثرهای فاخر ایشان است. یکی از برجستگان عرصه قرآن، درباره ترجمه استاد انصاریان می‌گفت که ترجمه ایشان بسیار خوب است و برداشت‌های لطیفی در آن بسیار به چشم می‌خورد.

شرح صحیفه سجادیه که از آثار ایشان است، به راستی خود دانشنامه‌ای دینی به شمار می‌آید. از آنجا که من پیرامون این کتاب و نیز تلاشی که استاد در این راستا کرده‌اند، کار کرده‌ام، می‌خواهم در این زمینه مطالبی را بیان کنم. نخست این که کتاب صحیفه سجادیه اثری است که کاتب آن امام معصوم، راوی آن امام معصوم و انشاءکننده آن نیز امام معصوم است. امام محمدباقر (ع) در مقدمه این کتاب می‌فرماید که «هذا خط آبی و املاً جدی بمشهد منی»؛ ایشان با سوگند یاد کردن، سه امام معصوم را دخیل در ایجاد این اثر معرفی می‌کنند. تاکنون برای شرح یا ترجمه صحیفه سجادیه که چهارده قرن است با عنوان انجیل اهل بیت (ع) و زبور آل محمد (ص) شناخته می‌شود، چند ترجمه انگلیسی و چند شرح دیگر به سرانجام رسیده است؛ از برجستگان این شروح، اثری است که استاد انصاریان برای آن کوشیده و شاید هنوز نیز ادامه داشته باشد.

خطابه‌ای که از آیات و روایات غنی برخوردار بوده و با فهم صحیح از قرآن و آگاهی از نظرات مفسران، ادبا، فقها و دیگر متون و مجامع روایی همراه است، سرشار از نکات و معارف دینی خواهد بود. چنین خطابه‌ای هم برای عوام سودمند



اصل تبلیغ دین از طریق منبر صورت می‌گیرد. مقام منبر پیامبر (ص)، منبر امیر مؤمنان (ع)، منبر تدریس امام صادق (ع) در مسجد کوفه یا مدینه، همه نمادی است برای رسانه‌ای که بهترین، ناب‌ترین، تأثیرگذارترین و تازه‌ترین معارف را به همگان تعلیم می‌دهد؛ معارفی که دل‌ها را به یاد خدا جلب می‌کند.

### ● چه ویژگی‌هایی را موجب موفقیت ایشان می‌دانید؟

این که امروزه در مناسبتی که پیش‌تر سخنرانی در آن با استقبال بی‌نظیر مردم روبه‌رو می‌شد، تنها شمار اندکی حضور پیدا می‌کنند، نشانه تضعیف این رسانه است. البته دلایلی نیز دارد؛ تلویزیون، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و مانند آن افراد را به خود سرگرم کرده است. به طور کلی، وضعیت رسانه منبر، وضعیتی نگران‌کننده است. البته باید گفت که اگر امروز، اشخاصی مانند مرحوم فلسفی یا مرحوم فخرالدین حجازی و یا استاد محمدتقی شریعتی حضور داشتند، به طور حتم رسانه منبر پررونق‌تر بود. هنگامی که مرحوم علامه امینی در مدرسه نواب

است و هم خواص از آن بهره‌ها می‌برند. دهه‌ها سال است که استاد انصاریان سخنرانی‌هایی در برترین سطح خطابه دارند. شاید بتوان گفت که ممتازترین و نیز بی‌نظیرترین خطیب کشور، ایشان است. پیش‌تر، مرحوم شیخ محمود حلبی، حاج محمدتقی فلسفی و آقاشیخ محمدتقی آملی، فیلسوف، فقیه و متخلق، سخنرانانی برجسته بودند. پس از ایشان نیز افرادی همچون شهید مطهری در این عرصه پیشتاز بودند، اما معتقدم، هم‌اکنون استاد انصاریان در این عرصه پیشتاز هستند. چرا که مرتبه خطابه استاد انصاریان، بسیار رفیع است؛ هم در محتوا، هم در شیوه بیان.

متأسفانه ما طلبه‌ها، حرمت رسانه منبر را نگاه نداشتیم. منبر امروزه بسیار نزول کرده و از مرتبه حقیقی خودش فاصله گرفته است. شاید یکی از کم‌رغبت‌انگیزترین رسانه‌ها برای جوانان، گوش فرا دادن به رسانه منبر است. چرا با مطالعه کم و بازگویی مطالب تکراری، از نفوذ سخن کاسته شده است؟ این افراد حس تغییر را احساس نمی‌کنند، تنها به این دلیل است که حرمت رسانه منبر خدشه دار شده است. این در حالی است که





به مدت سیزده شب سخنرانی می کردند، آیت الله میلانی که از مراجع تقلید بودند، در آستانه در می ایستادند؛ در حالی که باید در صدر مجلس می نشستند، اما تنها برای این که ایشان صاحب جلسه بودند و باید شرکت کنندگان را اداره می کردند، کنار در می ایستادند. یکی از هنرهای استادانصاریان این است که ایشان توانسته با تکیه بر کتاب و سنت و با برداشتهای درست از آن، معارف و حکمتها را مطرح کند. بیان معارف آن هم به گونه ای که همواره مخاطب تازگی آن را حس کند، یکی از سختی های سخنرانی است؛ چرا که برای رسیدن به این مقصود، باید مقدمه، مثال، استناد به آیات و روایات و نیز نتیجه گیری به درستی در جای خود مطرح شود. شاید این امر برای مدتی اندک دشوار نماید، اما باید گفت که ده ها سال سخنرانی با رعایت چارچوب آن، برای بیان تعالیم دینی، جز با عنایت پروردگار ممکن نخواهد بود.

بلندای هدایت گری را می توان از سخن پیامبر اکرم (ص) دریافت. پیامبر اکرم (ص) در آنجا که امیر مؤمنان (ع) راهی سرزمین یمن برای ابلاغ رسالات الهی بود، این چنین فرمودند که «لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَيَّ بَدِيكٍ رَجُلًا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ السَّمْسُ»؛ ارزش هدایت یک نفر، از هر چه که خورشید بر آن بتابد، بهتر است». استادانصاریان در عرصه ابلاغ رسالات خداوندی و نیز انداز و احیای دلها با یاد خدا، قرآن و معارف و حیاتی از جوانی تلاش کرده اند. به راستی ایشان در این سالهای طولانی نیز موفق بوده اند. همچنین، ایشان با کوشش بسیار در بیان معارف دینی، حرمت منبر را که رسانه پیامبر اسلام (ص) است نگاه داشتند. هر چند بسیاری دیگر با مطالعه کم، بیان مطالب تکراری و بی توجهی به مرتبه این رسانه، بدان جفا کرده و حرمت آن را نگاه نداشتند. امیدوارم، تلاش های ایشان در دو عالم از استاد دست گیری کند.

یکی از اشتباههایی که برخی از افراد در رسانه منبر مرتکب شدند، این است که از این رسانه برای نزاعهای سیاسی برخاسته از سلیقهها و اندیشههای شخصی بهره جستند. این که شخص یا جناحی که مورد پسند شخصی است، تأیید و جناح دیگر مردود می شود. مردم به تدریج با شعور خود به بی پایگی این رفتارها پی می برند و همین امر سبب فاصله گرفتن آنان شده و در نتیجه از قدرت این رسانه کاسته می شود، اما استادانصاریان با فهم خود، همواره در مسیر اصیل انقلاب و مرحوم امام خمینی اندیشیده و

و از بیرون مرزها نیز از ایشان برای سخنرانی دعوت می کردند؛ از اروپا، آفریقا و چند کشور آسیایی از ایشان دعوت شد و ایشان نیز در آنجا سخنرانیهایی عالی برای ایرانیان به زبان فارسی ایراد کردند. چند بار در سفرهای حج با ایشان همراه بودم. ایشان سخنرانیهایی بسیار تأثیرگذار در منا و نیز در مکه و مدینه داشتند.

● به عقیده شما چه ویژگی در منابر استاد وجود دارد که مخاطبان آنها بسیار هستند؟ وی در ادامه بیان کرد: پس از انقلاب اسلامی با پخش مراسم سخنرانیهای ایشان از رسانه ملی، مخاطبان ایشان از چند هزار نفر به چند میلیون نفر رسید. بسیاری از مردم در زمان پخش مراسم، گیرندههای خود را روشن کرده و پای سخنان ایشان می نشینند. در حقیقت، ایشان یکی از خطیبان مؤثر کشور است. ایشان کسی است که خداوند هدایت مردم را در گفتارش قرار داده است. زمینه توبه بسیاری از افراد و سوق پیدا کردن آنها به سوی خدا در سخنرانیهای ایشان وجود دارد. مطالبی که بیان می کنند، زمینه ساز تقویت مبانی و اصول دینی است؛ در

حرکت کرده است. دعوت از همگان برای حضور در جبههها، تأیید اصل انقلاب، گرمی داشتن یاد شهید، احترام به بزرگان نظام و انقلاب و از این دست اصول سیاسی اسلام، از تلاشهای سیاسی و حکیمانه ایشان است. یکی از آفت های افرادی که خود را بلندگوی دولت ها می کنند، این است که پس از تغییر دولت، آنان باید کلام خود را به سلیقه دولت تازه تغییر دهند. تنوع سخنان ایشان بهت آور است؛ ۳۰ سال سخنرانی در روزهای ماه رمضان، در یک مسجد و با پخش آن مراسم در رسانه ملی، بدون تکراری بودن مطالب، به راستی وصف ناپذیر است. استاد پس از آن مراسم نیز در مساجد و حسینیه های دیگر سخنرانی می کنند، بدون این که نکته ای تکرار شود.

استاد حسین انصاریان در بیشتر شهرستان های کشور سخنرانی کرده اند. ایشان سخنرانی خود را از جوانی و در روستاها و سپس در شهرها آغاز کردند؛ سخنرانیهایی خوب که گاه آوازهاش با چند جلسه در شهر می پیچید. به گونه ای که در زمان سخنرانی ایشان، مردم به سوی مسجد ایشان سرازیر می شدند. پس از انقلاب اسلامی، ایشان به چهره های شناخته شده تبدیل شدند

معتمد که باید  
ارتباط های ایشان  
با مصری ها،  
مراکشی ها،  
تونسی ها،  
اندونزی ها و  
مالزیایی ها مورد  
توجه قرار گیرد.  
افرادی که از  
نزدیک شاهد  
ارتباط های  
بین المللی استاد  
بوده اند، از نگرش  
استاد به اوضاع  
فرا تر از مرزها  
به خوبی آگاه  
هستند.



ویژه نامه  
آشنای نا آشنا



طول این چند ۱۰ سال، چه بسیار اشک‌ها که در مصیبت‌خوانی‌های ایشان ریخته شده است. باید اقرار کرد که ایشان مرد خداست.

ایشان در ابعاد گوناگون همچون فنون خطابه، تشخیص شرایط زمانی، معارف قرآن، حدیث و عرفان توانمند هستند. استاد، خود محدث است؛ من، یکی از اجازه‌های حدیثی ایشان را که مرحوم علامه شیخ عزیزالله عطاردی و مرحوم میرزا خلیل کمره‌ای آن را در چند صفحه صادر کرده‌اند، دیده‌ام. علاوه بر این، ایشان اجازه‌ای نیز از شیخ آقابزرگ، آیت‌الله میلانی و آیت‌الله خوبی گرفته‌اند. استاد از علامه امینی نیز به صورت شفاهی و از علمای سنی‌مذهب دشت خوارزم نیز اجازه دارند. موضوع اجازه در نقل روایت‌های مهمی ویژه دارد؛ چرا که باید دانست، روایت نقل شده از چه مجرای به معصوم منتسب است.

من معتقدم که دستی از غیب ایشان را حمایت می‌کند؛ برخی بزرگان نیز به این امر اذعان دارند. ایشان در سخنرانی‌های خود هرگز به رضایت مخاطبان یا صاحب جلسه نمی‌اندیشند. آنچه که برای ایشان اهمیت دارد، این است که رضایت خداوند در گفته‌هایشان باشد. از این رو، هنگامی

که برای تألیف شرح «مصباح الشریعه» اقدام می‌کنند، بسیار عالی می‌نویسند. باید گفت که «مصباح الشریعه» مجموعه کامل سیر و سلوک عرفانی است که کمتر کسی می‌تواند ادعای شرح آن را داشته باشد، اما با این همه، استاد انصاریان این کار را در چند جلد به پایان رسانیده‌اند. دفتری در آستان قدس رضوی (بخش مخطوطات) وجود دارد که بزرگانی که از کتابخانه خطی آستان قدس دیدن کرده‌اند، یادداشتی در آن به یادگار گذاشته‌اند. بیشتر مراجع گذشته، دانایان و دانشمندان در آن جمله‌ای نوشته‌اند. یکی از آن دست‌نوشته‌ها، متعلق به استاد انصاریان است. شاید تاریخ آن به بیش از چهل سال پیش باز گردد. ایشان در آن نوشته آورده‌اند که در ابتدای طلبگی، به مشهد آمدم و حضرت امام رضاع را سوگند دادم که چند چیز به من عنایت فرما؛ ایشان در آن یادداشت سوگند می‌خورند که حضرت همه را به ایشان عطا کرده است؛ یکی این که از ایشان خواسته بودند مرثیه‌خوان باشند؛ هم خود بگویند و هم دیگران را بگریانند.

آیا به راستی ذکر مصیبت‌های ایشان این چنین که خود خواسته‌اند، سوزناک و پُر حُزن نیست؟ استاد انصاریان به راستی کاروان دل‌ها را در مرثیه‌خوانی‌های خود از همان مراسم به کربلا می‌برند. ایشان به گفته‌های خود معتقد است؛ از این رو، خود می‌گرید و دیگران را نیز می‌گریاند.

### ● درباره ویژگی‌های شخصیتی استاد بگویید.

می‌توان تمام اجازه‌نامه‌ها یا دست‌نوشته‌ها یا پاسخ‌های کتبی ایشان و یا نامه‌هایی را که استاد برای دیگران نوشته‌اند یا دوستداران ایشان برای استاد نوشته‌اند، در کتابی جمع کرد. من معتقدم که باید ارتباط‌های ایشان با مصری‌ها، مراکشی‌ها، تونسی‌ها، اندونزی‌ها و مالزیایی‌ها مورد توجه قرار گیرد. افرادی که از نزدیک شاهد ارتباط‌های بین‌المللی استاد بوده‌اند، از نگرش استاد به اوضاع فراتر از مرزها به خوبی آگاه هستند. ایشان که مَنَشی اخلاقی دارند، خطابه‌شان نیز اخلاق‌محور است. من در سنین نوجوانی، یک‌بار به ایشان عرض کردم که آیا اگر شما در حوزه باقی می‌ماندید و خود را در تهران گرفتار خطابه نمی‌کردید، بهتر نبود؟ آیا به جای تردد بین این مجلس و آن مجلس سخنرانی، با ادامه تحصیل و فعالیت‌های علمی در حوزه، به مرتبه والاتری در دانش دینی نمی‌رسیدید؟ آیا

می‌دانید اگر چنین بودید، سخنرانی‌هایتان تا چه اندازه فراگیرتر، پرمستمع‌تر و مؤثرتر بود؟ ایشان لبخندی زدند و در پاسخی کوتاه گفتند که آقا جان! همه کتاب‌ها و درس‌ها را خوانده‌ام. استاد انصاریان اهل شهر خوانسار هستند. خوانسار، در اصالت شیعی است و شیعیانی اصیل و معروف دارد. بزرگانی که در گذشته‌های دور در این شهر زندگی می‌کردند، بسیار هستند؛ حاج آقا جمال خوانساری، حاج آقا حسین خوانساری (شارح غررالحکم و از شاگردان مرحوم علامه مجلسی) و مرحوم حاج آقا ابن‌الرضا از جمله آن‌هاست. خاندان انصاریان نیز خود یکی از سلسله پرافتخار این منطقه است؛ برای نمونه، شیخ محمدتقی انصاریان (صاحب امتیاز انتشارات انصاریان) خود قریب چهل سال است که به ابلاغ دستورات الهی مشغول است. ایشان خود در درس و صحبت‌های خصوصی علامه طباطبایی و آیت‌الله العظمی بروجردی و دیگر بزرگان شرکت می‌کرد. ایشان به زبان‌های مختلف دنیا، شریعت اسلام را تبلیغ و کتاب‌های بسیاری را به زبان‌های گوناگون ترجمه و منتشر کرده است. ایشان پسرعموی استاد انصاریان و فرزندشان نیز عروس استاد است. همچنین، آقای رضا انصاریان که صلوات خاصه امام رضاع (با صدای دلنشین ایشان، آشنای همگان است، پسرعموی استاد هستند. ایشان در زمان حیاتش، پس از سخنرانی استاد انصاریان، مرثیه می‌خواند و حضار را می‌گریاند.

اتفاق یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی استاد انصاریان است. یکی دیگر از سجایای اخلاقی استاد، اتفاق است که بنده بارها شاهد آن بوده‌ام. برای مثال، من را فرا می‌خواندند و مبلغی را که برای یک دهه سخنرانی هدیه گرفته بودند، به من می‌دادند و از من می‌خواستند تا بدون این که کسی باخبر شود، این مبلغ را به شخصی که خود معرفی می‌کردند، برسانم. این اتفاق بارها تکرار شده است. البته این اقدام، تنها اتفاق مالی است. علاوه بر این، ایشان به اتفاق حکمت‌های الهی و نشر آن در جامعه پرداخته‌اند. ایشان حکیمانه‌ترین معارف دین را اتفاق می‌کنند. استاد انصاریان بذر علم و محبت اهل بیت (ع) را در دل‌ها می‌کارند. این نشانگر آن است که آیه شریفه «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» درباره ایشان صادق است. به طور کلی، از هر جنبه شخصیتی ایشان که سخن گفته شود، ایشان شایسته تجلیل و تکریم است و بزرگان حوزه باید به این مهم اقدام کنند.

# تفقه در دین و انذار مردم

تفقه در دین و انذار مردم و تبلیغ دین از وظایف عالمان دینی است؛ علمایی که بر اساس این سنجه به سخنرانی بپردازند موفق هستند و آنان که به وظایف یاد شده عمل نکنند، ناموفق خواهند بود. در این باره باید گفت که عمل به مبانی یاد شده، سبب موفقیت استاد حسین انصاریان در سخنرانی‌هایشان شده است. در همین زمینه گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین فلاح‌زاده، رئیس مؤسسه موضوع‌شناسی فقهی و ستاد ترویج احکام داشتیم که به بیان ویژگی‌های این خطیب توانمند و مترجم و مفسر برجسته قرآن کریم می‌پردازد.

عالمی همچون  
استاد انصاریان  
از افرادی هستند  
که می‌توان ایشان  
را مصداق آیه  
شریفه «نفر»  
دانست. ایشان در  
عمل به صدر این  
آیه (تفقه در دین) و  
نیز در عمل به ذیل  
آیه (انذار مردم)  
موفق بوده‌اند.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا

## ● دلایل موفقیت استاد انصاریان را در چه می‌دانید؟

موفقیت شخص به عمل به وظایف بستگی دارد. افراد در همه نهادها وظایفی دارند که در ابتدا شرح آن به ایشان ابلاغ می‌شود، سپس بر اساس آن وظایف، عملکرد او را بررسی می‌کنند. اگر به وظایف عمل شده باشد، او شخصی موفق و در غیر این صورت ناموفق خواهد بود.

وظایف عالمان دینی در آیه ۱۲۲ سوره توبه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» خلاصه شده است؛ نخست، تفقه در دین و سپس انذار مردم و تبلیغ دین در میان آنان. این آیه به آیه «نفر» معروف است که به تفقه در دین اشاره کرده و پس از آن انذار را مطرح می‌کند. در حقیقت، انذار همان تبلیغی است که با تأثیر همراه باشد. تفقه در دین نیز به معنای شناخت عمیق مبانی آن است. عالمان دینی را باید بر اساس این سنجه مورد بررسی قرار داد و میزان موفقیت ایشان را بر آن اساس سنجید. بزرگان دین فرموده‌اند که تفقه، مقدمه انذار است؛ یعنی فراگیری احکام دینی

برای رساندن آن به مردم است؛ چرا که مردم بدان عمل کنند. پس رسالت حوزویان در اولین گام این است که دین را به خوبی بشناسند و سپس آن را به گونه‌ای به همگان بشناسانند که همه به او امر دینی عمل کنند.

عالمی همچون حجت‌الاسلام والمسلمین انصاریان از افرادی هستند که می‌توان ایشان را مصداق این آیه شریفه دانست. ایشان در عمل به صدر این آیه یعنی تفقه در دین و نیز در عمل به ذیل آیه؛ انذار مردم، موفق بوده‌اند. مقصود از تفقه نیز تنها شناخت فقه و احکام دینی نیست، بلکه شناختی جامع از مسائل دینی است؛ یعنی موضوع‌های اعتقادی، اخلاقی و احکامی. مبلغ دینی باید در هر سه حوزه، شناختی عمیق داشته باشد. در این صورت به خوبی خواهد توانست به وظیفه ابلاغ و انذار خود عمل کند.

باید گفت که ایشان وظیفه نخست خویش؛ یعنی تفقه را به خوبی ادا کرده‌اند؛ چرا که سال‌ها در حوزه علمیه، درس مختلف را از محضر اساتید بزرگ فرا گرفتند و در همان سال‌های ابتدایی، به امر تبلیغ پرداختند. من بیش از ۳۰ سال است که ایشان را می‌شناسم و فقط به دلیل سخنرانی‌های

عالمانه‌شان از پیش از انقلاب اسلامی به ایشان علاقه‌مند شدم. باید گفت که شاخصه اصلی ایشان در امر تبلیغ، همان مفهوم نَفَر است.

## ● مبلغ موفق چه معیارهایی باید داشته باشد؟

چندین ملاک برای تشخیص موفقیت مبلغ در امر تبلیغ وجود دارد؛ نخست، چستی محتوای تبلیغی، دوم، چگونگی طرح مطالب، سوم، کیستی مخاطبان و چهارم، استمرار تبلیغ است. باید دید که مبلغ چه مطالبی را عرضه می‌دارد؛ باید چگونگی مطرح ساختن آن را مورد بررسی قرار داد. همچنین مخاطبان و افرادی که از قشرهای گوناگون در جلسات سخنرانی ایشان شرکت می‌کنند در ساختار کلی تبلیغ مؤثر هستند. در آخر نیز باید به دنباله تبلیغ توجه کرد؛ اینکه آیا به صورت ناتمام رها شده است یا مبلغ آن را به سرانجام رسانیده؟

استاد انصاریان مبلغی موفق هستند. ایشان نخستین شرط را در این امر، به بهترین صورت تحصیل کرده‌اند. چندین هزار بار سخنرانی کرده که در همه آن‌ها محتوایی نو به مخاطبان خویش





ایشان حاصل نشده است. برخی در تدریس، تحقیق، خطابه و مانند آن، همواره در حال تقلید هستند؛ اما برخی دیگر خود مجتهد بوده و به ساختاری استوار دست یافته‌اند.

باید گفت که استاد انصاریان در چگونگی بیان مطلب، مرثیه‌خوانی و مناجات‌خوانی، استادی صاحب‌نظر هستند که از روش شخصی پیروی می‌کنند که تأثیرگذاری فراوانی نیز دارد. سخنرانی و مطالب مطرح شده بسیاری از خطبا به گونه‌ای است که تنها گروهی از مردم در جلسات سخنرانی ایشان شرکت می‌کنند. در صورتی که مخاطبان سخنرانی‌های استاد، از همه گروه‌های مردمی به ویژه تحصیل کرده‌ها و از همه سنین، به ویژه جوانان تشکیل می‌شود، حتی علاقه‌مندان به ایشان از سایر کشورها در مناسبت‌های ویژه به ایران آمده و خود را به جلسات استاد می‌رسانند.

#### ● چرا منابر ایشان پر مخاطب است؟

اشتیاق مخاطبان به شرکت در سخنرانی‌های ایشان به قدری است که حتی در دهه نخست محرم الحرام که ایشان صبح زود مراسم سخنرانی دارند، گاه مردم از پیش از اذان صبح خود را به آنجا می‌رسانند و حتی نماز شب‌شان را در همان



رو همواره مصادیق و مواردی را بیان می‌کنند که از نیازهای فعلی جامعه است. مطالب عرضه شده در سال‌های نخست انقلاب و یا معارفی که ایشان امروز بیان می‌کنند، به‌طور کلی متفاوت است، اما آنچه که در همه آنها مشترک است اینکه مطالب، متناسب با شرایط همان دوره است.

#### ● نظر تان درباره تألیفات استاد چیست؟

استاد انصاریان در ظاهر احکام فقهی را بیان نمی‌کنند، اما با دقت در نوشته‌ها و سخنرانی‌های ایشان، مطالب فقهی بسیاری را می‌توان یافت. ایشان تعالیم اسلام را با احکام آن بیان می‌کنند. این امر خود تأثیری عمیق و بیش از بیان احکام در حالت عادی دارد؛ برای نمونه، کتاب «نظام خانواده» پُر از مطالب فقهی و احکام دینی است که برگرفته از آیات و روایات است. آنچه را که ایشان درس زندگی می‌نامند، همان احکام فقهی است که در حقیقت چارچوب شریعت است؛ بنابراین، محتوایی که مطرح می‌کنند، بی‌شک عمیق و صحیح است.

باید گفت که همه فعالیت‌های مذهبی استاد، جز با توفیق و عنایت خداوند و نیز تلاش همیشگی

تقدیم داشته‌اند. بیان نکات تازه از آیات قرآن کریم و روایات ائمه هدی (ع) که جامعه به آن نیازمند است، از ویژگی‌های برجسته سخنرانی‌های ایشان است. اینکه بیشتر سخنرانی‌های ایشان به صورت کتاب نیز انتشار یافته، خود گویای این نکته است که مطالب بیان شده در سخنرانی‌های ایشان، به دلیل تازگی، شایسته نشر در جامعه است. جامعیت ایشان در محتوایی که مطرح می‌سازند، خود امری تحسین‌برانگیز است؛ چرا که بسیاری از مبلغان و محققان دینی تنها در بخشی از معارف دینی تمرکز کرده و بر آن کار می‌کنند، اما استاد انصاریان با جامعیت خود موضوعات مختلف را بیان می‌کنند. از طرفی ایشان نگاه روز جامعه را در بیان محتواهای نو، تأثیر داده و معارف دینی را بر شرایط حاکم بر مردم تطبیق می‌دهند. این ویژگی، از امتیازهایی است که حتی بسیاری از محققان با دانش دینی فراوان، توان رعایت آن را ندارند.

استاد انصاریان بین مردم و با آنان زندگی می‌کنند، نیازهای مردم را به خوبی می‌دانند و به نگرانی‌های ایشان به ویژه جوان‌ها آگاهی دارند. ایشان از بیان مطالبی که آگاهی از آن نمی‌تواند به زندگی مادی و معنوی مردم کمک کند پرهیز می‌کنند؛ از این





از گویندگان احکام، دیگران را به رعایت احکام دعوت کرده و تلاش می‌کنند همگان را از احکام فقهی آگاه کنند، اما گاه شخص با جریان سازی در بیان احکام، دیگران را به شوق می‌آورد؛ نتیجه چنین اتفاقی چندین مرتبه بیش از صورت پیشین است. چنانکه میان متقین و امام متقین تفاوت بسیار است، یکی اینکه خود هدایت یافته است و دیگر اینکه دیگران را نیز هدایت می‌کند.

استاد انصاریان مسائل شرعی و احکام دینی را در سخنرانی‌های خود در قالب مثال، داستان و یا مصداق عینی یا عملی بیان می‌کنند. این هنری است که ایشان برای تأثیرگذاری بیشتر محتوای کار می‌گیرند. همچنین در نوشته‌های خود نیز از این توانایی بهره‌برده‌اند و به صورت بسیار نامحسوس احکام فقهی دین را بیان می‌کنند. ایشان تاکنون برنامه سخنرانی جداگانه‌ای با موضوع فقه نداشته‌اند، اما با وجود این، به بیان احکام دینی اصرار بسیار دارند؛ چرا که سال‌هاست ایشان افرادی را برای بیان احکام شرعی پیش از سخنرانی خود برای مردم، دعوت کرده و او را در این کار بسیار تشویق می‌کنند. البته ایشان بارها با مراجعه به رساله‌های عملیه یا ارتباط با مراجع عظام تقلید، برای آگاهی افراد از ساختار فقهی تشیع تأکید کرده‌اند.

### ● ارتباط علما و مراجع عظام تقلید با استاد به چه شکلی است؟

استاد انصاریان به فقها و مراجع عظام تقلید علاقه و ارادت ویژه دارند، تاکنون از ایشان برای سخنرانی در مراسم ترحیم بسیاری از بزرگان دعوت شده است، اما ایشان هیچ یک را نپذیرفته‌اند، اما سخنرانی در مراسمی که برای مراجع و فقهای فقید برگزار می‌شود را به طور معمول می‌پذیرند. در چنین سخنرانی‌هایی نیز ایشان با تأکید بسیار بر ترویج فقه، فقاقت و مرجعیت و نیز ضرورت

جا می‌خوانند. این اقدام برای آن است که بتوانند جایی نزدیک‌تر به منبر بنشینند و از نزدیک با ایشان ارتباط قلبی برقرار کنند. گاه مجالس سخنرانی ایشان به قدری پُرازدحام می‌شود که پیش از سخنرانی ظرفیت مکان به طور کامل پُر می‌شود. باید دانست که روزهایی؛ مانند تاسوعا یا عاشورا که همه‌جا تعطیل است، مردم بیشتر در مجالس عزاداری شرکت می‌کنند، اما ازدحام جمعیت و نبود جای کافی در جلسات سخنرانی استاد انصاریان در روزهای غیر تعطیل و مناسبت‌هایی که کمتر مورد توجه است، رخ می‌دهد. آیا این موضوع غیر از توفیق الهی است که شمار بسیاری از جوانان مشتاقانه، خود را به هر شکل ممکن به جلسه سخنرانی استاد می‌رسانند؟ بسیاری از افراد؛ مانند مدرسان، مبلغان و سیاستمداران به گونه‌ای عمل می‌کنند که پس از مدتی، خود یا آثارشان منقضی شده و دیگر طرفداری ندارند، اما نشانه پیروزی و موفقیت این است که با گذشت زمان، جز اینکه از شمار طرفداران کاسته نمی‌شود، بلکه بر تعداد آنان نیز افزوده می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، همواره مخاطبان استاد انصاریان افزایش یافته‌اند. ایشان با سن هفتاد سال، در برخی ایام؛ مثل ماه محرم، گاه چندین بار در یک شبانه‌روز، در چند جای متفاوت و برای مخاطبان مختلف سخنرانی می‌کنند؛ از این رو تمام اسباب موفقیت برای ایشان وجود دارد؛ محتوایی غنی در چارچوبی به روز، مخاطبانی روزافزون و نیز استمرار در تبلیغ از دوران جوانی تا امروز.

معارف دینی در یک دسته‌بندی؛ به عقاید، اخلاق و احکام تقسیم می‌شود؛ احکام در این میان همان برنامه عملی زندگی است؛ یعنی باید‌ها و نبایدهای رفتاری. از سوی دیگر بسیاری

### تالیفات



### زیبایی‌های اخلاق

این کتاب نگرشی نوبه اخلاق نظری و بیان بخشی از زیبایی‌های آن بوده و تلاش کرده تا مفاهیم ناب و قابل توجه اخلاق اسلامی، ظرافت‌ها و لطایف تعالیم اخلاقی اسلام را تشریح و مباحثی درباره کسب فضایل اخلاقی و حقیقت ایمان با استناد به آیات و روایات و سیره معصومین (ع) را بیان کند. این نوشتارها، محصول ۲۵ سخنرانی نویسنده در رمضان ۱۳۸۱ شمسی است که پس از تنظیم و ویرایش در ۱۶ بخش سامان یافته است؛ عناوین و موضوعات کتاب عبارتند از: تفاوت مومن و فاسق، ایمان و اهل ایمان، راه ظهور سلامت جسم و جان، حسنان اخلاقی، حسن خلق نیرومندترین وسیله نجات، آثار پرفایده حسن خلق، تعالیم اخلاقی و حیات‌بخش پیامبر اسلام (ص)، توصیه‌های خداوند به حسنان اخلاقی، روش پاکان در زندگی، زبان و چشم صالحان، آراستگی اهل معنی، اخلاق کلید خیر دنیا و آخرت، نیکی با دیگران، حسنان اخلاقی عامل نجات انسان در دنیا و آخرت و راه بهشت؛ نویسنده ذیل هر موضوع داستان‌ها و حکمت‌هایی از زندگی نیکوکاران و شخصیت‌های اخلاقی نقل کرده است.

استاد انصاریان  
مسائل شرعی و  
احکام دینی را  
در سخنرانی‌های  
خود در قالب  
مثال، داستان  
و یا مصداق  
عینی یا عملی  
بیان می‌کنند.  
این هنری است  
که ایشان برای  
تأثیرگذاری  
بیش‌تر محتوای  
کار می‌گیرند.



### ویژه‌نامه آشنای ناآشنا





## اهل بیت (ع) عرشیان فرش نشین

ویرایش و تحقیق این اثر را حجج اسلام آرش مردانی پور و محمدجواد صابریان انجام داده است؛ در این اثر یک دوره معارف و فضایل اهل بیت (ع)، دلایل و مبانی امامت و عظمت آنها با تکیه بر آیات و روایات ارائه شده است؛ نویسنده مستندات بسیاری از منابع روایی شیعه و اهل سنت درباره مفهوم و مصادیق اهل بیت (ع)، امامت حضرت علی (ع) و اولاد معصوم ایشان و داستان‌هایی از ایشان، شجاعت، سخاوت، صبر، حلم و خداپرستی و معنویت، عصمت، زهد و ایمان ائمه اطهار (ع) نقل کرده است؛ همچنین شرحی اجمالی از زندگی چهارده امام معصوم (ع)، سیره و مبارزات آنها، گزیده‌ای از سخنان و حکمت‌های آنان در این کتاب آمده است؛ این اثر در پنج بخش با محوریت بررسی شخصیت اهل بیت (ع)، جایگاه این خاندان در کتب آسمانی ادیان دیگر، دیدگاه عارفان بزرگ در بیان مقامات، فرهنگ اهل بیت (ع) و پیروان ایشان سامان یافته است؛ در این کتاب درباره مصداق و مفهوم اهل بیت (ع) و آیات و روایات در این زمینه سخن گفته شده است.

ایشان در پاسخ به این طرح به ضرورت آشنایی مردم با احکام فقهی تأکید کردند و نوشتند که از ابتدای ورودم به مسیر تبلیغ و سخنرانی، از دور بودن مردم از فقه اهل بیت (ع) نگران بودم و از اینکه بیشتر مردم و به ویژه نسل جوان از مسائل شرعی لازم بی‌خبر بودند، رنج می‌بردم. اکنون که شما با فکر و اندیشه روشن خود به تدوین موضوع‌شناسی فقه اقدام کرده‌اید، خدا را سپاسگزارم. این نامه‌ای بلند است؛ اما چکیده آن تقدیر و تحسین افرادی است که در این امر می‌کوشند.

### ● نگرش استاد نسبت به راهنمایی آحاد جامعه چگونه است؟

استاد انصاریان اهتمام بسیاری به امر احکام‌گویی و آگاهی مردم از مسائل شرعی دارند. چندی پیش، ستاد ترویج احکام در تهران درصدد برگزاری دوره‌ای برای تربیت استاد احکام بود. هنگامی که به استاد انصاریان پیشنهاد شد که «حسینیه هدایت» را در صورت امکان، در اختیار این دوره بگذارند، ایشان با استقبال بسیار آن را پذیرفته و از انجام آن نیز حمایت کردند. حتی ایشان، خود یک بار آمدند و در آن دوره سخنرانی کرده و به فراگیری احکام دینی تأکید بسیار کردند.

آن که از قرآن در سخنرانی‌های خود بهره ببرد یا خود مفسر قرآن و مترجم آن باشد، بی‌شک نمی‌تواند از احکام دینی که در قرآن آمده است، غافل باشد. می‌گویند که پانصد آیه از آیات قرآن پیرامون احکام است؛ اما بیش از این تعداد است. حتی می‌توان گفت که بیشتر آیات قرآن، حکم شرعی و قانونی برای برنامه زندگی است. ایشان با دانش دینی خود، به طور حتم در مباحث فقهی قرآن به صورت شایسته‌ای کار کرده‌اند.

استاد انصاریان عالمی موفق، مروج دین، از افتخارات اسلام و این نظام است. ایشان سابقه‌ای انقلابی در پیروزی انقلاب اسلامی داشته و هم‌اکنون نیز در نظام اسلامی و فرهنگ دینی، نقشی مؤثر دارند. باید قدر این شخصیت‌ها را دانست و بیش از پیش آنان را به مردم معرفی کرد. متأسفانه، گاه افراد پس از رحلت بزرگان، یاد آنان را گرامی می‌دارند. مردم نیز در این زمان آنان را به خوبی می‌شناسند و به زوایای زندگی ایشان پی می‌برند. این اشتباهی است که نباید تکرار شود و معرفی بزرگان دینی در زمان حیات ایشان به جامعه اسلامی، خدمتی بزرگ به اسلام است؛ چرا که مردم در صورت شناخت علما از ایشان بهره بیشتری خواهند برد. باید اذعان کرد که این کار ستودنی و قابل احترام است.

ارتباط با مراجع تقلید و فراگیری احکام دینی، اهمیت این موضوع را به تصویر می‌کشند.

استاد با همه بزرگی و آوازه‌ای که به دست آورده‌اند، باز هم برای گفتن احکام شرعی دقت بسیار می‌کنند، یکی از سخنرانان می‌گفت که یک بار در طواف خانه خدا دیدم که استاد انصاریان آمدند و پرسشی شرعی را از من پرسیدند. شخصی که خود استاد و در بسیاری امور صاحب‌نظر است، ضمن مواجهه با ابهام شرعی که ممکن است علتش یاری نکردن حافظه باشد، از روحانی دیگری که کم‌سن‌تر از اوست، سؤال می‌پرسد. آیا این اقدام به غیر از عظمت روحی و تأثیر حقیقت‌تواضع است؟

فلاح زاده ادامه داد: یک بار من همراه ایشان در مشهد بودم. ایشان باید در مسجد جامع گوهرشاد سخنرانی می‌کردند. من به ایشان پیشنهاد دادم از آنجا که در سخنرانی سبکی منحصر به فرد داشته و کلام‌شان مؤثر است و قرآن‌شناس و مأنوس با این کتاب آسمانی هستند، درس تفسیر برگزار کنند. ایشان فرمودند که باید اندکی فکر کنیم و از حضرت رضاع (ع) طلب کنیم. فردای آن روز فرزندشان با من تماس گرفت و گفت که استاد انصاریان منبرهای شهرستان‌ها را لغو کرده و گفته که قصد دارند تا جلسات تفسیر قرآن را برگزار کنند. این عنایتی از سوی امام رضاع (ع) بود که ایشان در حوزه علمیه قم، ابتدا درس نهج‌البلاغه و سپس تفسیر قرآن را برپا کردند. الحمدلله هم‌اکنون نیز این جلسات ادامه دارد و طلاب نیز توجهی ویژه به آن دارند.

هر مسئله‌ای در دین، موضوع و حکمی شرعی دارد و شناخت موضوع تأثیری بسزا در تعیین حکم و صدور فتوا دارد. کسانی که ارتباط بیشتری با مردم دارند، با موضوعات مختلف آشنایی بیشتری دارند. یکی از ویژگی‌های استاد انصاریان این است که جامعه را به خوبی می‌شناسند. گاه ایشان با هفتاد سال سن، با جوانان درباره موضوعات روز به قدری با آشنایی کامل سخن می‌گویند که شاید باورش کمی سخت باشد. این موضوع همان مصداق آشنایی عالم دین با شرایط حاکم بر روزگار است که در روایات با تعبیر «العالم بزمانه لا تهجم علی اللوایس» معرفی شده؛ کسی که به زمان خود آشنا و آگاه باشد، هرگز دچار اشتباه نخواهد شد. چند سال پیش بحث موضوع‌شناسی در قم مطرح شد؛ از این رو، طرح تأسیس مؤسسه‌ای برای شناخت، بررسی موضوعات فقهی و تسهیل عمل مکلفان به احکام دینی در قالب پیش‌نویسی به مراجع معظم تقلید و فقها تقدیم شد. از جمله کسانی که این طرح را دریافت کردند، استاد انصاریان بودند.



سخنرانی برای  
مدت ۳۳ سال  
در یک مسجد و  
برای گروهی از  
مخاطبان ثابت،  
امری نیست  
که مدعیان نیز  
بتوانند از عهده  
آن برآیند.



ویژه نامه  
آشنای نا آشنا

محبت الاسلام والمسلمین سیدمسیب مومنی :

# رزمماندگاری تسلط بر قرآن ونهج البلاغه

برای اینکه محقق علوم اسلامی بتواند در حوزه تبلیغ و ترویج به موفقیت دست یابد، باید به اموری واقف و مسلط باشد؛ از جمله این امور تسلط تفصیلی بر مبانی قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) است؛ آیت الله حاج شیخ حسین انصاریان علاوه بر اینکه در این حوزه توانا ظاهر شده اند، نگاهی عمیق و برنامه ریزی دقیقی در ارائه مطالب در سه حوزه تدریس، تالیف و تبلیغ را دارند؛ با حجت الاسلام والمسلمین سید حسین مومنی که از مدرسان سطوح عالی حوزه علمیه و از مبلغان موفق است پیرامون این موضوعات گفت و گویی انجام شده است.

● در راستای بررسی و جوه شخصیت استاد حسین انصاریان خدمت شما هستیم؛ لطفاً پیرامون شخصیت و نیز رمز موفقیت ایشان بفرمایید.

در امر تبلیغ دو موضوع بسیار مهم وجود دارد؛ یکی عرشی و دیگری فرشی است. باید گفت که هر دو در تأثیر گذاری تبلیغ ضروری است؛ چرا که غفلت از هر یک از آنها، سبب از بین رفتن نتیجه مطلوب خواهد شد.

مبلغ می کاهد، و باید گفت که یکی از ویژگی های استاد ممتاز کشورمان، استاد حسین انصاریان رعایت این نکته است.

سخنرانی برای مدت ۳۳ سال تنها در مسجد امیر و برای گروهی از مخاطبان ثابت، امری نیست که مدعیان نیز بتوانند از عهده آن برآیند. استاد انصاریان طی این سه دهه در ایام ماه مبارک رمضان در مسجد امیر تهران، پس از نماز عصر سخنرانی کرده اند. شاید بتوان گفت که ایشان در این مدت، هیچ سخنرانی تکراری نداشته اند.

اما اموری که به بُعد علمی و اجمالی تبلیغ مربوط می شوند نیز پُر اهمیت است که نخستین آنها تسلط بر قرآن است. مبلغی که در امر خطابه مؤثر است، تسلطی تفصیلی بر قرآن کریم دارد. تسلط اجمالی به این معناست که شخص باید با آیات و سوره ها آشنا باشد؛ به صورت اجمالی باید شأن نزول را بداند. پس از این، می تواند آیه و یا تفسیری را بیان کرده یا به تفسیر روایی مراجعه کند. این امر به این دلیل اهمیت دارد که سردرگمی شخص را در موضوع های شرعی از بین می برد. استاد انصاریان با اشراف خود به موضوع های دینی حتی موضوع سخنرانی های خود را برای سال های بعد تعیین کرده اند.

دومین امر، تسلط بر روایات است؛ مرور روایات - دست کم یک بار - برای مبلغی که می خواهد در عرصه خطابه موفق باشد، ضروری است. یکی از اساتید این طور بیان می کرد که من دو مرتبه «بحار الانوار» را خوانده ام؛ حال در بار سوم، به صورت مسلط می خوانم. همچنین رهبر معظم انقلاب فرموده اند که من یک بار همه «بحار الانوار» را در سفرهایم خوانده ام.

تسلط بر روایات، از امتیازات والای خطیب است؛ چرا که تسلط بر روایات، برای طرح موضوع و مباحث، کمک بسیاری به خطیب می کند. استاد انصاریان با اشراف علمی خود بر روایات، ورود به بحث و خروج از آن و نیز تبیین آنها موضوع را تنظیم می کنند. متأسفانه برخی چنین می پندارند که عوامل دیگری مثل شعرخوانی تأثیری بیش از بیان آیات و روایات دارد، در صورتی که این موضوع، نقطه ضعف چنین خطابه ای است. آنچه که باید در صدر خطابه قرار گیرد، نخست آیات قرآن و سپس روایات ائمه هدی (ع) است.

بهره بردن از شعرخوانی، چنانکه علما و شاگردان مکتب تربیتی اهل بیت (ع) نیز از آن برای تکمیل موضوع مطرح شده استفاده می کردند، امری شایسته است، اما باید همیشه به خاطر داشت که

هرگز نباید شعر از آیات و روایات پیشی گرفته و در صدر قرار بگیرد. این اشتباهی است که سبب ضعف در سخنرانی می‌شود.

استاد انصاریان اشراف بسیار خوبی بر روایات دارند و این موضوع، خود یکی از ویژگی‌های بارز ایشان است. یک بار نزد ایشان از روایتی سخن به میان آمد؛ ایشان بی‌درنگ از استناد روایت پرسیدند و گفتند که دو روایت - شبیه - دیگر نیز وجود دارد. این امر، نشان‌دهنده تسلط ایشان بر روایات است. گوینده‌ای که به روایات اشراف دارد، هرگز به انتخاب ضعیف در موضوع دچار نمی‌شود؛ چرا که روایات بسیار متنوع است به گونه‌ای که می‌توان نکات هر موضوع را از دل روایات استخراج کرد.

امر سوم، تسلط بر کتاب نهج البلاغه است. به بیان دیگر، مبلغ باید بداند که چه نکته‌ای به طور دقیق در کدام بخش از این کتاب آمده است، یا اینکه موضوعات مطرح شده در خطبه‌ها را بداند. اگر خطیبی بر نهج البلاغه تسلط داشته باشد، به راحتی می‌توان گفت که در هر موضوعی، سخن حقی برای گفتن دارد. موضوع‌هایی چون مطالب اخلاقی، سیاسی، فردی و اجتماعی که کتاب نهج البلاغه پر از چنین مطالبی است. این کتاب خود گنجینه‌ای از معارف دینی است که با مراجعات بیشتر می‌توان به موضوع‌های بیان شده در خطبه‌ها، نامه‌ها یا حتی کلمات قصار آن پی‌برد. از ویژگی‌های استاد انصاریان تسلط کامل بر نهج البلاغه است. می‌توان گفت که ایشان کلمه به کلمه این کتاب را با دقت مطالعه کرده و بر آن تسلط دارند.

چهارمین امر، صحیفه سجادیه است؛ این اثر مجموعه‌ای از دعاهاست. البته در ظاهر چنین است، اما تعالیم دینی را درباره توحید، امامت، اجتماع و حتی درباره وجود حضرت سیدالشهدا(ع) و امام زین‌العابدین(ع) در قالب ادعیه به پیروان خود آموخته است؛ بنابراین، اگر خطیب با مبانی صحیفه سجادیه آشنا باشد، به یقین همواره موضوع‌های فراوانی را برای بیان در اختیار دارد. یکی از ویژگی‌های استاد انصاریان، آشنایی و اشراف ایشان بر مبانی صحیفه سجادیه است؛ به همین دلیل، ترجمه و نیز شرحی اجمالی که برای صحیفه سجادیه نوشتند، بسیار پُر بهره است.

من بحثی را در حرم حضرت معصومه(س) شروع کرده

بودم که برای تأمین

محتوای آن از حدود ۱۰ شرح و ترجمه از صحیفه سجادیه بهره می‌بردم. آنچه که خود بیش از همه استفاده کردم و مورد پسند و استقبال مخاطب نیز قرار گرفت، ترجمه و شرحی بود که از استاد انصاریان در اختیار داشتم. همین پشتوانه علمی سبب موفقیت استاد شده است. خطیبی که در عرصه خطابه مسلط است، هرگز به ضعف در تبیین موضوع و یا انتخاب نامناسب موضوع مبتلا نمی‌شود. همچنین تسلط و آشنایی ایشان به ادبیات، متون و حتی اشعار عربی یکی دیگر از اسباب توانمندی ایشان است.

طی سال‌های اخیر افرادی در عرصه خطابه وارد شده‌اند که برخی از آنان پیشرفت کرده و برخی دیگر نیز پسرقت داشته‌اند، استاد انصاریان سکان‌دار این کشتی است که پس از سال‌ها هنوز سخنرانی‌های تازه و پُر مطلب دارند. مخاطبان مجلس ایشان، خود می‌توانند بفهمند که خطیب مطلبی برای بیان دارد یا خیر. گاه سخنرانان تنها با کلمات بازی کرده و ظاهری زیبا ایجاد می‌کنند. در صورتی که استاد انصاریان در سه سخنرانی خود در یک روز، مطالبی سودمند بیان کردند که هرگز نمی‌توان از آن‌ها چشم پوشید یا آن را بازی با کلمات خواند. آیا این موضوع جز با پشتوانه مطالعاتی عمیق حاصل می‌شود؟ با وجود اشراف علمی در چهار امری که بیان شد، حتی اگر خطیب بی‌مطالعه بر فراز منبر بنشیند، می‌تواند از معارف دینی با تازگی سخن بگوید. البته درباره استاد باید گفت که ایشان برای همه سخنرانی‌های خود مطالعه می‌کنند.

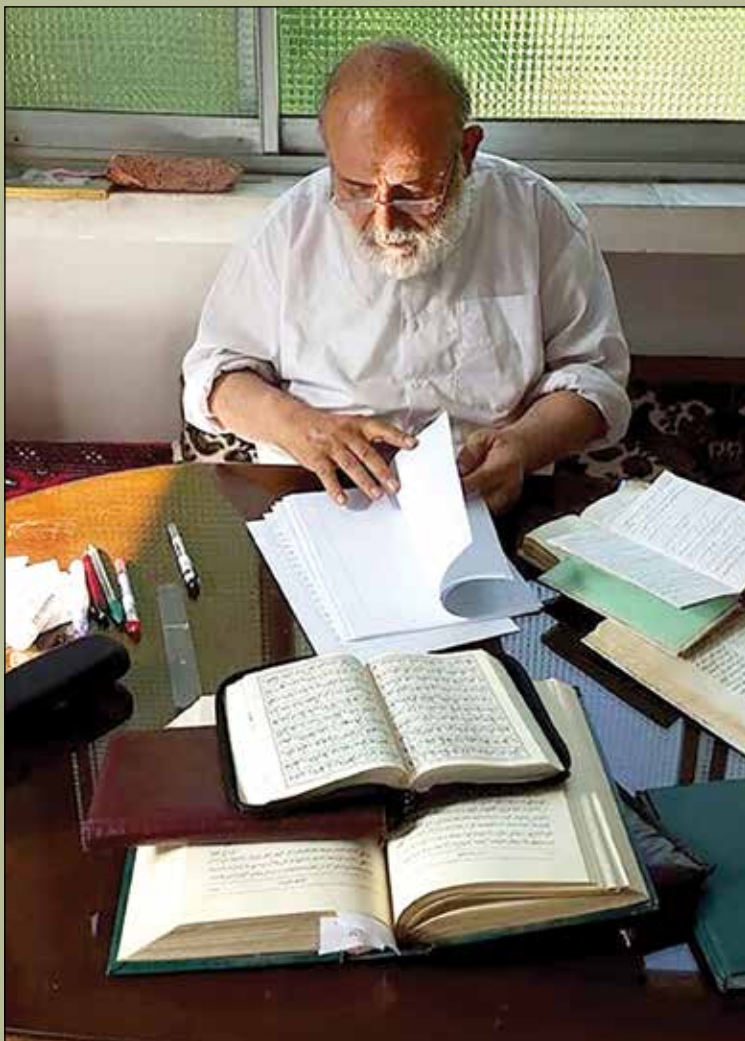
یک بار که قرار بود استاد انصاریان در سالگرد مرحوم آیت‌الله بروجردی سخنرانی کنند،

فرمودند به قدر کافی مطالعه نکرده‌ام، این در حالی بود که ایشان برای آن سخنرانی هشت ساعت مطالعه کرده بودند. این موضوع در ظاهر امری ساده است، اما حقیقت این است که این مقدار مطالعه نیروی بسیار نیاز دارد؛ بنابراین، مطالعه بسیار استاد، تسلط بر قرآن، روایات، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، خود پشتوانه‌ای بزرگ برای موفقیت ایشان است.

بیش از ۱۰ سال پیش، پس از بررسی حدود پنج هزار سخنرانی از ایشان، روشن شد که ایشان حتی یک سخنرانی تکراری نداشته‌اند. شاید در این میان، داستانی به مناسبت تکرار شده باشد، اما موضوع تکراری نبوده است. پنج هزار سخنرانی بدون تکرار شدن موضوع، امتیازی

منحصر به فرد است. من که خود گوینده و مدرس هستم، این نکته را به خوبی می‌فهمم که چقدر سخت است که طی ۳۳ سال بتوان برای مخاطبانی ثابت، سخنانی تازه گفت. ویژگی بارز استاد انصاریان این است که توانسته‌اند در این مدت، بدون این که مخاطبشان دچار





احساس خستگی و کسالت شود، نشاط و شادابی را با آیات و روایات به آنها منتقل کنند.

امروزه خطیب هم باید مجتهد بوده و در فقه و اصول به فهم و عمق رسیده باشد. این نکته از نیازهای بنیادی است؛ چرا که از این رهگذر می‌تواند به بصیرت و درست‌فهمی لازم دست یابد. ورود به بحث و خروج از آن از توانایی‌های بارز استادانصاریان است، زیرا ممکن است ایشان یک موضوع را در دو سخنرانی مطرح کنند، اما ورود ایشان به موضوع و خروج از آن به گونه‌ای است که هرگز تکراری بودن موضوع حس نمی‌شود.

استادانصاریان در چهارمین سال طلبگی‌شان با دستان استاد «عباس تهرانی» لباس روحانیت را به تن کردند. آیت‌الله عباس تهرانی در حرم حضرت معصومه(س) و در کنار قبر آیت‌الله مطهری به خاک سپرده شده‌اند. ایشان که از اولیای الهی و اوتاد بودند، به استادانصاریان فرموده بودند که به حرم برو، خود را به ضریح حضرت معصومه متصل کن و این فراز از زیارت نامه حضرت را بخوان؛ «فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ؛ خدایا توفیقی را که به من داده‌ای، باز پس مگیر». استادانصاریان می‌فرمودند که پیوسته از خدا می‌خواستیم مرا گویای خیر و صلاح مخاطبان قرار دهد؛ یعنی هر آنچه که صلاح است به زبانم جاری شود. این موضوع، از همان امور معنوی است که باید در امر تبلیغ به آن توجه شود. تبلیغی که در آن اخلاص نباشد، هرگز نمی‌تواند مؤثر بیفتد.

با علمت اگر عمل برابر گردد

کام دو جهان، تو را میسر گردد

مغرو به این مشو که خواندی ورقی

زان روز حذر کن، که ورق برگردد

مبلغی که از توجه به امور عبادی سخن می‌گوید، خود نیز باید به آنچه بیان می‌کند عمل کند، در غیر این صورت سخنش هرگز در جان مخاطبش نفوذ نخواهد کرد و تأثیری نخواهد گذاشت.

آن زمان که سن کمی داشتیم، منزل ما در بلوار قیام بود. شب‌های جمعه برای شرکت در جلسه دعای کمیل استاد به هر قیمتی خود را به تهران می‌رساندم. مرحوم پدر بزرگم در خیابان مولوی دکانی داشت. منزل ایشان نیز در بلوار قیام و نزدیک به حسینیه استاد بود. چه جلسات عجیب و پُر بهره‌ای بود. همان جلسات دعای کمیل استاد، من را به سوی ایشان جذب کرد. زمانی را که با خانواده در شب‌های قدر به حسینیه استاد می‌رفتم، به خوبی به خاطر دارم. جمعیت بسیاری می‌آمد؛ مجبور بودیم در خیابان بنشینیم و از برنامه استفاده کنیم. ما با پتویی که

با خود می‌بردیم، خود را گرم نگاه می‌داشتیم. هر کسی که در این جلسات شرکت کرده است، اذعان می‌کند که جلسات عجیبی بود. ایشان پس از دعای کمیل حالی پیدا می‌کرد که از آثار دعای کمیل بود.

استاد، دعای کمیل و هر مناجات یا زیارتی را به صورت نشسته می‌خواندند. وقتی که استاد می‌خواهند دعای عرفه را که دعایی بسیار بلند است بخواند، بر زمین نشسته و سپس دعا را می‌خواند. حتی یک بار که حاج احمد آقا (فرزند امام(ره)) در بستر بیماری بودند، در حسینیه جماران مجلسی برگزار شده بود، استاد نیز باید در آن مجلس زیارت عاشورا می‌خواندند. ایشان دعا را در حالی که بر زمین نشسته بودند، خواندند، چرا که ایشان معتقد هستند که در هنگام دعا و زیارت، باید اوج خاکساری و تواضع نشان داده شود. رعایت همین نکات معنوی سبب نفوذ مبلغ در دل‌های افراد می‌شود. چگونه گوینده‌ای که

خود عامل نیست، می‌تواند تأثیرگذار باشد؟ بارها شده است که من، ایشان را در حرم حضرت رضا(ع) نگریسته‌ام. ایشان به زیارتی ساده و مختصر اکتفا می‌کنند، اما ساعتی را می‌نشینند و به پهنای صورت اشک می‌ریزند؛ اشک هرگز نمی‌تواند ظاهری باشد، به طور حتم در دل انقلابی به وجود می‌آید که چشم آن چنان می‌گردد. ایشان ساعت‌ها به ضریح نگاه کرده و اشک می‌ریزند. استاد در چنین مواقعی، چنان غرق حال معنوی می‌شوند که حتی اگر کسی به ایشان سلام کند، متوجه نمی‌شوند.

یک بار ایشان با حالی خاص به حرم سیدالشهدا(ع) وارد شدند و پس از عرض سلامی عادی، در گوشه‌ای نشستند و به شدت گریستند. توسل، توجه، تهجد و انس با قرآن، روایات و مناجات، احوالی چنین خوش را به ارمان خواهد آورد. دیوان ایشان از حال خوش و معنوی ایشان خبر می‌دهد، گویی ذره ذره وجود استاد، صحیفه

بیش از ده سال

پیش، پس از

بررسی حدود پنج

هزار سخنرانی

از ایشان، روشن

شد که ایشان

حتی یک

سخنرانی تکراری

نداشته‌اند. که

این امتیازی

منحصربه‌فرد

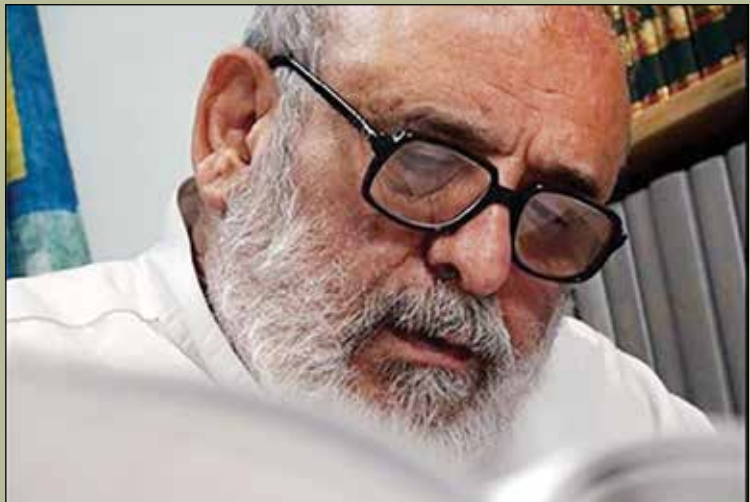
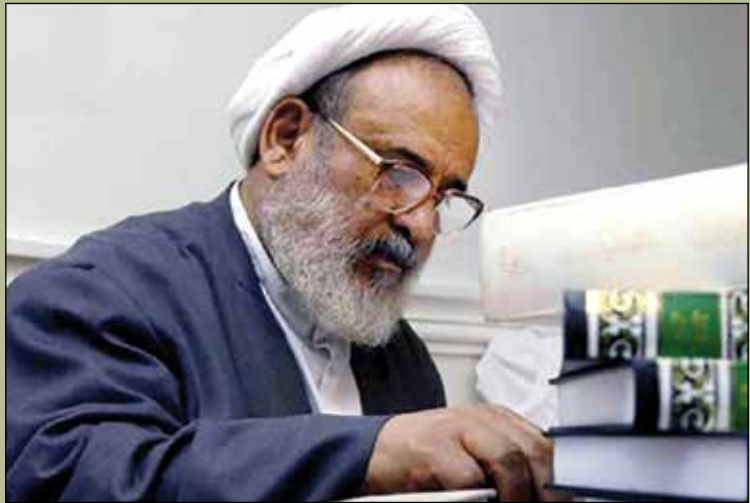
است.



ویژه‌نامه

آشنای ناآشنا





همدانی‌ها رفتیم. می‌توان گفت افرادی در آن مراسم حضور پیدا کرده بودند که در طول سال، بسیار کم به سخنرانی‌ها گوش می‌دادند. اما در آن شب، با شوقی وصفناشدنی در خیابان ری، پای سخنرانی استاد انصاریان نشسته بودند. افرادی که در ظاهر شاید نتوان آنان را اهل مناجات و ارتباط با خدا خواند و تنها با یک بار گفتن «بک یا الله» استاد انصاریان، به شدت می‌گریستند.

حجت‌الاسلام مومنی همچنین اظهار کرد: در آن میان، مردی نظر مرا به خود جلب کرد. البته در آن زمان نمی‌خواستم مزاحم مناجاتش شوم. به همین دلیل، شماره تلفن خود را به او دادم. چندی بعد، هنگامی که او با من تماس گرفت، از او پرسیدم که در تهران و در شب‌های قدر مراسم بسیاری برگزار می‌شود، چرا این مراسم که مجبور هستید به خاطر آن در خیابان بنشینید را انتخاب کرده‌اید؟ او گفت که من در کشوری دیگر مقیم هستم، اما به هر قیمتی خود را در شب‌های قدر برای بهره بردن از مناجات‌های استاد انصاریان به اینجا می‌رسانم. این سخن در آن لحظه تأثیری عمیق بر من گذاشت؛ اینکه این مرد سالی یک بار به ایران می‌آید و اینکه همان یک سفر را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که در شب‌های قدر اینجا باشد، نکته‌ای حائز اهمیت بود.

یکی از دوستان من، پیش‌تر وضعیتی داشت که هرگز مطابق ارزش‌های دینی نبود. او از نماز و روزه و آموزه‌های دینی فاصله داشت، اما همین فرد هم‌اکنون تنهاعامل تحول در زندگی‌اش را سخنرانی استاد انصاریان بیان می‌کند. او مدت‌هاست که جزء نخستین افرادی است که به حسینیه می‌رود و نزدیک منبر می‌نشیند. من در شهر تربت حیدریه طی سال‌ها پیش در ماه رمضان و نیز ایام فاطمیه مجلس سخنرانی داشتم. یکی از افرادی که اغلب به مسجد رفت و آمد داشت، می‌گفت که پدر من از استاد انصاریان تأثیر بسیار پذیرفت. او برای خود قبری حفر کرده بود که من هنگام دفن جسدش فهمیدم که وی چهل نماز شب در آن قبر گذارده است.

داستان توبه‌علی‌گندابی در کتاب «توبه در آغوش رحمت» بیان شده است. این داستان چنان تأثیری بر افراد می‌گذارد که کمتر گناه‌کاری با شنیدن آن، به سوی پروردگار باز نمی‌گردد. اگر مجموعه‌ای از علی‌گندابی‌های امروز که با این داستان استاد متحول شده‌اند، گردآوری شود، شاید عنوانی با دو مجلد فراهم آید. به راستی نفس ایشان به حق و تأثیرگذار است. نخستین بار نیز که خود این داستان را از ایشان شنیدم، کم‌سن و

که در خلوت برای خود مصیبت‌های اهل بیت(ع) را یادآوری و گریه کنم. می‌گفتند که چرا تنها برای مردم مرثیه‌خوانی می‌کنید؟ ایشان معتقد هستند چنین خلوتی بسیار تأثیرگذار و پُراهمیت است.

در صورت نبود اتصال قلبی، خلوت، توجه و انس، توانی برای تأثیرگذاری در درازمدت وجود ندارد. استاد انصاریان بیش از هفتاد سال سن دارند. شرح صحیفه سجاده‌یه را در حدود سن چهل سالگی نوشته‌اند. من معتقدم که این رشد معنوی در ایشان، جز علل مادی، به امور معنوی همچون خضوع و خشوع نیز ارتباط دارد. چندین سال به استاد اصرار کردیم تا مراسم شب‌های قدر خود را دست‌کم یک بار در مسجد جمکران یا در حرم حضرت معصومه(س) برگزار کنند. ایشان فرمودند که به تهران بیایید و مردمی را که بیرون می‌نشینند ببینید سپس قضاوت کنید. من سال پیش، یکی از شب‌های قدر را به حسینیه

سجاده‌یه را درک کرده‌است.

مبلغ نباید از امور معنوی غافل باشد؛ زیرا بدون رعایت امور معنوی نخواهد توانست نفوذ کلمه داشته باشد؛ نفوذی چنان جذب‌کننده که رهگذر بی‌اعتنا به معنویات را به اشاره‌ای شیفته خود کند. یکی از عللی که می‌تواند در ایجاد بُعد معنوی در وجود آدمی تأثیر مستقیم داشته باشد، زانوی ادب و شاگردی کردن در محضر بزرگان است. درباره استاد انصاریان باید گفت که ایشان از سنین کودکی با برخی از علما و اولیای الهی انس پیدا کردند. آیت‌الله برهانی که از بزرگان است کسی بود که استاد انصاریان در سنین خردسالی، همراه با پدر بزرگوارشان به جلسات دعای کمیل ایشان می‌رفتند.

استاد خود می‌فرمودند که از همان سن، شوق و ذوق دعای کمیل در قلب و وجود من پدیدار شد. بدون چنین انس قلبی، آدمی هرگز نمی‌تواند مؤثر واقع شود. ایشان به من توصیه می‌کردند

[یکی دیگر از شاخصه‌های استاد این است که ایشان موضوع سخنرانی را با مرثیه پایانی تطبیق می‌دهند. یعنی سخنرانی ایشان به گونه‌ای است که گویی مرثیه خود بخشی از موضوع است.](#)



## ویژه‌نامه آشنای ناآشنا



سال بودم؛ یا پیش از طلبگی ام بود یا اوایل آن. این داستان آن قدر در من تأثیر گذاشت که تا چند روز منقلب بودم، به طوری که به یاد دارم در راه بازگشت تا خانه گریستم.

از ویژگی‌های بارز استاد این است که بدون اینکه در رشته روان‌شناسی تحصیل کرده باشند، در این زمینه بسیار مسلط هستند. روحیه اشخاص را به راحتی می‌شناسند و نوع مستمع خود را تشخیص می‌دهند. موضوعی را که در نقطه‌ای از تهران به گونه‌ای مطرح می‌کنند، در نقطه‌ای دیگر، بسته به مخاطبان، به گونه‌ای دیگر بیان می‌نمایند. طوری که هر یک از افراد به عمق موضوع پی می‌برد. استاد در مراسمی که برای سالگرد رحلت آیت‌الله بروجردی برگزار شده بود، شبهه‌ای را مطرح کردند. ایشان این شبهه را پیش‌تر در جایی دیگر نیز بیان کرده بودند، اما چگونگی پاسخ به آن و ادبیات ایشان در دو مجلس، کاملاً متفاوت بود. باید گفت که ایشان مستمع‌شناس دقیقی هستند؛ چرا که روش زندگی ایشان این است که در میان مردم باشند. از این رو، ارتباط نزدیک ایشان با مردم سبب می‌شود که مستمع خود را به خوبی تشخیص دهند. استاد انصاریان پس از سخنرانی، با بازاریان احوال‌پرسی می‌کنند. رفتار استاد با آنان به گونه‌ای است که همه آنان از آن پس، در سخنرانی استاد شرکت می‌کنند. استاد انصاریان روحیه‌ای مردمی دارند. از این رو می‌توانند با افرادی با ویژگی‌های خلقی مختلف به راحتی ارتباط برقرار کنند. ایشان فردی ممتاز و از خطیبانی است که مورد علاقه رهبر معظم انقلاب هستند.

البته شاید در ظاهر سخنانی بگویند که بُعد معنوی نداشته باشد، اما پیش‌تر نیز عرض کردم که ایشان از خداوند خواسته‌اند، هر آنچه را که صلاح می‌داند

و برای مخاطبان سودمند است، بر زبان ایشان جاری کند. اعتقاد من این است که خداوند این سخنان را بر زبان ایشان جاری می‌کند؛ چرا که ایشان بانیتهی خالص سخنرانی می‌کنند.

ایشان در این سن بالا، علاوه بر انجام کارهای شخصی، طی هر شبانه‌روز هشت ساعت مطالعه می‌کنند. این میزان مطالعه در این سن بسیار است، البته به غیر از مطالعه، تسلط ایشان در یافتن مطالب در منابعی مانند قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه تحسین برانگیز است. ممکن است درباره موضوعی در چند جای مختلف، چندین جلسه سخنرانی کنند، اما مطالب بسیار متفاوت خواهند بود؛ چرا که ایشان اشرافی وسیع بر مطالب دارند. من درباره استاد انصاریان، بیش از دانش دینی، خلوت کردن و ارتباط ایشان با خدا را مؤثر می‌دانم. شخصی می‌گفت که ایشان جزوهای را درباره موضوعی نوشته بودند و در حاشیه یکی از صفحات جزوه یادداشت کرده بودند که در سال گذشته این موضوع، تا اینجا مطرح شد. این نشانه‌ای از دقت بسیار ایشان است. اینکه موضوع مطرح شده را ادامه دهند و مخاطب خود را با همه جوانب آن آشنا کنند، قابل تأمل است؛ چرا که برخی از سخنرانان، مطالب را ناپیوسته مطرح می‌کنند، به همین دلیل گاه مخاطبان مطلبی را چند بار می‌شنوند و گاه مطلبی را از دست می‌دهند.

یکی دیگر از شاخصه‌های استاد این است که ایشان موضوع سخنرانی را با مرثیه پایانی تطبیق می‌دهند؛ یعنی سخنرانی ایشان به گونه‌ای است که گویی مرثیه، خود بخشی از موضوع است؛ چرا که ساختار سخن ایشان برای ورود به ذکر مصیبت تغییر نمی‌کند. ایشان در زندگی خود، به نتایج علمی و معنوی بسیاری رسیده‌اند؛

متأسفانه ظرفی نیست که شایسته دربرگیری آن باشد. استاد انصاریان فراتر از آنچه که دیده می‌شود، هستند؛ امیدوارم دست کم یک نفر شایسته پیدا شود و گنج‌های باطنی استاد را حفظ کند.

هنوز ایشان کسی را پیدا نکرده‌اند. من ایشان را عارفی واصل، به معنای حقیقی کلمه می‌دانم. هر چند ایشان این موضوع را کتمان کرده و دم نمی‌زنند. سیر سخنان ایشان، موضوع مطرح شده، مثال یا مصداق بیان شده و شعر خوانده شده، همگی زمینه درونی سخن ایشان است که به تفهیم موضوع کمک می‌کند؛ برای مثال، در موضوع توحید، حوادث قتلگه ابا عبدالله الحسین (ع) مثالی است که ایشان آن را با موضوع تطبیق می‌دهد. ایشان بحث را به گونه‌ای مطرح می‌کنند که مخاطب موضوع را در قالب نظری و عملی به صورت کامل لمس می‌کند؛ یعنی موضوع را با زمینه‌های درونی، عرفانی و توسلی، در جان مخاطب پایدار می‌کنند. در این حال، مخاطب حتی پس از پایان جلسه، به اندیشیدن به آن موضوع مشغول است. در حقیقت، سخنرانی‌های استاد، تنها مجلسی برای گریستن و فراموش شدن نیست؛ استاد انصاریان با گره زدن معارف دینی با توجهات قلبی آن را پراثر کرده و مخاطب را تحت تأثیر آن قرار می‌دهند. من فکر می‌کنم که ایشان تنها کسی هستند که این چنین توانسته‌اند مباحث را با معنویات تطبیق دهند.

بحث‌های عرفانی استاد انصاریان برگرفته از اشخاص نیست، بلکه آنچه که ایشان مطرح می‌کنند، همان تعالیمی است که از آیات قرآن کریم و روایات و نیز سیره و سنت معصومین (ع) به دست می‌آید. مثنی عرفانی استاد، همان نظام عرفانی صحیفه سجادیه، دعای کمیل و مناجات‌های اهل بیت (ع) است. متأسفانه برخی با ورود به سیر و سلوک معنوی گویی حقیقت را فراموش کرده و به پرستش مسلک و سالک می‌پردازند. در صورتی که هر چه هست، اسلام است، هر کسی که گامی بیش از تقلین بردارد، از راه حق منحرف شده است. سیر استاد حتی در مرثیه‌خوانی‌ها، بر اساس چیزی است که ائمه هدی (ع) تعلیم کرده‌اند. چگونگی گریستن ایشان همان چیزی است که حضرت رضا (ع) بیان فرمودند. به راستی می‌توان با اطمینان گفت که این نظام هرگز دچار آفت نخواهد شد؛ چرا که بر اساس آن چیزی است که اهل بیت (ع) به آن امر فرموده‌اند. جدا شدن از قرآن و اهل بیت (ع)



### فرهنگ مهرورزی

این اثر پژوهشی درباره مؤلفه‌های مهرورزی، مهر و محبت از دیدگاه آیات و روایات و سیره اولیای الهی است؛ در این کتاب تلاش شده تا با توجه به زوایای مختلف حیات انسانی، ارزش مهرورزی در اسلام تبیین شده و شیوه نگرش انسان به حیات مادی و معنوی از طریق درجچه عطفوت تنظیم شود؛ نویسنده با تحقیق در متون اسلامی به زوایای مختلف مهرورزی در آموزه‌های قرآن و سنت پرداخته و اهمیت و جایگاه مهرورزی، عوامل آن، مهرورزی حق تعالی نسبت به بندگان و... بررسی کرده است.

نویسنده نخست توجه ویژه اسلام به مهرورزی در قیامت را مورد بررسی قرار داده و مهرورزی و محبت را نتیجه معرفت دانسته و این مسئله را امری فراگیر در عالم هستی توصیف کرده است؛ سپس به عوامل مهرورزی و کانون‌ها و زمینه‌های ظهور مهر و محبت در انسان‌ها اشاره کرده و یاد خدا، عمل صالح، همدمان پاک، نماز، معارف و اخلاق را زمینه‌ساز آن دانسته است.

در ادامه به جلوه‌های مهرورزی خدا پرداخته و ضمن بررسی آثار رحمت خدا، قرآن را منبع عظیم مهر و رحمت الهی بر شمرده است؛ در بخش بعدی کتاب به جلوه‌هایی از مهرورزی انبیاء و اهل بیت (ع) اشاره شده و پیامبر اسلام (ص) را سرچشمه مهر و محبت معرفی می‌کند و گوشه‌هایی از مهرورزی حضرت عیسی (ع)، موسی (ع)، ابراهیم (ع) و اهل بیت (ع) حتی نسبت به مخالفان و دشمنان خویش را به تصویر می‌کشد.

در بخش دیگر باز کتاب نگارنده خدا و اهل بیت (ع) را معشوق واقعی و مثبت خواننده و برای چنین عشق و محبتی ارزشی فوق‌العاده قائل شده و آثار مهرورزی به اهل بیت (ع) را بررسی می‌کند و چندین روایت و داستان در زمینه نشانه‌های اولیای الهی و مهرورزی آنان نقل کرده و آنها را شرح می‌کند.

در ادامه نگارنده به آثار شگفت‌انگیز محبت راستین نسبت به دیگران پرداخته و حکایاتی پندآموز در این زمینه نقل می‌کند و قیامت را چشم‌اندازی بی‌پایان از مهرورزی انسان‌ها در دنیا ارزیابی کرده و مهرورزی خداوند به بهشتیان و بی‌مهری او نسبت به جهنمیان را توصیف می‌کند؛ در بخش پایانی کتاب تحت عنوان مهرورزی به جانوران تأثیر مهر و محبت انسان به حیوانات را بررسی کرده و حکایاتی در این زمینه نقل می‌کند؛ او دین اسلام را دینی می‌داند که حتی مهرورزی به جانوران نیز در دستور کار تمدن اسلامی است و برای آن جایگاه مهمی در نظر گرفته شده است.

همان آفتی است که برخی سالکان به آن دچار می‌شوند. در مجموع، سیر عرفانی استاد انصاریان برگرفته از صحیفه سجادیه است. ثمراتی که ایشان از رعایت ادب و ابراز کوچکی در برابر اساتید این راه کسب کرده‌اند، ایشان را از ابتلا به آفتی که برخی سالک‌پرستان دچار شده‌اند، مصون داشته است.

سجایای اخلاقی ایشان، سبب ترقی و پیشرفت معنوی ایشان شده است. شخص ملاک نیست، بلکه راهی که رفته است اهمیت دارد. ایشان نیز در سخنرانی‌های خود به تبیین این موضوع می‌پردازند.

برای مثال، یکی از علما تأثیری عمیق در طلبه‌ها گذاشته بود. علت این امر نیز آن بود که ایشان از مادر پیر خود تا می‌توانست به بهترین صورت مراقبت می‌کرد. ایشان با بیان این داستان، در پی معرفی و برجسته‌نمایی شخص نبود، بلکه راهی را می‌نمایند که سبب پیروزی و موفقیت است. متأسفانه امروزه برخی نویسندگان برای معرفی شخص در کتاب‌هایشان یا برخی گویندگان در گفتارشان، فرد مورد نظر را می‌ستایند و او را عارف می‌خوانند، اما در سبک استاد انصاریان، معرفی این اشخاص تنها برای تبیین راهی است که پیموده‌اند و سرانجام به پیروزی نیز دست یافته‌اند.

«سید عبدالکریم کفاش» پیرمردی بود که بارها به محضر امام زمان (عج) مشرف شد، تا جایی که حضرت یک بار در هر هفته به حجره او سر می‌زدند. تا اینجا آشنایی با سید عبدالکریم کفاش ایجاد شده است، اما استاد پس از این، راه موفقیت سید عبدالکریم را تبیین می‌کنند؛ این که دلش با سیدالشهدا (ع) انس گرفت و این انس او را این چنین بالا برد. یک بار امام زمان (عج) سید عبدالکریم را به کاری امر کردند؛ وی به حضرت عرض کرد که چند نفر پیش از شما در نوبت هستند! حضرت نیز فرمودند که به خاطر همین ویژگی‌های اخلاقی‌ات، از ملازمان ما شده‌ای؛ بنابراین استاد با معرفی شخص، راهی را نشان می‌دهند که او را این چنین مقرب ساخته است. پس با این نگرش، سالک موضوعیت پیدا نمی‌کند، بلکه مسلک معرفی می‌شود. در کتاب‌های ایشان مجموعه‌ای از داستان‌هایی است که به معرفی اشخاص می‌پردازد که در معنویت، به مرتبه‌ای رسیده‌اند. در این جریانات نیز استاد انصاریان با تبیین راه و مسلک چنین افرادی، از کرده‌ها و رفتارهای ایشان به طرز عبرت‌آموزی سخن می‌گویند.



این اثر استاد انصاریان که حاصل تلاش چهار ساله ایشان است، با خط استاد احمد نیریزی و بر پایه استفاده از منابع علمی همچون اعراب القرآن، مفردات راغب، المنجد، فروق اللغات، العین، مصباح المنیر، فرهنگ معین، مجمع البحرین، تفاسیری مانند الصافی، الکشاف، مجمع البیان، المیزان، ایسر التفاسیر، نورالثقلین، روض الجنان و ... نوشته شده است. متن ترجمه پس از سه بار بازنویسی و دو بار بازخوانی به وسیله دو ویرایشگر پیش از چاپ به متخصصانی از گروه بررسی تخصصی ترجمه‌ها که نقد و انتقادشان مورد توجه محافل علمی است سپرده شد و اساتید و کارشناسان خبره دارالترجمه قرآن کریم نیز نسبت به این اثر ارزشمند گفته‌اند که «از نظر نگارش ساده و روان و قابل فهم برای همگان است و در مواردی توضیحاتی به آن افزوده شده است. از ترجمه پیداست که در کار آن دقت به عمل آمده و از بسیاری از کاستی‌ها و لغزش‌هایی که برای مترجمان پیش آمده به دور است.»

یکی از مهمترین کتب شیعه، کتاب الکافی تألیف مرحوم ثقة الاسلام کلینی (ره) است. استاد انصاریان با درک ضرورت نیاز مردم به احادیث با ترجمه این اثر آشنایی و ارتباط آسان تر با مهمترین منبع حدیثی شیعه را سهل تر کرده است. ترجمه جدید کافی ضمن اتقان و سهولت و لحاظ زبان سعی کرده روح معنای حدیث را به زبان معاصرین نزدیک کند و در عین صلابت ترجمه، روانی و فهم عموم را در ترجمه مدنظر قرار دهد. این ترجمه با صفحه آرایی جدید و پس از ویرایش دقیق متن عربی و ترجمه استاد انصاریان آماده عرضه به علاقه‌مندان مکتب حدیثی اهل بیت (ع) است. در این ترجمه ضمن رعایت اصول دستور زبان فارسی و عربی، مترجم سعی در استفاده صحیح از واژگان درست، دقیق، مناسب و خوش آهنگ کرده است. کثرت مراجعه به شروح اصیل اصول کافی و استفاده فراوان از کتب لغت معتبر فارسی و عربی و توجه به باطن کلام ائمه (ع) و لحاظ آنها در ترجمه جدید از ویژگی‌های این ترجمه است.

از آنجایی که روح عبادت و توسل و ارتباط با خدا در میان شمار بسیار افراد متدین و جامعه دینی یک امر روشن و واضح به شمار می‌آید، توجه و اقبال عمومی به کتاب مفاتیح الجنان بسیار فراوان است که در همین راستا استاد حسین انصاریان با درک این عطش و نیاز معنوی و در پاسخ به اجابت این نیاز، همت و تلاش خود را به ارائه ترجمه روان و دقیق و مناسب با حال مخاطبان معطوف کرد. در این ترجمه با اجازه فرزند مؤلف مرحوم محدث زاده متن فارسی قدیم به متن روان برگردانده شده و نیز ویژگی‌های دیگری نسبت به سایر ترجمه‌ها دارد که از آن جمله می‌توان به خط خوانا و ترجمه و صفحه آرایی مناسب و لحاظ ترجمه در ذیل عبارت عربی به عنوان ویژگی‌های ترجمه جدید استاد انصاریان اشاره کرد. این اثر بارها توسط انتشارات دارالعرفان و سایر ناشران به زیور طبع آراسته شده و مورد علاقه مخاطبان قرار گرفته است.

این اثر نیز همانند نهج البلاغه توسط استاد حسین استادولی ویرایش شده است. صحیفه سجاده شامل مجموعه‌ای از دعاها و مناجات امام چهارم شعبان است که به انجیل اهل بیت (ع) و زبور آل محمد (ص) و اخت القرآن معروف است. اگر چه این کتاب در موضوع دعا و نیایش است، ولی شامل بسیاری از حقایق علوم و معارف اسلامی و عرفانی، قوانین و احکام شرعی و مسائل حساس سیاسی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی است که در شکل و قالب دعا بیان شده و در بردارنده ۵۴ دعاست. اهمیت صحیفه سجاده و مفاهیم والای آن که در قالب مناجات‌نامه و دعاست، عالمان و اندیشمندان شیعی را بر آن داشت که تا هر یک به نوبه خود به محافظت و نگهداری از این اثر ماندگار بکوشند. این ترجمه، اثری کم‌نظیر و ارزنده است و به خوبی محتوا و معانی عمیق و دقیق دعاها و مناجات‌های امام زین العابدین (ع) را در قالب کلام فارسی بیان کرده است.

### ترجمه‌ها و کتب قرآنی استاد حسین انصاریان

کتاب تفسیر سوره حمد، سلسله درس‌های استاد حسین انصاریان در مدرسه مبارکه فیضیه قم است؛ تفسیر این سوره یکی از مهم‌ترین و دقیق‌ترین تفاسیر سوره‌های قرآن کریم است که بزرگان علمی حوزه به بحث پیرامون آن پرداخته‌اند؛ اثر ارزشمند تفسیر سوره حمد ضمن طرح مباحثی در مورد شیوه تفسیر قرآن برخی از ویژگی‌های قرآن مجید را مورد اشاره قرار می‌دهد؛ تفسیر و جایگاه بسم‌الله و ارتباط میان بسم‌الله و صفات الهی از مباحث مهم این کتاب است. گستردگی رحمت الهی و عوامل و موانع جذب رحمت الهی و زمینه‌های رشد انسان و حقایق روح و تجلی رحیمیت خدا و آثار رحمت الهی در موجودات در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است؛ عظمت سوره حمد و بررسی تفسیر سوره حمد و معنای ام‌الکتاب بودن و نام‌های متفاوت سوره مبارکه حمد و حقایق در مورد سوره حمد و آداب تلاوت قرآن در این کتاب مورد مذاکره قرار گرفته است؛ این اثر عظمت خالق، نبوت و قرآن و حقیقت کلمه توحید و وزانت و ثقل قرآن و حقیقت حمد و معانی رب را در مباحث مقدماتی خود قرار داده است. سپس مولف آیات سوره حمد را به صورت ترتیبی مورد تفسیر قرار داده است؛ بحث‌های دقیقی همچون اشتراکات و اختلافات در تفسیر آیات، کاربرد حقیقی معانی نسبت به پروردگار، معانی واژگان و لغات و بررسی مفاهیم دقیق آن و نیز موضوعاتی چون قول ثقیل و عظمت حق، نبوت و قرآن، حقیقت کلمه توحید، حقیقت ذات، حقیقت ملائکه، عرفان و شناخت، عبادت مثبت و عبادت منفی، خلوص در عبادت، آثار عبودیت، اثر گذاری و اثر پذیری موجودات عالم، موانع صراط مستقیم و ویژگی‌های آن و ... از دیگر موضوعاتی است که در این اثر به آن پرداخته شده است؛ این سلسله دروس در سال تحصیلی ۸۷ - ۸۸ در جمع طلاب و فضایی حوزه علمیه قم ایراد و پس از پژوهش در معاونت پژوهش دارالعرفان به زیور طبع آراسته شده است.

این اثر توصیفی از اسلام، قرآن، معارف و آموزه‌های ناب آنهاست. در این کتاب با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) برخی از مباحث اعتقادی و اخلاقی که مسلمانان باید نسبت به آن آگاه بوده و آن را انجام دهند بیان شده است. نگارنده نخست به توصیف دین اسلام پرداخته و اسلام را آیین و فرهنگی پسندیده توصیف کرده و مدعی می‌شود که در اوضاع کنونی جهان، فرهنگ‌های دیگر سازنده و کامل نیستند و تنها دین اسلام است که بشر امروزی را نجات خواهد داد. او جوامع جدا شده از اسلام را در معرض خطر توصیف و اسلام را پیشرو در علم و معنویت و قضاوت و عدالت معرفی کرده است. همچنین معرفی عربستان و سرزمین حجاز و اوضاع اعراب و بادیه‌نشینان در قبل از طلوع اسلام و اخلاق ناپسند اعراب جاهلی در امر از دواج و روابط اجتماعی به‌ویژه زنده به گور کردن دختران از دیگر مباحث کتاب است.

عبودیت و بندگی نهایت و هدف اصلی از خلقت است و انگیزه‌ها و سرنوشت نهایی انسان با این موهبت گره می‌خورد. در این اثر مؤلف ضمن معرفی نقش اصیل عبودیت در حیات انسان، از نقش اموری همچون یاد معاد و همنشینی با صالحان در این زمینه بحث می‌کند. در این میان نگاه صحیح به دنیا و استفاده از نور قرآن و کنترل نفس در طریق و مسیر رسیدن به عبودیت از امور مهم در تحقق عبودیت در انسان است. مؤلف با تکیه بر دوری از گناهان و اصلاح نفس به معرفی صفات مؤمنان و عابدان پرداخته و تربیت دینی و ولایت‌پذیری و تسلیم در برابر خداوند را مسیر کمالات معنوی انسان در سایه عبودیت می‌داند و تنها راه رسیدن به خلیفه‌اللهی را کمال عبودیت در نهاد انسان معرفی می‌کند. در این اثر ضرورت دینداری و عبودیت از منظر قرآن و نقش عبودیت در سعادت انسان معرفی شده است.

این اثر به قلم استاد حسین انصاریان ترجمه و توسط حسین استادولی ویراستاری شده است. استاد انصاریان با دقت نظر در جملات نهج البلاغه و مراجعه به لغت، شروح مختلف از جمله شرح ابن ابی الحدید و ابن میثم و خوبی و ملا صالح قزوینی را ملاحظه کرده، به ترجمه زیرنویسی، با نگارشی روان و به دور از پیچیدگی‌های انشایی همت گماشته‌اند. شیوه ترجمه به این شکل بوده است که تنها به ترجمه الفاظ اکتفا نکرده و مفاهیم هر جمله را در قالب جمله‌ای رسا به فارسی در آورده است. استاد اگر چه اذعان دارد ترجمه‌های حاضر کافی است، ولی به انگیزه در اختیار گذاشتن ترجمه‌ای مختصر که به آسانی بتواند مفاهیم فرمایش‌های امام علی (ع) را انعکاس دهد، دعوت ناشر را پذیرفته است. این کتاب دارای سه باب خطبه‌ها و سخنان بلند، نامه‌ها و حکمت‌ها و سخنان کوتاه بوده و در پایان جدول مقایسه‌ای شماره عناوین شروح صبحی صالح، فیض الاسلام، ابن میثم و ابی الحدید را آورده است.

این اثر توصیفی از معرفی ۱۰ چهره محبوب و ۱۰ چهره منفور وصف شده در قرآن کریم است. کتاب مورد نظر به معرفی گروه‌هایی از انسان‌ها که مورد مدح و ذم قرآن کریم قرار گرفته‌اند می‌پردازد و اوصاف آنان را بیان می‌کند. نگارنده، نخست به اوصاف قرآن اشاره کرده و قرآن را نوری بر تارک بشریت خواند و اوصافی مانند ذکر، فرقان، نور، شفا، رحمت، حکیم، بشری، تبیان، حق و هدی به قرآن نسبت داده به آیات متناسب با آنان را بیان می‌کند. آن گاه به معرفی برخی از انسان‌های ممدوح و مطرود از نگاه قرآن پرداخته و توأبین، متطهرین، متوکلبین، محسنین، متقین، مقسطین، قتال‌کنندگان در راه خدا، دینداران واقعی، پیروان رسول اکرم (ص) و صابرين را جزء کسانی در قرآن معرفی کرده که خداوند متعال آنها را دوستان خود شمرده و از آنان تمجید کرده است و معتدین، مفسدین، ظالمین، مختال‌فخور و... را جزء انسان‌هایی بر شمرده است که مورد مذمت خداوند متعال قرار گرفته‌اند.

# تراجم هدایت

شرح و تفسیر سوره فاتحة الكتاب و هفت آیه ابتدایی سوره بقره و بیان مفاد اخلاقی، اعتقادی و عرفانی این سوره مبارکه است. در این مجموعه سعی شده با رویکردی اخلاقی و اعتقادی به تفسیر آیات قرآن پرداخته شود. نگارنده برای تفسیر آیات از سایر دیدگاه‌های تفسیری مفسران شیعه و همچنین روایات معصومین (ع) بهره فراوانی برده و داستان‌های عبرت‌آموز متعددی را برای تبیین هر چه بهتر تفسیر قرآن نقل می‌کند. او در این جلد، ابتدا به تفسیر «بسم الله» پرداخته و به شرح معنای رحمان و رحیم و لزوم آغاز کارها با نام خداوند متعال می‌پردازد. آنگاه به تفسیر معنای حمد پرداخته و ابعاد حمد و شکر خداوند را بررسی می‌کند و روایات و داستان‌هایی در این باره نقل می‌کند و انواع نعمت‌های مادی و معنوی خداوند را از این منظر بر می‌شمارد و لزوم حمد و کیفیت به جا آوردن حمد واقعی را بیان می‌کند. در بخش دیگری از تفسیر سوره حمد به انحصار عبادت برای خداوند و انحصار طلب استعانت از ذات اقدس الهی اشاره کرده و به این امر تأکید می‌کند که طلب یاری از اولیای الهی مانند پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در واقع کمک گرفتن از خداوند است. در تفسیر آیه «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» و آیات پس از آن نگارنده باب ولایت ائمه معصومین (ع) را باز می‌کند و ابعاد ولایت ایشان و انحصار هدایت در مسیر حرکت آنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. او ابعاد ولایت و امامت امامان شیعه به ویژه حضرت علی (ع) را بررسی کرده و آیات و روایات متعددی را در این زمینه مورد بحث قرار می‌دهد و مصداق واقعی صراط مستقیم را این ذوات مقدسه دانسته و انحراف از این مسیر را انحراف از مسیر توحید و هدایت از بابی می‌کند و مصداق «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» را کسانی می‌داند که از مسیر ولایت اهل بیت (ع) منحرف شده‌اند.

# ۲۴ ویژگی استاد انصاریان

شخصیت ایشان ۲۴ ویژگی بارز یافته و ویژگی هایی که مبلغان اسلام در هر جایی از این جهان، لازم است برای دست یابی به موفقیت مطلوب از آن برخوردار باشند، به گونه ای که گویی با گوشت و پوستشان در آمیخته باشد. باید گفت که استاد انصاریان از مبلغانی است که با عینیت پیدا کردن این ویژگی ها در وجودشان، به موفقیت های چشم گیری نیز دست پیدا کرده اند.

● از ۲۴ ویژگی ایشان یاد کردید. لطفاً درباره این ویژگی ها توضیح بفرمایید.

① ایشان به حق، عالم هستند. ایشان در سخنرانی ها و تألیف های خود، معارف عمیق بسیاری را به مخاطب خود منتقل می کنند. تاریخ، فقه، فلسفه، منطق، کلام، حدیث، شعر، انسان شناسی، جامعه شناسی و مانند آن از جمله موضوعاتی است که ایشان در باره آن سخن می گویند. ایشان با نیاز شناسی، به نوعی آنچه را که همگان به آن نیاز مند هستند، به صورت روزآمد بیان می کنند. این موضوع نشان دهنده جامعیت ایشان در بسیاری از علوم اسلامی و انسانی است که کمتر می توان آن را در مبلغان دید. به راستی، ایشان یکی از سرآمدان مبلغان و موفقان این عرصه هستند.

② استاد در امور معنوی نیز موفق هستند. در این راستا من به این موضوع معتقد هستم که به غیر از بهره داشتن از علم و دانش، یکی دیگر از ضرورت ها برای علما امور معنوی است. این موضوع درباره مبلغان از اهمیت بیشتری برخوردار است. باید گفت که استاد انصاریان در امور معنوی بسیار پر عزم و اراده هستند. من و دیگر دوستان رفتارهایی را از ایشان شاهد بوده ایم که گویای روحی بلند و معنوی است. ایشان اهل دعا، تهجد، نماز، بکاء، توسل، کارهای خیر و مانند آن هستند. البته نمی توان از خانواده پدری ایشان و روح معنوی جاری در آن چشم پوشید. ایشان حقیقت معنویت را از این خانواده به ارث برده اند.

③ استاد بسیار اهل بکا و گریستن هستند. این ویژگی پیش تر نیز گذشت؛ اما درباره ایشان باید گفت

نیاز شناسی به انتخاب موضوع مناسب در امر تبلیغ و تالیف، تسلط کافی به تاریخ، فلسفه، منطق، کلام، حدیث، فقه و اصول، ادبیات فارسی و عربی، حال بکاء، توسل و عدم انحراف از مسیر صحیح، ترویج مبانی دین، تحقیق و تبلیغ در تالیف از جمله ویژگی هایی است که فاضل گرانما به و محقق محترم جناب آقای حاج شیخ محسن مسچی معاون امور بین الملل مرکز تحقیقات علوم کامپیوتری نور درباره استاد مطرح کرده است. او در این گفت و گو با توجه به فعالیت های گسترده فرهنگی در حوزه بین الملل به ۱۰ علت از علل موفقیت معظم له در عرصه بین الملل نیز اشاره کرده اند.

موفق هستند. باید گفت که تمام زندگی ایشان برکت و خیر و سرشار از فعالیت های علمی، فرهنگی و دینی بوده است. شمار بسیاری از افراد نیز در طول نیم قرن گذشته، در جوامع اسلامی - به ویژه جامعه شیعی - از آن بهره برده اند.

پدر مرحومم با استاد انصاریان ارتباطی خانوادگی داشت. این رابطه از هیئت ها و مجالس مذهبی آغاز شد. من نیز از دوران نوجوانی و در آغاز انقلاب اسلامی با ایشان و برنامه هایی که استاد داشتند آشنا شدم. این ارتباط به تدریج بیشتر شد تا جایی که در سفرهای فرامرزی نیز ایشان را همراهی می کردم. از این رو، با گذشت سال ها به ابعاد گوناگون شخصیت و سجایای اخلاقی ایشان پی برده ام، خدا را نیز به همین دلیل شاکر و سپاسگزارم. بحمدالله ایشان در جامعه روحانیون فردی موفق هستند. من با بررسی

● **علل موفقیت استاد انصاریان در عرصه بین الملل و تبلیغ را در چه می دانید؟**

عقیده من این است که استاد حسین انصاریان مصداق کامل آیه شریفه بلاغ است که به آن اشاره شد. در حقیقت، ایشان الگوی روحانی



رابطه

ویژه نامه  
آشنای نا آشنا

کفت و گو

به آیات قرآن و روایات ائمه هدی (ع) است، معارف بسیاری را به مخاطبان شان منتقل می کنند.

برگزاری بزرگداشت مفاخر و اندیشمندان، به ویژه فرهیختگان قرآنی و دینی، کاری پُربهاست که باید در جامعه اسلامی ایران به سنتی جاری تبدیل شود. بر این اساس باید بزرگانی که در حوزه های انقلاب و دین زحمت کشیده اند، الگوی جامعه و جوانان معرفی شوند تا مردم با پیروی از این اسوه های حسنه، به تصحیح زندگی خود بپردازند.

دیگر حسن برگزاری بزرگداشت برای مفاخر، پاسداشت زحمات آنان است. البته ایشان به این چنین اموری نیاز ندارند، اما آنچه مهم است

دکتر(ف) سیجانی  
استاد دانشگاه صدا و سیما:

## سفره علمی استاد مشمون از آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع)

کسی که بر سر خوان علمی استاد حسین انصاریان بنشیند، از فیض کلام ایشان بهره خواهد جست. ایشان با بیانی شیوا و زیبا که مستند





## آیین اشک و عزا در سوگ سیدالشهدا (ع)

این اثر کتابی است که دو مبحث مهم اشک و آیین عزاداری را مورد واکاوی قرار داده است.

در این اثر پس از معرفی منزلت سیدالشهدا (ع) و کمالات الهی و انسانی ایشان گوشه‌ای از الگوهای رفتاری و اخلاقی امام معرفی می‌شود. مؤلف در بخشی از این اثر بر بررسی روایات پیرامون اشک و عزاداری چگونگی سعادت ابدی انسان را در گرو این گوهر ناب تبیین می‌کند. ارزشمندترین اشک‌ها و تمایز اشک برای خدا و امام حسین (ع) و هدایت الهی از مباحث مهم این اثر فخر است.

می‌کنند که این نیز خود یکی از آموزه‌های دینی است که در روایات آمده. «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطِيُّ هِيَ الْجَادَةُ عَلَيْهَا بَاقِي الْكِتَابِ وَ آثارُ التَّبْوَةِ» ایشان همیشه معتدل عمل کرده و در بهترین مسیر گام برداشته‌اند. حرکت درست و عاقلانه ایشان نیز در همه ابعاد زندگی استاد نمود دارد؛ بعد دینی، فرهنگی، تبلیغی، سیاسی و مانند آن.

۶ ششمین ویژگی استادانصاریان این است که اهل نگارش و تألیف هستند. البته تنها نوشتن نظرها و اندیشه‌ها، معنای اهل قلم بودن نیست؛ اهل قلم یعنی کسی که حرمت قلم و بهای آن را می‌داند و کیستی مخاطب و چگونگی برقراری ارتباط با او را می‌فهمد. پی بردن به نیاز امر روزی جامعه و چگونگی پاسخ به آن، از ویژگی‌های افرادی است که از آنان با عنوان «اهل قلم» یاد می‌شود. ایشان بیش از ۱۴۰ اثر از خود به یادگار گذاشته‌اند. البته مجموعه آثار موضوعی، بیش از ۲۰۰ جلد خواهد بود. همه کتاب‌ها نیز پر مخاطب و پراثر هستند. آثار ایشان در موضوع، بسیار محبوب، روان و قابل فهم همگان است. پیش‌تر، علما برخی کتب را با ادبیاتی سنگین ترجمه می‌کردند، اما ایشان حتی در عرصه ترجمه نیز با مهارت و توانایی تحسین برانگیزی کتاب‌ها را با قلمی روان و سلیس، بدون هر گونه دخل و تصرف معنوی در متن اصلی ترجمه کرده‌اند.

۷ ورود استاد به وادی اخلاق و عرفان را می‌توان ویژگی هفتم استاد برشمرد. ایشان به راستی فردی متخلق به اخلاق کامل و عارف به عرفای اسلامی هستند. سبب این موضوع را نیز باید در اساتید و بزرگانی جست‌وجو کرد که استاد نزد ایشان تلمذ کرده‌اند. البته نباید خانواده پدری ایشان را کم‌اثرتر دید. پدری که به معنویات توجه بسیار می‌کردند و نیز مادری که فاضله و صالحه بوده‌اند. بیشتر اساتید ایشان، اساتیدی اخلاقی و معنوی بوده‌اند. مرحوم آقا شیخ علی اکبر برهان یکی از اساتید ایشان بوده است که آوازه معنوی ایشان بسیار بلند است. استاد

که بهتر است این ویژگی خود جداگانه بیان شود. ایشان در مناجات، زیارت‌ها و دعاها بسیار می‌گریند. استاد هنگامی که به عتبات عالیات می‌روند، هرگز توان تشریف به قتلگاه شریف ابا عبد الله الحسین (ع) را ندارند؛ زیرا به شدت متأثر می‌شوند.

گریه‌های ایشان در شب‌های ماه رمضان، به ویژه شب‌های قدر و ایام محرم، به ویژه شب عاشورا و نیز نیمه‌شب‌ها در تهجد، همچون گریه فرزند است که مادر خود را از دست داده است. البته با این همه، استاد طی روز چنان هستند که نمی‌توان باور کرد این فرد همان کسی است که شب گذشته آن طور می‌گریست؛ عابدان شب و شیران روز. ایشان بسیار اهل گریستن هستند و شمار بسیاری از اطرافیان ایشان، این سخن را تأیید خواهند کرد.

۴ چهارمین ویژگی استادانصاریان، اخلاص است؛ ایشان کارهای خود را با خلوص نیت انجام می‌دهند. من معتقدم یکی از دلایلی که خداوند به ایشان چنین برکتی داده، اخلاص ایشان است. برای نمونه، هنگام تقدیم حق التأیید برای ترجمه قرآن که از پرفروش‌ترین و پر مخاطب‌ترین آثار در حوزه ترجمه است، ایشان فرمودند که نمی‌پذیرم. همه آن را در امور خیر مصرف کنید. هنگامی که برای تولید نرم‌افزاری برای گردآوری آثار ایشان، کار را آغاز کردیم، استاد در نوشته‌ای تصریح کردند که این مرکز می‌تواند از همه آثار صوتی، تصویری و مکتوبات من (مخطوطات باشد یا مطبوعات)، استفاده کند. ایشان ثواب این کار را نیز به حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) هدیه کردند و هیچ‌گونه سخنی درباره حقوق مادی نگفتند. ایشان در امور معنوی، به ویژه درباره اهل بیت (ع) بسیار مخلصانه عمل می‌کنند.

۵ ویژگی پنجم ایشان این است که در طول هفتاد سال، هیچ‌گونه انحراف و کج‌روی در مسیر زندگی استاد دیده نمی‌شود. ایشان با عنایت الهی، همواره به درستی انتخاب و به وظایف خود عمل کرده‌اند. استاد همیشه از گرایش به چپ و راست پرهیز

اینکه باید به روایت «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، عمل شود. از سوی دیگر، تقدیر کردن سبب ایجاد انگیزه و علاقه‌ای بیشتر برای تلاش کردن افزون است. همچنین، برگزاری مراسم بزرگداشت در جامعه، نشانگر قدرشناسی مردم از فرهیختگان نیز است. تقدیر کمترین کاری است که می‌توان برای بزرگان انجام داد؛ باید گفت که اجر معنوی ایشان، به طور حتمی، عند الله و بسیار بزرگتر خواهد بود. استادانصاریان از جمله کسانی است که با خلوص نیت و دلسوزی در این راستا زحمت کشیده‌اند. استاد پیش از انقلاب، تلاش بسیاری را در حوزه‌های علمیه برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی انجام داده و پس از

پیروزی انقلاب نیز برای رشد این نهال نوپا تلاش فراوانی کرده‌اند. ایشان در دفاع مقدس و پس از آن نیز بسیار فعال بوده‌اند؛ به راستی ایشان اهل فضل و علم هستند. تقدیر از ایشان با همه آن خدمات علمی و دینی، ضروری و پراهمیت است؛ متأسفانه شخصیت و مقام علمی ایشان ناشناخته مانده است.

### نحوه آشنایی

آشنایی من با استاد حسین انصاریان به اوایل انقلاب باز می‌گردد، هنگامی که ایشان در مجالس حسینی محرم، صفر و نیز در جلسات ماه



اخلاقی در تهران، که هر کسی در محضر ایشان بوده است، پس از چندی، خود از بزرگان و عرفا شده؛ شاگردانی همچون مرحوم آیت‌الله آقاشیخ احمد مجتهدی و مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی.

یکی دیگر از اساتید ایشان، مرحوم میرزا علی آقا فلسفی بوده است. ایشان را می‌توان نماد اخلاق دانست. مرحوم آقاشیخ عباس تهرانی، مرحوم حاج آقاسین فاطمی، مرحوم میرزامهدی الیهی قمشه‌ای و مرحوم میرزا محمد تقی آملی نیز از دیگر اساتیدی هستند که استاد انصاریان در محضرشان زانوی ادب بر زمین زده است. این نیکان روزگار، در پرورش روحی، اخلاقی و معنوی استاد انصاریان مؤثر بوده‌اند. بلندای روح و قدرت ایمان آنها اقتضای می‌کند که شاگردی همچون استاد انصاریان را پرورش دهند.

۸ هشتمین ویژگی ایشان این است که از برجستگان عرصه خطابه در کشور هستند. استاد انصاریان پس از مرحوم آیت‌الله فلسفی، به خوبی توانستند بخش بزرگی از نبود ایشان را جبران کنند. ایشان در این زمینه بسیار توانا هستند؛ چرا که اسباب موفقیت در خطابه در ایشان قابل مشاهده است. هر خطیبی که روان شناس، جامعه‌شناس، عالم، محدث، مفسر، فقیه و آگاه از دانش روز باشد، به موفقیت نیز دست خواهد یافت. با اطمینان می‌توان گفت که استاد انصاریان از همه آنچه که گفته شد، برخوردارند و به بهترین صورت از آنها استفاده می‌کنند.

۹ اینکه استاد انصاریان اهل تبلیغ دین هستند را می‌توان به عنوان نهمین ویژگی ایشان به شمار آورد. ایشان با مسافرت رفتن و سخنرانی کردن یا امر به معروف و نهی از منکر کردن و تذکر دادن و مانند آن، توجه افراد را به دین جلب می‌کنند. در رسیدن به این هدف نیز از هیچ امری که توان انجام آن از ایشان برآید، فروگذار نیستند. ایشان در هر جمعی که در آن حضور داشته باشند، به گونه‌ای به تبلیغ دین می‌پردازند و از آن فرصت، بهره‌ای تبلیغی، دینی، فرهنگی و مذهبی می‌جویند. ایشان همواره از وقت

روح تحقیقی که به خوبی در آثار استاد دیده می‌شود، تنها یک بُعدی نیست. به دیگر بیان، ایشان با تحقیق در همه جنبه‌های موضوع، آن را به روشنی و با دقت بیان می‌کنند. استاد ضمن تحقیق در موضوع‌های دینی تنها میراث علمی شیعی استفاده نمی‌کند، بلکه همه منابع اسلامی را در همه مذاهب آن مورد بررسی قرار می‌دهند، زیرا معتقد هستند که این امر، در نگرش تحقیقی بسیار موثر است.

۱۱ یاد هفتمین ویژگی استاد انصاریان اینکه ایشان مؤلف و مترجمی توانا هستند. برجستگی و موفقیت ایشان در عرصه ترجمه و تألیف به قدری است که گویی در زندگی علمی خویش، تنها به این امور توجه کرده‌اند، اما با این همه، ایشان در دیگر عرصه‌ها نیز سرآمد هستند؛ همچون خطابه، فعالیت‌های علمی، تدریس، سرپرستی معنوی در مؤسسه‌های مختلف و مانند آن. البته فعالیت‌های ایشان در دیگر زمینه‌ها، با وسعت و عمق علمی همراه است؛ زیرا همان گونه که پیش از نیز بیان شد، در بسیاری از علوم همچون عقاید، اخلاق، دعا، تفسیر و حدیث برای مدتی طولانی فعال بوده‌اند. از این رو ترجمه‌ای که استاد از قرآن ارائه کرده‌اند، بنا بر آنچه که «مرکز ترجمان وحی» (مرکز بزرگ ترجمه قرآن در کشور) عنوان کرده، از بهترین ترجمه‌های عصر حاضر است و تاکنون شاید

خویش بهترین استفاده‌رامی کنند.

۱۰ استاد اهل تتبع و تحقیق بود که این موضوع را می‌توان ویژگی دهم استاد برشمرد. البته تحقیق با مطالعه تنها چند کتاب، برای فهم موضوع مورد بررسی حاصل نمی‌شود، بلکه روح تحقیق، با سخت‌کوشی و جدیت حاصل می‌شود. برای نمونه، استاد انصاریان برای نگارش و تألیف تفسیر قرآن، مدتی طولانی را در کتابخانه‌های مختلف به دنبال کتاب‌های ادبی و لغوی زبان عربی گشتند، تنها برای این که ایشان به معنای دقیق واژگان و موارد استعمال لغات، در بیش از ۱۴۰۰ سال گذشته پی ببرند، زیرا ایشان برای نوشتن تفسیر یا ترجمه قرآن به آن نیاز داشتند.

روشن است که کتاب‌هایی که تاریخ نگارش آن به صدر اسلام و به دوران زندگانی ائمه هدی (ع) نزدیک‌تر است، بیشتر مورد استفاده ایشان خواهد بود. این موضوع، خود نشانگر آن است که فردی، اهل تحقیق هستند که هیچ نکته‌ای را بی‌پشتوانه پژوهشی و با ناآگاهی بیان نمی‌کنند. حتی اگر مطلبی را نیز ندانند، بدون کمترین واگم، به راحتی می‌گویند: «می‌دانم»، اما درباره آنچه که تحقیق کرده‌اند، با قدرت علمی خود آن را بیان کرده و به بهترین شکل آن را توضیح می‌دهند.

ایشان بیش از ۱۱۴۰ اثر از خود به البته مجموعه آثار موضوعی، بیش از دو بیست جلد خواهد بود. آثار ایشان بسیار محبوب، روان و قابل فهم همگان است.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا

### کفت و گو

ضرورت و اهمیت پاسداشت زحمات ایشان روشن است.

#### پاسداشت حوزه، منبر، علم و اندیشه

تقدیر از شخصیتی بر جسته و عالم همچون استاد انصاریان، در حقیقت، پاسداشت حوزه، منبر، علم و اندیشه است. این مهم، خود وظیفه‌ای بزرگ است که بر دوش یکایک ماست. امیدوارم تلاش‌های بنیاد قرآن کریم و نیز تأسیس دبیرخانه تجلیل از مفاخر قرآنی، بتواند مطلعی نیک برای برگزاری بزرگداشت مفاخر قرآنی کشور و قدردانی از آنان باشد. پیش از اینکه با دیگر آثار استاد انصاریان در تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه و

مبارک رمضان سخنرانی می‌کردند؛ من از سخنان ایشان بهره بسیار بردم و به همین دلیل به ایشان ارادت قلبی پیدا کردم تا جایی که نوارهای جلسات ایشان را در جعبه، مسجد و دانشگاه گوش می‌دادم. استاد حسین انصاریان در حوزه تفسیر قرآن کریم، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه و نیز در موضوع‌های اخلاقی و عرفانی - به ویژه عرفان اسلامی - فعالیت‌های علمی شایسته‌ای داشته‌اند؛ کتاب‌های ارزشمندی که حاصل زحمات استاد است به رشته تحریر درآمده، اما باید گفت که متأسفانه بسیاری از مخاطبان این معارف که جوانان هستند و حتی برخی از فضلا نیز از آثار ایشان بی‌خبر هستند. پس در هر صورت،



## شرح دعای کمیل

این کتاب شرح و تبیین مفاهیم، الفاظ و جملات دعای کمیل است.

دعای کمیل حاوی یک دوره معارف اخلاقی در بیان کیفیت از تباط بند و خالق است که از سوی امیر مومنان (ع) به کمیل بن زیاد آموزش داده شده و از نظر مفاهیم و الفاظ بسیار شیوا و جذاب است.

شرح‌های بسیاری بر این اثر نگاشته شده که شرح و ترجمه فوق یکی از آنهاست؛ نویسنده در شرح نوشته خود، ابتدا درباره مفهوم دعا و جایگاه آن در قرآن مطالبی را ارائه کرده و سپس به طرح متن دعا و شرح آن پرداخته است.

که افراد را به درستی و دور از هر گونه تعصب یا سلیقه‌گرایی از اشتباه‌هایی که مرتکب می‌شوند آگاه کنند. برای نمونه، رئیس برخی از سازمان‌ها حتی ظرفیت شنیدن نقدی منصفانه را ندارند، اما استاد انصاریان بدون وجود کمترین هراسی، با صراحت و انصاف، به‌طور مستقیم رئیس جمهور را درباره تصمیم یارفتاری نادرست سرزنش می‌کند. البته تذکرات ایشان به مقامی همچون رئیس جمهور، جنبه سیاسی ندارد، بلکه ایشان در پی اجرای اوامر و تعالیم الهی است. استاد انصاریان در بسیاری از شرایط ویژه، با رعایت اعتدال و انصاف راه درست را برگزیده و با پرهیز از تعصب به آنچه که بدان یقین داشته‌اند، عمل کرده‌اند.

۱۴) اینکه ایشان مخاطب‌شناسی توانا هستند، چهاردهمین ویژگی استاد به شمار می‌آید. هنگامی که استاد بر فراز منبر در حال سخنرانی هستند، به طور کامل از ویژگی‌های روحی مخاطبان خود آگاهی دارند. ایشان بر اساس مخاطب‌شناسی خود نیز با مردم ارتباط برقرار می‌کنند و مخاطبان خود را از ابعاد مختلف فکری، ایمانی، نگرشی، فرهنگی، سلیقه‌ای، موقعیت‌های اجتماعی و مانند آن مورد بررسی قرار می‌دهند.

۱۵) ویژگی پانزدهم ایشان مردم‌شناس بودن است. استاد انصاریان در نظام سنتی حوزه‌ها تحصیل کرده‌اند، اما با این همه، به‌گونه‌ای تحسین برانگیز و باورناکردنی، مردم را به خوبی می‌شناسند. یک بار در شهر لندن، جلسه‌ای با حضور ایشان برگزار شد. برخی از حضار افرادی بودند که نمادهایی را بر دستان و بازوهایشان خال کوبی کرده بودند. آنها در ظاهر از دین دور هستند و به راحتی آموزه‌های دینی را نمی‌پذیرند، اما استاد انصاریان با توانایی خود در مردم‌شناسی، آنچنان با این افراد در سطح آنان سخن گفتند که در هر جلسه به‌شمار آنان افزوده می‌شد، حتی شی رانیز در کنار استاد به ورزش کردن پرداختند. در حقیقت، ایشان با همین روش، بسیاری از افراد را به دین، معارف اسلامی و اهل بیت (ع) جذب کرده‌اند.

میلیون‌ها نسخه از آن به چاپ رسیده است. علاوه بر این باید برای نمایانند توانایی‌های استاد انصاریان در عرصه ترجمه، به آثاری همچون ترجمه نهج البلاغه یا صحیفه سجاده و یا ترجمه مفاتیح الجنان اشاره کرد. یکی از شاهکارهای استاد انصاریان ترجمه کتاب «اصول کافی» است. اهل فن، خود می‌دانند که این کتاب تا چه اندازه پیچیده و ترجمه آن امری دشوار است. تنها یک محقق برجسته و عالم در علم حدیث می‌تواند از عهده این کار برآید. استاد انصاریان با عنایت‌های خداوندی ترجمه «اصول کافی» را شروع کرده و در این عرصه نیز بسیار موفق ظاهر شده‌اند. ترجمه‌ها و تألیفات ایشان، ۱۴۰ عنوان اثر گران سنگ است که این امر، خود گویای آن است که ایشان در این عرصه، قهرمانی پرافتخار هستند.

۱۲) استاد انصاریان مدرس و مفسر قرآن کریم هستند؛ این توانایی را می‌توان دوازدهمین ویژگی استاد انصاریان برشمرد. به راستی هر یک از ویژگی‌هایی که تاکنون بیان شد، برای موفقیت یک فرد کافی است، در صورتی که ایشان همه آن‌ها را در خود گرد آورده است. تدریس و تفسیر قرآن در حوزه علمیه قم، امری بسیار دشوار است؛ چرا که حوزه قم، مقام تفسیری شخصی همانند مرحوم علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی است. در این مقام که مهم‌ترین مرکز حوزوی در کشور و بلکه در جهان تشیع است، تدریس تفسیر قرآن برای صدها طلبه، به دانشی بسیار در این زمینه نیازمند است. بحمدالله ایشان در زمینه تفسیر قرآن نیز با وسعت علمی و عملی خود توانسته‌اند پیروز باشند. «تفسیر حکیم» که تاکنون ۳۶ جلد دست‌نویس از آن آماده شده است، درس تفسیر استاد انصاریان است که به صورت مکتوب آماده شده.

۱۳) انصاف را می‌توان به عنوان سیزدهمین ویژگی استاد نام برد. ایشان همواره با روحیه انصاف خود با مشکلات برخورد می‌کنند و در این راستا نیز از چیزی نمی‌هراسند. ایشان تنها به این موضوع می‌اندیشند

صحیفه سجاده آشنا شوم، بیشتر از عرفان و اخلاق و نوع نگرش ایشان به عرفان عملی اسلام و نیز الگوسازی عرفان ناب محمدی (ص) بهره‌بردم.

### اخلاق و سبک زندگی اسلامی

نخستین بار که کتب عرفان اسلامی ایشان را مطالعه کردم، پس از انقلاب اسلامی بود. موضوع سخنرانی‌های ایشان از همان ابتدا بیشتر پیرامون اخلاق و سبک زندگی اسلامی است؛ این در حالی است که در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، اهمیت این موضوع بر همگان روشن نبود. بیان روایات امامان معصوم (ع) و آیات قرآنی و نیز

بیان مفاهیم ناب از آن، وجه تمایز مواظب ایشان با دیگران است. بهره‌گیری از اشعار ناب عرفانی در ادبیات فارسی و نیز داستان‌ها و حکایات که در منابع اسلامی وجود دارد، دیگر امتیاز سخنرانی‌های ایشان است. حزن مرثیه‌خوانی‌های ایشان نیز نکته‌ای است که بر هیچ یک از مخاطبان ایشان مخفی نیست. امیدوارم اشک‌های آن گریه‌ها، باقیات و صالحاتی برای همه ما باشد.



استادانصاریان  
در رفتار و توجه  
به افراد، به ظاهر  
آنان نمی نگرند؛  
لباسی مندرس به  
تن داشته باشند  
یا جامه‌ای فاخر  
پوشیده باشند.  
ایشان با همه به‌طور  
یکسان و مهربانانه  
ارتباط برقرار  
می‌کند.



## ویژه‌نامه آشنای ناآشنا

شبی هنگام خروج از کانون توحید در لندن، با چند جوان برخورد کردیم که بیرون از کانون ایستاده بودند و به شرکت در جلسه علاقه‌ای نداشتند. هنگام خروج، استاد از آنان که گردنبندهای طلایی به گردنشان آویخته بودند، نام‌شان را پرسید؛ سپس استاد با آنان کمی شوخی کرد و همگی خندیدند. از شب بعد، جمعیت آن جوانان روز به روز افزایش یافت و چند برابر شد. آنان گویی پس از مدت‌ها فردی را یافته بودند که می‌تواند با زبان خودشان سخن بگوید. مسیر زندگی و نگرش شمار بسیاری از آنان، تغییر کرد و مشکلات معنوی، روحی، فکری و عقیدتی آنان، فقط به دلیل برخورد مناسب استاد در آغاز ایجاد ارتباط حل شد.

ایشان به دلیل ارتباط نزدیک و عمیق‌شان با مردم، به خوبی می‌دانند که با هر یک از افراد جامعه چگونه باید سخن گفت؛ از این رو، شاید برترین روانشناس‌ها و مردم‌شناس‌ها تا این اندازه برای برقراری ارتباط مناسب با افراد با هر فکر، فرهنگ، دین، سن، سواد و عقیده‌ای توانمند نباشند. به راستی استادانصاریان می‌توانند دانسته‌ها و تجربه‌های خود را تدریس کنند. **۱۶** ایشان تاریخ را به خوبی می‌دانند و این را می‌توان به عنوان شانه‌دهمین ویژگی استاد به شمار آورد. در حقیقت، تاریخ‌دانی کامل هستند. ایشان با ورود اجتهادی به تاریخ و جرح و تعدیل و نیز مقایسه وقایع گوناگون با یکدیگر، خود به استنباط و اجتهاد تاریخی رسیده‌اند. به دیگر سخن، ایشان نه فقط تاریخ را به خوبی مطالعه کرده، بلکه در آن اجتهاد نیز کرده‌اند. برای مثال، درباره وجود افراد در دوران مختلف یا رخ دادن حادثه‌ای در بازه‌ای تاریخی، استاد به صورت اجتهادی نظر داده‌اند. می‌توان آثار چنین اجتهادهایی را بارها در دست‌نوشته‌های ایشان دید.

**۱۷** هفدهمین ویژگی استاد، حدیث‌شناسی ایشان است. استاد خطابه‌های خود را از بیان روایات سرشار می‌کنند. گویی سخنرانی ایشان تنها از آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) تشکیل شده است. ایشان تا

اندازه‌ای در عرصه حدیث کار کرده‌اند که با شنیدن روایات، کیستی گوینده آن را تشخیص می‌دهند؛ گویی ایشان به لسان اهل بیت (ع) نیز آگاهی دارند. کافی است ایشان با روایتی مواجه شوند؛ استاد می‌توانند تشخیص دهند که آیا این روایت به ائمه معصومین (ع) تعلق دارد یا کلامی از دیگران است؟ چنان که پیش‌تر نیز بیان شد، استاد «اصول کافی» را ترجمه کرده‌اند. این موضوع، خود دلیلی بر توانایی و دانش ایشان در این زمینه است؛ چرا که برخی روایات این کتاب (مثل روایاتی که در باب عقل و جهل آمده است)، به سادگی قابل ترجمه نیست و با اطمینان می‌توان از ایشان به عنوان حدیث‌شناس یاد کرد.

**۱۸** ویژگی هجدهم ایشان این است که اهل ادب و شعر هستند؛ استاد با این که در علوم دینی عالم و در حوزه خطابه توانمند هستند، روحیه‌ای لطیف و شاعرانه دارند؛ به گونه‌ای که می‌توان اثری از این روحیه را در دست‌نوشته‌های ایشان یافت. دیوان اشعار استاد انصاریان بسیار پُر احساس و حکیمانه است. ایشان با توانایی خود در حوزه شعر و ادب فارسی، لطایف ادبی را به‌طور کامل در آثار خود رعایت می‌کنند. بیانی روان و سلیس و در عین حال، ادیبانه و حس‌برانگیز که سبب می‌شود مفاهیم به سادگی منتقل شوند، از روحیه‌ای ادیبانه حکایت می‌کند. با دقت در برخی از کتاب‌های پُر آوازه می‌توان فهمید که یکی از اسباب شهرت و محبوبیت ایشان، متن ادیبانه و پر مغز آثار استاد است. بر خورداری از روحیه شاعری در سبک نگارش تأثیری مستقیم دارد، چنان که در همه آثار ایشان قابل مشاهده است.

**۱۹** نوزدهمین ویژگی استاد انصاریان، متکلم بودن ایشان است؛ چرا که در موارد بسیاری، هم من و هم دیگر دوستان شاهد بوده‌ایم که ایشان با بزرگان فرق و ادیان گوناگون با اندیشه‌هایی متفاوت، به گفت‌وگو نشستند و با تسلطی کامل به مبانی ادیان، مکاتب و مذاهب آنان به تبیین حقیقت پرداخته‌اند. ایشان به قدری به علم کلام اشراف دارند که به راحتی و

بدون هر گونه دست‌پاچگی به مناظره می‌نشینند. دقت ایشان در موضوعات کلامی به قدری است که با حضور در کلیسا برای مسیحیان سخن گفتند و تحسین آنان را برانگیختند، تا جایی که پس از پایان سخنرانی، همه حضار به احترام ایشان ایستادند و برای مدتی استاد را تشویق کردند. ایشان تنها با تسلط به مبانی کلام اسلامی و مسیحیت توانستند چنین تأثیر گذار باشند. استاد در گفت‌وگو با افراد گوناگون با هر دین و مذهبی، راهی را برمی‌گزینند که بتوانند در وجود شخص نفوذ کرده و مفهوم را در نهانی‌ترین لایه‌های ذهن مخاطب خود نفوذ دهند.

**۲۰** بیستم ویژگی ایشان این است که استاد هم در عرفان عملی و هم در عرفان نظری به مرتبتی والا دست یافته‌اند. عرفان نظری ایشان را می‌توان در سخنرانی‌ها و تالیفات استاد، به ویژه اثری با عنوان «مصباح الشریعه» که ایشان تألیف کرده است، به روشنی فهمید. عرفان عملی ایشان نیز رفتارها و کردارهایی است که همگان از ایشان می‌بینند. به راستی، استاد انصاریان بنده‌ای خداترس هستند. ایشان حضور خداوند را در همه لحظه‌های زندگی حس می‌کنند. «الهی و ربی من لی غیرک»، عقیده راستین ایشان است. من استاد را عارفی کامل می‌دانم.

**۲۱** بیست و یکمین ویژگی استاد انصاریان، این است که تمام زندگی ایشان در همه ابعاد منطبق بر قرآن و اهل بیت (ع) است. استاد در سخن گفتن، راه رفتن، شوخی کردن، نشستن، برخاستن، تفریح کردن و مانند آن، از الگوهای دینی پیروی می‌کنند، به گونه‌ای که زندگی ایشان را می‌توان با معارف قرآنی و اندیشه‌های اهل بیت (ع) تفسیر کرد. علاوه بر این، تمام آثار استاد، کمتر بین انحرافی از آموزه‌ها و تعالیم تقلیل ندارد. ایشان هر گز مسیر زندگی خود را از قرآن و اهل بیت (ع) حتی برای لحظه‌ای جدا نکرده است.

**۲۲** ویژگی بیست و دوم استاد، این است که ایشان فردی مبارز است. عارفان و مدرسان کمتر در میدان

### کفت و گو

گرفته است. در سال‌های اخیر کمتر به تجلیل از مفاخر قرآنی کشور پرداخته شده است؛ از این رو، جلسات متعدد کارشناسی در این زمینه با صاحب‌نظران قرآنی برگزار شد. سرانجام دبیرخانه‌ای با عنوان دبیرخانه دائمی تکریم از مفاخر و مشاهیر قرآنی، در بنیاد قرآن راه‌اندازی و پس از آن نیز شورای سیاست‌گذاری این دبیرخانه تعیین شد. همچنین با گفتگوهایی که با شورای سیاست‌گذاری دبیرخانه صورت پذیرفت، سنجه‌های برتری افراد و اینکه فرهیختگان باید با چه ویژگی‌هایی برگزیده شوند به منظور تجلیل از ایشان روشن شد. پس از بررسی‌های بسیار، استاد حسین انصاریان با اجماع نظر است

میت‌الاسلام و المسلمین سیدمهدی مسین زاده  
ریاست بنیاد قرآن؛

## اندیشه‌های فقهی در تفسیر تا مدیریت علمی سخنرانی

مدیریت علمی منبر و برداشت فقهی از آیات قرآن که در تفسیر استاد انصاریان آمده، ویژگی‌های ممتازی است که کمتر مورد توجه قرار



## عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه)

این کتاب شـرحی بر «مصباح الشریعه»، منسوب به امام صادق (ع) بوده و مشتمل بر مسائل مهم عرفان اسلامی است. ارائه تعریف از عرفان، عارف و مکاتب عرفانی، پژوهشی درباره کتاب «مصباح الشریعه» و صحت انتساب آن به امام صادق (ع) و دیدگاه علمای شیعه درباره این کتاب و مطالب عمیق عرفانی و اخلاقی از جمله مباحث مطرح شده در آن بوده و نویسنده سعی کرده مبانی عرفان و اخلاق اسلامی را با دیدگاه‌های امام صادق (ع) تطبیق کرده و سپس با استفاده از آیات و روایات به تحلیل اوصاف عارفان بپردازد.

مشکل دچار هستند. بارها شاهد بوده‌ام که استاد درباره بیماران، فقرا و تنگدستان به شدت مهربانانه برخورد کرده‌اند. حتی گاه خود به دیدار افرادی می‌روند که به ایشان نیازمند هستند. استاد نه فقط به نیازمندان توجه بسیار می‌کنند، بلکه با ورود به هر شهری که به آن دعوت شده‌اند، به دیدار بزرگان و علمای آن دیار نیز می‌شتابند. ایشان همچنین با بسیاری از افراد نیازمند، مخاطبان، به‌ویژه جوانان، به مهربانی رفتار می‌کنند. استاد در رفتار و توجه به افراد، به ظاهر آنان نمی‌نگرند؛ لباسی مندرس به تن داشته باشند یا جامه‌ای فاخر پوشیده باشند. ایشان با همه به طور یکسان و مهربانانه ارتباط برقرار کرده و حتی با غیر مسلمانان نیز با لطف رفتار می‌کنند. یک بار در کلیسای پس از این که نوزادی مسیحی را دیدند که تازه متولد شده بود، برایش دعا کردند و تسبیح خود را به پدر و مادر آن نوزاد هدیه دادند. چگونه می‌توان اثر مهر را در جذب کردن افراد، اندازه گرفت؟

استاد انصاریان با برخورداری از این ۲۴ ویژگی که بیان شد، مبلغی موفق و تأثیرگذار هستند. این تأثیر در جلسات ایشان در بیرون از مرزهای ایران نیز نمایان است. جلساتی چند نفری که تنها پس از گذشت چند شب، به قدری پرازدهام شده که جایی برای نشستن در آن یافت نمی‌شد. همچنین، تأثیری که ایشان بر مخاطبان خود گذاشته‌اند، بسیار تحسین برانگیز است. بسیاری از افراد فقط به این دلیل ارتباط با استاد انصاریان، در اصل زندگی خود تغییر ایجاد کرده‌اند؛ تغییر در دین، مذهب، شغل، رفتار، عقاید و مبانی زندگی شخصی. هم‌اکنون نیز بسیاری از افراد در خارج از کشور، مشتاقانه انتظار ایشان را می‌کشند تا روزی استاد در میان آنان حاضر شده و از معارف دینی سیراب‌شان کنند.

● این ویژگی‌ها تا چه میزان بر دیگران اثر گذاشته‌است؟

وجود پربرکت ایشان به گونه‌ای است که هر جا

مبارزه عملی حاضر می‌شوند، در صورتی که ایشان مبارزی جدی است. پیش از انقلاب، استاد به دلیل سخنرانی‌هایی که ایراد کرده بود، زندانی شد. ایشان در حوادث انقلاب، فعالیت‌هایی تأثیرگذار داشته‌اند. سخنرانی‌ها، ایجاد تشکلهای، حضور در صحنه‌های انقلاب، تلاش برای تشکیل «جامعه روحانیت مبارز»، نشر اعلامیه‌ها و مانند آن از جمله فعالیت‌های انقلابی ایشان است. البته برخلاف بسیاری از علمای دیگر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان همان مسیر را پیش رفتند و تغییری در آن ایجاد نکردند. در هشت سال دفاع مقدس نیز ایشان حضوری فعال در جبهه‌ها داشتند. جلسات سخنرانی و مناجات‌خوانی‌های ایشان در مناطق جنگی، به‌ویژه در لشکر حضرت رسول (ص) و در پادگان دوکوهه بسیار روح‌افزا و حضور ایشان در جبهه‌ها قوت قلب رزمندگان بود. سخنرانی‌های حماسی، مناجات‌ها و گریستن‌ها، خواندن دعا‌های کامل، ندبه و سمات و ارتباط مستقیم استاد با رزمندگان، همه سبب تقویت روحیه افراد می‌شد. ایشان در پیش یا پس از انقلاب، هرگز از باری نظام اسلامی دریغ نکردند و هر جا که حضور ایشان می‌توانست سببی برای تأثیر و تأیید باشد، حضور پیدا کردند. امروز نیز می‌توان روحیه انقلابی و جهادی ایشان را به تماشانشست.

۲۲ بیست و سومین ویژگی ایشان، این است که عالمی بصیر هستند. من معتقدم که بصیر، یعنی کسی که بایدها و نبایدهای اقدامات را به صورت درست و به موقع تشخیص می‌دهد؛ یعنی عمار گونه می‌نگرد. بنابراین، استاد انصاریان عمار انقلاب است. بصیرت ایشان در حوادث انقلاب، سبب شده از تندروری‌ها و کندروی‌ها سالم بمانند. ایشان با عقل‌گرایی و بصیرت خود تاکنون از هیچ مجرای سیاسی آسیب‌نندیده‌اند.

۲۴ آخرین ویژگی ایشان این است که بسیار مهربان هستند. استاد به فقرایی که به ایشان مراجعه می‌کنند، چنان توجه دارند که گویی خود بدان

قرآنی ایشان وجود دارد در کمتر کسی بتوان مشاهده کرد. برخی شاید ایشان را تنها یک شخصیت اهل منبر و خطابه‌گری ماهر بدانند، اما حقیقت این است که می‌توان ایشان را «فلسفی ثانی» نام نهاد. نخستین بار که من نسخه دست‌نویس تفسیر استاد انصاریان را مشاهده کردم، نکته‌ای عجیب و جالب، توجه‌م را جلب کرد؛ ایشان نگرش فقهی، روایی خود و طرح مباحث روز و کاربردی این تفسیر را بدون خط‌خوردگی به رشته تحریر درآورده بودند؛ این نگرش، همان تسلط و اشراف کامل ایشان بر مباحث است. احاطه علمی استاد در تفسیر قرآن، نهج‌البلاغه، صحیفه سجادیه،

انتخاب شد. هنگامی که خدمت ایشان رفتیم، پس از اینکه موضوع مطرح شد، ایشان این عنوان را انکار کرده و آن را نمی‌پذیرفتند، اما با این همه، توانستیم مراسم بزرگداشتی برای ایشان برگزار کرده و از ایشان تجلیل به عمل آوریم. شاید جامعیتی را که در مباحث



تسلط بر  
ویژگی‌های  
ادیان توحیدی و  
چگونگی تعامل  
و گفتگوی ادیان،  
بیان مشکلات در  
جوامع انسانی و  
توجه بر چگونگی  
همکاری و تعامل  
مراکز دینی از علل  
موفقیت حضرت  
استاد در عرصه  
بین‌الملل است.



ویژه‌نامه  
آشنای نا آشنا

می‌روند، سبب تغییر در آن می‌شوند. شاید در ظاهر، حضور ایشان در برخی منازل و اماکن در شأن ایشان نباشد، مثل حضور در منزل خانواده‌ای که با دین بیگانه هستند و هرگز شئون دینی را رعایت نمی‌کنند، اما پس از چندی، تأثیر حضور ایشان و تغییر افراد به سوی دینداری را می‌توان در آنها دید. باید گفت که استاد انصاریان، خود و مجموعه‌ای که تحت نظر ایشان فعالیت می‌کنند، در عرصه تبلیغ بین‌المللی نتایج قابل توجه به دست آورده‌اند. سفرهایی که ایشان به کشورهای بسیاری رفته‌اند، از نقاط روشن و قوت این فعالیت‌هاست. ایشان به چند کشور آفریقایی و آسیایی سفر کرده‌اند، اما بیشتر به کشورهای اروپایی رفته‌اند. باز خورد شایسته سفرها با ارزیابی در طول سفر و نیز در نامه‌ها، پیام‌ها و تقدیرها نشانگر تأثیر بسزای این سفرها بوده است. سفر به فرانسه، آلمان، سوییس، ایتالیا، بلژیک، هلند، آفریقای جنوبی، آذربایجان، حجاز، مالزی و واتیکن از جمله سفرهای پُر تأثیر استاد انصاریان بوده است. چنان که گذشت، ایشان در این سفرها با بزرگان و رهبران دینی دیدار می‌کردند. از جمله دیداری صمیمی با اسقف‌ها و کشیش‌ها که در واتیکن برگزار شد.

### ● درباره فعالیت‌های بین‌المللی استاد بیشتر توضیح دهید.

یکی دیگر از فعالیت‌های بین‌المللی ایشان، تأسیس پایگاهی اینترنتی است که به چهارده زبان زنده، فعال است؛ (پایگاه اینترنتی مؤسسه دارالعرفان). در این پایگاه مجازی، ترجمه قرآن به بیش از پنجاه زبان عرضه شده است. به همین دلیل، بسیاری از حقیقت‌جویان از سراسر دنیا، از آن استقبال کرده و در پی آشنایی بیشتر با اسلام برآمده‌اند. این پایگاه با برخورداری از امکان پرسش و پاسخ، شمار بسیاری از افراد را به خود جذب کرده و آنان را با عرضه معارف دینی با حقیقت آشنا می‌کند. این پایگاه،

از پربازدیدترین پایگاه‌های شیعی است. بسیاری از آثار ایشان تاکنون به ۱۰ زبان ترجمه شده است؛ انگلیسی، عربی، فرانسوی، اسپانیولی، هندی، مالایو و دیگر زبان‌های زنده جهان. برگزاری همایش‌هایی مذهبی در نقاط مختلف جهان و حمایت از آن‌ها، یکی دیگر از فعالیت‌های تبلیغی - فرامرزی این مجموعه است. همایشی با عنوان امامت در آلمان، همایشی با عنوان امام صادق (ع) در ترکیه، همایشی با عنوان مسلمانان اروپا در پاریس و همایشی در بزرگداشت میلاد حضرت نبی اکرم (ص) در جمهوری آذربایجان از جمله مراسم‌هایی است که ایشان با برگزاری، شرکت و سخنرانی در آنها، توانستند بسیار تأثیرگذار جلوه کنند. تأثیر آن رانیز می‌توان در بازتاب همایش‌ها در رسانه‌ها و جراید محلی و نیز در میان علما و دانشمندان آنجا بررسی کرد. دعوت دوباره از استاد برای حضور پیدا کردن در آن اجتماع، نشان از تأثیرگذاری ایشان دارد. همچنین یکی دیگر از فعالیت‌های صورت گرفته در این عرصه، برپایی نمایشگاه‌هایی برای عرضه آثار استاد انصاریان در برخی کشورهاست، مانند مالزی، آلمان و فرانسه. باید گفت که مسلمانان و نیز جویندگان حقیقت، از این نمایشگاه‌ها استقبال باشکوهی کردند. از اثرگذارترین فعالیت‌های برون‌مرزی این مجموعه، ارسال آثار استاد انصاریان به صورت مکتوب و دیجیتالی به مؤسسه‌های اسلامی در هشتاد کشور بوده است؛ از این رو استاد، واعظی ایرانی، شناخته شده و مورد توجه بزرگان دیگر کشورها هستند، فقط به این دلیل که آثار استاد به صورت بسیار گسترده انتشار یافته است.

### ● فعالیت‌های تبلیغاتی استاد در خارج از کشور تا چه میزان اثرگذار است؟

یکی دیگر از کارهای تبلیغی، تعامل ایشان با مراکز فرهنگی، بین‌المللی، دینی، دانشگاهی و مذهبی در خارج از کشور است؛ ارتباطات علمی در قالب جلسات مذاکره و سخنرانی. این ارتباط با دنیای مسیحیان،

علمای آنان و دانشگاه‌های مسیحی بیشتر مورد توجه است؛ البته این ارتباط‌ها هم در سفرهای ایشان به کشورهای دیگر و هم در سفرهای بزرگان دیگر کشورها به ایران ادامه دارد.

### ● چه چیزی سبب شده است که استاد در عرصه بین‌الملل مورد توجه بسیار قرار گیرد و چه ویژگی‌هایی در نگرش، کلام یا رفتار ایشان است که توجه بسیاری از افراد را به خود جلب کرده است؟

ایشان ۱۰ موضوع را در سفرهای خارجی مورد توجه خود قرار می‌دهند. استاد با جدیت برای تبیین و افهام این موضوع‌ها تلاش می‌کنند که موضوع نخست، بیان دیدگاه‌های مشترک اسلام، مسیحیت و سایر ادیان الهی است؛ از این رو، ایشان نکاتی را که از مشترکات مذاهب و ادیان الهی است، با تسلط خود، به خوبی بیان کرده و در جهت وحدت و یک‌پارچگی جوامع انسانی، تلاش می‌کنند.

موضوع دوم، ویژگی‌های ادیان توحیدی و چگونگی تعامل و گفت و گوی این ادیان با یکدیگر است؛ اسلام، مسیحیت، یهودیت و جوامع زرتشتی. ایشان چگونگی این ارتباط‌ها را در کلام و رفتار خود نشان داده و به آنان می‌آموزد. موضوع سوم، بیان مشکلات در جوامع انسانی است. ایشان با بررسی دقیق مشکلات در جوامع انسانی، موضوع را به خوبی برای مردم جهان مطرح می‌کنند. از دیگر ویژگی‌های ایشان این است که راه‌حل و چگونگی برون‌رفت از مشکل را می‌گویند. یعنی، در کنار شرح بیماری، درمان آن را نیز معرفی می‌کنند.

چگونگی همکاری و تعامل مراکز دینی و حوزوی با مراکز مشابه در جهان، چهارمین موضوعی است که ایشان در این سفرها دنبال می‌کنند. چگونگی ارتباط حوزه‌ها با یکدیگر، دانشمندان دینی، دانشگاه‌ها، چگونگی ارتباط دوطرفه آنها با ایران و چگونگی ارتباط درونی آنان، از مباحثی است که

### کفت و گو

جامعه به سخنرانی و وعظ پرداخته است، با مدیریت خود توانسته، سخنرانی‌های خود را در قالبی جدید و نوایراد کند، به گونه‌ای که مطالب تکراری در آن وجود ندارد.

سخنرانی‌های مرحوم انصاری قمی را که در قم برگزار می‌شد، به خاطر دارم. پای منبر بزرگانی از اهل منبر نیز نشسته‌ام، افرادی که در منبر رفتن، توانمند بودند و خود، یکی از برترین‌های این عرصه به شمار می‌آمدند و الگوی بسیاری از منبری‌های زمان خود و پس از آن بودند؛ استاد حسین انصاریان نیز در حال حاضر همچون نام‌آشنایان پیشین خود اسطوره و الگویی در موضوع وعظ و منبر است.

عرفان، فقه و اخلاق، توانمندی در خطابه و تدریس و حضور فعال در جبهه فرهنگی و نیز برخورداری از روحیه اجتماعی، بر جامعیت ایشان در ابعاد قرآنی، علمی و اجتماعی صحنه می‌گذارد.

### افتخار به مرثیه خوانی برای امام حسین (ع)

استاد در خطابه و منبر خود مدیریتی علمی دارند؛ گاه برخی روحانیان از اینکه با عنوان منبری خطاب شوند، ابراز خرسندی نمی‌کنند، اما ایشان همواره به اهل منبر و نیز مرثیه‌خوان بودن برای امام حسین (ع) افتخار کرده است. با اینکه ایشان سال‌هاست در سطح گسترده‌ای از





## تفسیر و شرح صحیفه سجادیه

این اثر یکی از کامل‌ترین شروح بر صحیفه سجادیه به زبان فارسی است، که در ابتدا با عنوان دیار عاشقان به چاپ رسیده است.

سپس این اثر در مؤسسه دارالعرفان تحت اشراف حضرت استاد انصاریان بازبینی و با ویرایش و تحقیق جدید در ۱۵ جلد به چاپ رسیده است.

اگرچه این کتاب در موضوع دعا و نیایش است ولی شامل بسیاری از حقایق علوم و معارف اسلامی و عرفانی و قوانین و احکام شرعی و مسائل اجتماعی و تربیتی و اخلاقی است.



اصل و نیز بستر همه تربیت‌هاست. ایشان به رعایت چارچوب‌های اخلاقی در نظام خانواده، اهتمام بسیاری می‌ورزند. استاد حتی سفرهای خود را نیز فقط برای برگزاری سخنرانی صورت نمی‌دهند. ایشان در پی اجرای ۱۰ موضوعی هستند که بیانش گذشت. استاد در سفرهایی که انجام می‌دهند، اهمیت بسیاری به مطالعه کتاب و بازدید از کتابخانه‌ها می‌دهند. بازدید از مراکز عبادی مهم در ادیان و مذاهب گوناگون، دیدن از آثار تمدنی و باستانی، توجه به فرهنگ ملل و رعایت قوانین کشورها، مواردی است که ایشان آن را مورد توجه خود قرار می‌دهند. طبیعت‌گردی و توجه به خلقت خداوند در این سفرها یکی از موارد مورد توجه استاد است، زیرا ایشان هنگامی که به طبیعت توجه می‌کنند، به خالق هستی بخش آن‌ها می‌نگرند. توجه به اندیشمندان دینی و دیدار با آنان و نیز توجه به دانشمندانی که کمتر مورد توجه هستند، از برنامه‌های جدی ایشان است. می‌توان سفرهای ایشان را در کنار بعد تبلیغی و معنوی، تفریحی دانست؛ تفریحی سالم و کامل؛ چرا که ایشان به همه برنامه‌های خود در هر شرایطی به درستی عمل می‌کنند. پیاده‌روی صبحانه، تهجد، تألیف، قرائت قرآن یا دعا و دیگر برنامه‌های روزانه ایشان هرگز تغییر نمی‌کند.

ایشان در سفرها برای رسیدن به نتیجه مطلوب، مطرح می‌کنند. همچنین پنجمین موضوعی که ایشان در سفرهای برون مرزی خود مطرح می‌کنند، لزوم احترام به ادیان و مذاهب است. ایشان حتی در روبرویی با خرافاتی‌ترین مطلب از دیگر ادیان، هرگز با برخوردی تعصبی آن را مورد توهین قرار نمی‌دهند. در چنین موقعیتی، ایشان با نگاهی درست و بیانی شیوا حقیقت را متذکر می‌شوند. استاد با بسیاری از بزرگان ادیان و فرق دیدار کرده و نیز از اماکن مقدس آنان بازدید می‌کنند، اما هرگز زبان به تحقیر نمی‌گشایند.

ششمین موضوع، وحدت امت اسلامی است و هفتمین موضوع لزوم ارتباط و برخورد حکیمانه، عاقلانه و با دلیل و برهان، با مکاتب و ادیان مختلف است. همچنین موضوع هشتم شامل به کارگیری بحث، موعظه، برخورد حکیمانه و بیانی نرم در تعامل با دیگر مذاهب بوده و نهمین موضوع، توجه کردن به مطالب و معارف اهل سنت است. از آنجا که استاد به مبانی فکری سنی مذهبان آشنایی دارند، به صورت جامع سخنرانی می‌کنند؛ همین امر نیز ایشان را مورد توجه عموم قرار داده است. دهمین موضوعی که استاد انصاریان توجه بسیاری به آن دارند، مبانی اخلاقی و مسائل خانواده است؛ چرا که بنیان خانواده،

### قدرت برداشت‌های فقهی

نگرش فقهی استاد انصاریان تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است، اما با رجوع به تفسیر «حکیم»، می‌توان قدرت برداشت‌های فقهی ایشان را از آیات قرآن کریم فهمید. ایشان در مباحث فقهی و نیز در باب تفسیر قرآن به صورت اصولی کار کرده‌اند. این خود نکته‌ای است که من را تحت تأثیر خود قرار داده. تجلیل از چنین شخصیت برجسته‌ای می‌تواند مقدمه‌ای باشد تا دیگر آثار ایشان نیز به صورت موضوعی بررسی شود و مورد توجه بیش از پیش قرار گیرد.

می‌توان مرتبه منبر ایشان را با سنجش مخاطبان آن مجلس دریافت؛ چرا که مخاطبان سخنرانی‌های ایشان از همه اقشار جامعه هستند. ماه مبارک رمضان و به ویژه شب‌های قدر، نمونه‌های خوبی برای پی بردن به میزان اثرگذاری و نفوذ سخنان ایشان در مردم است. از ویژگی‌های بارز منبر ایشان، نفوذ و تأثیری است که بر روح و جان مخاطبان دارد. چه بسیار هستند کسانی که پای منبر ایشان، درس انسانیت و دینداری آموخته و با به کارگیری آن، در مسیر صحیح رشد کرده‌اند. در واقع باید گفت، تأثیرگذاری خطابه‌های استاد انصاریان در کنار مدیریت علمی، سبب تمایز منبر ایشان شده است.

مراجعان و نیز مردمی که پای منبر ایشان می‌نشینند، اختصاص می‌دهند.

### منبر «شهید»

نفوذ کلام ایشان در میان مردم و مخاطبان چنان است که هر مستمعی را متحول کرده و به وجد می‌آورد. در دوران دفاع مقدس به سبب یکی از سخنرانی‌های ایشان که به منبر «شهید» معروف شد، چنان موجی ایجاد شد که روز بعد، بسیاری از جوانان برای اعزام به جبهه سر از پای نمی‌شناختند؛ حتی شاید ایشان در آن سخنرانی ساده، نکاتی را بیان فرموده باشند که برای علاقه‌مندان ایشان تازگی نداشته باشد، اما سبب ایجاد تحولی بزرگ در دل‌های جوانان در آن دوران شد.

البته چنین منش رفتاری و جذبه اجتماعی گاه باعث می‌شود که برخی از افراد، برخاسته از علاقه قلبی خود به ایشان، درباره استاد اظهار نظر کنند؛ همچون اینکه برخی می‌گویند که ایشان مستجاب‌الدعوه هستند - البته من مصادیق آن را بارها شاهد بوده‌ام - اما باید گفت که این ابراز علاقه‌ها، به این دلیل است که افراد تنها راه عرض ارادت را در این راه می‌یابند. با وجود این، استاد با این رفتارها در مورد شخصیت خود، مخالف بوده و به شدت با آن برخورد می‌کنند؛ به طور مثال، یکی از دوستداران ایشان در محضر استاد گفت که من شنیده‌ام نفس شما چنان گرم و به حق است که با خواندن او را می‌کنند، هر در بسته‌ای را باز می‌کنید. البته استاد برای برطرف کردن این شائبه با زبان مطایبه، در پاسخ به وی گفتند: «این نظر شماست، من چنین چیزی را در خود سراغ ندارم. دیشب که به منزل مراجعت کردم، از آنجا که کلیدی همراه نداشتم، ساعتی را پشت در ماندم تا اهالی منزل از راه برسند.»

چنین خلوصی است که جذبه شخصیتی و اجتماعی استاد انصاریان را فزونی می‌بخشد. ایشان در سخنرانی‌های خود، بیش از اینکه به دنبال زیباسازی ظاهر آن با ایجاد تغییر در لحن و نوع کلام خود باشند، از الگویی ویژه در طراحی مطالبی که ایراد می‌کنند، پیروی می‌کنند که از این رهگذر خطابه ایشان از دیگران متمایز می‌شود. آنچه که ایشان در زمان عزاداری و مرثیه‌خوانی می‌خوانند و خود نیز با آن می‌گریند، با خلوص نیت است. البته شاید برخی چنین پندارند که چنین حالتی، دلیل بر



مهندس مسن‌بیادی؛

## مردمداری و اهتمام به حل مشکلات مردم

خوی مردم‌داری استاد حسین انصاریان پُر نمودترین ویژگی در شخصیت اجتماعی ایشان است؛ چرا که استاد تا جایی که زمان اجازه دهد، در این کار اهتمام می‌ورزند. با این همه، ایشان بیشترین زمان شخصی خود را برای رسیدگی و برطرف کردن نیازهای مراجعان و نیز مردمی که پای منبر ایشان می‌نشینند، اختصاص می‌دهند. بر خورداری از این روحیه موجب می‌شود که هر قشری از مردم در همنشینی با ایشان، احساس راحتی و نزدیکی کنند. بی‌تکلفی استاد، همان علت جذب مردم از هر طبقه اجتماعی است. پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد، مهندس و پزشک، معلم و مکانیک، فقیر و غنی، همه به شرکت در جلسات سخنرانی ایشان علاقه‌مند هستند.

بارزترین ویژگی‌های شخصیت اجتماعی استاد، مردم‌داری، شجاعت و وظیفه‌شناسی است. ارتباط مناسب با مردم، شجاعت در بیان برخی واقعیت‌های جامعه، تذکر در مورد آن‌ها - حتی اگر به ضرر ایشان باشد - و حضور در مناطق مختلف کشور برای ادای وظیفه و بدون توجه به اینکه آیا چنین اقدامی مناسب شأن و شخصیت ایشان هست یا خیر، از جمله شاخصه‌های شخصیت اجتماعی استاد حسین انصاریان است. خوی مردم‌داری ایشان پُر نمودترین ویژگی در شخصیت اجتماعی استاد است؛ چرا که ایشان تا جایی که زمان اجازه دهد، در این کار اهتمام می‌ورزند. با این همه، ایشان بیشترین زمان شخصی خود را برای رسیدگی و برطرف کردن نیازهای

ایشان در  
سخنرانی‌های  
خود، بیش از  
این که به دنبال  
زیباسازی ظاهر  
آن با ایجاد تغییر  
در لحن و نوع کلام  
خود باشند، از  
الگویی ویژه در  
طراحی مطالبی  
که ایراد می‌کنند،  
پیروی می‌کنند



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا



## دیوان مسکین

این اثر شامل مجموعه اشعاری عرفانی، اخلاقی و اعتقادی شامل غزلیات، مثنویات، قصاید، رباعیات، مدایح و مرثی‌های اهل بیت (ع) و دوبیتی‌های عارفانه است؛ در این اثر کوشش شده تا با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، روایات معصومین (ع) و سایر آموزه‌های اخلاقی و عرفانی دین اسلام، اشعاری حکیمانه در موضوعات مختلف سروده شده و با زبان شعر، معارفی از قرآن و سنت ارائه شود؛ اشعار شاعر، حال و هوای عارفانه و عاشقانه دارد و شاعر به دنبال معشوقی حقیقی، ازلی و ابدی بوده و با سوز دل مثنویات قلبی خویش را آشکار می‌کند؛ در ابتدای دیوان غزلیات عرفانی شاعر با محوریت محبت و عشق به خداوند و اولیای الهی و حسرت دوری از آنان و آرزوی رسیدن به وصل آنان آمده است؛ موضوعات دیگر غزلیات مباحثی مانند غم و سوز عاشق نسبت به معشوق، همت والای عاشق برای درک حضور معشوق حقیقی، فرار و نشیب‌های متعدد عاشقان در راه عشق و حساب و کتاب و عمر رفته، رمز و رازهای عرفانی، آیین محبت، مهر و مهرورزی، وصال دلبر و دلدار و آثار و تبعات عشق است؛ بخش دوم اشعار مثنویات است که در آن موضوعات اخلاقی و اعتقادی مانند محبت به اهل بیت (ع)، مناجات‌هایی با خداوند متعال، حقیقت درون انسان، ماهیت دنیا و دنیاطلبی، توسل به ائمه معصومین (ع)، ارزش عمر و حیات انسان و حکایاتی اخلاقی به زبان شعر مطرح شده است.

در بخش دیگری از اشعار این دیوان تحت عنوان کلی «مرز روشنایی» اشعاری در زمینه مبدا هستی، پیامبران و انسان، خاتم پیامبران، اوصاف امیرالمومنین (ع) و فضایل و کرامات آن حضرت، امام زمان (عج) و ابعاد وجودی و برکات مادی و معنوی ایشان، اوضاع جهان در عصر ظهور و غیبت، اهمیت دین و آثار دینداری و برخی دیگر از موضوعات اخلاقی و اعتقادی سروده شده است.

در بخش دیگری از اشعار این دیوان تحت عنوان «مناجات عارفان» مناجات‌هایی با خداوند در مورد اوضاع بد جهان و درخواست از ذات اقدس الهی برای بهبودی اوضاع عالم به زبان شعر درج شده است؛ در بخش بعدی ترجمه‌ای منظوم از مناجات خمس عشر امام سجاد (ع) ارائه شده که این مناجات عرفانی حضرت به زبان شعر ترجمه و شرح داده شده است؛ در ادامه تحت عنوان «چشمه سار عشق» مدایحی در وصف امام حسین (ع) به زبان شعر آمده است که در این مدایح اوصاف بی‌نظیر امام حسین (ع) و ماجرای غمبار کربلا و عاشورا توصیف شده است.

تمایز استاد با دیگران است، هر چند ایشان این امر را انکار می‌کنند. یک بار ایشان، هنگامی که مشغول ذکر مصیبت بودند، چنان منقلب شدند که عمامه از سر برداشتند. یکی از افراد که در آن مجلس پای منبر ایشان نشستند بودند، چنین تصور کرد که ایشان دچار حالتی عرفانی شده‌اند. البته استاد در پایان سخنرانی باز با همان بیان طنزانه خود گفتند که تنها علت این که عمامه از سرم برداشتم، این بود که بشدت احساس گرما می‌کردم!

من بارها خود شاهد بوده‌ام که ایشان درباره مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی از فرصت سخنرانی‌هایشان استفاده کرده و به توصیه کردن و تذکر دادن به مسئولان اجرایی و قانون‌گذار کشور پرداخته‌اند. در این مهم، برای ایشان کیستی مخاطب‌شان اهمیتی ندارد. استاد هر جا که احساس کنند باید درباره سوء مدیریت و رفتار اشتباه مسئولان تذکر دهند، بدون ترس و واهمه این کار را می‌کنند. برای نمونه در اواخر دوره یکی از دولت‌ها، استاد در یکی از شب‌های قدر، با مخاطب قرار دادن دولت و سرزنش کردن مسئولان دولت، تذکری در مورد حقوق زنان، استضعاف جامعه و شرایط بد اقتصادی و معیشتی مردم بیان کردند. استاد با جرأت و جسارتی وصفناشدنی گفتند که من در این زمینه پیرو فرمایش پیامبر اسلام (ص) هستم که بنابر نقل به مضمون، فرموده‌اند که هر جا بدعتی دیدید، باید متذکر شوید؛ در غیر این صورت، لعنت خدا و ملائک بر شما باد. از آنجا که مردم به بنده لطف فراوانی داشته‌اند و من همه چیز خود را از ایشان دارم، نمی‌توانم در برابر تضييع حقوق ایشان، به دلیل سوء مدیریت مسئولان سکوت اختیار کنم، هر چند ممکن است این عمل، به قیمت ممنوعیت سخنرانی‌هایم تمام شود.

شخصیت اجتماعی، بی‌تکلف و بی‌توقع ایشان منجر به این موضوع شده است که در هر جا که ضرورتی احساس کنند، برای ایراد خطابه و سخنرانی، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا چنین شرایطی، شخصیت و موقعیت اجتماعی ایشان را زیر سؤال می‌برد یا خیر، حاضر می‌شوند. نمونه بارز چنین موضوعی، حضور در شهرستان اقلید (از توابع استان فارس) است؛ این شهر که محروم و دور افتاده به شمار می‌آید، با مشکلات بسیاری گریبان‌گیر است. هم‌اکنون نیز استاد بدون توجه به اینکه این کار شاید به شخصیت شناخته شده ایشان خدشه‌ای وارد کند، بنابر وظیفه در این مسیر در حال جهد و کوشش هستند.





استاد سلیمی؛

# چشمه‌ای جوشان برای تشنگان معارف قرآنی

چهل سال پیش  
با استادان خراسان  
آشنا شدم؛  
زمانی که ایشان  
در حوالی  
میدان خراسان  
برای ایراد  
سخنرانی در آنجا  
حضور می‌یافتند.  
از دحام جمعیت  
برای استقبال از  
ایشان به قدری  
بود که نمی‌شد  
جایی برای  
نشستن پیدا  
کرد.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا

استاد است. همین امر سبب شده تا کلام ایشان نافذ باشد و تاکنون بیش از سی هزار ساعت سخنرانی کرده است. این موضوع، خود نشانه برکتی است که خداوند به ایشان داده و سبب موفقیت استاد بوده است.

تغییراتی که در شیوه‌های جدید اطلاع‌رسانی حتی در حوزه دین - ایجاد شده است، سبب شده تا برخی از مردم به ویژه جوانان، به مجالس و سخنرانی‌های امروزی همچون گذشته اقبال نکنند. البته باید برای آن چاره‌ای اندیشید. باید بدون نفی فناوری‌ها به دنبال افزایش جاذبه‌های سخنرانی بود. این امر نیز مستلزم آن است که سخنرانان با مطالعه‌ای دقیق، موضوعاتی کاربردی را مطرح کنند؛ نه فقط نقل روایت یا ترجمه و تفسیر. مقام منبر باید با نگرشی تطبیقی، خواستگاهی برای عرضه راه‌های برون‌رفت از مشکل‌ها باشد. هرگز نباید روح تازگی در سخنرانی‌ها از بین برود. همیشه باید تعالیم دینی را برای مسائل و موضوعات روز از باطن دین استخراج کرد و آن را با بیانی شیوا مطرح ساخت. از این طریق می‌توان جوان امروزی را مجذوب به حقایق دین

دیدگاه ما به علمای شیعه بر اساس وصف پیامبر اسلام است؛ بر اساس حدیث پیامبر اسلام مبنی بر اینکه «العلماء امانة الله فی الارض»، علما، هیئت امنای خدا بر زمین هستند. این حدیث نشان می‌دهد که اگر کسی به دنبال حیات طیبه است، باید از ابعاد اندیشه، سخن و عمل بهره بجوید. در نگاهی دیگر، پیامبر اسلام، علما را به گونه‌ای بهت آور وصف می‌کنند با این مضمون که «ان اکرم العباد بعد الانبیاء علما»؛ علمای دین، پس از پیامبران، گرامی‌ترین افراد هستند. این حدیث نشان می‌دهد که اظهار نظر درباره علما نه بر اساس ظاهر، بلکه باید مبتنی بر معرفت دینی باشد. این کلمات را عباس سلیمی، خادم القرآن و معاون فرهنگی امور زائران آستان حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع) که با وی گفتگویی درباره شخصیت استادان خراسان داشتیم بیان کرده است.

● شخصیت استادان خراسان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

استاد حسین انصاریان یکی از علمای بزرگ از خطه خوانسار است. این شهر عالم‌پرور، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شهرهایی بوده است که مردمانش به علوم دینی توجه بسیار می‌کردند. برخی از علمای این شهر از مراجع بزرگ و نام‌آشنا بوده‌اند و تأثیر بسیاری نیز در پیروزی انقلاب اسلامی و بقای آن داشته‌اند. چهل سال پیش با ایشان آشنا شدم؛ زمانی که ایشان در حوالی میدان خراسان

برای ایراد سخنرانی در آنجا حضور می‌یافت. از دحام جمعیت برای استقبال از ایشان به قدری بود که نمی‌شد جایی برای نشستن پیدا کرد؛ به ناچار در گوشه‌ای و در کنار جوی آب می‌نشستیم و از محضر ایشان استفاده می‌کردیم. صدای دل‌نشین و طنین خوش سخنان ایشان، همچنین بیان فصیح و گویش مردمی‌شان از دلایل اصلی جذابیت سخنرانی‌های استادان خراسان است. ایشان هرگز به دنبال رسیدن به شهرت و سخنرانی در مجالس پر توجه نبود. صمیمیت در گفتارش، گواه صداقت



## نظام خانواده در اسلام

این کتاب بازنگری و بازنگاری مجموعه‌ای از سخنرانی‌های مولف در مسائل مختلف مرتبط با خانواده از دیدگاه اسلام است؛ نویسنده با استفاده از آیات و روایات به تبیین مسائل مربوط به ازدواج و خانواده می‌پردازد؛ کتاب در ۳۰ فصل تنظیم شده است که عناوین و موضوعات آن عبارتند از: آیین ازدواج در نظام هستی، تقوای الهی در خانواده و جامعه، اهداف والای ازدواج در اسلام، موقعیت زن در تاریخ بشر و اسلام (پاسخ به افکار انحرافی نسبت به زن)، استقلال مرد و زن در مقام زن در منطق وحی، مشکلات و موانع ازدواج، شرایط الهی و اسلامی ازدواج (هم‌شان بودن)، راه‌انتخاب همسر (شرایط اسلامی و انسانی در انتخاب همسر)، برنامه‌های اصیل اسلام در مسئله ازدواج، بهداشت در نظام خانواده (ارزش نفاقت و بهداشت در اسلام)، اخلاق اسلامی، حجاب و پاکدامنی زن، مسئولیت عظیم سرپرستی خانواده، حقوق زن و شوهر در اسلام، نقش پدر و مادر در تربیت فرزند، حقوق والدین و فرزندان، طلاق و ارث؛ مطالب کتاب مستند به روایات است و مولف کوشیده آن را در سطحی سامان دهد که برای همگان قابل استفاده باشد.



متن وجود ندارد؛ چرا که در برخی از آثار چنان متن پیچیده و مبهم است که خواننده در فهم آن دچار مشکل می‌شود، اما آثار ایشان بسیار روان و قابل فهم است. مصداق بارز آن، ترجمه قرآنی است که ایشان انجام داده است که با بیانی ساده و همه‌فهم آیات ترجمه شده‌اند. من به دعوت سازمان دارالقرآن الکریم، این ترجمه را به مدت دو سال در آستان حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع) گویا کردم. این اثر در پایگاه اینترنتی دارالعرفان و نیز در سایر مراکز مجازی در دسترس است. من با ترجمه‌های دیگر قرآن نیز آشنا هستم، اما این اثر به دلیل روانی و سادگی آن برای من بسیار جالب توجه بود؛ به گونه‌ای که بارها مرا تحت تأثیر خود قرار می‌داد. یکی دیگر از آثار استاد انصاریان، ترجمه صحیفه سجادیه و شرح آن در دوازده جلد است. در وصیت‌نامه امام (ره) از برخی آثار؛ مانند نهج البلاغه و صحیفه سجادیه نام برده شده و آنها را از افتخارهای امت دانسته‌اند. از طرفی، گاه ترجمه‌ای در خور برای این معارف وجود ندارد؛ ترجمه‌ای که برای عموم مردم قابل استفاده باشد. اگر روح صحیفه سجادیه

کرد، رسانه‌ها باید در زمان بندی پخش سخنرانی‌ها نگاهی ویژه داشته باشد. بسیاری از سخنرانی‌ها پیش یا پس از اذان صبح پخش می‌شوند. در این زمان تنها اهالی مسجد آن را می‌بینند. آیا می‌توان از همه انتظار داشت که در این زمان به سخنرانی‌ها گوش فرادهند. بلکه می‌توان با استفاده از زمان بندی بهتر و نرم‌افزارهای در دسترس، مخاطبان را افزایش داد. همچنین، می‌توان چکیده‌ای از سخنرانی‌ها را انتخاب کرد و در دسترس عموم قرار داد. برنامه‌ای با عنوان بهره‌ای از کلام بزرگان از شبکه قرآن پخش می‌شود که قابل تحسین است، اما برآستی چرا در برنامه‌ها و شبکه‌های دیگر، از این دست برنامه‌ها پخش نمی‌شود؟

### ● تاجه اندازه‌ها آثار استاد آشنایی دارید؟

او گفت: آثار و تالیفات استاد انصاریان را در چندین محور می‌توان تقسیم‌بندی کرد؛ ترجمه، شرح و تفسیر، اخلاق، عقاید و مسائل اجتماعی. ایشان در تألیف نیز مانند سخنرانی‌ها از لحن و نثری روان پیروی می‌کنند. در کتاب‌های ایشان پیچیدگی



است که این موضوع، خود فاجعه محسوب می‌شود. اگر خانواده‌ها با تبعات آن آشنا شوند، می‌توانند با آن مقابله کنند. برخی از تهیه‌کنندگان دلسوز می‌توانند محتوای این کتاب (نظام خانواده) را املاکی محتوایی قرار داده و برای نمونه از پنج کارشناس دعوت کنند و آنان نیز طی چند برنامه، مباحث کتاب را تبیین کرده و چکیده پیام آن را به مخاطبان منتقل کنند. اگر نگرش چنین برنامه‌هایی پندآموز باشد حتی بسیاری از لطمه‌های اجتماعی‌رامی توان با آن ترمیم کرد.

از جمله تألیفات معارفی ایشان، «مناجات عارفان» است که در قالب مجموعه اشعار موجود به شمار می‌آید که خود اثری تحسین‌برانگیز است. تاکنون چهار قطعه از این کتاب انتخاب و گویا شده و در این زمینه برخی آثار به زبان‌های مختلف؛ چون انگلیسی، ترکی (استانبولی)، اردو و عربی ترجمه شده است؛ همین امر باعث شده دامنه معارف استاد به سایر مرزها نیز برسد. وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید در ترجمه آثار علمای بزرگ همکاری کنند؛ چرا که رسیدن به این مهم تنها با سرمایه‌گذاری مؤلف ممکن نیست. برای رسیدن به این هدف، می‌توان در بسته‌های فرهنگی، ترجمه آثار بزرگانی؛ چون استاد انصاریان را به نمایندگان سایر کشورها اهدا کرد تا این معارف به فراتر از مرزها هم برسد.

● چه عاملی در توفیقات استاد انصاریان که برخی از آنها را برشمردید تأثیرگذار بوده است؟

توفیقات استاد انصاریان از رهگذر مردمی بودن وی فراهم شده است. کسانی که خود را از مردم جدا کرده و زندگی رسمی دارند، در دل دیگران نفوذ نمی‌کنند. استاد از دل مردم و با زبان ایشان سخن می‌گوید و این نکته همان رمز موفقیت ایشان

به خوبی معرفی شود، دیگر امام سجاد(ع)، امام بیمار معرفی نمی‌شوند. این امام همام، در بازه زمانی سفر به کربلا، به اذن پروردگار بیمار شدند، اما دشمن تلاش می‌کند تا ایشان را به این عنوان معرفی کند. وظیفه متولیان بسیار سنگین است؛ چرا که آنان باید تلاش کنند سیمای تابناک این امام را برای سبک زندگی اسلامی به صورتی شایسته معرفی کنند و جلوه‌ها و ویژگی‌های عرفانی امام زین‌العابدین(ع) را آن گونه که سزاوار است به تصویر بکشند.

عرفان اسلامی، به خاطر شاخه‌ها و فرعیات گوناگونش، مسیری لغزنده است. در این راه باید به خضرا و عالم خداترس اقتدا کرد. در غیر این صورت، انحراف در کمین است. استاد انصاریان اثری را با عنوان «شرح مصباح الشریعه» از خود به یادگار گذاشته‌اند که با بیانی شیوا، برای همگان قابل استفاده است. ایشان در این اثر به معرفی عرفان در چارچوب شریعت می‌پردازند. عرفان‌های نوظهور یکی از مشکلاتی است که با ریشه‌های امنیتی-سیاسی در مسائل اعتقادی در حال بروز است. این نوع عرفان‌ها انسان را از صراط مستقیم دور می‌کند. ترویج مجموعه‌های عرفانی، تکلیف دلسوزان جامعه است. آنان باید همگان، به ویژه جوانان را با زیبایی‌های عرفان حقیقی آشنا کنند تا چنان در عشق به خداوند پیش روند که طعم حقیقی آن را که در فرازهای قرآن آمده است، درک کرده و عشق مجازی‌رایی مایه بیابند.

استاد انصاریان کتاب‌هایی در معرفی اهل بیت(ع) به ویژه با گرایش مسائل اخلاقی دارند. برای نمونه، با مطالعه اثری از استاد درباره حلال و حرام مالی، یکی از معضلات شئون اجتماعی روشن شده و نیز راه‌های در امان ماندن از چنین افات اقتصادی بیان می‌شود. همچنین اثری دیگر از ایشان درباره نظام خانواده می‌تواند مانع رشد ۳۰ درصدی طلاق باشد. اکنون از هر سه ازدواج، یکی محکوم به فروپاشی

## تالیفات



## اوصاف اولیای الهی

یکی از مهمترین میراث مکتب اهل بیت(ع) کتاب وزین نهج البلاغه است که خطبه‌های آن سرشار از معارف عمیق اسلامی است. این امر اهتمام مؤلف و مؤسسه دارالعرفان را بر آن داشت که بر یکی از خطبه‌های نهج البلاغه شرحی مبسوط بنگارد. این اثر که دروس استاد در مدرسه مبارکه فیضیه است در ۶۱ درس به اوصاف اولیای الهی پرداخته است. اقسام خوف، عبودیت، خودشناسی و جهاد در راه خدا و ویژگی‌های قلب سلیم و یقین از مباحثی است که نگارنده به شرح و بسط آنها در قالب خطبه ۸۶ نهج البلاغه پرداخته و آنها را به صورت مبسوط بیان کرده است. در این مجموعه مباحثی همچون عظمت نهج البلاغه، ویژگی مؤمنان و اولیای الهی، عبودیت و اولیای الهی، اعانه خدا بر خودشناسی، اعانه بر جنود عقل و جهاد نفس، تلبس به لباس حزن و اقسام حزن و پوشیدن لباس خوف و مراحل آن، درخشش چراغ هدایت در قلب و جایگاه قلب در وجود انسان، ویژگی‌های قلب سلیم و صفات قلب مریض و لزوم اصلاح قلب و حیات و ممات قلبی مورد بررسی دقیق قرار گرفته است.

شاید نتوان  
استاد انصاریان  
را برای نسل  
امروز به طور  
شایسته وصف  
نمود؛ هر چه  
باشد، نسل  
امروزی بوی  
خون هفدهم  
شهر یورماه را  
استشمام نکرده و  
صدای گلوله‌های  
بعثی‌های عراق  
را در جنگ  
تحمیلی نشنیده  
است.



## ویژه‌نامه آشنای ناآشنا





## گوهر شکیبایی

کتاب گوهر شکیبایی مجموعه‌ای از معارف اسلامی است که به کنکاشی مجدد و با رویکردی جدید مسئله شکیبایی را مورد واکاوی قرار می‌دهد. مؤلف در این اثر پس از معناشناسی واژه صبر و شکیبایی، قلمرو لغوی این مفهوم را ترسیم و تمایزات صبر را با استقامت و حلم بیان کرده است. سپس با بررسی آیات و روایات شکیبایی را معرفی و با معرفی صبر از دیدگاه عرفان اسلامی حقایق و ظرایف گوهر شکیبایی را به قلم می‌کشد.

در این مجموعه اختصاص مقام شکیبایی به انسان، صبر و شکیبایی مذموم و ممدوح و مفهوم صبر جمیل در قرآن و آثار رحمانی مصایب دنیوی و پاداش صابران و پاداش شکیبایی در قرآن و روایات و انواع صبر مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش دیگر این اثر مفهوم صبر در عرفان و جزع اولیای الهی و مراتب صبر از منظر عرفان و مقام شکر، کمال صبر و شکیبایی مورد اشاره قرار گرفته است. مؤلف ضمن اشاره به فلسفه ابتلا به امتحانات الهی و وصول به مقام رضا در سایه صبر و ظرفیت آدمی موارد فسق را برای شکوفایی قوای معنوی انسان ضروری می‌داند.

روش خود را اجرا و با روحیه‌ای جدی، مسائل را بیان کرده و در مرثیه‌خوانی اهل بیت (ع)، اهل گریستن هستند و در برخورد عامیانه بسیار صمیمی و متین رفتار کرده و فضایی شاد ایجاد می‌کند.

نخستین بار، در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی به ایشان برخوردیم. در آن روزگار، روحانیان مبارز الگوی جوانان بود. من نیز در صفوف همافران نیروی هوایی بودم، ولی به دلیل تعالیم دینی از دوران کودکی، عاشق روحانیان و طرفدار همیشگی جلسه‌های قرآن بودم. اعتقادی که به روحانیان دارم، اعتقادی محض است (نه سیاسی). در آن زمان، با وجود خفقان و حکومت نظامی، یک روحانی که سلاحی غیر از منطق ندارد، در مقابل طاغوت ایستادگی می‌کند. شاید نتوان استادان را برای نسل امروز به طور شایسته وصف کرد؛ هر چه باشد، نسل امروزی بوی خون هفدهم شهریورماه را استشمام نکرده و صدای گلوله‌های بعضی‌های عراق را در جنگ تحمیلی نشنیده است. جوان امروزی همواره در فضای امنیت زندگی کرده است. دشمنان هم در صدد هستند تا به حقیقت روحانیت، ضربه بزنند. حقیقت خطرات را نمی‌توان منتقل کرد؛ ولی نسل جوان باید بداند که نسل دیروز، دلسوز آنان است. آنان باید به پندهای پیشینیان توجه کنند. از آن سال‌ها تاکنون، پیام روحانیان در تمام برخوردها تنها اخلاق اسلامی، تواضع و گذشت را القاء کرده است. من خاطره شخصی از استادان را ندارم؛ چرا که نگاهم به ایشان، تنها چشمه‌ای زلال برای آشامیدن جرعه آب گوارا بوده است. ایشان عالمی است که همچون چشمه‌ای جوشان تشنگان را از معارف سیراب می‌کند.

یادم است روزی در منزل ایشان بودم و درباره ترجمه قرآن ایشان که در حال گویاسازی بود، پیشنهاد دادم که بخش‌هایی را ویرایش کنم. ایشان بسیار محترمانه توضیح داد که در ترجمه هدفی ویژه را دنبال می‌کند. از این رو، ترجیح می‌دهد که ترجمه به همان گونه که نوشته است، گویا شود. استادان انصاریان صدها جلد کتاب به من نشان داد که همگی یادداشت‌های دست‌نویس ایشان بود. همه آنها صحافی شده بود. نسخه‌های دست‌نویس، از همه کتاب‌های ایشان در آن کتابخانه بود که همه آنها به نوعی میراث فرهنگی محسوب می‌شود. ایشان دو سال پیش و در حسینییه، اشاره به گویاسازی ترجمه قرآن کرد و من را مورد تفقد قرار داد. ایشان از من خواست تا در مجلس صحبت کنم. ایشان به من آموخت که چگونه باید با قرآن آموزان نوجوان برخورد کرد که این اتفاق برای من بسیار جالب بود.

استادان انصاریان در منش سیاسی خود، مدافع منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی و امام راحل هستند و با وجود این، تاکنون از ورود به جناح‌های سیاسی با هوشیاری پرهیز کرده است. سیاست ایشان سیاست‌بازی نیست، بلکه سیاست‌مداری است که به وظایف خود عمل می‌کند. یکی از اشتباه‌های امروزی این است که پس از اینکه بزرگان از دنیا می‌روند، با برگزاری مراسم، یاد آنان را گرامی می‌داریم و از کوشش‌های ایشان قدر دانی می‌کنیم. همان گونه که در مستندی جشن صدسالگی استاد «گنجی» را به پاس سلامت زندگی‌اش برپا کرد، همه باید قدر دان بزرگان عرصه‌های گوناگون باشیم؛ هم چهره‌های حوزوی و هم چهره‌های دانشگاهی. وظیفه ما تکریم بزرگان و معرفی آن‌ها به جامعه برای الگوپردازی است. اگر الگوی مردم از میان بزرگان برگزیده نشود، غرب هویت ما را مسخ خواهد کرد. در این زمینه، می‌توان با حمایت از آثار بزرگان و علما، بخشی از رسالت فرهنگی خود را ادا کنیم.

امیدوارم بتوانم از تلاش‌های علمای پیشین که در ظاهر نیستند، اما در واقع بر اساس حدیث امام علی (ع) در میان ما هستند، قدر دانی کنم. عالم زنده است، حتی اگر بمیرد و جاهل مرده است، حتی اگر در ظاهر زنده باشد. علما را باید از زمان آغاز غیبت تاکنون عناصری زنده دانست. باید آثارشان را زنده نگاه داشت. در گام نخست، باید از علمایی قدر دانی کرد که در قید حیات ظاهری هستند. باید افکار ایشان گسترش داده شود تا از این راه، شریعت و هویت فرهنگی مصون بماند. من همواره در رویارویی با استادان انصاریان تلاش کرده‌ام، مرز رفتاری خود را شناخته و در برخورد با ایشان حریم میان شاگرد و استاد را در غیاب و حضور ایشان، به خوبی رعایت کنم. همه اشتیاقم این بوده است که از ایشان بهره ببرم. در سفر حج و در هواپیما، در محضرشان بودم و خود می‌دیدم با وجود اینکه در سخنرانی‌هایشان





دکتر آیت پیمان:

# بررسی دوره‌های تدریس استاد

یکی از مهم‌ترین ابعاد شخصیتی استاد انصاریان تدریس ایشان در حوزه علمیه است؛ این بخش از زندگی ایشان برای غالب مردم ناشناخته است؛ تدریس تفسیر قرآن کریم و نهج البلاغه، فقه و فلسفه و ادبیات عرب و تدریس مهارت‌های ترجمه از فعالیت‌های علمی ایشان به شمار می‌رود. در این گفت‌وگو دکتر آیت پیمان مدیر موسسه دین پژوهان و مدیر موسسه شیعه‌شناسی به بررسی خصوصیات و ادوار تدریس ایشان پرداخته‌اند.

پنج دهه فعالیت تبلیغی در سطحی گسترده سبب شده است که چهره‌ای تبلیغی از ایشان در ذهن‌ها ترسیم شود. اما باید گفت که بُعد علمی ایشان را می‌توان از آثار پژوهشی و تألیفی ایشان شناخت.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا

## ● نظر تان درباره روش تدریس ایشان چیست؟

یکی از افراد برجسته علمی و بسیار کوشادر پژوهش، تحقیق و تألیف، استاد آیت‌الله حسین انصاریان هستند که در این مدت، از وجود پرفیض و پربرکت ایشان بهره‌های فراوانی برده‌ام.

ایشان از دوران جوانی، چنان در تحقیق و تتبع و تحقق فرهنگ نورانی اهل بیت(ع) از طریق سخنرانی‌های خود می‌کوشند که همه توجهات را به خود جلب کرده‌اند و دیگر ابعاد وجودی ایشان کمتر شناخته شده است. دانش پژوهی و تحقیق و تدریس ایشان

برای بسیاری هنوز ناشناخته مانده است. به غیر از خواص، کمتر کسی از این فعالیت‌ها آگاه است، اما باید گفت که بعد علمی ایشان را می‌توان از آثار پژوهشی و تألیفی استاد شناخت. تدریس‌های ایشان نیز همچون سخنرانی‌هایی که انجام می‌دهند پراز نوآوری است. شاید از تلاش‌های ایشان در عرصه تدریس همچون بعد خطابه سخن گفته نشده باشد. دوران تدریس استاد انصاریان را باید به سه دوره متفاوت که در سه مرحله از عمر پربرکت‌شان سپری شده است، تقسیم کرد؛ دوره نخست، تدریس ایشان در شهر قم بوده است. ایشان در سن ۲۷ سالگی و در آغاز دهه پنجاه

شمسی، کتاب فقهی «اللمعة الدمشقیة» و کتب سطح را تدریس می‌کردند. در آن روزگار، انتخاب اساتید جوان برای تدریس علم فقه مرسوم بود. این کتاب که از اهمیت فراوانی برخوردار است، یکی از مهم‌ترین منابع فقه شیعی به شمار می‌آید. مرحوم آیت‌الله خوانساری، مرجع بزرگ گفته بودند که من استادی را که بتواند کتاب «لمعه» را به خوبی تدریس کرده و استدلال‌ها و تحلیل‌ها را به درستی برای طلاب بیان کند، فقیه می‌دانم.

دوره دوم تدریس ایشان در دهه شصت است که به تفسیر موضوعی قرآن در تهران پرداختند. در

کفت و گو

مجت‌الاسلام والمسلمین اصلائی  
مسئول بخش پاسفگوی مؤسسه دارالعرفان:

## لزوم بهره‌گیری از روایات و قرآن در پاسخ به شبهات دینی

حدود ۲۵ سال است که سعی کرده‌ام به قدر بضاعت خود از محضر استاد بهره ببرم؛ ایشان انسانی وارسته، مذهب و عالم

هستند و ویژگی‌های بسیار ممتازی در اخلاق، ادب و رعایت حقوق اسلامی دارند؛ ویژگی‌هایی که در قرآن و احادیث برای مومنان بیان شده است. با پیشینه سال‌ها هم‌نشینی با ایشان، بدون حتی کمترین اغراقی می‌توانم بگویم که ایشان اسوه‌ای مناسب برای همه جامعه، به ویژه جامعه طلاب و علمای حوزه علمیه هستند.

استاد انصاریان حدود نیم قرن است که در عرصه تبلیغ فعالیت‌های گسترده داشته و امتیازاتی منحصر به فرد دارند؛ امتیازاتی که با گذر زمان همچنان تازگی خود را حفظ کرده است؛ به دیگر سخن، هنوز می‌توان اقبال عمومی از ایشان در عرصه تبلیغ را دید و ارتباط موثر و صمیمانه ایشان با





اولویت‌های مهم در حوزه را تدریس قرآن و نهج البلاغه می‌دانستند.

استاد همواره تأکید می‌کردند که اساتید و مفسران حوزه و افرادی که قدرت تفسیر قرآن و نهج البلاغه را دارند، نباید این دو کتاب گران سنگ را در مرحله‌ای پایین تر از دیگر منابع علمی - حتی منابع فقهی - قرار دهند و خود به این مهم پایبند بودند. اعتقاد ایشان این بود که باید تا جایی که امکان دارد، از این دو منبع بزرگ و پرفیض الهی برای جامعه و شاگردان بهره گرفت، از این رو در سال ۸۵ و ۸۶ تفسیر نهج البلاغه را در مدرسه فیضیه آغاز کردند که با استقبال بیش از ۳۰۰ نفر از طلاب مشتاق در این حوزه روبه‌رو شد. ایشان درس خود را از خطبه ۸۶ آغاز کردند؛ چرا که این خطبه، تعالیم والای معنوی، اخلاقی و تربیتی بسیاری دارد. همچنین استاد درس تفسیر قرآن را نیز در این دوره شروع کردند. این تفسیر، در میان دیگر تفاسیر تألیفی یا تدریسی در حوزه، تفسیری نو و متفاوت بود. استاد تفسیر خود را از ابتدای سوره حمد آغاز کرد و تاکنون بیش از دویست جلسه از این درس برگزار شده است. این دوره تفسیر، از استنباط‌ها و برداشت‌هایی نو از آیات بار و یکرندی عرفانی، اخلاقی و تربیتی برخوردار است. به دیگر سخن، ایشان وجهی متفاوت را از آیات قرآن در درس استنباط می‌کنند. روش تفسیر استاد نیز آیه به آیه و نیز قرآن به روایت صحیح است. تفسیر قرآن به قرآن که روش علامه طباطبایی نیز بوده، بهترین روش تفسیری است که مورد اجماع همه مفسران قرآن کریم نیز قرار دارد. مباحث تفسیری ایشان در این روش، چنانکه بسیاری از اهل علم نیز قضاوت می‌کنند، از نوآوری‌ها و استنباط نظریه‌هایی تازه از قرآن کریم برخوردار است.

● نحوه تدریس استاد در تعالیم قرآنی به چه نحو بوده است؟

ایشان در این روش کوشیده‌اند که بار و یکرندی را بردی، تعالیم قرآنی را در جامعه اجرایی کنند. علاوه بر این،

بودند. می‌توان گفت که این افراد بخشی از تکامل اندیشه و بعد معنوی خود را مرهون درس‌های بسیار پر ثمر استاد انصاریان بودند؛ البته نتیجه آن درس‌ها، امروز به شکل مجموعه‌ای ارزشمند درآمده است که از آن جمله می‌توان به کتاب «چهره‌های محبوب و منفور در قرآن کریم» اشاره کرد؛ این کتاب برگرفته از همان درس‌های عرفانی، معنوی و اخلاقی و مبتنی بر قرآن کریم است.

استاد انصاریان از سال ۸۵ به قم آمدند و دوره‌های جدید از تدریس را در فیضیه آغاز کردند. ایشان برخلاف وجود پیشنهادهایی برای تدریس دروس مختلف،

سال‌های نخست انقلاب، ایشان در تهران زندگی می‌کردند. در آن روزگار که نهضت امام (ره) به ثمر رسیده و نظام جمهوری اسلامی در حال شکل‌گیری بود، ایشان دوره‌های تدریسی را که به دعوت از سپاه پاسداران برگزار می‌شد، برای نسل نوپای انقلابی برپا کردند؛ دوره‌های کامل از مباحث عرفانی - اخلاقی و برگرفته از قرآن کریم که مطالب در آن با روش تفسیر موضوعی و تحلیلی بیان می‌شد. بیشتر شرکت‌کنندگان نیز از جمله فرماندهان سرشناس سپاه همچون شهیدان محمدابراهیم همت، مهدی باکری، حسن باقری و جاوید الاثر حاج احمد متوسلین

از این رو باید به وسیله راهی به غیر از این، پاسخ‌گوی شبهه‌ها و پرسش‌های شرعی مردم نیز بود.

ایشان همواره عصر کنونی را عصر بارش شبهات در حوزه دین می‌خوانند؛ در شرایط حاکم نیازمند فعالیت تبلیغی در راهی به غیر از سخنرانی و وعظ هستیم؛ خداوند نیز لطف خود را شامل حال ما کرد و این بخش با عنوان کلی «پاسخ‌گویی به شبهات دینی» راه‌اندازی شد؛ البته در این بخش به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و شبهات اخلاقی، اعتقادی و تاریخی پاسخ داده می‌شود؛ حتی در این بخش پاسخ‌گوی پرسش‌هایی در موضوعات مربوط به خانواده نیز هستیم.

مخاطبان نشان، به تنهایی می‌تواند ایشان را الگویی ممتاز معرفی کند؛ البته روشن است که می‌توان ایشان را در دیگر ابعاد شخصیتی؛ مثل بعد علمی نیز الگو دانست.

در این مدت که در این موسسه مشغول به فعالیت هستیم، پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی مراجعان و کاربران اینترنتی، تحت نظارت مستقیم و بی‌واسطه ایشان صورت گرفته است؛ ایشان علاوه بر اینکه زمان شناس و مخاطب‌شناس زنده‌ای هستند، با تأسیس بخش پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی و اعتقادی، نشان دادند که سخنرانی‌های مذهبی با همه گستردگی که دارند نمی‌تواند در همه زمینه‌ها پاسخ‌گوی نیازهای دینی جامعه باشد،



#### مجموعه

تفاسیر ایشان

قرآن کریم یا

نهج البلاغه

در میان دیگر

مجموعه‌های

تفسیری موجود،

روان، بدیع، نو و

بسیار پُر جاذبه

است.



ویژه‌نامه

آشنای نا آشنا

استاد انصاریان در مباحث قرآنی، از داستان‌های حکمت‌آمیز و بسیاری از تمثیلات حکیمانه در تفسیر قرآن بهره‌جسته‌اند. همچنین، ایشان برای درک بهتر و فهم دقیق تر مخاطبان و انتقال معانی دشوار و پیچیده قرآنی، از بیان ادبیات عرب یا ادبیات غنی فارسی در تکمیل مباحث فروگذار نکرده‌اند؛ به همین دلیل، مجموعه تفاسیر ایشان از قرآن کریم یا نهج البلاغه در میان دیگر مجموعه‌های تفسیری موجود، روان، بدیع، نو و بسیار پُر جاذبه است. باید گفت که استقبال فراوانی از این دوره می‌شود، به گونه‌ای که مؤسسه دارالعرفان از همان آغاز، متن سخنان استاد در جلسه تفسیر را در پایگاه اینترنتی خود بارگذاری می‌کرد. از این رو، علاقه‌مندان تفسیر، هم در داخل کشور و هم در خارج، از این آثار استفاده می‌کردند.

نگاه بزرگان علمی به تفسیر استاد انصاریان قابل تأمل است؛ از جمله مرحوم آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی که با مطالعه بخشی از تفاسیر ایشان، با تشویق و تحسین استاد، به ادامه دادن این تفسیر تأکید کرده بودند. ایشان با توجه به نکات بدیع این اثر ابراز امیدواری کرده بودند که طلاب و اهل علم از آن بهره‌برداری کنند. این موضوع نشانگر آن است که چنین مباحث تفسیری، بسیار پراهمیت است. ایشان با وجود اشتغال به امر تبلیغ در طول سال، به غیر از ماه‌های محرم و صفر، به ادامه این دوره تفسیری پایبند هستند.

#### ● درباره تألیفات ادبی و ترجمه قرآن ایشان برایمان بگویید.

ایشان در کارنامه درخشان خود، تدریس «شرح منظومه» ملاحادی سبزواری را نیز دارند. باید گفت که این دوره تدریسی از آغاز دهه هشتاد تا سال ۸۵ به صورت خصوصی در مؤسسه دارالعرفان دایر شد. ایشان به تدریس هر کتابی که پرداختند، با پشتوانه علمی و نیز تنوع و استعداد‌های خود توانستند آن را به بهترین صورت برگزار کنند. تدریس «منظومه» با

همه آن نوآوری‌ها، تحلیل‌ها و شرح‌های مثال‌زدنی، این دوره را به دورهای فاخر تبدیل کرده است. ایشان دوره‌ای را در تهران و در کتابخانه منزل خود با موضوع ادبیات تخصصی عربی برگزار کردند. این دوره که در دهه هفتاد هم ادامه داشت، علاوه بر شرکت‌کنندگان، برای استاد نیز بسیار سودمند بود؛ زیرا افراد از تدریس ممتاز ایشان در ادبیات تخصصی عربی برخوردار می‌شدند.

استاد بهاء‌الدین خرمشاهی که ترجمه‌های قرآن را ارزیابی می‌کنند، با بررسی ترجمه‌های مترجمان، ایرادها و مشکلات اثر را تذکر می‌دهند. ترجمه استاد انصاریان به قدری از ایرادات خالی و از نقاط قوت آکنده بود که استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، خود در مقاله‌ای به این نکته اشاره کردند که برخلاف روش نقد و بررسی، ناگزیر هستیم این ترجمه را تحسین کنیم؛ چرا که نقد منصفانه تنها بیان ضعف‌ها و اشکالات نیست، بلکه اشاره به نقاط قوت و تحسین آن نیز از گزاره‌های نقد است. استاد خرمشاهی پس از تمجید بسیار، به اینکه این ترجمه یکی از بهترین ترجمه‌های معاصر به زبان فارسی است، اشاره کرده بودند. و این تسلط بر ترجمه را باید مرسوم تدریس ایشان در حوزه تخصصی ادبیات عرب و مهارت‌های ترجمه در دهه هفتاد دانست و همه این نتایج، تنها به دلیل تدریس پر بار ایشان بود. تدریسی که استاد با ذکاوت و استعداد خود، به چنین نتایج درخشانی رسیدند.

ویژگی‌های تفسیری ایشان در برتری آثارشان بسیار مؤثر بوده است. قالب و حجم مطالب، نظریه پردازی، تازگی، استنباط، تحلیل و برداشت‌ها، بیان وجوه مختلف از آیات، از ویژگی‌هایی ممتاز این تفسیر است. تاکنون بیش از ۳۶ جلد از تفسیر ایشان که «تفسیر حکیم» نام دارد، آماده چاپ شده است. در این مجموعه، موضوع طلاق از منظر فقه، در بیش از ۱۵۰ صفحه و تفسیر آیات جهاد، در بیش از دویست صفحه از این اثر، شرح داده شده است. موضوع خمس نیز ۳۰۰ صفحه را

به خود اختصاص داده است. همچنین، موضوع‌های مهم و مختلف فقهی به صورت مسیوط در این تفسیر بیان شده است. این رویکرد نشان از اشراف استاد به مباحث، نحل‌ها و مکتب‌های فقهی دارد.

ابعاد پر ثمر تدریس ایشان، بسیار کم مطرح شده است. امید است که اهل علم و جامعه علمی کشور، با این جنبه از مجاهدت‌های علمی ایشان نیز همانند دیگر ابعاد تبلیغی که داشته‌اند آشنا شوند. به راستی امروز، وجود اساتید گران‌مایه، محققان، پژوهشگران و اندیشمندانی این چنین از ضرورت‌های جامعه است؛ زیرا با تلاش‌هایی از این دست، جامعه به رشد رسیده و به سعادت نزدیک‌تر می‌شود. استاد انصاریان احاطه و اشرافی جامع در موضوع‌های مختلف دارند. گاه محققان مؤسسه که تنظیم‌آثار ایشان را بر عهده دارند، در استخراج منابع و مصدق و نیز در پیدا کردن برخی از استنادات، به نتیجه نمی‌رسند؛ این در حالی است که آنان با در اختیار داشتن منابع گوناگون علمی و نرم‌افزارهای رایانه‌ای بسیار در این امر توانمند هستند. این موضوع نشانگر آن است که ایشان تنها از یک یا چند منبع محدود استفاده نمی‌کنند، بلکه از بسیاری از کتب در راستای حقیقت‌فهمی بهره‌می‌جویند.

#### ● با توجه به ارتباط بلندمدتی که با استاد



#### کفت و گو

اعتقادی بازگشته‌اند.

در این میان، جوانان که شاید از طرح پرسش‌های اعتقادی خود با اعضای خانواده شرم می‌کنند، محرمانه‌ترین پرسش‌های خود را با ما مطرح کرده و پاسخی درست، روشن و ارشادی نیز دریافت کرده‌اند. اینکه مردم توانسته‌اند با ایشان چنین صمیمی باشند و پرسش‌های خصوصی خود را در میان بگذارند، یکی از بارزترین ویژگی‌های استاد انصاریان است.

حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از افرادی که برای دریافت پاسخ به پایگاه اینترنتی مؤسسه مراجعه می‌کنند، کسانی هستند که سخنرانی‌های استاد انصاریان را دنبال کرده و از محتوای آن آگاه هستند؛ بخش دیگری از کاربران و

از پانزده سال پیش تاکنون، به بیش از پانصد هزار پرسش دینی پاسخ داده شده؛ گاه میان پرسش‌گر و کارشناس، بیش از دویست پرسش و پاسخ مطرح شده است؛ همواره در این بخش تلاش شده است تا پرسشگر به درک کامل و فهم دقیق موضوع برسد.

گاه پاسخ‌ها به شبهات دینی، چنان مفید و کاربردی بوده است که برخی اقلیت‌های دینی با مراجعه به پایگاه اینترنتی این بخش، متحول شده‌اند، حتی برخی مسیحیان که با پرسش شبهه‌های خود، پاسخی درست و کامل دریافت کرده‌اند، به اسلام گرویده‌اند و به مذهب شیعه روی آورده‌اند؛ بسیاری از مراجعان، از تاریکی‌های اعتقادی نجات یافته و به سلامت



کامل‌ترین و جامع‌ترین تفسیر صحیفه سجادیه در پانزده جلد، تفسیری است که ایشان برای این منبع بی‌نظیر نوشته‌اند. کمتر می‌توان تفسیری به زبان فارسی، جامع و کامل از صحیفه سجادیه پیدا کرد. برخی از بزرگان، تنها آیات و بخش‌هایی از صحیفه سجادیه را انتخاب و تفسیر کرده‌اند، اما نخستین تفسیر جامع برای صحیفه سجادیه، تفسیر استاد انصاریان است.

برخی از بزرگان شیعه، «مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة» را پس از نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، سومین متنی می‌دانند که به امام معصوم (ع) منسوب است. «مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة» که به امام صادق (ع) منتسب است، بیشتر در باب عرفان و اخلاق است. باید گفت که این اثر، یکی از مهم‌ترین منابع عرفان شیعی است. یکی از افتخارات استاد انصاریان این است که ایشان این کتاب را بیش از بیست سال پیش، در پانزده مجلد به صورت مفصل شرح کرده‌اند. امروز این اثر، یکی از کتاب‌های مرجع در تحقیق و پژوهش‌های عرفانی-اخلاقی است؛ بنابراین، گرایش تفسیری ایشان بسیار متمایزتر از دیگر گرایش‌های ایشان است؛ هر چند ایشان در بسیاری از علوم؛ مثل کلام، فقه، تاریخ و سیره آثاری مکتوب و فاخر دارند.

در چند سال اخیر، ایشان با درخواست‌های فراوانی برای حضور در کشورهای دیگر مواجه شدند؛ از این رو، زمانی را برای حضور در چنین کشورهایی اختصاص دادند. باید گفت که حضور ایشان در کشورهای اروپایی؛ مثل ایتالیا، فرانسه، آلمان و هلند یا کشورهای آسیایی؛ مثل آذربایجان و گرجستان با شور و شوق شیعیان مواجه شد. چهره‌های دانشگاهی، فعالان شیعه و علاقه‌مندان مذهبی و نیز حتی کسانی که به سیاست جمهوری اسلامی بی‌علاقه بودند و کمتر در سفارتخانه‌های ایران و مراکز مذهبی حضور پیدا می‌کردند، از استاد انصاریان استقبال شایسته می‌کردند. حتی گاه این امر به قدری باشکوه بود که تعجب‌همگان را برمی‌انگیخت.

استاد انصاریان در عرصه تفسیر، چهره‌ای متمایزتر دارند، حتی سخنرانی‌های ایشان در مجامع علمی یا همایش‌های ملی و یا جلسه‌های عادی، بیشتر از موضوع‌های تفسیری است.

استاد در سخنرانی‌های خود نیز بیشتر به تفسیر آیات قرآن یا استنباط و استخراج وجوه مختلف در مباحث اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، اخلاقی و عرفانی از آیات و روایات موفق می‌پردازند. به دیگر سخن، دیگر ابعاد علمی ایشان نیز تحت تأثیر تفسیر قرار گرفته است. به راستی ایشان مفسری موفق در تفسیر قرآن کریم، نهج‌البلاغه و دیگر منابع شیعی است. باید گفت که

داشته‌اید، از ویژگی‌های ایشان بگویید.

استاد انصاریان با نبوغی خاص و با حضور ذهنی فوق‌العاده که در کمتر کسی مشاهده می‌شود، بی‌درنگ نشانی دقیق را حتی در مورد نادرترین منابع و مصادیق بیان می‌کنند. می‌توان گفت که قدرت حافظه ایشان که موهبتی خدادادی است، پشتوانه اصلی فعالیت‌های علمی استاد بوده است. ایشان که عالمی ربانی و فعال در موضوع‌های اخلاقی-عرفانی هستند، استاد اخلاق و عرفان نیز هستند. این که ایشان در عرصه تفسیر، یکی از مفسران بزرگ زمانه شناخته شوند، امری شایسته و لازم است.

فهم برخوردار است، در این اثر، از سبکی نوین و ممتاز برای تفسیر قرآن بهره برده شده است.

استاد انصاریان همواره توصیه می‌کنند که پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، تنها برای رفع تکلیف نباشد؛ برقراری ارتباط ملایم با مخاطب، نکته‌ای است که ایشان به آن توجه دارند؛ چرا که برخی مخاطبان، برای پرسش درباره گناهی که پیش‌تر کرده‌اند، خجالت‌زده‌اند؛ از این رو، باید با مهربانی با ایشان به گفتگو نشست؛ یکی از دلایل جذب حداکثری ایشان، ملاطفت در گفتار و مهربانی ایشان در رفتار است؛ این همان سری است که استاد از نبی مکرم اسلام (ص) آموخته‌اند؛ مهربانی، مردم‌داری و مدارا با خلق خدا.

مراجعه با آثار مکتوب استاد مانوسند؛ حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از پرسشگران، پرسش‌هایی پیرامون مکتوبات استاد مطرح می‌کنند.

استاد انصاریان در نگارش تفسیر قرآن دقت بسیاری به زمان‌شناسی و مخاطب‌شناسی داشته‌اند؛ فهم درست قرآن و آگاهی از تفسیر آیات آن، ضروری است؛ استاد با تشخیص اینکه مشکل اصلی در تفاسیر قرآن موجود، ثقل کلام و در نتیجه آن، عدم جذب درست و پایدار مخاطب است، این تفسیر را که گویی با مخاطب خود سخن می‌گوید، به رشته تحریر درآوردند. ایجاد انس و ارتباطی ناگسستنی میان تفسیر و مخاطب، از جمله ویژگی‌های «تفسیر حکیم» است؛ چرا که از روانی، سادگی و سهولت در

«مصباح الشریعة و  
مفتاح الحقیقة»  
یکی از مهم ترین  
منابع عرفانی  
شیعی است. یکی  
از افتخارهای  
استاد انصاریان  
این است که این  
کتاب را پیش از  
بیست سال پیش،  
در پانزده مجلد،  
به صورت مفصل  
شرح کرده اند.



## ویژه نامه آشنای نا آشنا

استاد انصاریان نگرشی ویژه به جامعه، دین، تربیت و خانواده و نیز مسائل معنوی و فرهنگی جامعه اسلامی دارند. ایشان یکی از مبارزان و مجاهدان سخت کوش برای تحقق فرهنگ ناب و نورانی اهل بیت (ع)، معارف قرآنی و مکتب تشیع هستند؛ از این رو، در عرصه تعلیم و تربیت، از طریق رسانه نافذ و بسیار تأثیرگذار منبر به فعالیت پرداخته اند.

چرا که استاد در آغاز انقلاب اسلامی، مسئولیت‌هایی را بر عهده گرفته بودند، اما طبق اسناد موجود، با وجود پیشنهاد مسئولیت‌ها و سمت‌های اجرایی گوناگون، ایشان از حضرت امام درخواست کردند تا ایشان را از همه آن احکامی که برای ایشان صادر شده بود، معاف کرده و به ایشان اجازه تبلیغ بدهند، زیرا با وجود گستردگی مجالس در شهرهای مختلف و استقبال پرشکوه مردم، به ویژه جوانان انقلابی از ایشان، گزینهای غیر از تبلیغ برای ایشان وجود نداشت.

پیمان گفت: پس از انقلاب اسلامی و به ویژه در دوران دفاع مقدس، حضور افرادی همانند استاد انصاریان در عرصه فکری و معنوی کشور برای تأثیرگذاری و شورآفرینی در جبهه‌ها ضرورت داشت. ایشان یکی از افراد تأثیرگذار بر رزمندگان و نیز یکی از جذب‌کنندگان نیروهای مؤمن و معتقد بسیجی به جبهه‌ها بودند. استاد انصاریان با حضور دراز مدت و مداوم خود در جبهه‌ها رزمندگان را از معنویت و باورهای ایمانی سیراب می‌کردند و نیز با هدایتگری‌های خود در همه استان‌ها و بیشتر نقاط کشور، یکی از مراکز تقویت همیشگی جبهه را برپا کرده بودند. فعالیت‌های ایشان در این بازه زمانی، بسیار پربرکت بوده و آثار آن فراوان است؛ آن گروه از مسئولان داخل و خارج کشور که از درونی ایمانی و با معنویت برخوردار بوده و نیز در عرصه دینی و فرهنگی، تأثیرگذار هستند، همچون برخی از وزرا یا سفرا و رایزین‌های فرهنگی، شکل‌گیری شخصیتی خود را متأثر از سخنرانی‌ها و معارفی می‌دانند که استاد انصاریان پیش‌تر ایراد کرده‌اند.

استاد انصاریان نیز در این دوره شناختی عمیق به زبان عربی به دست آورد و اشرافی گسترده بر کتب عربی پیدا کرد. از رهگذر همین دوره، تسلط ایشان در ادبیات عربی چنان شد که ایشان به ترجمه قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه سجاده و مفاتیح الجنان اقدام کردند. پیمان همچنین گفت: سازمان اوقاف و دیگر مراکز قرآنی، چندی پیش درصدد معرفی این اثر با عنوان ترجمه ملی قرآن کریم بودند، اما استاد انصاریان به شدت با این تصمیم مخالفت کردند و به خاطر پاسداشت و احترام به بزرگان دینی و نیز ترجمه‌ای که آنان بر قرآن کریم نوشته‌اند، به‌طور کلی از این امر منع کردند. باید گفت که استاد انصاریان از نشر مقاله توصیفی و تحلیلی استاد خرمشاهی رضایت کامل نداشتند.

استاد انصاریان کوشیده با روانی نثر مخاطب را به بهترین صورت، مستغنی کنند. ایشان بیش از دو بیست جلسه، مشغول تفسیر قرآن کریم است که بخشی از این مقدار به چاپ رسیده است. تنها یک مجلد از این عنوان با ششصد صفحه، در بردارنده تفسیر سوره مبارکه حمد است.

پیمان با یادآوری اینکه در تابستان ۱۳۵۷، به دلیل راهنمایی‌های معلم خویم که در دوران دفاع مقدس به درجه شهادت رسید، با سخنرانی‌های استاد انصاریان آشنا شدم، افزود: ایشان با امانت دادن نوارهای سخنرانی استاد انصاریان به من، مرا در این مسیر قرار داد. البته من پس از استفاده از نوارها، باید آن را در اختیار دیگر دانش‌آموزان قرار می‌دادم. ایشان با این کار شمار بسیاری از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی را با انقلاب، حضرت امام (ره) و دیگر برجستگان علوم دینی آشنا کرده بود. از این رو، من از سن هفده سالگی تلاش بسیار کردم تا بتوانم در بسیاری از شهرها خود را در جلسه‌های سخنرانی ایشان حاضر کنم.

او گفت: در آن روزگار به سختی این امکان فراهم بود که نوارها را تهیه کنم، اما با این همه، نوارخانه‌ای از سخنرانی‌های استاد انصاریان و برخی از سخنرانان

انقلابی همچون مرحوم کافی و هاشمی نژاد ایجاد کرده بودم. در میان نوارهایی که به دستم می‌رسید، جاذبه‌ای خاص مرا جذب سخنرانی‌های استاد انصاریان می‌کرد. این ارتباط هر چند به صورت غیرمستقیم بود، ولی ادامه پیدا کرد. اما از ابتدای دهه هفتاد، چند سال به صورت پیوسته، افتخار میزبانی سخنرانی ایشان را در یاسوج داشتم. همین امر سبب شد تا در بیست سال اخیر، به صورت مستقیم با ایشان در بسیاری از فعالیت‌های علمی و تبلیغی - در داخل کشور یا خارج از آن - همراه و در خدمت ایشان باشم.

مدیر مؤسسه شیعه‌شناسی ادامه داد: من به دلیل اقتضای موقعیت شغلی، به بسیاری از کشورهای اروپایی و آسیایی سفر کرده و با فعالان حوزه علم و دین این کشورها ملاقات و گفت‌وگو کرده‌ام. یکی از موضوعاتی که در این سفرها بسیار پراهمیت بود، ضرورت حضور علما و بزرگان جهان تشیع در چنین کشورهایی است. من بارها این موضوع را با استاد انصاریان در میان گذاشتم، اما ایشان نپذیرفتند. مسلمانان دیگر کشورها همواره از چرایی عدم مسافرت استاد به کشورهای خارجی می‌پرسیدند و پاسخ ما نیز به آنان، فراوانی اشتغال و برنامه‌های استاد بود. اما با این همه، خواسته‌های شیعیان را به استاد منتقل می‌کردم. استاد ویژگی‌های اخلاقی و جاذبه‌های رفتاری بسیاری دارند. از این رو، همگان، به ویژه جوانان به ایشان علاقه‌مند هستند. من بارها خود می‌دیدم که مردم با ایشان برخوردی پرشوق دارند تا جایی که گاهی ملاقات‌های ایشان با دوستانشان حتی ساعت‌ها پس از نیمه شب نیز به طول می‌انجامد؛ البته ایشان در تمام مدت این ملاقات‌ها با روحیه‌ای پذیرا، گفت‌وگو می‌کردند، به گونه‌ای که پایان این دیدارها، گویی تازه آغاز آن بود. همین ویژگی نیک، پشتکار و خستگی‌ناپذیر بودن ایشان و نیز علاقه فراوان استاد به هدایتگری سبب می‌شود که خداوند نیز ایشان را در این مسیر یاری و توفیق دهد.

### کفت و گو

انصاریان از جمله منابعی است که برای پژوهش‌های دانشگاهی مورد استفاده قرار گرفته است؛ «عرفان اسلامی» که سال‌ها از نشر آن گذشته، بارها بازنگری شده و با ویرایش‌های گوناگون به چاپ رسیده است و «شرح صحیفه سجاده» از جمله مجموعه‌هایی است که مرجع و منبع اصلی پژوهش‌ها و نیز تدوین پایان‌نامه‌ها به شمار می‌آید؛ در حوزه‌های اخلاقی نیز آثار دیگر استاد؛ همچون «عرفت نفس» قابل مراجعه است؛ باید گفت که علت مراجعه بسیار به این کتاب‌ها، این است که تمام مطالب آن‌ها مستند، متقن و از بهترین منابع شیعه و اهل سنت بوده و به سندی آنها نیز اشاره شده است.

استاد انصاریان در شیوه کار به ویژه در هیئت علمی و در پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌های مراجعان، همواره به استفاده از دو منبع پر فیض و عمیق آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) اصرار می‌ورزند؛ پس از تقلین، برای پاسخ‌گویی در زمینه تاریخی، از متقن‌ترین منابع و مراجع تاریخ عامه و شیعی استفاده می‌کنیم؛ استاد انصاریان در شیوه کاری خود، تنها به هدایت‌گری و روشنگری توجه می‌کنند؛ ایشان به کیستی افراد و اینکه کدام یک بیشتر به شرع پایبند است، توجه نمی‌کنند؛ ایشان با در اختیار قرار دادن پاسخ‌ها و معرفی منابع آن، شخص را برای پذیرش یا رد آن آزاد می‌گذارند.

به اذعان بسیاری از دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها، کتاب‌های استاد



آشنای ناآشنا  
درس گفته‌ها

# سیری در آثار وقالیفات استاد



مجت‌الاسلام‌ها المسلمین ممد علی کوشا؛

# از جنس پر آوازه‌ترین ادیبان

اشراف علمی،  
تسلط به ادبیات  
عرب، توانایی  
در نگارش  
روان فارسی و  
هنرمندی ایشان  
در این عرصه  
سبب برتری  
ترجمه ایشان  
گشته است.

تاکنون ترجمه‌های متعددی از قرآن منتشر شده که هر یک، نقاط قوت و ضعفی دارد، از جمله این ترجمه‌ها اثر استاد حسین انصاریان است که فارغ از آسیب‌های رایج در این حوزه مورد تأیید منتقدان است؛ لذا برای بررسی این اثر گفتگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد علی کوشا، کارشناس تخصصی ترجمه قرآن انجام گرفته است.

## ● ضرورت ترجمه قرآن توسط استاد انصاریان را تبیین کنید.

نخست باید تعریف ترجمه، ارکان و انواع آن و اینکه جامعه به کدام یک از انواع آن نیازمند است، بررسی شود. برگرداندن متن از زبان مبدأ به زبان مقصد با حفظ محتوا، ترجمه است. درباره قرآن، زبان مبدأ، متن عربی و زبان مقصد متن فارسی است. ترجمه نیازمند دو اصل است؛ آشنایی مترجم با ادبیات عرب. مترجمی که به ترجمه متون عربی (آیات یا روایات) می‌پردازد، باید با علم صرف، نحو، لغت و اشتقاق کاملاً آشنا باشد. تسلط در این چهار علم سبب می‌شود، ترجمه، در زمینه ادبی ماندگار شود. اصل دوم، هنر است. هنر در ترجمه؛ آشنایی با علم معانی، بیان و بدیع است. علوم بلاغی، علوم زیباشناسی زبانی است؛ این که چه جمله‌ای با چه عنوان و محتوایی باید در کجا قرار گرفته و چگونه

جلوه‌گری کند، نکاتی است که در علوم بلاغی به آن پرداخته می‌شود؛ لذا تسلط به ادبیات عرب و آگاهی از مباحث علوم بلاغی سبب مانایی و بر خور داری از چارچوب استوار برای ترجمه می‌شود. نمونه‌های تأثیر ادب و هنر را می‌توان در متون نظم و نثر دید؛ گلستان سعدی: «منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت/ هر نفسی که فرو می‌رود، مُمد حیات است و چون بر می‌آید، مفرح ذات/ پس در هر نفسی دو نعمت موجود و بر هر نعمتی شکر واجب.» دلیل ماندگاری و جذابیت این اثر و دیگر آثار سعدی، شیوه نگارش و آنکه مطابق با ساختار زبان فارسی و نیز هنر آفرینی اوست.

قرآن کلام بشر نیست. لفظ، محتوا و همه آنچه که عنوان قرآن بر آن صادق است، وحی الهی است. حتی کلمه‌ای از آن از رسول اکرم (ص) نیست. این کلام الهی از منبعی بی‌نهایت سرچشمه گرفته و با کلام بشر قابل مقایسه نیست؛ لذا در ترجمه آن، اصول بسیاری باید رعایت شود؛ چون مترجم، کلام خداوند را - با همه زیبایی‌ها و حقایقش - به زبانی دیگر باز می‌گرداند؛ هر چند او چنین ادعایی نمی‌کند. آنچه که اهمیت دارد این که مترجمی که به زبان فارسی ترجمه می‌کند، باید تا جای امکان، ترجمه‌ای مناسب با فهم فارسی‌زبانان بیافریند. ضرورت ترجمه‌های نوین به این علت است که زبان فارسی در حال تکامل است، حتی با وجود ترجمه‌هایی ممتاز، باز نیاز به ورود ترجمه‌هایی تازه احساس می‌شود. دگرگونی زبان فارسی و سرعت روز آمدن شدن آن به قدری است که شاید هر ۱۰ سال به یک ترجمه عالمانه نیاز باشد؛ پس بادر نظر گرفتن تغییر و تحول همیشگی در نظم و نثر، باید ترجمه‌های قرآن نیز مطابق با نثر روز باشد.

در میان ترجمه‌های پیشین، اشتباه‌هایی رخ داده که اهل فن با مطالعه ترجمه‌ها با آنها روبه‌رو می‌شوند. وجود این خطاها، استاد حسین انصاریان را که خود مترجمی متعهد و آشنا به ادبیات عرب و فارسی است، به ایجاد ترجمه تازه که خالی از خطاهای موجود است، واداشت.



### ● این ترجمه چه ویژگی‌هایی دارد؟

در پاسخ باید انواع ترجمه را بررسی کرده سپس به مقام ترجمه استاد پرداخت. ترجمه‌ها پنج نوع است؛ اول، ترجمه‌ای که قابل تحلیل است. این ترجمه، تحت‌اللفظی نامیده می‌شود و به صورت واژه به واژه متن ترجمه می‌شود؛ از مزایای این ترجمه، معنای دقیق آن است؛ یعنی با خواندن قرآن، معانی لغات درک می‌شود، اما از این نوع ترجمه، نمی‌توان انتظار مفهوم‌شناسی داشت.

نوع دوم ترجمه‌ها، ترجمه تفسیری است؛ یعنی چیزی فراتر از ترجمه. گاه ترجمه تفسیری با استفاده از پراکنش در متن و گاه نیز به شکل مشروح در پانویس‌هاست. چنین ترجمه‌ای همگام با تفسیر پیش می‌رود و با جملات تفسیری به درک بهتر مفاهیم کمک می‌کند.

نوع سوم ترجمه‌ها، مضمونی است؛ این نوع ترجمه با بیان مضمون آیات در قالب زبانی مثل فارسی صورت می‌پذیرد. نام دیگر آن ترجمه آزاد است. نوع چهارم، ترجمه منظوم است؛ ترجمه‌ای که در قالب شعر است.

نوع پنجم که هنرمندی و خلاقیت مترجم در آن باز می‌تابد، ترجمه تطبیقی است. ترجمه استاد، از این نوع است. ترجمه‌هایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ظهور کرد، بیشتر تطبیقی است؛ یعنی بیان مفاهیم و معانی دقیق آیات در قالب دستور زبان فارسی. زبان عربی از دستور زبان مستقلی برخوردار است. زبان فارسی نیز این چنین است. از این رو، نمی‌توان شیوایی قرآن را تنها با ترجمه - بدون تطبیق - به زبان دیگر باز گرداند، بلکه لازم است به غیر از ترجمه، دستور و قواعد زبان فارسی نیز بر آن منطبق شده تا شیوایی ترجمه افزایش یابد.

ترجمه‌های تطبیقی در مقایسه با یکدیگر از نظر سبک نگارش و طرز بیان محتوا متفاوتند. ترجمه استاد انصاریان از توضیحاتی مختصر در میان پراکنش برخوردار و بسیار تحسین‌برانگیز است. باید گفت که نثری که علمای حوزه می‌نویسند بانثر دانشگاهیان متفاوت است؛ در دانشگاه نثری به روزتر، قوی‌تر و ادیبانه‌تر نوشته می‌شود، اما در حوزه چون با متون عربی مواجه هستند، از نگارش متون فارسی فاصله بیشتری دارند. استاد انصاریان با وجود اینکه حوزوی هستند، مفاهیم آیات را به خوبی در ترجمه بیان کرده‌اند. علاوه بر این، در کاربرد واژه‌ها با دقت، عمل کرده و با آوردن توضیحات دور پراکنش، سبب برطرف شدن بخشی از ابهام و اجمالی شده‌اند که خواننده با آن روبه‌رو است. ایشان با نثری روان و قوی،



اثری همچون آثار پُر آوازترین ادیبان از خود به یادگار گذاشته‌اند.

### ● بیش از شش میلیون نسخه از ترجمه استاد چاپ شده، دلیل این استقبال چیست؟

چند عامل در این امر مؤثر است؛ روان بودن نثر؛ برخی مترجمان به دلیل سره‌نویسی آثاری دارند که مورد استقبال اندک قرار می‌گیرد؛ چرا که مردم نمی‌توانند به راحتی نثر کهن فارسی و واژگان آن را دریابند. دیگر دلیل بر مخاطب بودن آنکه استاد مفاهیم آیات را به روشنی بیان کرده‌اند. امروزه بیشتر افراد در پی درک حقایق قرآن هستند، آنان ضمن روبه‌رو شدن با ترجمه‌ای که گویای حقایق قرآن است، جذب آن می‌شوند. استاد چهره‌های شناخته شده هستند و این امر در توجه بیشتر به آثار ایشان تأثیر بسزایی دارد. همچنین، گویا بودن ترجمه ایشان موضوعی است که سبب جذب علاقه‌مندان شده.

### ● ویژگی‌های ادبی و هنری آثار استاد چیست؟

ایشان با رعایت فصاحت (گویایی لغات) و بلاغت (رعایت اقتضای خطاب) در کلام، ترجمه را به اثری ارزشمند تبدیل کرده‌اند. استاد در ترجمه توانسته با زبان توده‌های مردم سخن بگوید. ایشان در انتخاب لغات با دقتی عمیق، بهترین انتخاب‌ها را دارد تا جایی که گاه کلماتی را برگزیده‌اند که با قرار گرفتن پس یا پیش از واژه‌های دیگر، سبب ایجاد معنایی لطیف شده است. اشراف علمی، تسلط به ادبیات عرب، توانایی در نگارش روان فارسی و هنرمندی در این عرصه سبب برتری این اثر شده.

### ● مقتضیات تاریخی در ترجمه استاد در نظر گرفته شده؟

ترجمه قرآن غیر از تفسیر است. هر چند ترجمه

قرآن، خود تفسیری فشرده به شمار می‌آید. باید گفت که موضوع‌های تاریخی و تأثیرگذاری آن در تفسیر، در ترجمه‌ها محسوس است؛ برای مثال، نمی‌توان بدون مطالعه دقیق جنگ‌های پیامبر (ص) و بدون آشنایی با تاریخ جنگ‌ها برای تفسیر آیات جهاد اقدام کرد. فراتر از این، برای رسیدن به حکمی فقهی نیز در این موضوع باید جنگ‌های پیامبر (ص) بررسی شود؛ چرا که از این رهگذر، شرایط حاکم به دست می‌آید؛ بنابراین، پس از آگاهی از تاریخ، می‌توان درباره چگونگی تفسیر آیات تصمیم گرفت و یاد باره موضوعی، حکمی فقهی صادر کرد، البته وقایع و رخدادهای تاریخی در امر تفسیر تأثیر گذار است و در ترجمه کمتر اثر می‌کند.

### ● ترجمه استاد دگرگونی‌های زبانی دارد؟

ایشان با پیروی از سبک نگارشی روز، همگام با تغییرات زبانی پیش رفته‌اند؛ لذا این نثر برای همگان سودمند است.

### ● «تفسیر حکیم» از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

این تفسیر برای نسل امروز ضرورت دارد؛ چرا که گاهی این نسل نمی‌تواند حقیقتی را که در پی آن است، در برخی تفسیرها یافته و درک کند، اما استاد در این تفسیر، به بیان نکات لغوی، حدیثی، تاریخی و اخلاقی که با آیات مرتبط است، پرداخته‌اند؛ تفسیری جامع که در عین سادگی، در بردارنده محتوایی عمیق است. شأن نزول، تناسب آیات، توضیح مفردات و بیان نکات اخلاقی از ویژگی‌های برجسته این تفسیر است. در این تفسیر شواهد بسیاری از آیات برای هر آیه بیان شده؛ در حقیقت تفسیر قرآن به قرآن جریان یافته؛ شاید یکی از دلایل حجم بالای این تفسیر همین باشد.



تألیفات استاد حسین انصاریان؛

# تألیفات استاد حسین انصاریان

سوره

ویژه نامه

آشنای ناآشنا



### ترجمه‌ها

ترجمه صحیفه کامله سجاده  
ترجمه قرآن کریم  
ترجمه صفاتی الجنان  
ترجمه نهج البلاغه  
ترجمه اصول کافی ۵ جلدی

### شروع و تفاسیر

تفسیر حکیم تاکنون ۱۵ جلد  
شرح دعای کمیل ۲ جلد  
اوصاف اولیای الهی  
(شرح خطبه ۸۶ نهج البلاغه)  
عرفان اسلامی  
(شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) ۱۵ جلد  
تفسیر و شرح صحیفه سجاده  
۱۵ جلد

### اخلاق و عرفان

حدیث عقل و نفس آدمی در آیینه قرآن  
آشنایی با کرامات اهل بیت (ع)  
علی (ع) مصداق پاکی  
عنایت امام عصر  
مادر امام عصر (ع)  
نگاهی به مقام امام حسین (ع)  
نگاهی به مقام امام زین العابدین (ع)  
نگاهی به مقام حضرت خدیجه (س)  
نگاهی به مقام حضرت زینب (س)  
نگاهی به مقام حضرت فاطمه (س)  
نگاهی به مقام قمر بنی هاشم (ع)  
توبه آغوش رحمت  
لقمان حکیم

### کتاب به زبان های فارسی

عربی  
۱. عرفان اسلامی  
(عرفان اسلامی ۱۲ جلدی)  
۲. رحلة فی الآفاق و الأعماق  
(شرح دعای کمیل)  
۳. اهل بیت ملائکه الارض  
(اهل بیت عرشیان فرش نشین)  
۴. الاسرة و نظامها فی الاسلام  
(نظام خانواده در اسلام)  
۵. التوبة حصن الرحمة  
(توبه آغوش رحمت)  
۶. نظام العاشرة فی التطور الاسلامی  
(معاشرت در اسلام)

### اصول و عقاید

توحید و موحدان  
پرسش‌ها و پاسخ‌های اعتقادی  
ادب و آداب زائر  
چهل حدیث حج  
حج وادی امن  
مرگ و فرصت‌ها  
معاد  
مرگ و عالم آخرت  
حج در آیینه عرفان  
هزینه پاک ماندن  
سیمای نماز  
در بارگاه نور  
همتایی علی (ع) با حق  
(علی مع الحق)  
آیین اشک و عزاره سوگ  
سیدالشهدا  
اسلام دین آسان

### تاریخ و سیره

اهل بیت (ع)  
(عرشیان فرش نشین)  
با کاروان نور  
(نگرشی بر شخصیت اصحاب سیدالشهدا)  
مروزی بر مقتل سیدالشهدا

جلوه‌های رحمت الهی  
اخلاق خوبان  
صبر از دیدگاه اسلام  
عبرت‌های روزگار  
عرفا چگونه می بینند  
نسیه رحمت  
حلال و حرام مالی  
مونس جان

### اردو

۱. توبه آغوش رحمت  
۲. خاندان اسلام کی نظر میس  
(نظام خانواده در اسلام)  
۳. اهل بیت (ع) فرش نشین فرشتی  
(اهل بیت عرشیان فرش نشین)  
۴. شرح دعای کمیل

### تربیتی و اجتماعی

نظام خانواده در اسلام  
معاشرت  
فرهنگ مهرورزی  
نظام تربیت در اسلام  
فروغی از تربیت در اسلام

عرفان در سوره یوسف  
عناصر شخصیت انسان  
زیبایی‌های اخلاق  
چهره‌های محبوب و منفور در قرآن  
گناه و سبب آن  
اندیشه در اسلام  
شیطان و اهل تقوا  
دنیا از منظر اولیا  
هدایت تکوینی و تشریحی  
ارزش انسان و عبادت  
نعمت‌های الهی  
فضل و رحمت الهی  
طهارت باطنی  
حسنات و سیئات  
وسایل هدایت  
عبودیت در پر توفیق آن  
گوهرشکیبایی  
جایگاه انسان در نظام آفرینش  
آداب نماز شب  
عدل و ظلم  
معرفت دینی  
عقل کلید گنج سعادت  
عقل محرم راز ملکوت  
ارزش عمر و راه هزینه آن  
ارزش‌ها و لغزش‌های نفس  
ایمان و آثار آن  
آثار مثبت عمل  
نفس  
تواضع و آثار آن  
تمرین پندگی

### ترکی آذری

۱. اهل بیت عرشیان فرش نشین  
۲. نظام خانواده در اسلام  
۳. شرح دعای کمیل

### ترکی استانبولی

Kumeyl Duasinin Serhi. 1  
(شرح دعای کمیل)  
Islamda Aile Duzeni. 2  
(نظام خانواده در اسلام)  
Ars Misafirleri: EHL-i BEYT. 3  
(اهل بیت عرشیان فرش نشین)

### انگلیسی

With the caravan of light. 1  
(با کاروان نور)  
Repentance the cradle of mercy. 2  
(توبه آغوش رحمت)  
Supplication commentary of kumayl. 3  
(شرح دعای کمیل)  
The land of lovers. 4  
(دیار عاشقان)  
Religious knowledge. 5  
(معرفت دینی)  
Family structure the Islamic. 6  
(نظام خانواده در اسلام)

### فرانسه

Tapis de menage Arshi. 1  
(اهل بیت عرشیان فرش نشین)

### سایر تالیفات

ارزش کتاب و کتاب خوانی  
بر بال اندیشه  
عبرت آموز  
دیوان مسکین (مجموعه کامل اشعار)  
بایسته‌های تبلیغ  
زندگی نامه و خاطرات استاد حسین انصاریان

### دیگر آثار موسسه دارالعرفان

ملکه اسلام (آیت الله کمره‌ای)  
سیدالشهدا و یارانش (آیت الله کمره‌ای)  
یک شب و روز عاشورا (آیت الله کمره‌ای)  
عنصر شجاعت (آیت الله کمره‌ای)  
کتاب شناسی آثار استاد حسین انصاریان (سلیمان حبیبی)  
بررسی تاریخ نهضت حسینی (دکتر ابراهیم آیتی)  
مجموعه مقالات اولین کنگره حماسه حسینی  
مجموعه مقالات دومین کنگره حماسه حسینی (اخلاق و معنویت)



محبت الاسلام والمسلمین (باب سلیمانی)؛

# بیشترین انطباق با متن اصلی صحیفه سجادیه

تفسیر صحیفه

سجادیه استاد

که عمیق و

پر مطلب است،

می تواند راهی

هموار برای علما

و دانشمندی

بگشاید که

در صد بهره مندی

از این اقیانوس

بی کران اند.



ویژه نامه

آشنای نا آشنا

کفت و گو



فرهیفته (بمندا، ماحمسن مکیم باشی  
محقق و پژوهشگر برجسته، موزه علمیه فراسان؛

ویژگی های ترجمه و تفسیر نهج البلاغه  
به قلم استاد

درباره شخصیت استاد حسین انصاریان و ترجمه نهج البلاغه باید چند محور را  
قابل طرح دانست. درباره شخصیت استاد انصاریان باید گفت که قابلیت های

● اهمیت و مرتبه کتاب «صحیفه سجادیه»  
 نزد مسلمانان به ویژه علما و نیز لزوم تدوین  
 و تألیف تفسیر این کتاب ارزشمند در عصر  
 حاضر چیست؟

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلا أَوَّلِ كَان قَبْلَهُ وَ الْآخِرِ بِلا  
اخر يَكُونُ بَعْدَهُ الَّذِي قَضَرَتْ عَنْ رُؤْيَيْتِهِ أَبْصَارُ  
النَّاطِرِينَ وَ عَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ ابْتَدَعَ  
بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعاً وَ اخْتَرَعَهُمْ فِي عَلَي مَشِيَّتِهِ  
اخْتِراعاً ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ ارادَتِهِ وَ بَعَثَهُمْ فِي  
سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ لا يَمْلِكُونَ تَأخيراً عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ وَ  
لا يَسْتَطِيعُونَ تَقْدِماً إِلَى ما أَخَّرَهُمْ عَنْهُ وَ جَعَلَ لِكُلِّ

علمی ایشان در رابطه با نهج البلاغه که هم شامل کار ترجمه ای و نیز شرح آن  
است، و به تازگی صورت پذیرفته، به طور کامل مشهود است. شخصیت ایشان  
باید به صورت جداگانه بررسی شود، اما به طور اجمالی باید گفت که ایشان از  
لحاظ سابقه تحصیلی، تحقیقی و تبلیغی، تجربه بسیار گرانسنگی در این  
عرصه دارند؛ به طوری که می توان به سابقه علمی و پژوهشی ایشان که حدود  
شصت سال است، اشاره کرد. علاوه بر این، تألیف های ایشان که شاید شامل  
بیش از صد مجلد است و نیز هزاران جلسه تبلیغی در قالب سخنرانی و وعظ  
که ایشان به صورت بسیار جدی، روشمند و هدف محور به آنها پرداخته اند، قابل  
تحسین است. ایشان می گفتند که مطالب هر جلسه سخنرانی را می نویسند و





شده است که بزرگان دین این کتاب را اُخت قرآن (نظیر قرآن) نام نهند.

مرحوم امام خمینی (ره) درباره این کتاب می‌فرماید: «صحیفه کامله سجادیه» نمونه‌ای کامل از قرآن صاعد و از بزرگترین مناجات‌های عرفانی در خلوت‌گاه انس است که دست‌ماز نیل به برکات آن کوتاه است؛ این کتاب، الهی است و از سرچشمه نور خداوند نشئت گرفته است. «صحیفه سجادیه» طریقه سلوک اولیاءالله و نیز اوصیای بزرگوارشان را به نیک‌سرشتان می‌آموزد.

امام سجاده (ع) معارف الهیه را چون قرآن کریم، بدون تکلف الفاظ و در شیوه دعا و مناجات برای تشنگان این زلال بیان می‌کند. این کتاب مقدس چون قرآن کریم، سفره‌ای الهی است که در آن، از همه نعمت‌ها موجود است و هر کس به قدر اشتباهی معنوی خود از آن بهره می‌برد.

امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه خود نیز می‌نویسد: «ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که قرآن صاعد خوانده می‌شود، از پیشوایان دینی ماست؛ ... «صحیفه سجادیه» - این زبور آل محمد - به مذهب ما تعلق دارد.» مرحوم فیض‌الاسلام درباره آن گفته است: «این کتاب را هر که با اخلاص و نیتی پاک بخواند و نیز در فهم معانی آن اندیشه کند، بی‌درنگ نور الهی در دل او تابیده و متوجه خداوند متعال شده و به راه سعادت و نیکبختی دنیا و آخرت قدم می‌گذارد.» رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) نیز در بیانات بسیاری به لزوم بهره‌گیری از معارف بی‌نظیر «صحیفه سجادیه» تاکید کرده‌اند؛ ایشان می‌فرمایند: «همگان، به ویژه جوانان، باید با «صحیفه سجادیه» انس بگیرند، زیرا همه معارف در این کتابی که در ظاهر دعا و در حقیقت دربردارنده معارف دینی است، وجود



که خداوند برای آنان معین فرموده است، قدمی پیش و پس نتوانند نهاد و با لطف خود، برای هر یک از آنان روزی معلوم و قسمت‌شده‌ای قرار داد. هر آن که را روزی فراوان داده است، کسی نخواهد توانست بکاهد و هر آن کسی را که روزی کاسته، هیچ‌کس نتواند بیفزاید.» صحیفه سجادیه که مجموعه‌ای از ادعیه است، پس از قرآن کریم و «نهج‌البلاغه» در مرتبه سوم قرار دارد؛ عظمت این کتاب به حدی است که قرن‌ها پس از ظهور اسلام، مورد توجه علما قرار گرفت. اعتبار این کتاب شریف و عظمت آن سبب

رُوحِ مِنْهُمْ قُوْتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ وَ لَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ مِنْهُمْ زَائِدٌ... سپاس خدایی را که او، ابتدای همه آثار هستی است و پیش از او نخستینی نبوده است؛ آخر است بدون آن که پس از او پایانی باشد. خدایی است که دیده بینندگان از دیدنش قاصر و اندیشه و فهم وصف‌کنندگان از وصفش عاجز است. به دست قدرت‌ش آفریدگان را ایجاد کرده و آنان را براساس اراده خود صورت بخشیده است؛ آنگاه همه را در راه اداره خود راهی کرد و در مسیر محبت و عشق به خود برانگیخت. موجودات هستی از حدودی

## درس گفته‌ها

علمی و نیز منابعی ارزنده به شمار می‌آیند. این پشتوانه قوی مطالعاتی، علمی و تألیفی، به یاری و تناسب ترجمه‌هایی است که صورت پذیرفته است. این نکته را باید بیان کرد که فلسفه مبانی علمی نهج‌البلاغه ریشه در آیات قرآنی دارد که بدون توجه به این مطلب شرح یا ترجمه نهج‌البلاغه غیر ممکن است. کسانی که با قرآن و نهج‌البلاغه ارتباط داشته‌اند، به گونه‌ای که قرآن را تفسیر و یا نهج‌البلاغه را شرح کرده‌اند، در معرفی این دو گوهر موفق به دست‌یابی فلسفه قرآن یا نهج‌البلاغه شده‌اند. البته برخی نیز به موفقیت نرسیده‌اند؛ چرا که ممکن است کسی به شرح نهج‌البلاغه بپردازد، اما هرگز از فلسفه آن اطلاع کافی پیدا نکند. نخستین درجه اهمیت ترجمه‌ها و شرح‌های افرادی چون استادانصاریان

پیش از آن، چندین ساعت پیرامون موضوعات آن به مطالعه می‌پردازند. این ویژگی که در مبلغان و سخنران‌های مذهبی کمتر دیده می‌شود، در ایشان به قانونی استوار تبدیل شده است. حتی کسانی که در این زمینه موفق هستند، کمتر زمان مطالعه پیدا می‌کنند. این روش علمی هدف‌محور و روشمند استاد، خود ذخیره‌ای ارزشمند از معارف دینی و پژوهش‌های گسترده



بی شک یکی از

ارزشمندترین

آثار ایشان،

تفسیر و شرح

«صحیفه

سجاده» است.

چرا که این اثر با

پشتوانه علمی،

اصالت خانوادگی،

ممارست بسیار در

تحصیل و پس از

درک و بهر مندی

از محضر اساتید و

علمای بنام حوزه

و نیز ده‌ها سال

وعظ، خطابه،

ترجمه و تألیف

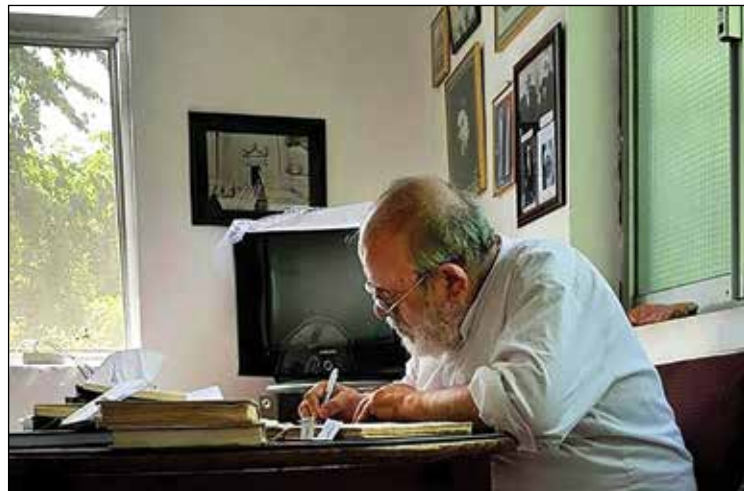
به رشته تحریر

در آمده است.

پیش

ویژه‌نامه

آشنای نا آشنا



و نشانی از مقامات، مدارج و معارج انسان هستند، جزء متون درسی قرار گیرد و توسط بزرگانی که زبان فهم، اهل دعا و سلوک بوده و نیز راه پیموده‌اند، تدریس شود. در نظر این کمترین، این کتاب که انجیل اهل بیت و زبور آل محمد(ص) است، باید در شمار کتب درسی درآید؛ چرا که نقش بسزایی در احیای معارف و تعالیم اصیل اسلامی دارد. البته فهم، تعلیم و تعلم آن، بدون آگاهی از دانش‌های ادبی و نیز علوم معارفی (نقلی، عقلی و عرفانی) صورت‌پذیر نخواهد بود. مرجع فقید شیعه، مرحوم حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی در سال ۱۳۵۳ هجری قمری، نسخه‌ای از کتاب «صحیفه سجاده» را برای علامه طنطاوی (مفتی اسکندریه) به شهر قاهره (مصر) فرستاد. او در پاسخ چنین نگاشت: «نامه گرمی شما، مدتی پیش، به ضمیمه کتاب «صحیفه سجاده» که از سخنان امام زاهد و والامقام اسلام، فرزند امام حسین(ع)، ریحانه مصطفی(س)، امام زین‌العابدین(ع)، است به دست من رسید. بنده آن کتاب را با دست تکریم گرفتم و آن را یگانه یافتم. کتابی که مشتمل بر علوم، عرفان و حکمت‌هایی است که در اثری غیر از آن نمی‌توان یافت. برآستی، این از بدبختی ما - سنی‌مذهبان - است که تاکنون به این اثر گران‌بهای جاوید و از میراث نبوت و اهل‌بیت(ع) دست نیافته‌ایم. من هر چه در آن مطالعه و دقت می‌کنم، آن را والاتر از کلام مخلوق و پایین‌تر از فرموده خالق می‌یابم. برآستی چه کتاب کریمی است.»

خطیب گرانقدر، مرحوم محمدتقی فلسفی در مقدمه شرح دعای بیستم (مکارم الاخلاق) که یکی از لطیف‌ترین دعاها «صحیفه سجاده» است، می‌فرماید: «دعای شریف «مکارم الاخلاق»، حاوی تعلیمی مهم و درس‌هایی آموزنده و انسان‌ساز است. هر چه افراد علاقه‌مند و

نیایش‌گران و چهارمین پیشوای شیعیان جهان، حضرت زین‌العابدین است؛ ایشان بنا بر نیاز جامعه شیعی آن روز، جوهر عرفان و توحید را در قالب دعا ریخته و وظایف مسلمانان را در شدیدترین شرایط روشن کرده‌اند. حضرت با دعا و از این رهگذر، می‌آموزند که چگونه باید با خدا راز و نیاز کرد؟ چگونه باید او را تنزیه نمود؟ چگونه درهای توبه گشوده می‌شود؟ چگونه باید با جامعه رفتار کرد؟ راه نیکی به پدر و مادر، فرزندان، دوستان و همسایگان چیست؟ سلوک انسان وارسته چگونه باید باشد؟»

این کتاب برآستی مدرسه‌ای الهی است که آموزش‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی در آن بسیار است. به دیگر سخن، مکتبی نمونه برای تربیت است که سید ساجدان با الهام معارف الهی و نیز با بهره‌مندی از آموزه‌های نیاکان پاک‌سرشت خود، آن را پی‌ریزی فرموده‌اند. علامه حسن‌زاده آملی با طرح یک پیشنهاد، درباره مرتب «صحیفه سجاده»، چنین بیان کردند: «امید آن که روزی در حوزه علمیه، مصحف اذعیه و اذکار که از ائمه اطهار صادر شده

دارد. اغلب دعاها «صحیفه سجاده» - تا جایی که سیر کرده‌ام، - این چنین است؛ بسیار منظم و آراسته است. حضرت زین‌العابدین(ع) همچون گوینده‌ای که با آوردن استدلال به اثبات حقایق پرداخته، معارف شیعی را بیان می‌کنند. حتی همان مناجات‌های عاشقانه‌ای نیز که در «صحیفه سجاده» آمده است، این چنین و از روح منطق برخوردار است.»

مرحوم مجلسی دوم نیز درباره این کتاب، می‌فرماید: «مجلسی اول چهل سال از عمر خود را صرف ترویج «صحیفه سجاده» کرد. انتشار این کتاب سبب شد تا هم‌اکنون در همه خانه‌ها - و در کنار قرآن و مفاتیح - «صحیفه سجاده» مورد استفاده باشد. این مهم، سبب شد تا من نیز شرحی فارسی برای این کتاب بنویسم؛ امیدوارم تا عوام و خواص از آن بهره‌مند شوند.»

آیت‌الله جعفر سبحانی در بخشی از مطلبی که پیرامون این کتاب شریف، با عنوان «صحیفه سجاده یا مکتب عالی تربیت» نگاشته‌اند، چنین بیان می‌کنند: «کتاب «صحیفه سجاده» دعاها پیشوای عارفان، سرور ساجدان، زیور

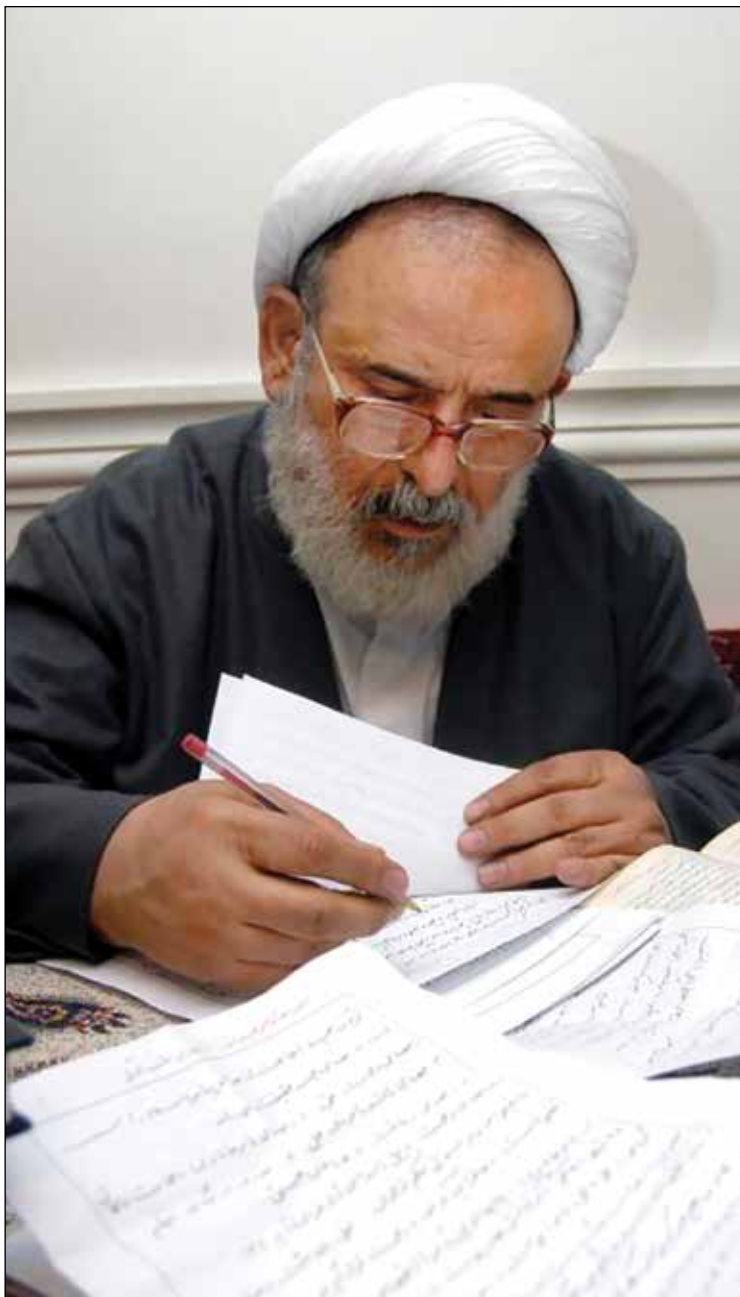
## کفت و گو

### رویکرد استاد در ترجمه این اثر

روش شرح در این اثر به صورت جمله‌به‌جمله بوده است؛ همچنین، تحلیل جملات و کلمات با کمک آیات و روایات صورت پذیرفته است؛ چرا که این روش در گستره تفسیر، یکی از مهم‌ترین روش‌هاست. از این رو، در این شرح از این روش بهره برده شده است. روش بهتر برای تفسیر و شرح نهج‌البلاغه که برادر قرآن کریم است، مراجعه به کلام‌الله مجید است؛ به گونه‌ای که تمام آموزه‌ها از منبعی وحیانی باشد. استاد انصاریان در ابتدای شرح نهج‌البلاغه نکته‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهند. به عقیده ایشان، کسی که از نهج‌البلاغه محروم بوده و از معارف آن بی‌خبر باشد، دو نقیصه دارد؛ نخست، وی از دفاع کردن از خیمه حیات طیبه در زندگی خویش محروم

این است که آنها پس از دست‌یابی و دریافت فلسفه قرآن و نهج‌البلاغه، به شرح و ترجمه آن پرداخته‌اند که این نکته، خود تعیین‌کننده و مهم است. تاکنون دو اثر درباره نهج‌البلاغه از استاد منتشر شده است؛ نخست، ترجمه نهج‌البلاغه که به همین منظور و به صورت مستقیم صورت پذیرفته است. اثر دیگر، کتاب اوصاف اولیای الهی است که در آن به شرح خطبه هشتاد و ششم از نهج‌البلاغه پرداخته است.

مطالب این اثر، پس از تدریس برای طلاب در حوزه علمیه قم و مدرسه فیضیه، هم‌اکنون به صورت کتاب به چاپ رسیده است. این اثر حدود ۶۰۰ صفحه دارد که تنها درباره یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه است.



با ایمان، در فرازهای آن دقت کرده، محتوای آن را به خوبی فرا گرفته و دستور هایش را به کار بندند، همان قدر از سعادت حقیقی و کمال راستین برخوردار و به مکارم اخلاق و سجایای انسانی متخلق می‌شوند.»

از این رو، استاد حسین انصاریان با آگاهی از نیاز جامعه به معارف دینی و نیز مرتبه والای این کتاب، به تالیف تفسیر و شرح «صحیفه سجادیه» اقدام کردند. به طور حتم، این اثر سعادت دنیوی و اخروی را برای ایشان به ارمغان خواهد آورد. ایجاد این اثر که عمیق و پرمطلب است، می‌تواند راهی هموار برای علما و دانشمندانی بگشاید که در صدد بهره‌مندی از این اقیانوس بی‌کران هستند. مولانا در این معنا، چنین می‌گوید:

«آب دریا را اگر نتوان چشید  
هم به قدر تشنگی باید چشید»

#### ● ویژگی‌های این اثر استاد چیست؟

«صحیفه سجادیه» دریایی بی‌انتهای از حقایق معنوی و لطایف روحی است که از ۵۴ دعا تشکیل شده. علمای اسلام و بزرگان دین به دلیل عظمت معنوی این کتاب، آن را انجیل اهل بیت (ع) و زبور آل محمد (ص) خوانده‌اند. در کنار تفاسیر موجود برای «صحیفه سجادیه»، هم‌چنان نبود چنین تفسیری جامع و اثرگذار احساس می‌شد. استاد انصاریان در این تفسیر گران‌قدر، با قلمی شیوا و روان، در آغاز به شرح و وصف «صحیفه سجادیه» پرداخته‌اند. ایشان با به تصویر کشیدن جلوه‌هایی از زیبایی این کتاب، آن را برای مخاطبان خود تفسیر کرده‌اند.

استاد انصاریان در ادامه به زندگی پرفراز و نشیب حضرت امام زین‌العابدین (ع) اشاره می‌کنند که این امر اهمیت بسیار دارد؛ چرا که دوران حیات امام سجاد، دورانی ویژه است. از سویی، این امام هم‌راه با حضرت زینب (س)، وظیفه خطیر

استاد انصاریان از نظر اعتبار و استناد - فهم صحیح سخنان ائمه هدی (ع) - و نیز دقت‌های لغوی، ادبی و دستوری، با تأمل بسیار در کار ترجمه، به راستی اثری اطمینان‌بخش از خود به یادگار گذاشته‌اند. حقیقت این است که پشتوانه علمی (تحصیلی و تدریسی) ایشان همان عاملی است که به یاری آمده و صلاحیت ترجمه‌های دشوار را به وی داده.

#### لرزم ترجمه نهج البلاغه در میان منابع شیعی

از سوی دیگر باید درباره ترجمه نهج البلاغه گفت که این کتاب، نقشی ویژه در منابع دینی شیعیان دارد و با وجود ده‌ها و صد‌ها متن اصلی و موثق حدیثی شیعه،

است؛ دوم، در قیامت و در پیشگاه امیر مؤمنان (ع) نیز مغبون خواهد بود. کسی که از نهج البلاغه دوری کند، در حقیقت، در همه جنبه‌های زندگی به خود ستم کرده است. گویی این مطلب نه فقط درباره شیعیان صادق است، بلکه تمام مسلمانان جهان را در بر می‌گیرد. ترجمه نهج البلاغه استاد انصاریان یکی از بهترین برگردان‌های این کتاب است. خوشبختانه این ترجمه با موفقیتی که به دست آورده، تاکنون ده‌ها بار به چاپ رسیده است. این ترجمه چند ویژگی مهم دارد؛ یکی آن که برای همگان سودمند است. در این ترجمه، سعی شده که همان بلاغت، شیوایی و قافی‌آرایی نهج البلاغه رعایت شود؛ چرا که ممکن است متن اصلی سخنان حضرت، برای برخی نامأنوس باشد؛ در صورتی که این ترجمه برای آنان بسیار روان و قابل فهم است.



استاد  
شیخ حسین  
انصاریان به منابع  
و مآخذ دینی،  
اشرافی گسترده  
دارند؛ جز در آثار  
مکتوب استاد،  
می توان این امر را  
در سخنرانی های  
ایشان نیز بر احثی  
مشاهده کرد.



ویژه نامه  
آشنای نا آشنا



حفظ و ابلاغ پیام عاشورا و نیز بیان جنایات خاندان بنی امیه را برعهده داشتند؛ از سوی دیگر نیز در مقام امام و پیشوای دینی شیعیان، باید امت خود و پیروان اسلام را در امور دینی و فکری راهنمایی می فرمودند. استاد انصاریان پس از اشاره به دوران حیات پرفروغ آن امام بزرگوار، به شرح و تفسیر ادعیه و حالات عرفانی امام زین العابدین (ع) پرداخته اند.

استاد در بخشی نیز به دیدگاه برخی اندیشمندان، درباره محتوای مناجات های آن امام همام اشاره کرده و از آن سخن می رانند. ایشان در متن این تفسیر، همواره حکایاتی از سیره اخلاقی و عرفانی امام سجاد (ع) و نیز روایاتی از ائمه هدی در وصف آن حضرت بیان می کنند.

### ● این ترجمه تا چه میزان با شرح صحیفه سجادیه در متن اصلی انطباق دارد؟

استاد انصاریان از همان سنین کودکی با دیدن سیمای نورانی و پرمعنویت مرحوم آیت الله سید محمد تقی خوانساری تصمیم گرفت تا ردای مقدس تبلیغ دین و معارف اهل بیت (ع) را به تن کند. از سوی دیگر، خاندان ایشان از خانواده های شناخته شده و خدمت گزار به دین بوده اند. علمایی مشهور در این خاندان بزرگ حضور داشته اند که مرحوم آیت الله حاج شیخ موسی انصاریان که شخصیت علمی و دینی او بر اهل فن پوشیده نیست از آن جمله است؛ تا جایی که مرحوم امام خمینی، بهترین کتاب درباره صلاه در فقه شیعی را کتاب مرحوم آیت الله انصاریان می دانستند. جد مادری ایشان نیز از چهره های پرآوازه و امین آن شهر بود. علمای بسیاری از نجف و قم به خوانسار و به منزل او می رفتند. پیشینه خانوادگی و معاشرت با علما، سبب شد تا استاد پس از تکمیل دروس دبیرستان، راه طلبگی را در پیش بگیرد. استاد

### کفت و گو

کامل داشته اند. این خطبه درباره اوصاف متقین است. البته اصل خطبه دو صفحه است که به تعبیر مؤلف، شاید بی نظیر یا کم نظیر باشد؛ چرا که شامل معارف الهی و اخلاقی است و از خطبه معروف به متقین هم برتر است. محتوای آن شامل چهل ویژگی از ویژگی های محبوب ترین بندگان خداست. در این خطبه، حضرت علی (ع) نیز که خود از کامل ترین عباد صالح پروردگار است، مردم را به صورت دو قطبی به تصویر می کشند، به گونه ای که پس از بیان چهل ویژگی از اهل تقوا، گروهی دیگر را در نقطه مقابل آن ترسیم می فرمایند. حضرت ویژگی های آنان را نیز در چند مرحله بیان کرده اند. بیان خصلت های هر دو گروه، بسیار درس آموز و دوره کاملی از معارف الهی و اخلاقی است. سبک تفسیری این اثر بسیار متفاوت است، به این معنا

نهج البلاغه قابل قیاس با هیچ یک از آن ها نیست. بیان دقیق تر آن که این کتاب، خود مقامی در میان قرآن (کلام وحی) و منابع حدیثی شیعه دارد. ما معتقدیم که معارف ناب اسلامی در قالب منابع شیعی تجلی یافته و بخشی از آن در قرآن مطرح شده و تکمیل آن در متون نهج البلاغه آمده است. نهج البلاغه بدون قرآن، ناقص و ناتمام است. این سخن، همان مفهوم التزام و به هم پیوستگی این موضوع را اثبات می کند. در علوم امروزی و عرصه اندیشه کنونی، فلسفه های علوم گوناگونی نظیر علوم انسانی، سیاست، تاریخ و مانند آن، مورد توجه دانش پژوهان است؛ البته ما معتقدیم که این فلسفه ها باید از قرآن و نهج البلاغه استخراج شود. باید گفت که استاد انصاریان در این حوزه، از نهج البلاغه در یافتی

بعد از به پایان رسانیدن دوره تحصیلی خود در حوزه دینی، برای رسیدن به هدف اصلی خود (تحقیق، تالیف و تبلیغ علوم اسلامی)، از حوزه علمیه قم به تهران باز می‌گردند. استاد انصاریان علاوه بر آن که خطیبی توانا به شمار می‌آیند، مؤلفی سخت‌کوش نیز هستند. بی‌شک یکی از ارزشمندترین آثار ایشان، تفسیر و شرح «صحیفه سجاده» است؛ چرا که این اثر با پشتوانه علمی، اصالت خانوادگی، ممارست بسیار در تحصیل و پس از درک و بهره‌مندی از محضر اساتید و علمای بنام حوزه و نیز ده‌ها سال وعظ، خطابه، ترجمه و تالیف به رشته تحریر درآمده است. این اثر با توجه به این که با آگاهی استاد از معارف و علوم دینی نگاشته شده، اثری کم‌نظیر و منحصر به فرد است. زیرا استاد انصاریان در تالیف آن کوشیده‌اند تا بیشترین میزان پایبندی به متن اصلی را حفظ کنند. همچنین ایشان در شرح و تفسیر «صحیفه سجاده» سعی کرده‌اند تا از علوم دیگر نیز بهره ببرند.

#### ● در این ترجمه از چه منابع و یا نسخه بهره برده شده است؟

استاد حسین انصاریان به منابع و مآخذ دینی، اشرافی گسترده دارند؛ علاوه بر آثار مکتوب استاد، می‌توان این امر را در سخنرانی‌های ایشان نیز به راحتی مشاهده کرد. همچنین ایشان به ادبیات فارسی و نیز طبع شعر تسلط دارند. استاد در ترجمه «صحیفه سجاده»، علاوه بر استفاده از منابع مختلف علمی و دینی - مثل تاریخ، فلسفه اسلامی، اخلاق، تفسیر، سیره و کتاب‌های فقهی و روایی مورد وثوق علمای اهل سنت و تشیع - از اشعار نغز و تحسین‌برانگیز شعرای نامدار و پرآوازه ادبیات فارسی نیز بهره برده‌اند. این امر ضمن روان‌تر کردن نگارش، سبب شده تا این اثر در حوزه دین، برای افرادی که چندان

با علوم دینی آشنایی ندارند، منبعی سودمند به شمار آید.

به‌طور کلی، منبعی که استاد حسین انصاریان در تألیف‌های خود از آن استفاده کرده‌اند، بسیار متفاوت است؛ تفسیر «روح البیان و روح الجنان» (ابوالفتوح رازی)، تفسیر «جوامع الجامع» (شیخ طبرسی)، تفسیر «ثعالبی»، تفسیر «طبری»، تفسیر «ابن کثیر»، تفسیر «المیزان»، «تاریخ اسلام» (ذهبی)، «تاریخ بغداد» (خطیب بغدادی)، «تاریخ مدینه دمشق» (ابن عساکر)، «الکامل فی التاریخ» (ابن اثیر)، «عیون الاخبار الرضا» (شیخ صدوق)، «بحار الانوار» (علامه مجلسی)، «الامالی» (شیخ صدوق)، «الارشاد» (شیخ مفید)، کتب حدیث اهل سنت (صحاح سته، سنن ترمذی و غیره)، «اسفار اربعه» (ملاصدرا)، «اصول فلسفه و روش رئالیسم» (علامه طباطبایی)، «کشف المحجوب» (علی بن عثمان هجویری)، «کشف الاسرار و عدة الابرار» (رشیدالدین ملبدی)، «احیاء علوم الدین» (امام محمد غزالی) از جمله منابعی است که استاد انصاریان در تألیف‌ها و خطابه‌های خود از آن‌ها استفاده می‌کنند. ایشان به غیر از این، در تألیف ترجمه و تفسیر «صحیفه سجاده» از کتاب‌های مقدس دیگر ادیان - همچون انجیل و تورات - و نیز آثار دانشمندان غربی - مانند «انسان، موجود ناشناخته» (الکسیس کارل) - بهره جستند. این امر، نشان از عمق دانش و اشراف استاد به حوزه‌های مختلف علمی و دینی است.

#### ● استاد انصاریان در شرح و تفسیر «صحیفه سجاده» به چه

#### نکاتی توجه کرده‌اند؟

نخست، استخراج مصادر و منابع تمام روایات و مطالب، با استفاده از کتب حدیثی شیعه و سنی؛ ایشان تا جایی که ممکن بوده، برای هر روایت، دست‌کم دو نشانی نگاشته‌اند. همین ویژگی راهی برای پی بردن به مستند بودن مطالب کتاب است. دوم، موضوع‌بندی و تفکیک مطالب؛ این کار سبب دسترسی راحت‌تر خواننده به متن مورد نظر می‌شود؛ سوم، پراچساس کردن مطالب، با استفاده از اشعار شعری نام؛ چهارم، اعراب‌گذاری روایات عربی با دقت کامل و ترجمه آن‌ها. در این صورت مخاطبان - حتی آنان که از ادبیات عربی کمتر آگاه هستند - روایات و نکات آن را بهتر درک می‌کنند؛ پنجم، ارجاع مخاطب به دیگر آثار مکتوب مولف؛ ششم، ترتیب‌بندی و شماره‌گذاری ادعیه. مرتب‌سازی و تفکیک مطالب با شماره‌گذاری سبب افزایش دقت در متن می‌شود و هفتم، تنظیم فهرست‌های فنی در پایان کتاب.



#### درس گفته‌ها

بخش‌های پایانی این خطبه، به شرح و درس‌هایی نیازمند است که باید در آینده به آنها پرداخته شود.

در این ترجمه تلاش شده است که کلمات متن ترجمه شده، به طور دقیق زیر کلمات در متن اصلی قرار گیرند. این امر خواندن ترجمه کلمات و جمله‌ها را بسیار ساده کرده و از سختی آن می‌کاهد، برخلاف بیشتر ترجمه‌های کنونی، قرآن و نهج‌البلاغه که ترجمه آن در صفحه مقابل آمده و یافتن ترجمه متن مورد نظر زمان‌بر است. در این اثر که از کیفیت چاپ خوبی نیز برخوردار است، مقدمه‌های کوتاه درباره دورنمایی از شخصیت حضرت امام (ره) و نیز آشنایی با شخصیت مرحوم سیدرضی به چاپ رسیده است.

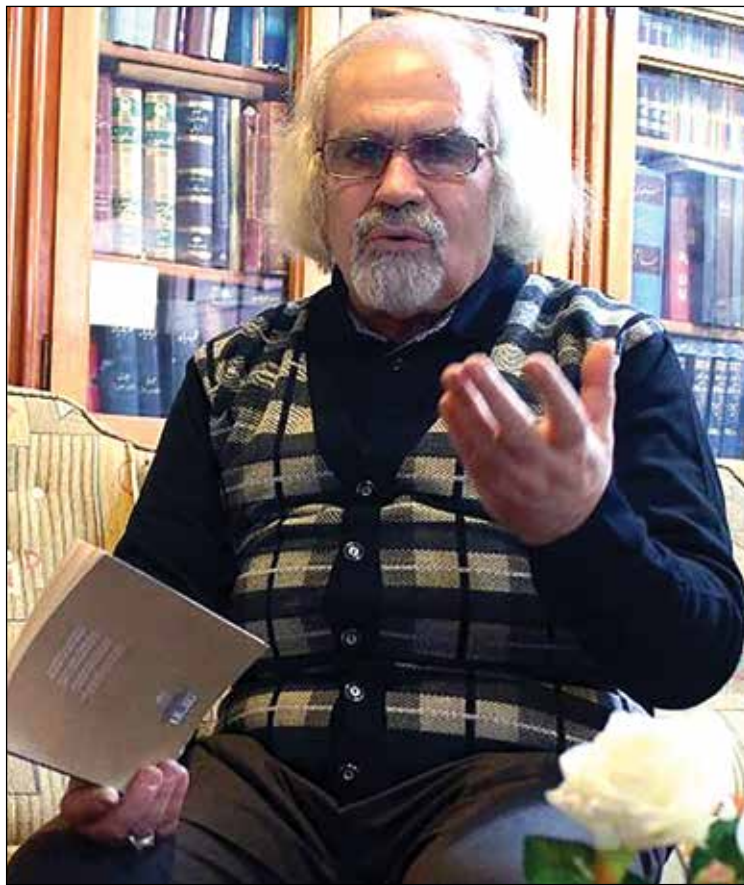
که اگر این خطبه به بخش‌های مختلف تقسیم شود، بخش نخست (ویژگی‌های چهل‌گانه) از محبوبیت بیشتری برخوردار است. این بخش حدود پانصد صفحه دارد، اما بخش دوم که شرح و ویژگی‌های انسان مقابل و پلیدی‌ها و خطرهای او است، تنها پنجاه صفحه را در بر گرفته است. در بخش سوم، حضرت امیر (ع) درباره فلسفه انسان‌شناسی و روان‌شناسی سخن می‌گویند؛ ایشان با سخنانی جریان‌شناسانه به بیان ویژگی‌های می‌پردازند، به گونه‌ای که با شناخت ویژگی‌ها می‌توان خوبان را از بدان جدا کرد. این معیار نه فقط درباره افراد عادی نتیجه‌بخش است، بلکه درباره رهبران دینی - سیاسی نیز کارگر است؛ از این رو، افراد در طول تاریخ می‌توانند با چنین معیارهای وحیانی و دینی، اشخاص را بازشناسی کنند. به نظر می‌رسد که

رسانید. این اثر که ۱۰۴۲ صفحه دارد با چاپی رنگی و نفیس منتشر شده است. پیش از این که سروده‌هایشان به صورت دیوان منتشر شود، از من خواستند تا این اشعار را برای تدوین نهایی آن مرور کنم؛ از این رو، تدوین نهایی این مجموعه چندین ماه زمان برد. هم اکنون نیز این اثر به صورت دیوانی نفیس درآمده است که مشتاقان شعر و ادب شیعی می‌توانند از آن بهره ببرند.

### قالب‌های شعری

اشعار استاد انصاریان در انواع قالب‌های شعری است، اما بیشتر می‌توان قالب‌های شعری متداول در شعر فارسی را در این مجموعه دید. غزل، قصیده، مثنوی، رباعی و مانند آن در این دیوان وجود دارد. از نظر محتوایی نیز این دیوان حاوی صدمناجات و ستایش ربوبی در زمینه شعر توحیدی است. مناجات‌های این مجموعه، زبانی روایی و روان دارد، به گونه‌ای که همگان می‌توانند از آن استفاده کنند. مناجات‌های عارفان نیز در صدمناجات تدوین شده است. همچنین در زمینه ترجمه منظوم مناجات خمسه‌عشر که از مناجات‌های امام زین‌العابدین (ع) است، عناوین بسیاری دارد. پس از این بخش، مدایح و مرثی‌های استاد انصاریان درباره اهل بیت (ع) آمده است که فراغت از پیچیدگی‌های لفظی و معنوی و نیز سادگی و روانی آن، یکی از ویژگی‌های ممتاز این مجموعه به شمار می‌رود. در کنار این موارد، اشعاری با موضوع‌های توحید، ولایت، اخلاق، اجتماع، پند و نصیحت در این مجموعه به چشم می‌خورد.

از آنجا که توفیق با من همراه بود، نگارش مقدمه این دیوان به من سپرده شد. در آنجا این موضوع را که ذوق، عاطفه و احساس، هرگز به کیستی افراد توجهی ندارد، یادآوری کرده‌ام. هنگامی که تارهای دل حساس شد، حتی وزش ملایم نسیم صبحگاهی، آن را به ترنم وا می‌دارد؛ تا پراحساس‌ترین و اثرگذارترین موسیقی‌ها را بنوازد. در هر سینه‌ای که دلی حساس حضور دارد و قلبی پراحساس می‌تپد، آهنگ ضربان‌های او با زخم‌هایی که تارهای یک چنگ را به ارتعاش درمی‌آورد، هماهنگی و هم‌آوایی دارد؛ این وحدت عاطفه و همسانی حس و حال را می‌توان در موسیقی گسترده و بزرگ طبیعت دریافت؛ البته این به آن شرط است که محرمیت ما احراز شده باشد. در غیر این صورت، گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش!



استاد محمدعلی مجاهدی؛

## ویژگی دیوان «مسکین»؛ سادگی و روانی اشعار

استاد محمدعلی مجاهدی، پدر شعر آیینی به مقدمه‌ای که برای دیوان «مسکین» نوشته اشاره کرد که مضمون آن به این شرح است: «آثار بسیاری از استاد حسین انصاریان منتشر شده است که ترجمه قرآن کریم و تفسیر این کتاب آسمانی در کنار شرح صحیفه سجادیه، ترجمه و بازنویسی مفاتیح‌الجنان و... از این جمله هستند که مشتمل بر ۵۵ اثر می‌شوند که بسیاری از آنها به چهار زبان اردو، انگلیسی، عربی و ترکی استانبولی ترجمه شده‌اند. در کنار همه آثاری که از استاد حسین انصاریان به رشته تحریر درآمده است، دیوان مسکین را نیز باید اضافه کرد؛ دیوانی مشتمل بر اشعاری روان و ساده از این عالم که به تخلص این شاعر به نام «مسکین» زینت یافته است.»

مسکین تخلص شعری استاد انصاریان است. دیوان شعر ایشان نیز با عنوان دیوان «مسکین» منتشر شده است. انتشارات دارالعرفان در سال ۱۳۹۱ آن را در دو هزار نسخه در قم به چاپ

دیوان مسکین که مجموعه سروده‌های استاد انصاریان است، پیچیدگی لفظی و معنوی ندارد و بسیار ساده و روان سروده شده است؛ از این رو، این دیوان برای عموم مردم قابل استفاده است.

اشعار نیایشی و  
توحیدی استاد  
انصاریان را  
دوست می‌دارم  
و حس و حالی  
که در این اشعار  
و نیز در فضای  
عرفانی و روحانی  
وجود دارد،  
تأثیر بسیاری بر  
مخاطب می‌نهد.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا



## بهره‌گیری از زبان همه‌فهم؛ ویژگی ترجمه قرآن استاد انصاریان

ترجمه‌های متعددی از قرآن کریم تاکنون منتشر شده است که ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی و اساتیدی چون ابوالفضل بهرامپور، حسین استادولی، بهاء‌الدین خرمشاهی، زنده یاد طاهره صفارزاده، محمد مهدی فولادوند از آن جمله است و هر کدام توانایی مترجم خود را به رخ می‌کشند. در این میان ترجمه‌ای از استاد حسین انصاریان نیز به چاپ رسیده است که از ویژگی‌های مختلفی برخوردار است و منتقدانی چون اساتید نامبرده بر صحت و دقت آن صحه گذاشته و آن را تمجید کرده‌اند. مهم‌ترین ویژگی ترجمه قرآن استاد انصاریان، ساده‌نویسی است؛ ایشان بر اساس فهم عموم مردم قلم بر دست گرفته و قرآن را ترجمه کرده است. در همین رابطه آیت‌الله سید جمال‌الدین دین‌پور، مدیر بنیاد نهج‌البلاغه درباره ترجمه قرآن استاد حسین انصاریان می‌نویسد: من ترجمه قرآن ایشان را به صورت اجمالی مطالعه کردم، ولی تا آنجا که دیدم کار ایشان چند خصوصیت مهم دارد؛ یکی از این ویژگی‌ها که این اثر را از دیگر آثار متمایز کرده، آن است که او هنگام ترجمه قرآن همواره وضو می‌گرفت و روبه‌قبله می‌نشست. استاد انصاریان با نیت خیر وارد کار ترجمه قرآن شد و نمی‌خواست که تنها به انجام یک کار مبادرت کرده باشد؛ ایشان به فکر انجام دادن کاری پرسود هم نبود که بخواهد از نتیجه این کار، اسم و رسمی برای خود کسب کند. «مفاتیح الجنان» شیخ عباس قمی یکی از پر فروش‌ترین و پرتیراژ‌ترین آثار در مجموعه ادعیه شیعه است؛ بخش مهمی از مقبولیت این اثر مربوط به قصد قربت شیخ عباس قمی بوده که این نکته در ترجمه استاد انصاریان نیز کاملاً مشهود است.

استاد انصاریان در نگارش کتب و ترجمه مهارت بالایی دارند. ساده‌نویسی و دور بودن از پیرایه‌ها مهم‌ترین ویژگی آثار استاد است و گاهی بعضی از نویسندگان آنقدر در تالیف خود از واژگان دشوار استفاده می‌کنند که مطلب اصلی گم می‌شود. به عبارت دیگر تصنع‌نویسی باعث گم شدن اصل مطلب می‌شود، اما در ترجمه استاد انصاریان ساده‌نویسی بسیار لحاظ می‌شود و ایشان بر اساس فهم عموم مردم قلم بر دست می‌گیرند و قرآن را ترجمه می‌کند.

این نکته را در نظر داشته باشید که ترجمه نمی‌تواند آینه تمام‌نمای متن باشد. یکی از ویژگی‌های قرآن، ادبیات آن است. ترجمه‌هایی که در آنها سعی شده است، به جنبه ادبی قرآن پردازند، بسیار کم توانسته‌اند زیبایی قرآن را انعکاس بدهند، اما در ترجمه استاد انصاریان، ایشان علاوه بر نشان دادن زیبایی ادبی قرآن، اعجاز معنوی این کتاب آسمانی را نیز به خوبی انعکاس داده است.

## تذکره رواق اشراق

بسیاری از شاعران روحانی تاکنون به شعرسرایی پرداخته‌اند که اگر قرار باشد، روزی تذکره‌ای شامل شرح احوال و نمونه آثار روحانیان شیعه تدوین شده و به چاپ برسد، می‌توان از آنها نام برد. البته بنده توفیق این کار را داشته‌ام؛ اثری با عنوان «تذکره رواق اشراق» در سه مجلد، با ذکر نام از شاعران روحانی شیعه جمع‌آوری کردم. در این اثر، بر این موضوع پای فشرده‌ام که اگر برگزیده آثار منظوم و اشعار روحانیان شیعه در معرض نقد و داوری سخن‌شناسانه قرار گیرد، به طور مسلم قضاوت جهانیان پیرامون خدمات ایشان ابعاد بیشتری به خود خواهد گرفت. در این هنگام، کیان فرهنگی و اعتبار ادبی عالمان شیعه نظر بسیاری را به آثار آنان معطوف خواهد کرد.

به شهادت تاریخ کهن و مدون شعر فارسی، علمای پرآوازه شیعه از دیرباز در عرصه سخنوری حضور بسیار موفقی داشته‌اند طوری که آثار رنگین و فاخر بر جای مانده از آنان روایتگر این واقعیت محرز تاریخی است؛ از خواجه نصیرالدین طوسی، علامه دوانی، شیخ بهایی، میرفندرسکی، ملا عبدالرزاق لاهیجی (متخلص به فیاض)، ملامحسن فیض کاشانی، ملامحمدسعید مازندرانی، حاج ملا احمد نراقی (متخلص به صفایی)، ملامهر علی خوبی (متخلص به فدوی)، میرزا ابوالقاسم حسینی شیرازی (متخلص به راز)، حاج ملا عبدالله فاضل قندهاری (متخلص به وصال)، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، امام راحل، رهبر معظم انقلاب و مراجع بزرگی چون آیات عظام صافی گلپایگانی، وحید خراسانی، مکارم شیرازی، حسن زاده آملی در این عرصه حضور دارند که در تذکره رواق اشراق، شرح مختصری از زندگی و آثار آنها آمده است.

با توجه به این که اشعار دیوان استاد انصاریان در بیشتر قالب‌ها سروده شده است، توجه بسیاری - حتی صاحب‌نظران - را به خود جلب کرده و به لحاظ محتوایی نیز بسیار قوی است؛ چرا که صبغه عرفانی، وحیانی-قرآنی دارد و موضوع‌های مطرح شده در آن، برای استفاده معنوی همه شیعیان سودمند است. اشراف علمی این بزرگان بر جنبه‌های ذوقی، عاطفی و هنری ایشان سایه افکننده است؛ اما بدون در نظر گرفتن آن نیز، باز از نگاه ادبی دارای آثار شامخ و فاخری هستند. اشعار نیایشی و توحیدی استاد انصاریان را دوست دارم و حس و حالی که در این اشعار و نیز در فضای عرفانی و روحانی وجود دارد، تأثیر بسیاری بر مخاطب می‌گذارد.



## دشت بلا

تا به کی یار ز من پنهان است  
تا به کی دیده دل گریبان است  
تا به کی منتظر وصل شوم  
تا به کی قسمت من هجران است  
از غم فرقت آن ماه جبین  
دیده خون بار و دلم گریبان است  
هجر آن دلبر عاشق کش مست  
گوئیا دائم و بی پایان است  
خانه عشرت این خسته زار  
از غم هجر رخس ویران است  
دلم از دوری رویش شب و روز  
خسته و مانده و سرگردان است  
درد من درد غم عشق بود  
همه گویند که بی درمان است  
همه شب تا به سحر ناله کنان  
ذکر من یاد رخ جانان است  
اندرین دشت بلاخیز وجود  
سر من گوی سر جوگان است  
بر سر سفره مسکین به عجب  
همه شب غصه و غم مهمان است

# سروده‌هایی از دیوان مسکین

از افتخارات اندیشمند محقق، حضرت استاد انصاریان توسل و تمسک به وجود مبارک حضرت سیدالشهدا (ع) است تا آنجا که معظمله از مجموعه همه عناوین موزوی مانند مدرس، مؤلف و محقق همیشه می‌فرماید: افتخار زندگی من و زیباترین عنوان در مجموعه میات من نوکری سامت مقدس حضرت اباعبدالله (ع) است. برفی از اشعار سروده شده توسط استاد جهت عرض ارادت به سامت مقدس حضرت اباعبدالله (ع) عبارتند از:

## روی نیاز

روی نیازم کجاست سوی حسین است و بس  
قلبه قلم کجاست کوی حسین است و بس  
سلسله عشق را سلسله جنیان خداست  
سلسله عشق چیست موی حسین است و بس  
دیدن وجه خدا گر که تو را آرزوست  
وجه خدا ای عزیز روی حسین است و بس  
بوی بهشت خدا از حرمش می‌وزد  
بوی بهشت خدا بوی حسین است و بس  
رحمت و لطف و کرم و مهر و وفا و صفا  
بخشش و جود و عطا خوی حسین است و بس  
هر که امانش دهند روز جزا از عذاب  
از برکات دم و هوی حسین است و بس  
کوثر و حوض بهشت زمزم و هم سلسبیل  
اندکی از قطره جوی حسین است و بس  
آنکه بود طالب دیدن وجه خدا  
گو که مرادت چو من روی حسین است و بس  
می‌طلبد هر کسی امن و امان از عذاب  
حصن امان خدا کوی حسین است و بس  
حسن خدا را عیان کس نتوانست دید  
آینه حسن حق روی حسین است و بس

## خطاب زینب کبری

به حضرت حسین (ع) در قتلگاه

قلب عالم از چه رودر خاک و خون افتاده‌ای  
گوئیا از حق ندای ارجمی بشنیده‌ای  
بود آغوش بیمبر جای توای نور عین  
ای عزیز قلب زهرا ای شهید حق حسین  
داغ‌ای جان در دو عالم ریشه جانم بسوخت  
جز لباس ماتم و غم بر سرا پایم ندوخت  
ای سرت بر نی تنت عریان فتاده روی خاک  
قطعه قطعه جسم پاکت بر زمین روحی فداک  
خیز از جایین حرم راسینه چاک و دل فکار  
داغداران رانگر گردیده جمله اشکبار  
خیمه‌ها آتش گرفت و کود کانت دل غمین  
خواهرانت در اسارت‌ای شه دنیا و دین  
ای صفای سینه پیغمبر مرسل حسین  
می‌برندم کوفیان از نزد تو باشور و شین  
نیست جای بوسه‌ای بر جسم صد چاکت حسین  
ای فدای حنجر ببریده و پاکت حسین

سوره

ویژه‌نامه

آشنای ناآشنا

### سلطان اقلیم وجود

کعبه دل، حاصل دین، نور عشق  
مهر جان، مظهر حق، طور عشق  
پرده نشین، روح صفا عدل و داد  
بی تو بود عالم و آدم به باد  
صبح وفا، ماه لقا، شمس دین  
قطب خرد محور حق در زمین  
سرّ ازل، نور ابد، قبله گاه  
غیر تو نبود به خدا هیچ راه  
ای شه اقلیم وجود از نخست  
غیر تو را پاک سرشتان نجست  
اهل اشارت به جهان ای حبیب  
داده بشارت که بیاید طبیب  
بین تو جهان غرق تباهی شده  
دور ز آیین الهی شده  
جای حقیقت همه باطل گرفت  
دشمن از این معرکه حاصل گرفت  
خرمن اخلاق سراسر بسوخت  
یوسف دل را بشریت فروخت  
آتش شهوت همه افر وختند  
روح و روان عزت خود سوختند  
راهزنان راه بر انسان زده  
محتسبان حاصل ایشان زده  
قامت عالم ز فراقت خم است  
تا تو نیایی به جهان ماتم است  
از رخ زیبات برافکن نقاب  
ابر به یکسو بزن ای آفتاب  
شعله هجران تو مسکین بسوخت  
دیده بسی بر سر کویت بدوخت

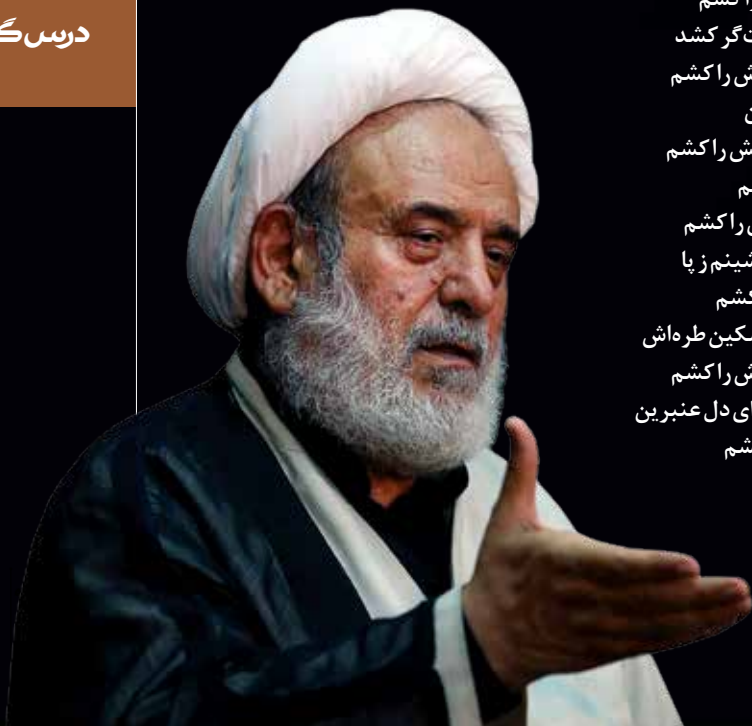
### عمری است گرفتار سر موی حسینم

من معتکف خاک سر کوی حسینم  
من عاشق و دلباخته روی حسینم  
آشفته‌گی ام نیست درین دهر پر آشوب  
چون بسته آن سلسله موی حسینم  
بیمی نبود لحظه مردن به دل من  
زیرا که سرم بر سر زانوی حسینم  
ای راهروان ره حق فاش بدانید  
من مستحق بودن پهلوئی حسینم  
هرگز نشوم معتکف خانه دنیا  
ای هم سفران گرم سفر سوی حسینم  
بگذاشتم این زندگی پر ز تعب را  
دلشاد کنون از دم واز هوی حسینم  
در روز قیامت به دلم وحشت و غم نیست  
زیرا به پناه قد دل جوی حسینم  
بیمی به دلم نیست ز بی مهری دنیا  
عمری است گرفتار سر موی حسینم  
این مهر و وفایی که مراد دل و جان است  
پیدا است که من خاک سر کوی حسینم  
قلبم به جز این نغمه ندارد به دو عالم  
من عاشق مجنون صفت روی حسینم

### طره عنبر فشان

خواهم که با نقش رخس نقشی ز جانم را کشم  
گو خنده آرد بر لبش تا من لبانش را کشم  
زیبایی اش را کی توان نقاش صورت گر کشد  
من صدر رقم خواهم ز نم تا زانو نشانم را کشم  
تا شکر و بادام را بینی کنار هم ببین  
اول دو چشمش را سپس زیبا دهانش را کشم  
مستانه با پای دلم تا قبله را پیدا کنم  
بنشینم از شب تا سحر ابرو کمانش را کشم  
بادوش جان من تا ابد بی آن که بنشینم ز پا  
ممت برم از غمزه اش بار گرانم را کشم  
نقشی کشم از صورتش وانگه ز مسکین طره اش  
نقاش آتش می شوم زان پس دهانش را کشم  
کلک من مسکین چنین می گردد ای دل عنبرین  
گر نقش تار طره عنبر فشانم را کشم

### دریس گفته‌ها





دست‌ما به مواعظ  
استاد انصاریان  
تنها آموزه‌های  
و حیاتی، تعالیم  
اهل بیت و  
نکته‌های عرفانی  
است. بدین طریق  
می‌توان به وجوه  
اتفاق و افتراق  
مواعظ سعدی و  
استاد انصاریان  
پی برد.

راهنما

ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا

مجت‌الاسلام والمسلمین مردانی‌پور:

# همگام با فرهنگبانان شعر و ادب فارسی

استاد انصاریان معتقد هستند که کشف و شهودی که دلیل قرآنی یا روایی نداشته باشد، باطل است. ایشان همچنین به این موضوع اعتقاد دارند که عرفان شیعی مشتعل بر معرفت، عشق به حق و عمل مرکب است و در غیر این صورت، آنچه که به نام عرفان و تصوف است، چیزی غیر از گمراهی یا بازی بادی نیست. حجت‌الاسلام والمسلمین مردانی‌پور (نعمانی) از فضایی حوزه علمیه قم، سال‌ها روی آثار استاد حسین انصاریان کار کرده‌اند؛ طبیعی است که بر آثار ایشان اشراف داشته باشند و بهتر از دیگران بتوانند درباره شخصیت ادبی استاد اظهار نظر کنند. به همین مناسبت گفت‌وگویی با ایشان داشته‌ایم که مشروح آن را در زیر می‌خوانید.

## ● آشنایی شما با استاد انصاریان و آثار ایشان از چه زمانی شروع شد؟

مؤسسه فرهنگی دارالعرفان در سال ۱۳۸۴ از من خواست تا روی آثار استاد کار کنم. در آن هنگام - در ساختمان قدیمی مؤسسه - با استاد انصاریان آشنا شدم و همزمان کار روی آثار ایشان را شروع کردم.

## ● شما در چه موضوعی روی آثار کار می‌کردید؟

ویرایش و تحقیق بر سخنرانی‌های استاد؛ به بیان دیگر، من باید ساختار گفتاری آن‌ها را به ساختار نوشتاری تبدیل می‌کردم. کاری بسیار زمان‌بر و دقیق که باید متن را از عالمی به عالم دیگر بیاورد.

## ● شما روی کدام آثار استاد کار می‌کردید؟ نخستین

اثری که روی آن کار کردم، «شرح دعای کمیل» بود. در واقع من باید برای آخرین مرتبه کار را بازبینی می‌کردم، چون پیش‌تر دوستان روی آن کار کرده بودند. بازبینی دیگر، ترجمه قرآن بود. ایشان همه ملاحظاتی را که به نظر می‌آمد با گشاده‌رویی و فروتنی علمی می‌پذیرفتند. پس از آن، کتاب «اهل بیت (ع)» مهم‌ترین اثر استاد در این مجموعه بود که زیر نظر ایشان چند فصل نیز بر آن افزوده شد. اثر دیگر، «فرهنگ مهرورزی» است. این هم اثری جذاب و خواندنی است. نبود فصل مهرورزی به جانوران در این اثر حس می‌شد که با موافقت استاد بر آن افزوده شد.

کتاب «معاشرت» آخرین اثری است که روی آن کار کردم؛ کاری بسیار زمان‌بر. این کتاب به زبان عربی ترجمه شد و در لبنان نیز به چاپ رسید. در همه این آثار، برادر فاضل و بلندهمت، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد صابریان من را یاری بسیار داد؛ البته کتابی دیگر هنوز باقی است که «سیمای نماز» نام دارد. امیدوارم توفیق یار من باشد تا باقی‌مانده کتاب را به عربی ترجمه کنم. استاد این کتاب را در جوانی نوشته، اما با این حال کتابی مفید و مؤثر است.

## ● شخصیت استاد را چگونه معرفی می‌کنید؟

استاد انصاریان را در نوبه خود، شخصیتی بی‌نظیر یافتیم. پیش از این، ایشان را بیشتر ملاقات می‌کردیم؛ در این ملاقات‌ها با ابعاد ناشناخته و پنهان شخصیت استاد آشنا شدم. برجسته‌ترین آن‌ها، تواضع علمی استاد است. گمان من است که یکی از اسباب موفقیت ایشان، همین موضوع است. گاه نقدهایی که به ایشان می‌شد، بسیار زنده بود؛ اما ایشان با گشاده‌رویی و بردباری می‌پذیرفتند. گاهی نیز برخی از افراد، القابی را برای تحسین کردن به ایشان نسبت می‌دادند که استاد به آسانی می‌گفتند: ما چنین نیستیم. خصلت‌های نیک ایشان فراوان است که بر شمردن آن‌ها به دراز می‌کشد.

## ● از آنجا که شما فعالیت بسیاری روی آثار ایشان داشته‌اید، شخصیت ادبی ایشان را چگونه می‌پندارید؟

یکی از شاخه‌های روانشناسی، روانشناسی ادبیات است. من کتابی با عنوان «سیکولوجیة الأدب» به زبان عربی نوشته‌ام که درباره این موضوع است. در همین موضوع کتابی دیگر به





استاد انصاریان نیز از سال ۱۳۴۵ برای وعظ و تبلیغ به بیش از ۱۰۵ شهر ایران، از کرانه‌های خلیج فارس تا کرانه‌های خزر سفر کردند و با اقوام مختلف و لهجه‌ها و زبان‌های گوناگون مواجه شدند که همین امر، خود تجربه‌اندوزی است. افزون بر سفرهای درون‌مرزی، استاد به کشورهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی سفر کرده‌اند. با اطمینان می‌توان گفت که این سفرها در طرز تفکر و به دنبال آن در سبک نگارش و شعر ایشان تأثیر داشته‌است.

● اجازه دهید که پیدایش سبک سعدی را با دقت بیشتری به گفت‌وگو بنشینیم. چه چیز باعث شد سعدی، همان که در ابتدا همچون پیشینیان خود، ثقیل می‌نوشت - چنانکه کتاب «تاریخ و صاف» گواه است - به سبکی برسد که در «گلستان» مشاهده می‌شود؟ آیا این زمینه برای استاد انصاریان فراهم بود؟

پیش‌تر بیان شد که اثر شخص، از شخصیت او جدانیست. شخصیت فرد نمی‌تواند از تجربه‌های او جدا باشد، چون انسان به گونه‌ای که فکر می‌کند، سخن می‌گوید و نیز آن چنان که سخن می‌گوید، می‌اندیشد. این، خود نوعی جدال بین اندیشه و زبان است که مایه زاینده‌گی است. باید اذعان کرد که این فرآیند بیشتر برای کسانی رخ می‌دهد که می‌کوشند تا ایده‌های خود را از آسان‌ترین راه به مخاطب منتقل کنند؛ چرا که از یک طرف سعی می‌کنند تا ساده‌ترین قالب‌های گفتاری را برای بیان اندیشه‌های خود برگزینند که در این حالت، اندیشه بر زبان اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، ایشان می‌کوشند تا اندیشه‌ها را به گونه‌ای صورت‌بندی کنند که در قالب‌های گفتاری بگنجد. پس از این نزاع مفهومی، اندیشه و زبان کنار هم قرار می‌گیرند و مقطع گفتاری شفاف‌تری را در اختیار مخاطب قرار می‌دهند که سبب تسخیر مخاطب می‌شود.

به نظر می‌رسد، این جریان بیشتر برای خطبا رخ دهد، زیرا خطیب بیش از دیگران در بند این است که نظر خود را شفاف، پرجاذبه و والا در ذهن مخاطب خود به تصویر بکشد. این روند به تدریج پخته‌تر و منظم‌تر شده و سرانجام به صورت یک ملکه درمی‌آید.

بین زبان گفتار و زبان نوشتار فاصله‌هاست، ولی باید گفت که بی‌شک زبان گفتار در زبان نوشتار به گونه‌ای منعکس می‌شود. این ویژگی علاوه بر اینکه در مصلح‌الدین سعدی شیرازی بوده، در

شانزده صفحه بنویسم.

درباره نثر سعدی چنین گفته‌اند؛ هنر سعدی در «گلستان» این است که نثر فارسی را از چنگ تکلف، تصنع و فضل‌فروشی نجات داده و آن را هموار و مطبوع گردانید. و باز گفته‌اند که پاکی اسلوب «گلستان» و روشنی بیان و ایجاز آن همیشه می‌تواند سرمشق قرار گیرد. می‌توان گفت هر آنچه که باعث شد سعدی به این سبک در «گلستان» دست یابد، پس از انقلاب مشروطه در بعضی از نویسندگان فراهم آمد؛ همچون تجربه‌های متنوع و ممتد، قوت قریحه، شجاعت ادبی، حس ابداع و مخالفت با راه و رسم رایج در دنیای نویسندگی. از این رو، نویسندگانی که همانند سعدی می‌نوشتند، راه‌های تازه‌ای را در نویسندگی طی کردند. گمان من این است که استاد انصاریان از جمله کسانی است که از این ویژگی‌ها بهره‌ها برده‌اند.

● تجربه‌های ممتد سعدی و سیر و سفرهای او و نیز نقش آنها در تجارب او در ساختار نگارش سعدی تأثیر فراوان داشت. آیا از این جهت میان استاد انصاریان و سعدی تشابهی وجود دارد؟

«بسیار سفر باید تا پخته شود خامی»؛ شیخ اجل سی تا چهل سال در سیر و سیاحت بوده است. دولت‌شاه سمرقندی در تذکره الشعراء می‌گوید: «سی سال به تمام ربع مسکونی مسافرت کرده». این سخن او خالی از مبالغه نیست. شیخ به حجاز و لبنان و روم آن زمان رفته و چهارده نوبت حج کرده است. وقتی به جهاد با رومیان رفت، به اسارت دشمن افتاد. سعدی از این همه سفر و دیدار با ملل مختلف و آشنایی با بیش از یک زبان، تجارب بسیار اندوخت که در شعر و نثر او تأثیر قاطع داشت.

زبان فارسی با عنوان «روانکاو و ادبیات» از «حوری یاوری» به چاپ رسیده است. هیچ اثری نمی‌تواند از شخصیت صاحب اثر جدا باشد؛ به دیگر بیان، تمام ویژگی‌های شخصیتی نویسنده در اثر او بازتاب دارد، حتی ویژگی‌هایی که شخص تلاش می‌کند تا پنهان کند. به این دلیل، در نقد و ارزیابی اثر باید نخست به دقت شخصیت، منش و سیرت صاحب اثر شناخته شود، در غیر این صورت، نقد ناتمام است. استاد انصاریان به طور خلاصه از شم ادبی والایی، چه در شعر و چه در نثر برخوردار هستند.

● ادبیات به شاخه‌های مختلف تقسیم می‌شود؛ به نظر شما کدام یک از شاخه‌ها در شخصیت و آثار استاد انصاریان درخور بررسی و ارزیابی است؟

به گمانم سه فن در آثار و شخصیت ایشان درخور مطالعه و ارزیابی است؛ نخست، شعر؛ دوم، سبک نگارش (نثر) و سوم، خطابه. البته باید گفت که خط ایشان نیز زیباست؛ خط همان طور که می‌دانید به ادبیات مربوط نیست، بلکه از اقسام هنری است.

● سبک نگارشی ایشان را چگونه می‌بینید؟

یک بار در محفلی دوستانه که استاد نیز در آن حضور داشتند، سخن از سبک نگارش ایشان به میان آمد؛ من گفتم که سبک نوشتاری استاد، سبک سعدی را به یاد می‌آورد. این سخن مورد پسند یکی از سادات حاضر در مجلس نبود. البته ایشان با ادبیات آشنایی چندانی نداشتند. این اتفاق سبب شد تا من مقاله‌ای را برای اثبات این که سبک نگارشی استاد انصاریان و سعدی به یکدیگر بسیار نزدیک است را در

سعدی در  
گرایش‌های  
عرفانی  
خودبشدد  
تحت تأثیر  
«احیاءالعلوم»  
غزالی است.  
استادانصاریان  
نیزبشدد  
تحت تأثیر  
«محجةالبيضاء»  
فی‌احیاءالاحیاء»  
(ملافیض)  
کاشانی است.



## ویژه‌نامه آشنای ناآشنا

استاد حسین انصاریان نیز نمود داشته است؛ چرا که سعدی، خود خطیب و واعظی زبردست و توانمند بوده است.

### ● بی‌شک خطابه، یک فن ادبی است. در این باره بیشتر توضیح دهید و در این مورد میان استاد انصاریان و سعدی شیرازی مقایسه فرمایید.

خطابه از صناعات پنج‌گانه منطق است؛ البته در علم منطق خطابه را ماده می‌انگارند. از سویی ماده که از مشهورات، مقبولات و مضمونات تشکیل شده است، برای اقناع مخاطب به کار می‌رود، اما خطابه در ادبیات از جهت آرایه‌ها مطرح می‌شود، یعنی از جهت فصاحت و بلاغت که تا چه اندازه گوینده، با فصاحت و بلاغت خود، توان تسخیر مخاطب را دارد. تجربه سعدی در این میدان دیرپا و طولانی است و چنانکه گذشت به دو زبان عربی و فارسی صورت می‌گرفت؛ چرا که او در مسجد جامع دمشق خطابه و وعظ می‌کرد و پس از بازگشت به زادگاه خود شیراز، در کنار رود رکن‌آباد به موعظه می‌پرداخت. از آثار ماندگار سعدی در وعظ و پندآموزی، پنج مجلس است که به «مجالس خمس» معروف است. «مجالس خمس» مجموعه‌ای از پند و اندرز است که سعدی برای مریدانش بیان می‌کرد. استاد زرین‌کوب بر این باور بود که شیخ در مجالس وعظ، موعظه‌های عارفانه می‌گفت.

می‌توان گفت بارزترین ویژگی استاد انصاریان که بدان شهره شده‌اند، خطابه است. ایشان منبر را - چنانکه پیش‌تر نیز بیان شد - از سال ۱۳۴۵ شروع کرد. در این راه، عنایت امام علی بن موسی الرضاع) و نیز انفاس قدسیه نیکان بدرقه راهشان بود. ایشان از آن تاریخ تا ۱۳۹۵، در مدت نیم قرن، حدود بیست هزار خطابه داشته‌اند که صداهای آن‌ها ضبط شده و در دسترس است. بسیاری از آن‌ها نیز به صورت کتاب به چاپ رسیده است. همواره حاضران مجلس ایشان از رسته‌های گوناگون مردم و پرشمار بوده‌اند و هم‌اکنون نیز این چنین است. برخلاف مواعظ سعدی که دست‌مایه آن تعالیم تصوف بود، دست‌مایه مواعظ استاد انصاریان تنها آموزه‌های وحیانی، تعالیم اهل بیت(ع) و نکته‌های عرفانی است. بدین طریق می‌توان به وجوه اتفاق و افتراق مواعظ دو بزرگوار پی برد.

### ● گویا تصوف، تاریخی پُرفراز و نشیب داشته است؛ ممکن است که اندکی درباره

### این موضوع توضیح دهید و موضع سعدی را در آن بیان فرمایید؟

می‌توان گفت که در تصوف چند جریان جاری بوده است؛ چنانکه کارشناسان این فن نیز آن را این چنین برشمرده‌اند. نخست، جریانی که از نیمه دوم قرن دوم هجری با «رابعه عدویه» آغاز می‌شود. این جریان بیشتر بر ریاضت، زهد و دنیاگریزی استوار است، نه اندیشه و شناخت. دوم، جریانی که اعتبار تصوف را نه به خرقه، بلکه به سوز و واکنش درون می‌داند. اساس این جریان، هوشیاری و شریعت‌مداری است. بنابراین، جریان طریقت از راه شریعت به حقیقت می‌رسد. پیش روی این جریان، جنید بغدادی است. سوم، جریانی که مبتنی بر شریعت نیست، محور آن «أنا الحق» گفتن و افشای اسرار و شطحیات است. شعار این جریان این است که با رسیدن به بام معرفت، نردبان شریعت را باید فرو افکند. بایزید بسطامی در رأس این جریان است. چهارم، جریانی که به دنبال تبیین نظری اسرار عرفانی است. باید گفت که این جریان بر پایه ارائه راه برای سالک در عمل برای سلوک و طی مراحل نیست. پنجم، جریانی است که تلاش دارد بین شریعت و طریقت آشتی برپا کند. پیش‌آهنگ این موج حامد غزالی است. او تلاش می‌کند تا تصوف را به قلمرو اخلاق وارد کند.

در این میان، می‌توان ادعا کرد که سعدی به گونه‌ای، با جریان پنجم خویشاوندی دارد. از این رو، به شدت تحت تأثیر «احیاءالعلوم» غزالی است و به خاطر این است که دغدغه‌های اخلاق در شعر او موج می‌زند. عدم وابستگی سعدی به یکی از طریقه‌های صوفیه، نشانه آزاداندیشی، واقع‌گرایی و اعتدال است که خود از اسباب جاودانگی، طراوت و تازگی آثار اوست. در هر صورت، سعدی همانند سهروردی راه سلامت را در گذر از شریعت می‌بیند.

### ● نظر استاد انصاریان درباره این موضوع چیست؟

سعدی در گرایش‌های عرفانی خود به شدت تحت تأثیر «احیاءالعلوم» غزالی است. استاد انصاریان نیز به شدت تحت تأثیر «محجةالبيضاء فی‌احیاءالاحیاء» (ملافیض کاشانی) است. «محجةالبيضاء» نوعی بازنگری در «احیاءالعلوم» (غزالی) و بازنویسی آن است. بدین گونه، افق‌های عرفانی این دو بزرگوار به یکدیگر نزدیک می‌شود، اما استاد انصاریان معتقد است، کشف و شهودی که دلیلی قرآنی یا روایی ندارد، باطل و



ناگفتنی است. ایشان معتقد است، عرفان شیعی مشتمل بر معرفت، عشق به حق و عمل مرکب است. در غیر این صورت، آنچه که به نام عرفان و تصوف است، چیزی غیر از گمراهی یا بازی با دین نیست.

### ● بی‌شک استاد غزل، سعدی است. حتی دولت‌شاه سمرقندی معتقد است که «شبویه غزل بر او ختم شد». برخی از قدما، چون همام تبریزی و شماری از متأخران مانند ایرج‌میرزا به شبویه سعدی شعر گفته‌اند. دیوان شعر استاد انصاریان که به تازگی به چاپ رسیده است، از کدام‌یک از شاعران اثر بیشتری پذیرفته است؟

استاد انصاریان طبع شعری خود را در غزل آزموده‌اند. ایشان توانسته‌اند غزل‌هایی زنده و خیال‌انگیز به بازار شعر و شاعری بیاورد. باید گفت که کلیدواژه‌ها، ترکیب‌ها، ایماژها و فضای شعری غزل‌های استاد، به شدت تحت تأثیر غزل‌های سعدی و حافظ است، اما این تأثیر با یک واسطه در ایشان اثر کرده و آن شخص ملافیض کاشانی است، چون استاد ارادت‌ی ویژه به فیض در شعر دارند. فیض نیز در نظام شعری سعدی و حافظ





قالب سروده شده، اما گویی جان مایه همه آن‌ها غزل است.

استاد محمدعلی مجاهدی (پروانه) علاوه بر بازنگری و ویرایش، مقدمه‌ای فاضلانه بر کتاب نگاشته‌اند که بسیار پربار و سودمند است. استاد انصاریان نیز مقدمه‌ای بر این دیوان نوشته که در آن به مدعی نبودن خود در شاعری اشاره کرده‌اند؛ «این سخن را باید تکرار کنم که من در زمینه شعر و شاعری ادعایی ندارم.» این امر نشانه‌ای از اوج فروتنی در بازار مدعیانی است که بسیار هستند. حال که سخن از مدعی به میان آمد، بهتر است توانمندی حافظ با شاه نعمت‌الله مقایسه شود. شاه نعمت‌الله با حافظ معاصر بود. او گفته بود:

«ما خاک راه را به یک نظر کیمیا کنیم

صد درد دل به گوشه چشمی دوا کنیم»

حافظ که واقع‌بین و درست‌اندیش است، از چنین خودبرتری‌هایی بیزار است. وی در پاسخ به این بیت با طعنه می‌گوید:

«آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند؟

دردم نهفته به ز طیبیان مدعی

باشد که از خزانه غیبش دوا کنند»

● شما از شعر، نویسندگی و خطابه استاد سخن گفتید؛ اندکی از فن ترجمه که یکی از فنون ادبی است و استاد نیز در آن مهارت دارند، بگویید.

آری باید از ترجمه ایشان هم یاد کرد. ایشان در فن ترجمه بسیار تلاش کردند و رنج آن را بر خود هموار نمودند. ایشان تاکنون قرآن کریم، نهج‌البلاغه و صحیفه سجاده را ترجمه کرده‌اند. به نظر می‌رسد ترجمه قرآن ایشان از دیگر ترجمه‌هایی که انجام داده‌اند برجسته‌تر و موفق‌تر باشد؛ گر چه دو ترجمه دیگر نیز بسیار پرامتیاز است.

استاد در ترجمه قرآن متناسب با مرتبه والای این کتاب مقدس، با دقتی بسیار تلاش کرده‌اند، حتی از دیگران نیز خواسته‌اند که این ترجمه را بازنگری کنند؛ چرا که اگر نکته‌ای به نظرشان خطور کرد، آن را به استاد یادآوری کنند. همان طور که پیش‌تر گفته شد، من نیز به اندازه توان اندک خود، ملاحظاتی بر آن داشتم. البته استاد پس از این که از آنها آگاه شدند، به آنان ترتیب اثر دادند. به دلیل این دقت نظر، گویی ترجمه قرآن ایشان یکی از چند ترجمه برتر قرآن به زبان فارسی است.

«یکی دختری داشت خاقان چو ماه

کجا ماه دارد دو چشم سیاه»

شاکله سروده فردوسی در اینجا، حماسی است، برخلاف سعدی؛ هنگامی که او حماسه‌سرایی می‌کند، با شاکله حماسه، هنگام سرودن غزل با طبع غزل و در هنگام سرایش مرثیه، با جان مرثیه می‌سراید.

● مدتی است که دیوان استاد انصاریان به چاپ رسیده است؛ درباره این دیوان و این که ایشان در چه قالبی سروده شده است اندکی برای ما توضیح دهید.

استاد انصاریان لطف کرده و دیوان خود را به من اهدا کردند. ایشان تخلص «مسکین» برای خود برگزیدند. این تخلص پیش‌تر، برگزیده چند نفر از شاعران بوده است؛ از جمله فروغی بسطامی (در آغاز دوره شاعری‌اش)، ملاعلی‌اکبر کازرونی و میرزا محمدعلی اصفهانی.

دیوانی مشتمل بر ۳۰۴ غزل، ۸۲ مثنوی، ۵۰۰ دوبیتی، هزار بیت درباره سیدالشهدا (ع)، ۱۱۵ مناجات و ترجمه منظوم، مناجات خمسه عشر از امام سجاده (ع)، دیوان استاد در سال ۱۳۹۱ و در ۱۴۰۰ صفحه چاپ شده است. اشعار در چند

شعر می‌سراید. استاد در غزلی می‌گوید:

«من ندارم به جهان غیر تمنای تورا

نکنم نقش به دل جز رخ زیبای تورا

باغم عشق که باشد به جهان مایه‌سوز

زدهام بر دل و جان آتش غوغای تورا

سروزیبای چمن باهمه رعنائی و حسن

می‌خورد حسرت آن قامت رعنائی تورا»

● به قول دولت‌شاه سمرقندی شیوه غزل بر سعدی ختم شد، ولی در قالب‌های دیگر نیز شعرهایی پرمغز سروده است.

البته سعدی در عالم شعر، بسیار تواناست. او در مدیحه‌سرایی، اندرز‌گویی و موعظه، مثنوی، مرثیه‌خوانی، هجو، طیبات و حماسه‌سرایی، طبیعی قوی دارد. او زبردستی خود را در همه آن‌ها به نمایش گذاشته که این خود نشانه‌ای از نبوغ اوست.

شاید سعدی از این نظر استثناء باشد. برای نمونه، حافظ غزل‌سرای بزرگ تاریخ در ادب فارسی، وقتی که قصیده می‌سراید، نمی‌تواند آن طور که شایسته است، حق آن را ادا کند. حکیم ابوالقاسم فردوسی نیز وقتی گریزی به مطلبی عاشقانه می‌زند، گویی از رزم و حماسه سخن می‌گوید؛

سیدعباس موسوی؛

# آثاری با اقبال شیعیان کشورهای اسلامی

اینکه حضرت  
استاد آثار  
مکتوب خود را  
با عبارت «هو  
الحق» آغاز  
می کنند بیان  
شعار توحیدی در  
مقابل «انا الحق»  
متصوفه است.



ویژه نامه

آشنای نا آشنا

استاد حسین انصاریان آثار متعددی را به رشته تحریر در آورده یا ترجمه کرده اند که از جمله آنها می توان به ترجمه صحیفه سجاده، قرآن کریم و کتب مختلف با موضوعات متفاوت اشاره کرد که عرضه این آثار در دیگر کشورهای مسلمان نیز حائز اهمیت است. کتاب های استاد انصاریان و سایر کتاب هایی که از ساختار تفکر تشیع پر خوردار و از سوی شیعه مذهب این کشورها مورد علاقه و وثوق است، پر طرفدار بوده و فروش آن رونق بسیار دارد. در همین رابطه با سیدعباس موسوی (کمال السید)، مترجم آثار استاد انصاریان به زبان عربی به گفت و گو نشستیم که شرح آن را در زیر می خوانید.

● چگونه با استاد انصاریان آشنا شدید؟  
آشنایی با ایشان از طریق آثار مکتوب استاد آغاز شد؛ هنگامی که کتاب های شرح دعای کمیل و مجموعه بزرگ و گران سنگ شرح دعای صحیفه سجاده به ایشان را مطالعه کردم.

● اگر بخواهید استاد انصاریان را توصیف کنید، درباره ایشان چه می گوید؟

در بسیاری از مکتوبات استاد انصاریان ملاحظه کرده ام که کلام خود را با عبارت هو الحق آغاز می کنند. پندار من این است که این واژه در حقیقت، اختلاف اصلی میان عرفان و تصوف است. متصوف کسی است که پس از مراحل خیالی، فریاد می زند «أنا الحق»؛ در صورتی که عارفی که همواره در مسیر معارف اسلامی حرکت کرده است، باوری غیر از «هو الحق» ندارد، این یعنی شخص اهل توحید حقیقی است. استاد

انصاریان در بسیاری از سخنرانی های خود، با بیان آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) که دو محور اصلی سخنرانی ایشان است، به حدیث مشهور ثقلین اشاره می فرمایند. از این رو، مخاطب در چارچوب اصلی بحثی که قرار است آغاز شود، قرار می گیرد. این روش، ساختار ذهنی مخاطب را تصحیح کرده و این نکته را القاء می کند که اسلام بدون اهل بیت (ع) چیزی غیر از گمراهی و خودبینی نخواهد بود.

«أنا الحق» در حقیقت همان شعاری است که حسین بن منصور حلاج آن را فریاد می زد و موجب شد به دادگاه احضار شده و پس از محاکمه، اعدام شود. هر چند که این موضوع بهانه ای بیش نبود و حلاج تنها به جهت توطئه علیه حکومت، محاکمه شد. میان فریاد «أنا الحق» صوفی و فریاد «هو الحق» که از لسان عارفی بیان می شود تفاوت بسیار است. این

نکته درباره حضرت علی (ع) نیز نقل می شود؛ هنگامی که پیامبر (ص) از اصحاب خود درباره شخصیت حضرت امیر (ع) پرسیدند، هر یک در پاسخ، امام را تمجید کردند، اما هیچ یک یادآور رفعت مقام ایشان در توحید نشدند؛ هیچ یک از آنان این را که حضرت همواره در نماز خود سوره اخلاص را می خواندند، اشاره ای نکردند. گویی این اصرار، همان تأکید بر «هو الحق» است که عارف مسلمان، باید همواره بدان توجه کند. هر چند میزان درک و فهم مسلمانان در آن زمان به قدری نبود که متوجه این موضوع باشند.

● استناد استاد انصاریان در شرح موضوعاتی که در سخنرانی های خود ایراد می کنند، بیشتر بر چه منابعی استوار است؟  
ایشان همیشه در رفتار و گفتار، متکی به آیات و روایات هستند. روایات را نیز همواره از مصادر



همان عرفانی که مبنای آن «هو الحق» است و نه «أنا الحق».

● **به نظر شما حوزه مخاطب‌شناسی و نگاه استاد در آثارشان به تربیت مخاطب چگونه است؟**

استاد انصاریان به شخصیت حقیقی انسان نگاه می‌کنند. ایشان بر عرضه مطالب و موضوعاتی قابل مفاهمه، برای جوانان تأکید فراوانی دارند. استاد شخصیت مخاطبان را بر سه اصل عقل، روح و اخلاق استوار می‌دانند. نکته جالب این که از آنجا که به طور معمول، به ویژه در سال‌های اخیر گفتار دانشمندان غربی و دستاوردهای علمی و فناوری آنان برای جوانان بسیار جذاب است، از این رو، همواره به تعقل، تمدن و دستاوردهای علمی جوامع غربی، نگرشی کاملاً محترمانه دارند. با وجود این، ایشان همواره به

کند. نقل است که منصور حلاج پیشنهادی برای گزاردن مناسک حج مطرح کرد؛ این که در آن، حاجی بدون حضور در سرزمین وحی، به ادای اعمال خود بپردازد. کیفیت این طرح در کتاب‌های تصوف نیز آمده است. به نظر من، این امر خودبینی است. همان‌طور که ابلیس نیز در آفرینش انسان، به انسان سجده نکرد؛ اما در برابر آن، این را که هزاران سال خدا را عبادت کند، پذیرفت. به دیگر سخن، این که مخلوق، خود کیفیت عبادت را - برخلاف آنچه که امام صادق معین کرده‌اند - تشخیص داده و تعیین کند، در پایان به منیت و خودخواهی منجر خواهد شد.

متأسفانه تجربه تصوف تنها یک پیامد شوم در پی داشته است؛ این که این فکر، سرانجام انسان را تنها به مجموعه‌ای از تخیلات و توهمات، هدایت می‌کند. عرفانی که استاد انصاریان معرفی کرده و بدان اصرار می‌ورزند، عرفان اهل بیت (ع) است؛

اصلی مثل اصول کافی (شیخ کلینی) که منبعی اصیل و در حقیقت دایرةالمعارف اصلی برای مذهب تشیع به شمار می‌رود، استخراج می‌کنند. از حضرت صاحب‌الامر و الزمان (عج) به این مضمون نقل شده است که استناد به این کتاب (اصول کافی) - برای نیازهای شرعی شیعیان، - کفایت می‌کند. کتابی که جامع و کامل و نیز دربردارنده بیست هزار روایت است. استاد انصاریان در ارجاع به قرآن نیز عنایت خاصی به تفسیر المیزان (مرحوم علامه طباطبایی) و تفسیر نمونه (آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی) دارند.

● **شاخصه مکتب عرفانی استاد انصاریان در چیست؟**

حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده که مضمون آن چنین است؛ اراده خدا بر این واقع شده که چگونگی و کیفیت عبادت را نیز خود تعیین





داشت. ما در کشور کویت به چاپ کتاب‌هایی با بنای فکری تشیع اهتمام داشتیم.

یکی از مشکل‌های اساسی این است که کتاب‌های شیعه از همان ابتدا، به ویژه در سال‌های اخیر با بروز جریان‌های سلفی و وهابی در منطقه محاصره شده‌اند. حتی با وجود تفاهم‌هایی که میان دولت اسلامی ایران و دیگر دولت‌های مسلمان عرب‌زبان به عمل آمد، بارها کتاب‌های شیعی در همان فرودگاه مقصد سوزانده شده‌است.

کتاب‌های استاد انصاریان و سایر کتاب‌هایی که از ساختار تفکر تشیع برخوردار و از سوی شیعه‌مذهبان این کشورها مورد علاقه و وثوق است، پرتعداد بوده و فروش آن رونق بسیار دارد. حتی با وجود این که اهل تسنن به آن‌ها بی‌توجه هستند، گاه به جهت رونق تجاری حاصل از فروش این کتاب‌ها، ناشران سنی‌مذهب برای منفعت‌طلبی خود، بدون آن که به محتوی آن‌ها اعتقاد داشته باشند، به فروش آن‌ها اقدام کرده‌اند.

● **در پایان پیشنهاد شما که خود مترجم آثار استاد انصاریان هستید، برای توجه بیشتر افراد به ویژه جوانان به این کتاب‌ها چیست؟**  
پیشنهاد می‌کنم که نخست، این آثار ساده‌نویسی شده و در قالب کتاب‌هایی کوچک تلخیص شوند؛ چرا که شاید مواجهه مخاطب با مجموعه‌ای چهارده جلدی در ابتدا امری بسیار سنگین باشد. چنانکه اشاره شد، با توجه به این که آثار استاد انصاریان، بیشتر ناظر به فطرت انسان بوده و به روح‌والای انسانی و اخلاقیات اسلامی تأکید می‌کند، باید مورد کاربرد و استفاده بیشتری از سوی مخاطبان قرار گیرد.

به امام صادق در ۱۲ جلد است و شرح صحیفه سجادیه را که مجموعه‌ای دوازده جلدی است، ترجمه کرده‌ام. هم‌اکنون نیز مشغول ترجمه جلد هشتم آن هستیم. در میان این آثار، به شرح صحیفه سجادیه بسیار علاقه‌مند و شیفته شده‌ام، دلیل آن نیز این که استاد در این کتاب بیانی منعطف داشته و در آن سخن را با اشاره به پدیده‌های اعجاب‌آور طبیعی آغاز کرده‌است تا مقدمه و پیش‌زمینه فکری را برای رسیدن به اصل بحث در نظر مخاطب تداعی کند. روشی که درباره کتاب‌های مشابه با موضوع صحیفه سجادیه هرگز وجود ندارد؛ چرا که آنان چنان نامعنطفانه مباحث را طرح کرده‌اند که کمتر می‌توان با آن ارتباط برقرار کرد.

● **کتاب‌های ترجمه شده به زبان عربی در چه سطحی است و مخاطبان آن چه افرادی هستند؟**

بیشتر کشورهای عرب‌زبان در حوزه خلیج فارس خواستار این آثار هستند. کشور بحرین پیش از اوضاع نابسامان کنونی، بزرگترین نمایشگاه کتاب را در میان کشورهای عربی دارا بود. کتاب‌های استاد در آنجا فروش بالایی داشت، حتی ناشری به نام عبدالکریم فخرآوی که در آخر زیر شکنجه به شهادت رسید، کتاب‌های بسیاری در حوزه تشیع به چاپ رساند. استاد انصاریان و آثارشان در کشور عراق، به ویژه پس از ساقط شدن صدام از محبوبیت و اعتبار فراوانی برخوردار شدند. در کشور قطر نیز پیش از بروز جریان‌های سلفی و حمایت این کشور از گرایش‌های ضد شیعی، کتاب‌های جهان تشیع مشتاقان فراوانی

این نکته تأکید می‌کنند که جامعه بدون اخلاق محکوم به نابودی و فناست. به همین خاطر، همیشه برنامه‌ای را برای توسعه اخلاقی مطرح کرده‌اند؛ چرا که ایشان، مبنای همه انحرافات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در بی‌اخلاقی می‌دانند. فطرت آدمی، برای استاد در بیان و شرح اخلاقیات، اصلی پراهمیت است. با توجه به اشراف ایشان بر عرفانیات، قلب را کانون عواطف انسانی و محلی برای انعکاس انوار الهی مطرح می‌کنند؛ بدین معنا که اگر شخص، اشتباهی مرتکب شده و در هواهای نفسانی غرق شود، به انحطاط و تباهی کشیده خواهد شد.

متصوفه انسان را همواره به نابودی این غرایض انسانی دعوت می‌کنند؛ زهدی منفی که نتیجه‌اش حرکتی قهقراپی است. این امر با عرفان اسلامی که حقیقتش زهدی مترقی است، متفاوت است. با تمسک به عرفان اسلامی می‌توان زندگی مرفه و آسوده‌ای داشت؛ اما در عین حال، هدایت آن را نیز برعهده گرفت و از کج‌روی‌های آن جلوگیری کرد؛ نه این که زندگی را به سبب تعلقات دنیوی و مادی آن به راهی برای هلاکت و سقوط در نابودگاه گناه و فساد مبدل کند.

● **کدام یک از آثار استاد را ترجمه کرده‌اید؟**  
من مهاجرم و از سال ۱۳۶۰ در شهر قم مقیم هستم. تاکنون آثاری را همچون شرح دعای کمیل، عرفان اسلامی که شرح کتابی منسوب

استاد انصاریان و آثارشان در کشور عراق، به ویژه پس از ساقط شدن صدام از محبوبیت و اعتبار فراوانی برخوردار شد.

راهنما

ویژه‌نامه

آشنایی





آشنای ناآشنا  
همجواران

همراه با خانواده



حاج محمد تقی انصاریان:

# خلف صالح آیت الله حاج شیخ موسی خوانساری

ترجمه آثار استاد حسین انصاریان به زبان‌های مختلف با توجه به ظرفیت و علاقه‌مندی به وجود آمده در میان پژوهشگران علوم اسلامی در خارج از کشور برای بهره‌مندی جوامع بین‌المللی، از حدود بیست سال پیش آغاز شده و تاکنون به سی عنوان رسیده است. استاد در آثار مکتوب خود نیز همان شکل مردمی و عام‌فهمی را که در سخنرانی‌هایشان به چشم می‌خورد، حفظ کرده‌اند. حاج محمد تقی انصاریان، ناشر برگزیده در عرصه بین‌الملل از ناشران قدیمی در حوزه فرهنگ و اندیشه اسلامی در شهر مقدس قم و عموزاده استاد حسین انصاریان است که در حوزه ترجمه کتاب‌های اسلامی و مذهبی از مؤلفان پیشین و کنونی عالم تشیع، فعالیت مستمر داشته است. در خصوص شخصیت استاد انصاریان، گفت‌وگویی با او داشته‌ایم که مشروح آن را می‌خوانید.





## ● چند سال است که در حوزه تألیف، چاپ و نشر آثار دینی و قرآنی فعالیت می‌کنید و از چه زمانی این رویکرد دین‌المللی شد؟

من پس از مدت‌ها فعالیت فرهنگی و فکری از سال ۱۳۴۵ به فعالیت در حوزه چاپ و نشر کتاب‌های دینی و اسلامی گرایش پیدا کردم. ابتدا چاپ و نشر به زبان فارسی و عربی را به عهده داشتم و در ادامه در پی مواجهه با درخواست مسلمانان ایران و دیگر کشورها، بخشی از فعالیت‌های خود را در حوزه چاپ و نشر، به ترجمه کتاب‌های دینی و قرآنی به زبان‌های خارج (غیر عربی) معطوف کردم. پیش‌تر بخشی از این فعالیت در مؤسسه انتشاراتی جنبه تبلیغی و رایگان داشت، البته در زمینه کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای نیز به جنبه‌های تجاری و بازرگانی آن توجه داشتیم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آگاهی مردم دنیا از انقلاب در ایران و نیز رونق یافتن تعلیم اسلامی، درخواست‌ها برای آگاهی از اندیشه اسلامی که منشأ پیروزی انقلاب اسلامی بود، فزونی یافت؛ در

نتیجه برای تأمین نظر متقاضیان در این مؤسسه، تمرکز بیشتری به ترجمه آثار عالمان پیشین و کنونی در اندیشه اسلامی صورت گرفت؛ از این رو، آثار شیخ صدوق، علامه مجلسی، شیخ عباس قمی و علمای دیگر به زبان‌های گوناگون همچون آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه و توزیع شد.

هم‌اکنون زونکن‌هایی در قفسه‌های مؤسسه وجود دارد که در بردارنده نامه‌هایی است که از سوی علاقه‌مندان به اندیشه اسلامی و علاقه‌مندان به آشنایی با دین اسلام و تفکر شیعی، حدوداً از چهل سال پیش ارسال شده است؛ ما نیز متناسب با این درخواست‌ها آثاری را که تاکنون ترجمه و منتشر شده است به زبان‌های گوناگون به نشانی متقاضیان در سراسر جهان ارسال می‌کنیم.

## ● آیا این فرآیند با وجود پیشرفتی که در حوزه فناوری‌های رایانه‌ای صورت گرفته است، همچنان با همان قوت ادامه دارد؟

با وجود پیشرفت‌هایی که در این عرصه به وجود آمده، تجربه من در مدت چند دهه اخیر، نکته‌ای مهم را اثبات کرده است؛ اینکه هیچ یک از این فناوری‌ها نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای کتاب باشد.

کتاب‌های الکترونیک در قالب لوح فشرده تنها توانسته بیست درصد از نظر و توقع علاقه‌مندان به عرصه مطالعات دینی را برآورده کند؛ چرا که همچنان درخواست‌هایی از سراسر جهان برای

دریافت کتاب وجود دارد، اما به هر حال، باید برای این موضوع نیز چاره‌ای اندیشید. باید گفت که از فضای مجازی می‌توان در راستای نشر کتاب‌های دینی و قرآنی استفاده کرد. یکی از موانع این عرصه، هزینه‌های بالای جاری برای ارسال کتاب به نشانی متقاضیان است؛ برای مثال، پیش‌تر هزینه ارسال یک کتاب، معادل پنج هزار تومان بود، اما هم‌اکنون به ۱۰ برابر آن مقدار افزایش پیدا کرده است؛ این یعنی برای ارسال همان کتاب، باید معادل پنجاه هزار تومان پرداخت شود.

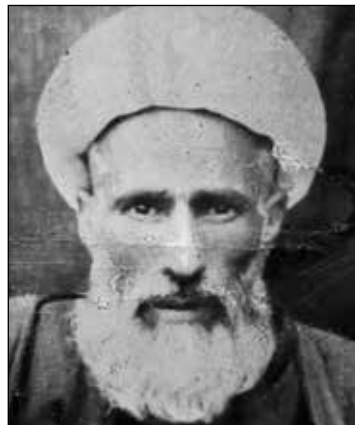
## ● درباره شخصیت علمی استاد انصاریان مختصری برای ما توضیح دهید.

من عموزاده ایشان هستم. باید بگویم که ایشان فخر و مایه مباهات خاندان انصاریان هستند؛ روحانیان بسیاری در خاندان بزرگ انصاریان بوده‌اند که بارزترین آنان آیت‌الله موسی خوانساری بوده است. پس از رحلت این عالم ربانی، استاد حسین انصاریان توانستند به شایستگی جای ایشان را پر کنند.

اما درباره کتاب‌های ایشان در راستای فعالیت مؤسسه انتشاراتی توضیح می‌دهم؛ فعالیت من در حوزه ترجمه و نشر آثار استاد از بیست سال پیش آغاز شد؛ یعنی هنگامی که در سال ۱۳۷۵ یکی از طلاب حوزه علمیه که اصالت امریکایی داشت، نزد من آمد و پیشنهادی مبنی بر ترجمه آثار استاد انصاریان را برای استفاده علاقه‌مندان برون‌مرزی به زبان انگلیسی داد. من از او درباره میزان آشنایی‌اش با آثار و اینکه تا به حال کتاب‌های استاد را خوانده است یا خیر پرسیدم. او گفت که با زبان فارسی آشناست و از همین رو شرح دعای کمیل ایشان را خوانده است. او یقین داشت که در صورت ترجمه، این آثار طرفداران بسیاری پیدا خواهد کرد. البته این کار صورت گرفت و این کتاب نه فقط به زبان انگلیسی، بلکه به زبان اردو، عربی و ترکی آذربایجانی نیز منتشر شد. پس از آن، فرآیند ترجمه کتاب «نظام خانواده» و «عرشیان فرش نشین» ادامه یافت. عرشیان فرش نشین با ترجمه به زبان عربی، تحت عنوان «ملائک الارض» منتشر شد.

● تاکنون این مجموعه چه تعدادی از کتاب‌های استاد انصاریان را منتشر کرده است؟ همچنین، آیا در مدتی که شما به ترجمه آثار استاد مشغول بوده‌اید، به نکته‌ای ویژه در سبک نوشتاری ایشان برخورد کرده‌اید؟

تأثیرگذاری مطالبی که ایشان مطرح می‌کنند - خواه در نوشتار باشد، خواه در کلام از جمله نکات بارز



در فعالیت‌های علمی استاد است، به شکلی که همه مجذوب شخصیت ایشان می‌شوند. سخنرانی‌های ایشان نیز همه مخاطبان را در هر طبقه اجتماعی و با هر میزان آگاهی و دانش، مستفیض می‌کند. در سالگرد رحلت آیت الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی که با سخنرانی ایشان صورت گرفت، مردم از هر طبقه‌ای در این مجلس شرکت کرده بودند؛ از علمای برجسته و شناخته شده در جهان تشیع تا مردم عادی که از دوستان و مقلدان ایشان بودند. نکته جالب این که همه بر این نکته که از منبر استاد کمال بهره را برده‌اند، اذعان داشته‌اند.

در نوشتار و تألیفات استاد انصاریان نیز همین ویژگی وجود دارد؛ به بیان دیگر، با وجود ساختار و مرتبه علمی مباحث، سادگی در بیان مطالب چنان است که همه مخاطبان به خوبی آن را می‌فهمند. استاد در آثار مکتوب خود نیز همان شکل مردمی و عام‌فهمی را که در سخنرانی‌هایشان به چشم می‌خورد، حفظ کرده‌اند.

به سبب همین سادگی و قابل فهم بودن، به جرئت می‌توان گفت که اگر آثار استاد، همه به زبان‌های مختلف ترجمه شده و نشر پیدا کنند، می‌تواند بخشی از نیاز مسلمانان را در سراسر

به جرأت می‌توان  
گفت که اگر آثار  
استاد، همه به  
زبان‌های مختلف  
ترجمه شده و  
نشر پیدا کنند،  
می‌تواند بخشی  
از نیاز  
مسلمانان را  
در سراسر جهان  
تأمین کند.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا



بازدیدکنندگان از نمایشگاه کتاب‌های اسلامی قرار می‌گیرد.

● آیا ممکن است اندکی درباره شخصیت

حقیقی استاد انصاریان صحبت کنید؟

استاد انصاریان شخصیتی والا دارند، به گونه‌ای که در ارتباط‌های خانوادگی از ایشان به غیر از پاکی و طهارت روح و نفس ندیده‌ام. بهترین خصلت وجودی ایشان، اخلاق نیکوست. ایشان عالمی عامل است؛ یعنی خود استاد به هر آنچه که مردم و

جهان تأمین کند. در این صورت، گامی بزرگ در عرصه ترویج فرهنگ و تعالیم اسلامی، به ویژه شیعی بر داشته شده است، البته باید این نکته را متذکر شد که به دلیل هزینه‌های هنگفت، در امر ترجمه و نیز مشکلاتی که در عرصه چاپ و نشر وجود دارد، فرآیند شتاب‌داری را شاهد نیستیم. من هر سال برای حضور در نمایشگاه کتاب به شهر کربلای معلی و نجف اشرف، مشرف می‌شوم؛ از نزدیک شاهد هستم که آثار ترجمه شده استاد به زبان عربی تا چه اندازه مورد اقبال مراجعان و

خاطرات



فاطمه‌ای از استاد شیخ مسین انصاریان:

ماه رمضان و منبر رفتن

در مسجد لاله‌زار تهران

چهار، پنج سالی بود که در مسجد لاله‌زار منبر می‌رفتم. امام در اعلامیه‌ها به روحانیون سفارش کرده بود تا می‌توانند مردم را از خواب

غفلت بیدار کنند. با توجه به ماه مبارک رمضان، جمعیت زیادی پای منبر من می‌آمد.

قبل از شروع مجالس، بعضی از دست‌اندرکاران مسجد با من صحبت می‌کردند و با خواهش و تمنا می‌خواستند که کاری به کار سیاست نداشته باشم.

می‌گفتند، ممکن است بریزند و مسجد را خراب کنند، ولی من طبق رویه‌ای که داشتم، نمی‌خواستم چنین قولی بدهم، از این رو آنها را با این قبول که خیلی تند حرف نمی‌زنم، متقاعد می‌کردم. خودم نیز معتقد بودم به صلاح است طوری حرف بزنم که مجلس را تعطیل



## عتاب پیامبر اکرم (ص)

در اصفهان، کنار زاینده رود منبری داشتیم که چهار خانه بزرگ علاوه بر پیاده‌رو برای جمعیت فرش می‌شد؛ تردد انبوه جمعیت مشکلاتی ایجاد کرده بود، به همین دلیل یکی از همسایه‌ها به بانی مجلس پرخاش می‌کرد و می‌گفت که این چه بساطی است راه انداخته‌اید.

چند روز بعد همین شخص نزد بانی آمد و خاضعانه درخواست کرد تا خانه‌اش را برای جمعیت فرش کنند؛ او گفت: دیشب حضرت رسول الله (ص) به خواب چند نفر از اهل خانه آمده و خطاب کرده‌اند که به این مجلس چه کار دارید؟ به جای کمک کردن مخالفت می‌کنید؟ یک روز خانواده‌ای به بانی مجلس مراجعه کرده و گفتند: از برکات این مجلس، زنان ما علاقه‌مند شده‌اند که چادر به سر کنند؛ با اینکه وضع مالی خوبی داریم، دوست داریم با پول شما چادر تهیه شود. بانی با خوشحالی و روی باز پذیرفت و چند قواره چادری مرغوب خرید و آن را هدیه داد.

● همه ساله برنامه‌هایی در زمینه اشاعه فرهنگ اسلامی و شیعی در کشور برگزار می‌شود. نمونه بارز آن کنفرانس وحدت اسلامی است که مجمع تقریب مذاهب اسلامی آن را به مناسبت هفته وحدت برگزار می‌کند. با توجه به مشکلاتی که به ویژه در زمینه ارسال آثار دینی و اسلامی و از جمله ترجمه آثار استادان ایرانی بر شمردید، آیا تعاملی میان مؤسسه شما با برگزارکنندگان چنین برنامه‌هایی برای در اختیار گذاشتن آثار ترجمه شده وجود دارد؟ سؤال بسیار خوبی بود. متأسفانه تنها میهمانانی که به صورت فردی و حقیقی در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند، از پیش با فعالیت مؤسسه آشنا بوده و درخواست در اختیار گرفتن آثار ترجمه شده را دارند.

گویی برگزارکنندگان چنین همایش‌هایی، عزمی برای کاستن فاصله و نزدیک کردن ناشران داخلی که در حوزه علوم اسلامی در سطح بین‌الملل فعال هستند، ندارند؛ هر چند ممکن است، برخی از افراد برای نشر آثار مکتوب در این حوزه از راه‌های دیگری اقدام کنند. به تازگی جریان شیعه‌کشی در کشور نیجریه رخ داد و دل همه شیعیان را در همه جای دنیا به درد آورد؛ اتفاقاً یکی از مواردی که در آخرین کنفرانس وحدت اسلامی به آن اشاره شد، موضوع نیجریه و یورش به مقر «شیخ زکراکی» بود.

مؤسسه ما ۱۰ سال پیش از وقوع این حادثه، از کشور نیجریه برای ارسال آثار ترجمه شده استادان ایرانی درخواست‌هایی دریافت می‌کرد. البته این مطالبه همچنان نیز ادامه دارد. متأسفانه در برگزاری چنین برنامه‌هایی از تمامی ظرفیت‌های علمی-پژوهشی در حوزه اسلام و آیین تشیع، برای معرفی جامع و اثرگذار آن به میهمانان تمام کشورهای و بلاد اسلامی استفاده در خوری نمی‌شود.



اهالی خانواده‌ها به آن توصیه می‌کند، عمل می‌کند. ایشان دوستدار اهل بیت (ع) است. قطعاً شاهد سخنرانی‌های ایشان که گاه از رسانه ملی پخش می‌شود و دگرگونی در احوال ایشان به هنگام مرثیه‌خوانی و ذکر مصائب اهل بیت (ع) بوده‌اید، به ویژه انقلاب روحی ایشان هنگام بیان مصیبت‌های حضرت سیدالشهدا (ع)؛ این شیدایی را نیز در زمانی که به اتفاق یکدیگر به کربلای معلی مشرف شده بودیم، از نزدیک شاهد بودم.

منبر صدا زدم که «آقا بیرون بایست، من خودم می‌آیم می‌بینم». منبر را تمام کردم. او جلوی در مسجد ایستاده بود، به او عتاب کردم که «چه خبرتان است، برای چه اینجا آمده‌اید؟ مردم در این مکان مقدس برای دین‌شان جمع شده‌اند.» او هم کمی بلند با ما صحبت کرد و درگیری بالا گرفت. جمعیت منتظر بودند که اگر به من حمله کردند، یا خواستند مرا بگیرند، مقاومت کنند. همه آماده جنگ شده بودند، من هم خیلی عصبانی بودم. فرمانده اوضاع را خطرناک دید و گفت: «آقا مشکلی نیست، من به نیروهایم می‌گویم برگردند.»

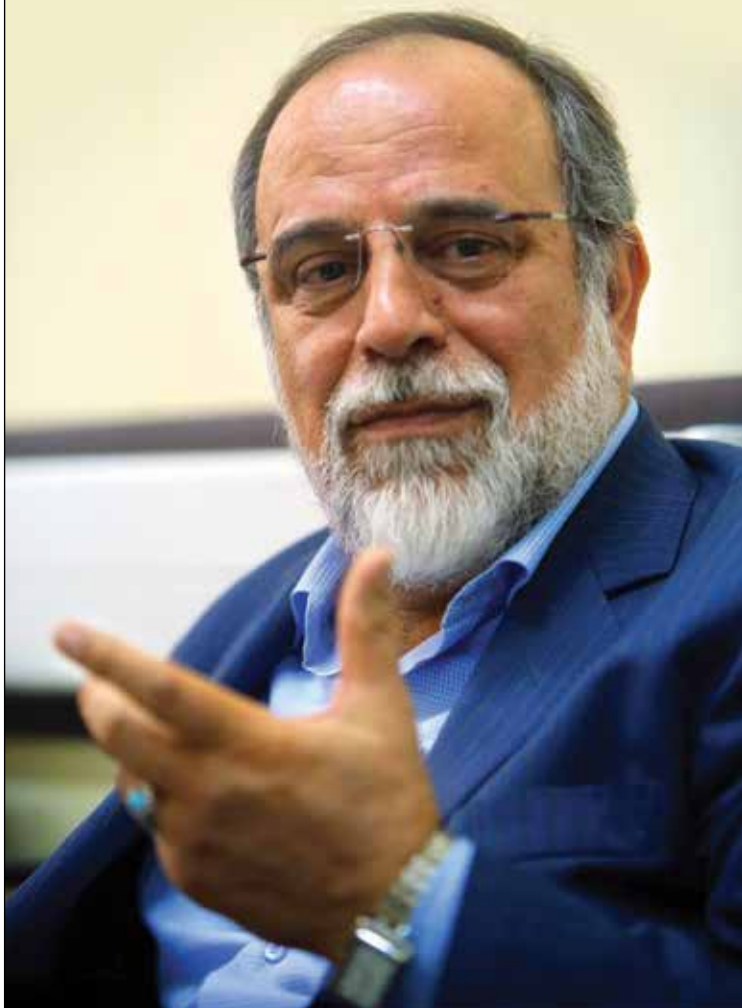
نکنند، زیرا لازم بود که آن جلسات ادامه یابد تا بتوانیم با کمک مردم، آن سینماها و کاباره‌ها را در آن محل براندازیم. شب‌ها در منزلی واقع در خیابان زیبا منبر داشتیم که جمعیت زیادی شرکت می‌کردند. در آنجا اعلامیه‌های فراوانی پخش می‌شد. من از جوانان خواستم مقداری از اعلامیه‌ها را در مسجد لاله‌زار پخش کنند. آن جلسات جنجالی ظهر و شب را با وجود درگیری شدید تا اواخر ماه رمضان کشاندم. قبل از روز بیست و یکم، کامیونی پر از کماندو کنار در مسجد آمد. من منبر بودم که فرمانده آنها با پوتین وارد مسجد شد. از روی



در گفت‌وگو با حاج ابراهیم انصاریان انجام شد؛

# بررسی نقش تربیتی والدین استاد

یکی از نکات مهمی که امروزه مطرح می‌شود سبک و سیره زندگی است که هر خانواده بر می‌گذرد و تاثیر آن بر روند تربیت فرزندان موضوعی انکارناپذیر است؛ حال اینکه خانواده‌نخبگان، استادان، علما و افراد شاخص چه نگاه تربیتی را برگزیده‌اند که شاهد ظهور چنین افرادی در جامعه باشیم، خود نکته‌ای بسیار تاثیرگذار است. در این مقاله در صدد برآمدیم تا به نقش تربیتی خانواده استاد حسین انصاریان، خطیب، مفسر و مترجم توانای کشورمان بپردازیم. در این رابطه به سراغ حاج ابراهیم انصاریان، برادر این عالم فرهیخته رفته‌ایم تا درباره ابعاد شخصیتی استاد بیشتر برایمان صحبت کنند. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.



● لطفاً درباره ابعاد شخصیتی استاد انصاریان

برای ما توضیح دهید.

هنگامی که خردسال بودم، حاج آقای اخوی در ابتدای راه طلبگی بودند. در آن زمان ایشان قصد داشتند به لباس روحانیون، ملبَس شوند. ایشان در آن دوره در قم و در حجره‌های طلبگی، زندگی می‌کردند. روزهای آخر هفته را برای دیدار خانواده به تهران می‌آمدند. گاهی نیز ما به صورت خانوادگی برای دیدن ایشان به قم می‌رفتیم. هنگامی که ایشان به تهران می‌آمدند، در همان روزهای آخر هفته، در هیئت‌های مذهبی کوچک، برای نوجوانان و جوانان سخنرانی می‌کردند. روشن است که ایشان از ابتدایی‌ترین مراحل تبلیغ فعالیت خود را آغاز کردند. وجود ویژگی‌های برجسته و ممتاز در سخنرانی‌های ایشان، سبب شد نتیجه مطلوب در امر تبلیغ زودتر به‌ارمغان آید.

ایشان چارچوب سخنرانی‌های خود را در دفتری شخصی می‌نوشتند. سبک یادداشت‌نویسی ایشان نیز در نوبه خود قابل تحسین است؛ ایشان ابتدا تاریخ و مناسبت و سپس مکان سخنرانی را می‌نوشتند. پس از این، آیات و روایاتی را که می‌خواستند درباره آن صحبت کنند، با نشانی دقیق یادداشت می‌کردند. همچنین، نکات کلیدی خطابه خویش را از پیش آماده می‌کردند و در آن صفحه می‌نوشتند. حتی داستان‌هایی را که می‌خواستند تعریف کنند یا ابیات شعری را که می‌خواستند بخوانند، با ذکر سند در آن دفتر می‌نوشتند. اگر در مناسبتی، باید هر روز در سه‌جا سخنرانی می‌کردند، برای هر سه‌جا مطالعه و تحقیق کرده و آن را به دقت یادداشت می‌کردند. دقت ایشان در نگارش مطالب از همان ابتدا، بسیار بالا بود. به‌طور کلی، ایشان پیش از سخنرانی، تمام لحظه‌ها را برنامه‌ریزی کرده بودند. در حقیقت، یکی از موفقیت‌های ایشان همین امر است؛ ایشان پیش از خطابه، جامعیت آن را برای خود تبیین و سپس آن را اجرا می‌کردند.

استاد به غیر از این دفتر که به صورت مفصل مطالب را در آن ثبت می‌کردند، دفترچه‌ای نیز داشتند که خلاصه و چکیده‌ای از نکات را در آن یادداشت می‌کردند. حاج آقای اخوی دفتر اصلی را برای پیشینه و سابقه‌ای برای خطابه‌هاشان استفاده می‌کردند و دفترچه را برای بررسی سطحی پیش از مراسم، همراه خود می‌بردند. یکی از دفاتر، ترجمه کتاب شریف «محجة البیضاء» (فیض کاشانی) بود. ایشان از این کتاب، از آغازین روزهای تبلیغ و خطابه خویش استفاده می‌کردند. به نوعی که ایشان روش اخلاقی جاری در این کتاب را به عنوان روش سخنرانی خود انتخاب کردند. «محجة البیضاء»

راهنما

ویژه‌نامه

آشنای ناآشنا

## عروة الوثقی

چند سالی بود که پسر یکی از روحانیون اهل تسنن بندرعباس، با دوست همکلاسی خود پای منبر من می آمد. یک روز آن پسر نزد من آمد و گفت که «در اثر بیانات شما مجذوب فرهنگ شیعه شده ام و می خواهم به دین تشیع در آییم.» روبه او کرده و گفتم: «شما که شیعه هستی و دیگر لزومی ندارد شیعه بشوی. فقط از این به بعد اعمال عبادی خود را بنا بر آنچه که اهل بیت (ع) فرموده اند انجام بده.»

برای تشویق و تکریم هر چه بیشتر، آن پسر را به منزل خودم آوردم و به دوستان خود معرفی کردم و از محسنات او گفتم و سپس بیان کردم که «این جوان فرزند یکی از علمای اهل سنت است که به سفارش فخر رازی، یکی از علمای بزرگ اهل سنت عمل کرده است و به امیرالمومنین (ع) و فرهنگ این است، پیوسته است.»

فخر رازی در اولین جلد تفسیر کبیرش در تبیین و شرح «بسم الله الرحمن الرحیم» و اینکه آیا این آیه جزء سوره هست یا خیر، می گوید که «من آن را جزء سوره می دانم و در نماز می خوانم. دلیل من هم همان است که حضرت علی بن ابیطالب (ع) در نمازهای خود «بسم الله الرحمن الرحیم» را می خوانده است.» سپس می افزاید که «من اتخذ علیا اماما فی دینه فقد استمسک بالعروة الوثقی؛ هر کس حضرت علی (ع) را در دین خود به عنوان امام قرار دهد، به ریسمان محکم الهی چنگ زده است.»



در دانشگاهها تدریس می شود، قبول می کنید؟ اگر اسناد و مدارک گواه وجود این پادشاهان هستند، وجود امام زمان نیز با سندهای تاریخی و روایی تأیید شده است. آن سخنرانی خود نقطه عطفی برای از بین رفتن همه آن شبهه های گمراه کننده بود؛ چرا که با بیان دلیل هایی بسیار راسخ و نیز استنادهایی که به دانشمندان بزرگ کردند، پایه های این نظام تاریک را سست کردند. این موضوع، نمونه ای از بهره بردن ایشان از علوم و موضوع های مطرح روز بود که سبب شد شخصیت اجتماعی، دینی و تبلیغی حاج آقای اخوی در آن زمان رشد پیدا کند.

### ● به نظر شما کدام ویژگی استاد سبب موفقیت ایشان در امر تبلیغ شده است؟

یکی دیگر از ویژگی های تبلیغی حاج آقای اخوی این است که هرگز گستره تبلیغی خود را به تهران محدود نکردند. این مهم، خود امتیازی ویژه برای مبلغان است. ایشان حتی با حضور در مرزی ترین مناطق ایران، با بیانی متفاوت سخنرانی کردند و معارف دین را در دیگر شهرها نیز به اسلام دوستان رسانیدند. حاج آقای اخوی در سفرهای خود به شهرستان های مختلف به دیدار علما و بزرگان آن مناطق می شتافتند. در حقیقت، خود را به بزرگان می سپردند و از کلام و صفای باطن ایشان بهره ها می بردند. زیرا ایشان خود را از تعلیم علوم دینی و یادگیری بیشتر تعالیم اسلامی، بی نیاز نمی دیدند. قبل از انقلاب که به همراه ایشان به همدان رفته بودیم، با سه نفر از بزرگان ملاقات کردیم؛ نخستین آن ها با آیت الله جنتی بود. ایشان در آن زمان زندانی سیاسی بودند؛ در حقیقت در همدان دوران تبعید را پشت سر می گذاشتند. هنگامی که اخوی در صدد دیدار با آیت الله جنتی برآمد، برخی تلاش کردند که ایشان را از این قصد منصرف کنند؛ اما با نظر ایشان این ملاقات انجام شد. این خود نشانگر آن است که

کتابی پُراهمیت با موضوع اخلاق، تربیت و اجتماع است. به راستی ایشان از این کتاب تأثیر بسیار پذیرفته بودند، از همین رو، کتاب را نیز ترجمه کرده بودند. علاقه شدید ایشان به این کتاب نشانگر آن است که نظام فکری حاج آقای اخوی تأثیر پذیرفته از آموزه های این کتاب است.

### ● به نظر شما چرا خطابه های ایشان بر مخاطبان اثر بسیاری می گذارد؟

ایشان با نوآوری های خود در خطابه، تأثیر بسیاری در مخاطبان خود گذاشتند؛ ایشان غیر از راه دین، با استناد به علوم طبیعی به اثبات معارف دینی می پرداختند و در این راه تلاش بسیار می کردند؛ چرا که در آن دوره (دهه چهل و پنجاه شمسی)، مادی گرایان سعی داشتند نظام دین را با استفاده از علوم طبیعی تخریب کنند؛ از این رو، استاد شهید مطهری نیز کتابی با عنوان «علل گرایش مادی گری» را برای تثبیت ساختار شریعت نوشتند. حاج آقای اخوی با استخراج نکات و مطالب نادرست علمی، آن ها را در سخنرانی های خود با اثبات دینی، رد می کرد. از این رو، گرایش جوان های دانشگاهی و حوزوی نیز که در اجتماع فعال بودند، افزایش می یافت. برای نمونه، گمراهان بهائی مذهب در آن زمان شبهه های بسیار سؤال برانگیزی را از وجود امام زمان مطرح می کردند. از این رو، ایشان سخنرانی های بسیاری را با موضوع مهدویت ایراد کردند. ایشان در یکی از سخنرانی های خود که جمعیت بسیاری نیز در آن مراسم حضور داشت، در پاسخ به این سؤال که چگونه نمی توان امام را که دیده نمی شود، امام زمان دانست، از بیش از صد پادشاه ایرانی نام برد و پرسید که آیا شما همه آنان را دیده بودید؟ در آن مراسم که شاید حدود دو ساعت به طول انجامید، گفتند که چرا شما همه آنان را که هرگز ندیده اید، پذیرفته اید؟ چگونه این مطالب را که

## شهادت استاد آیت‌الله مطهری

ترور استاد شهید مرتضی مطهری، حادثه‌ای بسیار ناگوار بود که شیرینی پیروزی انقلاب را در کام ملت ایران تلخ کرد. این ضایعه اسفبار که خیلی زود و نابهنگام و در سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی به وقوع پیوست، همه آحاد ملت را غافلگیر کرد و آنان را در غم و اندوهی گران فرو برد. استاد مطهری مغز متفکر انقلاب اسلامی و صاحب نظر در علوم و معارف الهی و اسلامی بود. کتاب‌های او به خوبی از تبحر و کارشناسی دقیق ایشان در مسائل دینی و فرهنگی و اجتماعی حکایت داشته و دارد. امام خمینی (ره) پس از شهادت استاد در این باره فرمودند: «کتاب‌های آقای مطهری بدون استثنا همه خوب است.»

ترور استاد شهید مطهری، به وسیله گروه فرقان صورت گرفت. گودرزی، رهبر این گروه، ابتدا درس طلبگی خوانده بود و پس از آن نمی‌دانم تحت تأثیر چه کسی قرار گرفته بود که تفسیر تمام مسائل الهی و اسلامی را به چارچوب عقاید کمونیستی نسبت می‌داد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، من شش جلد تفسیر قرآن نوشته گودرزی را در اختیار داشتم. وقتی آنها را مطالعه می‌کردم، همه را برخلاف اسلام و کفر آمیز می‌دیدم؛ هیچ آیه‌ای را درست و بی‌نظر تفسیر نکرده بود. آن کتب نمونه بارز کتب ضاله بود؛ لذا همه را نابود کردم تا به دست کسی نیفتد.

حاج آقای اخوی  
خلوص نیت  
مرحوم برهان را  
مشاهده می‌کرد.  
به همین دلیل،  
این رفتارهای  
خداپسندانه در  
وجودشان تأثیر  
کرد و ایشان را نیز  
همچون مرحوم  
برهان به اخلاص  
در عمل رسانید.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا



ایشان به طرفداران مرحوم امام و اسلام حتی اگر در تبعید بودند، علاقه داشتند. همراه با استاد در ظهر فردای آن روز، به دیدار شهید آیت‌الله مدنی رفتیم. ایشان نیز در دوره تبعید بودند. آیت‌الله مدنی بسیار متخلق به اخلاق بود و در آن دیدار به ما احترامی شایان گذاشت. ایشان در حالی که ایستاده بود، با رویی گشاده با من که نوجوانی سیزده ساله بودم، احوال‌پرسی کردند و نامم را پرسیدند و حاج آقای اخوی را در کنار خود نشاندهند و با محبت و احترام از ما پذیرایی کردند. همچنین، در آن سفر به ملاقات مرحوم آخوند ملاعلی همدانی از مراجع تقلید نیز رفتیم. حاج آقای اخوی با ادای احترام به بزرگان تلاش می‌کرد که از آنان نهایت بهره را ببرد. در مسجدی که در آن مرحوم ملاعلی همدانی امام جماعت بود، اتافی بود که برای برگزاری آن دیدار همگی به آنجا رفتیم. شهید مدنی و نیز مرحوم حاج ملاعلی همدانی در مراسم‌های سخنرانی حاج آقای اخوی در همدان شرکت می‌کردند؛ ارتباطی دوطرفه میان ایشان برقرار بود. مرحوم حاج میرزا اسماعیل ارباب از بزرگان و خوبانی بود که در تهران بسیار مورد علاقه مرحوم

امام بود. یکی از شاگردان و پویندگان راه ایشان به من گفت که حاج میرزا اسماعیل ارباب درباره حاج آقای اخوی می‌گفت که من استاد انصاریان را بسیار دوست دارم و همواره برای او دعا می‌کنم. او می‌گفت بیش از فرزندانم به او علاقه دارم. یک بار من و برادرم برای دیدن میرزا اسماعیل ارباب به منزل ایشان رفتیم. فصل زمستان بود. ایشان فرتوت شده و از پا افتاده بودند. ایشان با دیدن حاج آقای اخوی بسیار خوشحال شد. میرزا از نزدیک اذان مغرب گفت که شاید این از آخرین نمازهایم باشد و از اخوی خواست تا امام جماعت شود. ایشان نیز برای احترام به فرموده میرزا پذیرفته و پیش رفتند. حاج آقای اخوی همواره می‌کوشیدند که از فیض وجود چنین افرادی استفاده کنند. در حقیقت، این منش گویای تواضع ایشان است که خود را به بزرگان و اهل معنا عرضه می‌کردند و با شتافتن برای دیدار، به ایشان احترام می‌گذارند.

● درباره رابطه استاد با والدین تان صحبت کنید  
حاج آقای اخوی رابطه عاطفی خاصی با پدر و مادر





خود داشتند. این علاقه همچون علاقه مرید به مراد خویش و چیزی فراتر از روابط عاطفی میان فرزند و والدین بود. پدر نیز بیشتر در سخنرانی‌های ایشان شرکت می‌کرد، به گونه‌ای که شاید یکی از حضار ثابت جلسات بود. پدر هر جا که به مجلس موعظه می‌رفتند، کاغذ و قلم به همراه می‌بردند. پس از وفات ایشان، شاید بیش از هزار صفحه دست‌نوشته از ایشان به جا ماند. البته از آنجا که در جلسات سخنرانی بسیار شرکت می‌کردند، تجربه‌های خوبی به دست آورده بودند که گاه آن‌ها را به اخوی می‌گفتند. برای نمونه، درباره روایاتی که حاج آقای اخوی در سخنرانی مطرح می‌کرد، ایشان وجه دیگری از آن را متذکر می‌شد؛ یا به تفسیری دیگر از آیه‌ای که حاج آقای اخوی توضیح داده بودند، اشاره می‌کرد. در حقیقت، نوعی رابطه استاد و شاگردی میان ایشان برقرار شده بود. البته پدر در صد این نبودند که خود را استاد برادر معرفی کنند، اما برای بهتر شدن خطابه‌های او، تجربه‌های خود را بیان می‌کردند.

تجربه‌های پدرمان با شرکت در جلسه‌های خطیبانی همچون مرحوم آیت‌الله خزعلی، سلطان الواعظین،

لاریجانی، آقاسید مهدی قوام، حاج شیخ عباس علی اسلامی، حاج شیخ علی قمی و اشراقی بزرگ به دست آمده بود. هنگامی که حاج آقای اخوی سخنرانی‌های خود را آغاز کرد، ۳۰ سال از پامنبری بودن پدر می‌گذشت، از این رو پدرمان با دقتی بسیار، نکات را یک‌به‌یک متذکر می‌شدند. ایشان به ما توصیه بسیار می‌کردند که در جلسه‌های سخنرانی برادرم شرکت کنیم، اگر شرکت نمی‌کردیم، گلابه و ابراز ناراحتی می‌کردند. مادر نیز تنها سواد مکتبی داشتند؛ اما او نیز سخنرانان بسیاری را درک کرده بودند. از این رو، گاه می‌گفتند که حسین، بهتر است فلان مطلب را در سخنرانی‌های خود مطرح کنی؛ البته برادرم نیز تمناً آنچه را که مادر توصیه کرده بود، عملی می‌کرد. حتی گاهی بر فراز منبر به صراحت مطلبی را از مادر نقل می‌کردند. اخوی با مادر نیز رابطه‌ای فراتر از رابطه عاطفی داشتند. گاه به ایشان می‌گفتیم که در جمع خانواده سخنرانی کنید؛ اخوی می‌گفتند: «همه این‌جا عالم و منبر دیده هستند.» گویی از این که خود را بزرگ خانواده معرفی کنند و دیگران به بزرگی ایشان احترام بگذارند پرهیز می‌کردند؛ چرا که سخنرانی را در جمع خانواده نوعی نصیحت کردن می‌دانند که این موضوع نیز نشان از تواضع درونی ایشان دارد.

### ● چه چیزهایی را بر شخصیت و موفقیت استاد در طول زندگی ایشان اثرگذار می‌داند؟

نکته دیگری که شایان ذکر است، اخلاص در سخنرانی‌هاست؛ البته سنجش اخلاص افراد امری مشکل است و نمی‌توان به راحتی درباره میزان اخلاص و صدق نیت افراد اظهار نظر کرد، اما آنچه که قطعی است تأثیرهای رفتاری مرحوم آیت‌الله برهان در شخصیت حاج آقای اخوی است. مرحوم آیت‌الله برهان بارها به پدر می‌گفت که مانع فعالیت‌های پسر در راه قرآن، اسلام و حضرت امام زمان (عج) نشوید. مرحوم آیت‌الله برهان که امام جماعت مسجد لرزاده بود، طی روز به مسجد می‌رفت و به نظافت مسجد مشغول می‌شد. هنگامی که حاج آقای اخوی با این رفتارهای خالصانه مرحوم برهان روبه‌رو می‌شدند، شکوفایی روح اخلاص را در وجودشان حس می‌کردند تا جایی که حاج آقای اخوی به همراه مرحوم آیت‌الله برهان به مسجد می‌رفت و با هم به نظافت مسجد می‌پرداختند. حاج آقای اخوی خود شاهد این بوده‌اند که مرحوم برهان حوض مسجد را می‌شست، آب آن را عوض می‌کرد و فردای آن روز در برابر جمعیت بسیار در همان مسجد سخنرانی می‌کرد. ایشان خلوص

نیت مرحوم برهان را مشاهده می‌کردند. به همین دلیل، این رفتارهای خداپسندانه در او تأثیر گذاشت و ایشان را نیز همچون مرحوم برهان به اخلاص در عمل رسانید. همه تأثیرهایی که مرحوم حضرت آیت‌الله برهان، سید مهدی لاله‌زاری و آیت‌الله الهی قمشه‌ای در روح حاج آقای اخوی ایجاد کردند، امروز به خوبی نمایان است. به راستی، اخلاص ایشان می‌تواند الگویی نیک برای مبلغان دین باشد. ویژگی دیگری که در سخنرانی‌های اخوی نیز بسیار نمایان است، ارتباط قلبی ایشان با حضرت سیدالشهداست. مادر ما خود از فرزندان حضرت زهرا (س) و پیامبر اکرم (ص) بوده‌اند؛ از طرفی پدر با سوز دل از خداوند خواسته بودند تا فرزندان به او ارزانی دارد که شفیقه و خدمت‌گذار امام حسین (ع)، مبلغ دین اسلام و از علمای بزرگ باشد. به طور کامل روشن است که دعای ایشان مستجاب شده است. مادر نیز می‌گفتند که چون اخوی فرزند اول بود، تلاش می‌کردم که دعایی که برای فرزندمان کردیم، درباره او تحقق پیدا کند؛ از این رو ایشان می‌کوشید در خوراک و در حلال بودن آن دقت بسیار کند. همچنین، همواره با توجه به اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) ایشان را شیر دادند. چرا که در دین تعالیم بسیاری درباره رشد معنوی فرزند از زمان انعقاد نطفه تا زمان شیردهی آمده است. ایشان تا سه سالگی، بسیار می‌گریستند. برخی می‌گفتند که این نوزاد از چیزی رنج می‌برد، اما مادر در پاسخ به آنان می‌گفتند که من او را با توسل به امام حسین و اهل بیت (ع) بزرگ می‌کنم، بگذارید گریه کند تا به گریستن برای امام حسین (ع) عادت کند. مادرمان وقتی به مجالس حضرت سیدالشهدا (ع) می‌رفتند، اخوی را نیز با خود می‌بردند و او را در مجالس سیدالشهدا (ع) شیر می‌دادند. این مهم، برای مادر موضوعیت داشت؛ چرا که در پی ایجاد آثار تکوینی در اخوی ما بودند. مادر می‌گفتند که در آن جلسات، وجود ارتباط معنوی میان نوزاد چند ماهه با جلسه را به خوبی حس می‌کردم. پدر و مادر ما، اهل بکا و گریستن بر مصیبت‌های اهل بیت بودند، به گونه‌ای که در هر مجلس مرثیه‌خوانی یا مناجات خوانی، صدای گریه پدر ما پیش از دیگران به گوش می‌رسید. به همین دلیل، می‌توان گفت که همه آن رفتارهای برخاسته از محبت به اهل بیت تأثیری مستقیم در اخوی گذاشته است.

انصاریان به خاطراتی که از دهه ۵۰ داشت اشاره کرد و گفت: در دهه پنجاه حاج آقای اخوی به قزوین سفر کردند. من نیز همراه با پدر برای شرکت در مراسم ایشان به قزوین رفتم، اما وقتی رسیدیم مراسم شروع شده و دعای کمیل به نیمه رسیده



بود. پدرم تا نشست بغضش ترکید و به شدت گریست. برخی با حضور در مراسم‌های معنوی، پس از مدتی حس بکا را در خود حس می‌کنند؛ در صورتی که پدر من از همان لحظه نخست حضورش در مراسم‌ها به شدت و با صدای بلند می‌گریست. صدای گریه ایشان در فضا پیچید؛ حاج‌آقای اخوی که در حال خواندن دعای کمیل بود، با شنیدن صدا مکثی کرد و گفت این صدای گریه برایم آشناست. این صدای گریه پدرم است که آمده تا دعای کمیل بخواند. همین چند جمله سبب شد مردم حس عاطفی میان ایشان و پدر را احساس کنند. به همین دلیل، حسی عجیب در سراسر مراسم حاکم شد و گریه مردم بسیار شدت یافت. به عقیده من، بخشی از تربیت دینی پدر و مادر همان گریه‌های آنان برای اهل بیت بوده است. به راستی، این ارث‌گران بها به ایشان رسیده است و سبب شده تا ایشان نیز اهل بکا باشند. چرایی موفقیت‌های ایشان را باید در دعای مستجاب پدر و مادر در حق ایشان جست و جو کرد. پدر و مادر به این موضوع اهمیت بسیار دادند و حتی از پیش از ازدواج تا پس از به دنیا آمدن حاج‌آقای اخوی، بسیاری از بایدها و نبایدها را رعایت کردند. ایشان عطیه‌ای الهی و افتخار خاندان انصاریان هستند و امیدواریم که بتوانیم قدر شناس ایشان باشیم.

پدر با سوز دل از خداوند خواسته بودند تا فرزندانمان به او آرزائی دارد که شیفته و خدمت‌گزار امام حسین، مبلغ دین اسلام و از علمای بزرگ باشد. به طور کامل روشن است که دعای ایشان مستجاب شده است.



ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا

### ● آیا با وجود کمبود وقت، با سخنرانی‌های استادمانوس هستید؟

ایشان که به تازگی رفتن به منابر و سخنرانی را آغاز کرده بودند. خانواده ما بیشترین حضور را در جلسه‌های خطابه ایشان داشت، زیرا ایشان بیشتر در حوالی میدان خراسان (محل منزل پدری) مجلس سخنرانی داشتند. در حقیقت، سخنرانی‌های ایشان

در همین مناطق شکل گرفت؛ چرا که در آن زمان (پیش از انقلاب)، بیشترین تمرکز هیئت‌ها و مجالس مذهبی در همین منطقه بود. سبک زندگی جدیدی که با سخنرانی‌های ایشان در مردم ایجاد شده، بسیار وسیع است. یعنی همان روش‌های تربیتی که در خطابه‌های خود مطرح می‌ساختند، هنوز نیز در مرد و زنی که با اشتیاق به جلسه‌های ایشان می‌شتافتند، دیده می‌شود. افرادی که در سخنرانی‌های ایشان با معارف دینی آشنا شدند، در آغاز انقلاب بیشترین تأثیر را در پیشبرد این نهضت داشتند. بسیاری از رزمندگان و حتی بسیاری از شهیدان آن منطقه، از افرادی بودند که تحت تأثیر آن سخنرانی‌ها به جبهه‌ها رفتند. برخی از مسئولان بلندپایه کشور، پیش‌تر پای درس‌ها و سخنرانی‌های ایشان تربیت یافته‌اند. این تأثیر تبلیغی و عاطفی همچنان ادامه دارد؛ یعنی افراد هنوز حتی پس از گذر سال‌ها با حاج‌آقای اخوی ارتباط داشته و خود را به نوعی وابسته به ایشان می‌دانند. نمونه موفق تبلیغ از نوع خطابه، این چنین است. امروزه برخی با سلیقه‌گرایی می‌کوشند سخنرانی‌های مذهبی را کم‌رنگ کرده و نوظهور کرده‌های رسانه‌ای را جایگزین آن کنند.

### ● لطفاً درباره تألیفات استاد و اینکه اولین اثر ایشان چه بود بر ایمان بگوئید.

نخستین کتابی که نوشتم، «لقمان حکیم» بود. من که یکی از اعضای خانواده ایشان بودم، شاید بیشترین تبلیغ را برای این کتاب کردم. بسیار کوشیدم تا توزیع این کتاب به بهترین شکل صورت پذیرد. چند عنوان از تألیف‌های ایشان بسیار مورد توجه قرار گرفت، یکی از آن‌ها عنوان «لقمان حکیم» بود. در آن کتاب، شخصیت لقمان حکیم و شخصیت انسانی مذهبی تبیین شده است. یکی دیگر از کتاب‌ها، پیرامون حج نوشته شده بود. گویی ایشان پس از نخستین سفر حج این کتاب را نوشتند. در دهه چهل و پنجاه، جلال آل‌احمد کتابی را با عنوان «حسی در میقات» نوشت. در این کتاب، هر چند نویسنده در صدانتقاد از حج از جنبه روشنفکرانه بود، نمی‌خواست حقیقت آن را انکار کند. بلکه با همان نگرش خودمی‌خواست مشکلات این موضوع را مطرح کند. حاج‌آقای اخوی با نگارش کتابی در این زمینه، کوشیدند آن‌جا نامناسی را که بتدریج در حال شکل‌گیری بود، از بین ببرند. چرا که نگاه روشنفکرانه جلال آل‌احمد رفته رفته در حال گسترش بود؛ به گونه‌ای که حتی دیدگاه





## توبه در روضه

روزی در دهه عاشورا دو جوان که آن روزها به آنها «هیپی» می‌گفتند به مراسم روضه «میرزا اسماعیل» آمدند و در بین مراسم عزاداری و نوحه خوانی یکی، دو بار خندیدند. میرزا اسماعیل که از این حرکت ناراحت شده بود، نسبت به آنها پرخاش کرد. همین موضوع سبب شد که آنها جلسه را ترک کنند. میرزا اسماعیل گفت: «شب در خواب، حضرت سیدالشهدا (ع) و قمر بنی هاشم (ع) را دیدم. ایشان به همراه برادرشان عزاداری‌هایی را که برای آنان انجام می‌شد به ثبت می‌رسانند تا اینکه نوبت به ثبت عزاداری خانه من رسید که امام حسین (ع) به قمر بنی هاشم (ع) فرمودند: روضه میرزا و مستمعین آن را ثبت کن؛ بعد روزه ایشان کرده و فرمودند: همه کسانی که در روضه بودند ثبت شدند؟ حضرت قمر بنی هاشم (ع) عرض کردند: بله. فرمودند: آن دو جوانی را که می‌خندیدند هم ثبت کردی؟ ایشان به حضرت سیدالشهدا (ع) عرض کردند که آن دو جوان جلسه روضه شما را مسخره کردند. امام حسین (ع) فرمودند: بالاخره آن دو جوان هم در مجلس من شرکت کرده بودند. نام آنان راهم ثبت کن». میرزا می‌گوید: «صبح فردای آن روز که از خواب بیدار شدم، دچار تغییر شده و فکر کردم که بهتر است به دنبال آن دو جوان بروم. رفتم و آنها را پیدا کردم. داستان را برایشان تعریف کردم. آنها نیز رفتارشان را اصلاح کردند و در مجالس روضه حضور پیدا می‌کردند و سر و وضع‌شان را تغییر دادند و هم اکنون نیز از چهره‌های مذهبی شهر شده‌اند.»



که شخص نقدشونده هر چند به دیگر نقدها اعتراض می‌کرد، آن را بپذیرد. البته این نقد به صورت کتاب نیست، بلکه در قالب سخنرانی است. در حدود دهه پنجاه، خطیبانی بسیار توانا مانند مرحوم آیت‌الله فلسفی، سید محمود شبستری و شیخ کافی در تهران سخنرانی می‌کردند؛ این که حاج آقای اخوی در این دوره به چهره‌ای آشنا تبدیل می‌شوند، خود در خور تحسین است، اما با این همه، اخلاص ایشان سبب شد تا هرگز به کمترین خودبرتربینی و غروری دچار نشوند که از این موضوع می‌توان دو نکته را دریافت؛ اول این که ایشان معارف دینی را به درستی می‌فهمیدند و دوم نیز این که روش بیان ایشان روشی به روز و پسندیده بود. در آن دوران که جریانی ضد دینی - مثل اندیشه‌های کمونیستی، بهائی و حتی وهابی - در میان مردم جریان داشت، حاج آقای اخوی باروش خود توانستند بسیاری را به خود جذب کرده و اندیشه‌های باطل را از ذهن‌ها بزدایند. آنچه که در همه موفقیت‌های ایشان ریشه دارد، اخلاص استاد است؛ به بیان دیگر، آنچه را که ایشان بیان می‌کنند تنها برای رسیدن به هدف (تبیین و ترویج اسلام و پایداری شیعه) است. ایشان به راستی خادم حقیقی اهل بیت (ع) هستند.

مذهبی‌ها نیز درباره حج در حال منفی شدن بود، همچون امروز که دوباره همه آن انتقادهای برخاسته است؛ اینکه چرا به حج می‌روید؟ چه سود و نفعی در این کار است؟ در دهه پنجاه یکی از موضوع‌های جنجال برانگیز علی شریعتی و موضوع امامت، خلافت و ولایت بود؛ بسیاری به نقد او پرداختند و گاه از مرز انصاف نیز گذشتند، اما باید گفت که یکی از کسانی که نقدی منصفانه و عالمانه و نیز نقدی تربیتی را مطرح کردند، حاج آقای اخوی بودند. استاد انصاریان ۱۰ روز در مسجد میرزا موسی که به مسجد قزاق‌ها شهرت داشت، برای نقد موضوع امامت و خلافتی که علی شریعتی مطرح کرده بود، سخنرانی کردند. شریعتی نیز در یکی از کتاب‌های خود نوشته بودند که در میان همه نقدهایی که از من شد، تنها نقد جناب انصاریان، نقدی شایسته و علمی بود. این که عالم دینی در زمانی که بسیاری به رفتارهای نادرست مشغول هستند، مسیر صحیح را انتخاب کند، می‌تواند همه را شایسته و علاقه‌مند به دین کند. با وجود این که در آن دوره، شرایط حاکم، شریاطی بسیار سنگین برای روحانیان بود، شخصی همچون حاج آقای اخوی با بیان نقدی منصفانه کاری کردند





سپهر

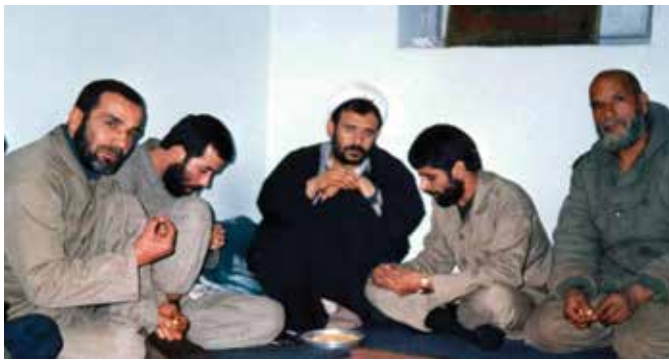
ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا







همجواران



صلح‌الدین اوزگوندوز / رهبر شیعیان ترکیه



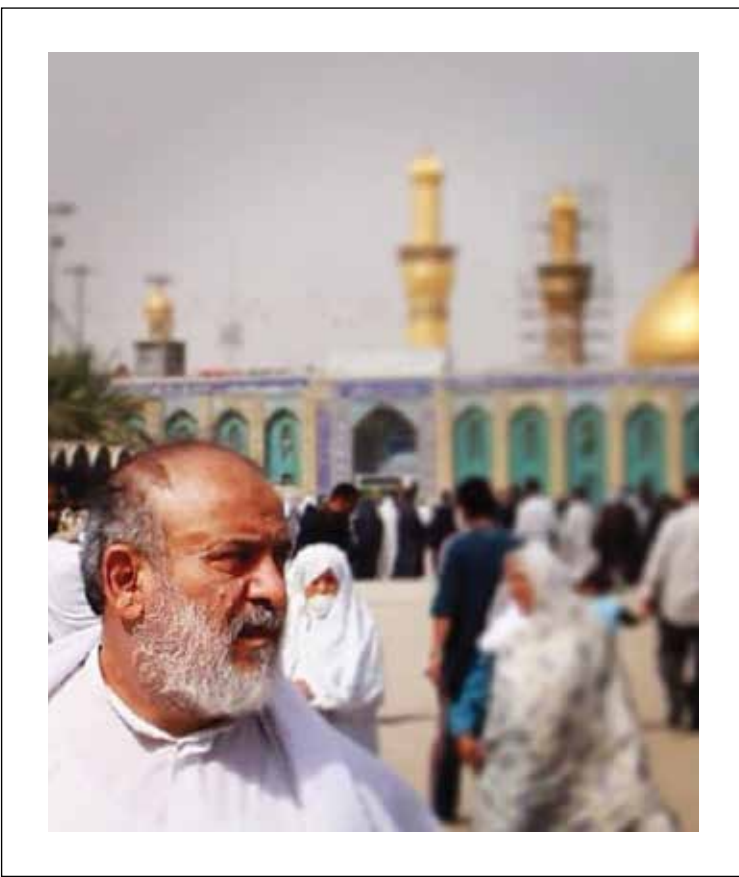
آلمان: همایش امیرالمؤمنین (ع) / گلزن کیشن



دیدار با مفتی اعظم استانبول



سخنرانی در کلیسای مریم مقدس / رم



دیدار با ماهاتیر محمد نخست‌وزیر سابق مالزی



سپهر

ویژه‌نامه  
آشنای ناآشنا



## باشگاه مخاطبان نشریه رایحه خبرگزاری ایقنا

باشگاه مخاطبان رایحه مجالی برای ایجاد ارتباط دو سویه بین ما، خبرنگاران و تهیه کنندگان نشریه و شما مخاطبان همیشگی و پیگیر فعالیت های قرآنی است. شما می توانید از طریق عضویت در این باشگاه، نظرات خود را به ما اعلام کنید، سوژه هایی را که از دید ما پنهان مانده یادآوری کنید، نقدمان کنید، تشویق مان کنید و ما را در جهت اطلاع رسانی قرآنی یاری دهید. برای آگاهی از منتخب اخبار درج شده در خبرگزاری بین المللی قرآن می توانید به عضویت کانال تلگرام در آیید. برای مشاهده عکس های منتخب خبرگزاری، صفحه اینستاگرام ایقنا را پیگیری کنید. نظرات خود را از طریق ایمیل و یا سامانه پیامکی برای ما ارسال کنید. ما تنها با پشتیبانی مخاطبان خیر خواه است که امید به تأثیر گذاری در جامعه داریم، ما را به دوستان خود معرفی کنید.

شماره تلفن تماس:  
۰۲۱-۶۶۴۷۰۲۱۲-۳

نشانی اینترنتی:  
[www.iqna.ir](http://www.iqna.ir)

نشانی کانال تلگرام:  
[Telegram.me/@iqnanews](https://t.me/iqnanews)

نشانی صفحه اینستاگرام:  
[Instagram/Iqnanews](https://www.instagram.com/Iqnanews)

نشانی پستی:  
تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵  
کد پستی: ۱۴۱۷۸۴۴۳۹۱

سازمان فعالیت های قرآنی دانشگاهیان کشور

---

---

**iqna**  
خبرگزاری بین‌المللی قرآن «ایقنا»  
[www.iqna.ir](http://www.iqna.ir)



سازمان فعالیت‌های قرآنی  
دانشگاهیان کشور